

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228753

UNIVERSAL
LIBRARY

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No ۳۴۲۵۵۵ ۲ ۶ Accession No. ۲۵۸۶

Author ماسم زاد

Title حقوق اساسی زنانه و دوره جنگ ایران و انگلیس

This book should be returned on or before the date last marked below.

بها : ۷۰ ریال

دوره اول

حقوق اساسی فعلی فرانسه محصول انقلاب سال ۱۷۸۹ می باشد. تشکیلات سیاسی فرانسه را میتوان بدو دوره تقسیم کرد دوره اول قبل از انقلاب کبیر که پادشاهان فرانسه استقلال کامل داشتند و خود را فقط در مقابل خداوند مسئول میدانستند و اگر گاهی نظر مشورتی مجالس طبقاتی را میخواستند از این جهت بود که بدینوسیله از نفوذ پاپ و دستگاه وی در امور داخلی فرانسه جلوگیری کنند و مانع مداخله روحانیون در امور سلطنت گردند.

مردم فرانسه قبل از انقلاب ب سه طبقه تقسیم میشدند. طبقات اول و دوم را روحانیون و اشراف تشکیل میدادند که از پرداخت مالیات معاف بودند. ساکنین شهرها و زارعین آزاد و پیشه‌وران و ادبای صنایع طبقه سوم را تشکیل میدادند پرداخت مالیات و فقر و بدبختی را تحمل میکردند و بایجاد بی نظمی و هرج و مرج زمان انقلاب کمک مینمودند. گرچه در منافع اجتماعی هم آهنگی نداشتند ولی چون قسمت اعظم این دستجات مخالف سلطنت نامحدود و قدرت طبقات ممتاز بودند جبهه واحدی تشکیل داده و موجبات سرنگون ساختن حکومت خود مختاری را فراهم ساختند.

روستاییان فرانسه که هفتاد و پنج درصد سکنه فرانسه را تشکیل میدادند و فاقد زمین و آزادی بودند در این راه همداستان شدند. عوام ملی مانند جنک و اعلان استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و پیدایش نویسندگان بزرگی مانند ولتر - دیدرو - منتسکیو - مابلی - ژان ژاک روسو به تنویر افکار عمومی کمک کرده و بدینوسیله مقدمات و شرایط پیدایش انقلاب کبیر فرانسه را فراهم ساختند.

دوره دوم با پیدایش انقلاب کبیر و نشر اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۷۸۹ آغاز میگردد. در این دوره طرفداری از آزادی و مساوات و حق حاکمیت ملی رواج یافت

ب

و عهد جدیدی در تاریخ تشکیلات سیاسی فرانسه شروع شد. قانون اساسی فرانسه در مدت متجاوز از یکصد و پنجاه سال یعنی از سال ۱۷۹۱ تا ۱۹۴۶ تقریباً هفده مرتبه تغییر و تبدیل یافت و بالا اقل اصلاحاتی در آن بعمل آمد. در این مدت در حدود ده بار تغییر رژیم اعلام گردید و چندین بار متناوباً حکومت‌های جمهوری و سلطنتی و مشروطه هر کدام جای خود را بدیگری داد بطوریکه حکومت فعلی جمهوری چهارم را تشکیل میدهد. قانون اساسی سال ۱۹۴۶ بعزت مخالفینی که دارد وضع آن متزلزل است و اخیراً پیشنهادهائی برای اصلاح آن داده شده است.

این قانون اساسی و همچنین قانون انتخابات موجب شد که در چند دوره اخیر مجالس مقننه فرانسه متناسب با مقتضیات کشور نباشد و نتواند حکومت نابتی بوجود آورد. از سال ۱۹۴۶ تا کنون در مدت دوازده سال فرانسه دارای بیست نخست وزیر بوده است. عدم ثبات رژیم و قوانین اساسی و دولتها از خصایص حکومت فرانسه است. علت این امر آن است که قوانین اساسی فرانسه همیشه در شرایط غیر عادی تهیه و تدوین شده است و تهیه کنندگان آن فرصت کافی جهت مطالعه و تطبیق قوانین با محیط و اثرات اجرایی آن نداشته اند و به زیبایی ظاهری مواد که مورد پسند عوام باشد قناعت کرده اند در چنین شرایطی احساسات ملی جانشین واقعیات گردیده و مقدم بر تدبیر عقلای ملت قرار گرفته است.

در این کتاب در سه قسمت از حقوق اساسی فرانسه بحث میشود:

تشکیلات سیاسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سقوط ناپلئون اول قسمت اول این کتاب را در هفت فصل تشکیل میدهد که در خصوص (وضع دوره قبل از انقلاب ۱۷۸۹ و قوانین اساسی ۱۷۹۱ - ۱۷۹۳ - ۱۷۹۵ - ۱۷۹۹ - ۱۸۰۲ - ۱۸۰۴) بحث میکنند.

تشکیلات سیاسی فرانسه از سال ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۰ در شش فصل مطالب مورد بحث قسمت دوم این کتاب است که عبارت است از: وضع قوانین اساسی ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵ - ۱۸۳۰ و منشور اعطائی لوئی هیجدهم - انقلاب ۱۸۴۸ و اعلام حکومت جمهوری - کودتای ۱۸۵۱

و قانون اساسی ۱۸۷۵

در قسمت سوم که آخرین بخش کتاب است در دوازده فصل تحولات سیاسی فرانسه از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶ (حکومت مارشال پتن - حکومت ژنرال دو گل - رفراندوم - تشکیل مجلس مؤسسان - قانون اساسی کنونی فرانسه - قانون انتخابات و چند فصل دیگر) مورد مطالعه قرار گرفته است.

در خانمه بادرچ متن قانون اساسی ۱۹۴۶ جمهوری فرانسه مباحث این کتاب پایان مییابد. فقط نکته ای که لازم بتذکر است این است که بیش از دسامبر ۱۹۵۴ نخست وزیر قبل از معرفی هیئت دولت میتواندست از مجلس رأی اعتماد بخواند ولی اکنون طبق ماده اصلاحی ۴۵ رئیس دولت باید قبلاً هیئت وزیران را تشکیل داده سپس به مجلس ملی معرفی و تقاضای رأی اعتماد نماید.

دکتر ق. قاسم زاده

بهمن ۱۳۳۶

از خوانندگان تمنا میشود
قبل از مطالعه کتاب غلطهای
مذکور در صفحه ۳۰۳ را
تصحیح فرمایند

قسمت اول

تشکیلات سیاسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سقوط ناپلئون اول

فصل اول

دوره قبل از انقلاب

مبحث اول

پادشاه و وزرای او

در دوره ملوک الطوائفی خاک فرانسه به چندین تیول (۱) یا سرزمینهای خودمختار تقسیم میشد و در هر یک از نواحی مزبور یک امیر با اختیارات نامحدود حکومت میکرد. رعایای تیول اتباع امیر شناخته میشدند و هر یک از امراء (اشراف و روحانیون) در قلمرو حکومت خود از اتباع خویش مالیات و عوارض دریافت میداشتند - با امرای دیگر و حتی با سلاطین فرانسه قراردادهای سیاسی و بازرگانی و اقامت و غیره منعقد میساختند - اعلان جنگ میدادند - جنگ را بادشمن متار که کرده قرارداد صلح را با او امضا میکردند - شخصاً یا بوسیله قضاتیکه خودشان انتخاب میکردند اختلافات حقوقی حاصله بین مردم و جرائم ارتكابی را مورد رسیدگی قرارداده احکام قطعی صادر مینمودند. هر چند صاحبان تیول در انتخاب سلاطین فرانسه شرکت داشتند و خود را تبعه او میدانستند مع الوصف پادشاه بمنزله یکی از امرای محلی بوده و فقط در قلمرو تیول خود اعمال حاکمیت میکرد و دخالتی در اداره امور تیول دیگر نداشت و روی همین اصل بود که ویرا شخص اول بین افراد مساوی (۲) مینامیدند. امراء به پادشاه باج میدادند که میزان و طرز پرداخت آن بموجب قرارداد یا بدون قرارداد مخصوصی بر طبق عرف و عادت معین میگردد. بعلاوه در زمان جنگ امراء عدهای سرباز با اسلحه و اسب و زین و یراق و آذوقه و لوازم دیگر در اختیار سلاطین قرار میدادند. نه تنها صاحبان تیول بلکه شهرهای

آزاد و رؤسای مذهبی نیز هر يك در قلمرو خود استقلال داشتند .

از اوائل قرن دوازدهم بپس سلاطین فرانسه با توسعه قلمرو حکومت خود و استفاده از نفوذ معنوی مذهب کاتولیک و دخالت در اختلافات موجوده بین امرای محلی بتدریج توانستند اختیارات امرا را محدود نموده با اتباع آنها ارتباط مستقیم پیدا کنند - مالیات و عوارض مطالبه و دریافت دارند - برای تمام نواحی فرانسه قوانین وضع نموده بموقع اجرا بگذارند - نظامیه و محاکم تشکیل دهند - فرماندهی نیروی نظامی را بعهده بگیرند و حتی رؤسای مذهبی را تحت نظر قرار دهند . باتقویت حکومت مرکزی فرانسه و توسعه تسلط آن بر نواحی مختلف آن کشور سلطنت انتخابی در فرانسه از بین رفته سلطنت موروثی جانشین آن گردید بدین معنی که پادشاه پسر بزرگتر خود را بولایتعهد تعیین میکرد مع الوصف انتخاب ولیعهد مستلزم موافقت نجبا و روحانیون بود که بتدریج اهمیت سابق خود را از دست داده بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرد . بر طبق رسوم و عادات دوره مورد بحث زنان و مردانی که قرابت آنها با پادشاه بوسیله زنان بود از حق رسیدن بمقام سلطنت محروم بودند و این ترتیب که بطریقه سالیک (۱) معروف است نه تنها در فرانسه قبل و بعد از انقلاب کبیر معمول بود بلکه اکنون هم علاوه بر ممالک اسلامی در بلژیک و سوئد و نروژ و دانمارک و پاره ممالک سلطنتی دیگر مرسوم است .

قبل از انقلاب ۱۷۸۹ سلاطین فرانسه بوسیله چند نفر مستوفی (۲) وظایف خود را انجام میدادند . در سال ۱۷۱۵ دوک دورلئان (۳) نایب السلطنه فرانسه امریه صادر کرد که بموجب آن در غالب وزارتخانه ها شورا های اداری تشکیل گردید که در نتیجه وزراء بصورت مخبرین شوراها درآمد و مجری تصمیمات و مصوبات آنها گردیدند ولی سه سال بعد یعنی در سنه ۱۷۱۸ برائردم اطلاع اعضای شورا های وزارتنی از امور وزارتخانه های مربوطه و کارشکنی وزراء شوراها منحل گردیدند و وزراء بااختیارات و قدرتی که قبل از ۱۷۱۵ داشتند وزارتخانه ها را اداره میکردند . شماره وزارتخانه ها و حدود وظایف وزراء دائماً و همیشه در حال تحول بود ولی بالینهمه وزارت امور خارجه و وزارت جنگ بدون تغییر تا انقلاب کبیر برقرار بود .

اداره بحریه نظامی و مستعمرات با وزارت جنگ بود. چهاروزیر کشور وجود داشت بدین معنی که تمام ایالات فرانسه به چهار ناحیه تقسیم شده و اداره هریک از آنها بعهده یکی از وزراء مزبور بود. از لحاظ امور مالی نیز ایالات فرانسه به چهار قسمت تقسیم شده و در رأس هریک از آنها یک خزانه دار (۱) قرار داشت که مأمور وصول عایدات املاک دولتی بود در صورتیکه وصول مالیات با متصدیان دیگری موسوم به مأمورین عالی دارائی بود (۲). و اما در زمان سلطنت فرانسوا اول (۳) و هانری دوم (۴) تغییرات اساسی در اداره امور مالی فرانسه بعمل آمده و یک سازمان مرکزی جدیدی موسوم به خزانه داری صرفه جوئی (۵) تشکیل یافت که رئیس آن (۶) بمنزله وزیر دارائی بوده مسئول وصول عایدات املاک دولتی و مالیات در تمام نواحی فرانسه گردید و از لحاظ امور مالی خاک فرانسه به شانزده ناحیه تقسیم و اداره هریک از آنها به یک پیشکار مالی تفویض شده بود که طبق دستور خزانه دار کل (وزیر دارائی) انجام وظیفه میکرد. قبل از انقلاب کبیره هیئت دولت را وزیر داد گستری (۷) و وزیر امور خارجه و وزیر جنگ خزانه دار کل (وزیر دارائی) و دو وزیر دیگر بانتهخاب پادشاه تشکیل میدادند و وزیرای دیگر از عضویت در هیئت دولت محروم بودند. وزراء برای رسیدگی به مسائل مهم تحت ریاست پادشاه تشکیل جلسه میدادند.

مبحث دوم

مباحث طبقاتی (۸) و مباحث رجال (۹)

مطابق یکی از اصولی که در دوره ملوک الطوائفی معمول و مجری بوده و تا اندازه ای در زمان قبل از انقلاب ۱۷۸۹ مورد عمل واقع میگردد سلاطین فرانسه بدون جلب موافقت روحانیون (۱۰) و اشراف (۱۱) و سکنه شهرهای آزاد وضع مالیات نمیکردند و چون جلب نظر هریک از آنان خالی از اشکال نبود بنابراین

Généraux des finances — ۲

Henri II — ۴

Trésorier général — ۶

Etats généraux — ۸

clergé — ۱۰

Trésorier de France — ۱

François Ier — ۳

Trésorerie de l' Epargne — ۵

Chancelier — ۷

Assemblée des notables — ۹

noblesse — ۱۱

سلاطین فرانسه بر آن شدند که طبقات ممتاز (روحانیون و اشراف) و طبقه سوم (۱) را برای شور و بحث در امور مالیاتی و امور مهم دیگر دعوت کنند. مجالس طبقاتی مختص به فرانسه قبل از انقلاب نبوده بلکه در سایر ممالک اروپای غربی نیز از قبیل انگلستان - اسپانیا - پرتغال - لهستان - هلند - امپراطوری مقدس ژرمن مرسوم بود بدین معنی که در کشورهای مزبور روحانیون عالیمقام و اشراف درجه اول شخصاً و سایر روحانیون و اشراف و سکنه شهرها بوسیله نمایندگان خود برای مشورت در امور مملکتی دعوت میشدند. در بعضی ممالک علاوه بر روحانیون و اشراف و نمایندگان شهرها و کلای دهقانان آزاد نیز در مجالس طبقاتی شرکت داشتند. معمولاً نمایندگان هر یک از طبقات سه گانه علیحده تشکیل جلسه میدادند. هر چند تصمیمات مجالس مزبور جنبه مشورتی داشته برای سلاطین لازم الاجرای نبود با اینهمه اکثراً مصوبات مجالس مورد قبول واقع گردیده و بموقع اجرا گذارده میشد.

در فرانسه مجالس طبقاتی از اوایل قرن چهاردهم (سال ۱۳۰۲) تا اوایل قرن هفدهم (سال ۱۶۱۴) تشکیل میگردید. علت انعقاد مجالس طبقاتی در سال ۱۳۰۲ اختلافات شدید موجود بین فیلیپ چهارم (۲) پادشاه فرانسه و پاپ بونیفاس هشتم (۳) بود بدین ترتیب که پادشاه میخواست به نفوذ طبقات متوسل شده از توقعات بیمورد و بیجای پاپ و دخالتهای ناروای وی در امور داخلی فرانسه جلوگیری کند و همین مجالس مقرر داشتند که در امور غیر مذهبی سلاطین استقلال کامل داشته و فقط مسئول خداوند میباشند و پاپ مجاز نیست در امور غیر مذهبی فرانسه دخالت کند. قرن چهاردهم و نیمه اول قرن پانزدهم دوره فعالیت و از اواسط قرن پانزدهم تا اوایل قرن هفدهم دوره ضعف و ناتوانی مجالس طبقاتی بشمار میرود. مجالس مزبور از ۱۶۱۴ تا انقلاب ۱۷۸۹ تشکیل نمیشد.

مجالس طبقاتی اصولاً انتخابی بود ولی بعضی اوقات نمایندگان را خود پادشاه تعیین میکرد. برای انتخاب نمایندگان مجالس اصول و قواعد ثابتی وجود نداشته بلکه اصول و قواعد مزبور بر حسب زمان و مکان تغییر میکرد. مطابق یکی از اصولیکه در تمام ادوار و تمام ایالات فرانسه رعایت میشد این بود که افراد منسوب

به هريك از طبقات سه گانه بمنظور انتخاب نمایندگان خود در مجالس طبقاتی حوزه مخصوصی تشکیل میدادند. انتخابات روحانیون و اشراف مستقیم و انتخابات شهرها و بلوكات (۱) غیر مستقیم و بدو حتی سه درجه بود. در انتخابات طبقات ممتاز فقط روحانیون و اشرافی شرکت میکردند که صاحب تیول بودند و در انتخابات طبقه سوم اشخاصی میتوانستند رأی دهند که بدولت مالیات میپرداختند. اشخاص مزبور در حوزه های انتخابیه مجامعی تشکیل داده و از بین خود یا از خارج يك عده را انتخاب میکردند و منتخبین درجه اول در انتخابات درجه دوم نمایندگان خود را در مجالس طبقاتی تعیین مینمودند. انتخاب کنندگان طبقات سه گانه به تعیین نمایندگان اکتفا نکرده بلکه راجع بامور مهم مملکتی دستوراتی بنمایندگان خود داده و آنها را ملزم به اجرای آن دستورات مینمودند و چنانچه نمایندگان بعلل و جهاتی انجام دستورات موکلین خود را غیر مقصور تشخیص میدادند در این صورت لازم بود که دستورات جدیدی تحصیل کنند و نمایندگانی که برخلاف دستورات موکلین خود در مجالس طبقاتی اظهاراتی نموده و رأی میدادند علاوه بر سلب نمایندگی به موکلین خود جریمه میپرداختند. نمایندگان مجالس طبقاتی از خزانه دولت مقرری دریافت نمیداشتند بلکه حق الزحمه و هزینه ایاب و ذهاب آنها را خود موکلین میپرداختند.

تاریخ و محل انعقاد مجالس طبقاتی بموجب فرمان پادشاه معین میگردد. پادشاه شخصاً یا بوسیله نماینده خود مجالس را افتتاح و علل دعوت نمایندگان طبقات سه گانه را اعلام مینمود و تقاضاهای خود را باستحضار آنها میرسانید. نمایندگان فقط پیشنهادات پادشاه را مورد رسیدگی قرار میدادند و مجاز نبودند خودشان طرحهایی تقدیم نموده و تصویب آنها را خواستار شوند. مجالس طبقاتی جلسات جداگانه تشکیل و مسائل مرجوعه را مورد شور قرار میدادند و تصمیمانی میگرفتند و اما برخلاف این اصل در سال ۱۶۶۷ و ۱۶۸۴ بطور استثناء نمایندگان روحانیون و اشراف و طبقه سوم جلسات مشترك تشکیل داده و مسائل جزء دستور را در این جلسات مطرح و تصمیمات لازم اتخاذ نمودند به علاوه در سال ۱۳۵۶ نمایندگان مجالس با اینکه جلسات جداگانه تشکیل داده بودند مع الوصف يك کمیسیون مشترك مرکب از اشراف

و روحانیون و طبقه سوم انتخاب و کمیسیون مزبور را مأمور نمودند که تا انعقاد مجالس جدید با اختیارات تام بنسام و از طرف مجالس طبقاتی تصمیماتی بگیرد. بهر حال موارد فوق الذکر جنبه استثنائی داشته و قاعده کلی این بود که نمایندگان طبقات جلسات جدا گانه تشکیل میدادند. وظایف مجالس طبقاتی ثابت نبود و با تحولات زمانی تغییر میکرد. مجالس را پادشاه معمولاً برای تصویب مالیات جدید و مشاوره درباره امور مهم مملکتی دعوت مینمود. مالیات برای مدت معینی مثلاً دو سال و اغلب تحت شرایط خاصی به تصویب میرسید. نظریات مجالس چه در امور مالی و چه در امور غیر مالی برای پادشاه الزام آور نبود بدین ترتیب که وی میتواند از قبول و اجرای تصمیمات مجالس خودداری کند و حتی در موارد ضروری حق داشت بدون طرح موضوع در مجالس وضع مالیات نماید. و اما درباره موارد فوق العاده بعضی مجالس بطور استثناء اختیارات خیلی وسیع داشتند که بی شباهت به وظایف و اختیارات پارلمانها و حتی مجالس مؤسسان عصر حاضر نبود مثلاً مجالس طبقاتی در دوره اجلاسیه ۱۳۵۵ نه تنها مالیات لازم برای ادامه جنگ با انگلستان را تصویب نمودند بلکه مالیات موضوعه را بوسیله نمایندگان خود دریافت و بمصرف میرسانیدند و نیز مجالس طبقاتی در دوره اجلاسیه ۱۳۵۸ يك کمیسیون ۳۲ نفری از بین اعضای خود انتخاب و کمیسیون مزبور را مأمور نمودند که بعضی از وزراء و اعضای شورای دولتی را از کار برکنار و اعضای جدیدی بجای آنها تعیین نماید و همچنین در سال ۱۴۲۰ پس از شکست فرانسه در جنگ با انگلستان و انعقاد عهدنامه صلح تروآ (۱) مجالس طبقاتی هانری پنجم (۲) پادشاه انگلستان را بولیعهدی فرانسه و در سال ۱۵۹۳ پس از خلع هانری سوم از خاندان والوا (۳) هانری چهارم را به پادشاهی تعیین کردند. بعلاوه بر حسب عرف و عادت آن زمان سلاطین فرانسه محق نبودند قسمتی از خاک فرانسه را به يك دولت بیگانه واگذار کنند مگر آنکه قبلاً مجالس طبقاتی را منعقد ساخته و موافقت آنها را جلب کرده باشند و نیز چنانچه پادشاه بلا وارث میمرد یا از مقام سلطنت منفصل میشد مجالس طبقاتی برای انتخاب پادشاه جدید منعقد میگردید. بعضی از نمایندگان مجالس طبقاتی محدود نمودن املاک روحانیون و اشراف - وضع

مالیات بر املاک کلیساها و صومعه‌ها (۱) - دخالت در انتخاب وزراء و توسعه اختیارات شهرها را درخواست مینمودند و حتی مدعی بودند که پادشاه نمیتواند از اجرای تصمیمات مجالس طبقاتی استنکاف ورزد.

این بود بطور اجمال و اختصار قواعد مربوط به طرز تشکیل و وظایف مجالس طبقاتی. و اما علاوه بر مجالس مزبور قبل از انقلاب کبیر در فرانسه مجلس دیگری نیز بنام مجلس رجال وجود داشت که اعضای آنرا پادشاه از بین روحانیون درجه اول و نجبا و مأمورین عالی رتبه شهر داریها (۲) و مستشاران محاکم عالی (۳) انتخاب میکرد. مجالس رجال در ادوار مختلف خاصه در قرن شانزدهم که مجالس طبقاتی را سلاطین بعلت توسعه و تقویت قدرت و توانائی خود دعوت به تشکیل جلسات نمیکردند منعقد میگردد. مجلس رجال نیز مانند مجالس طبقاتی وضع مالیات میکرد و مالیات موجوده را مورد تجدید نظر قرار میداد و در سایر مسائل مرجوعه اظهار نظر میکرد. جلسات مجلس رجال معمولاً در حضور پادشاه تشکیل میشد. هر چند تصمیمات مجالس رجال جنبه مشورتی داشته و پادشاه ملزم نبود تصمیمات مجالس مزبور را اجرا کند مع الوصف وی معمولاً نظریات مجالس رجال را مورد موافقت قرار داده و دستور اجرای آنرا صادر مینمود. بطوریکه تاریخ سیاسی دوره قبل از انقلاب کبیر حکایت میکند پاره اقدامات اصلاحی سلاطین فرانسه متکی به نظریات و پیشنهادات مجالس رجال بود. آخرین مجلس رجال در سال ۱۷۸۸ در شهر ورسای (۴) منعقد گردیده و لزوم انعقاد مجالس طبقاتی را که از اوایل قرن هفدهم تشکیل نمیشد تأیید و تأکید نمود.

مبحث سوم

پارلمان (۵)

در فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹ نه تنها مجالس طبقاتی و مجالس رجال بلکه دادگاههای عالی موسوم به پارلمان نیز وظایف سیاسی مهمی انجام میدادند. پارلمان

Officiers municipaux - ۲

monastère - ۱

Magistrats des cours souveraines - ۳

Parlement - ۵

Versailles - ۴

پاریس و پارلمانهای شهرهای بزرگ مانند تولوز (۱) گرنوبل (۲) بردو (۳) دیژون (۴) روان (۵) متس (۶) بزاسون (۷) علاوه بر وظایف قضائی کلیه قوانین و فرامین و دستخطهای پادشاه را به ثبت میرسانیدند و این امر جنبه تشریفاتی نداشته بلکه پارلمانها پس از تشخیص مطابقت قوانین و فرامین و دستخطهای مزبور با عرف و عادت آنها را ثبت مینمودند و پارلمانها مجاز بودند از ثبت قوانین و فرامینیکه نافذ رسوم و عادات فرانسه بود استنکاف ورزند و یا آنها را با پارهای اصلاحات کلی یا جزئی ثبت کنند. ثبت قوانین و احکام پادشاه این عیب و نقص را داشت که بعضی پارلمانها آنرا ثبت میکردند و پارلمانهای دیگر تقاضای ثبت را رد مینمودند که در نتیجه قوانین و احکام پادشاه در بعضی ایالات مجری بوده و در ایالات دیگر اجرا نمیشد. نه تنها قوانین و فرامین بلکه عهدنامههایی که سلاطین فرانسه با کشورهای خارجی منعقد میساختند قبل از اجرا میبایست به ثبت برسد منتهی ثبت قراردادهای بینالمللی فقط در پارلمان پاریس بعمل میآمد و سایر پارلمانها از حق ثبت محروم بودند. عدم ثبت قوانین و فرامین و عهدنامههای بینالمللی را پارلمان بوسیله معروضه یا توسط نمایندگان اعزامی بعرض پادشاه میرسانید.

و اما پادشاه میتواند به پارلمانها دستور دهد که قوانین و احکام و قراردادهای بینالمللی را بدون جرح و تعدیل به ثبت برسانند و اجرای چنین دستوری الزامی بود منتهی پارلمانها من باب اعتراض در دفاتر خود قید میکردند که ثبت بدستور پادشاه انجام یافته است. چنانچه پارلمانها از انجام دستور پادشاه خودداری میکردند در اینصورت پادشاه شخصاً یا بوسیله نماینده خود در جلسه پارلمان حضور بهم رسانیده به مستشاران پارلمان امر میکرد که در حضور وی قوانین و فرامین و قراردادهای بینالمللی را به ثبت برسانند و این اقدام پادشاه را «تخت عدالت» (۸) مینامیدند. علاوه بر ثبت قوانین و غیره پارلمانها حق داشتند بطور موقت تا تصویب قانون جدیدی نظامنامههای لازم الاجرائی تنظیم و بموقع اجرا بگذارند ولی بهر حال

Grenoble - ۲
Dijon - ۴
Metz - ۶
Lit de justice - ۸

Toulouse - ۱
Bordeaux - ۳
Rouen - ۵
Besançon - ۷

پارلمانها مجاز نبودند قوانین مصوب و عادات و رسوم معموله را بوسیله نظامنامه لغو کنند.

هرچند ثبت قوانین و فرامین پادشاه و قراردادهای بین‌المللی و تنظیم نظامنامه‌های موقت که از وظایف عادی پارلمانها بود اهمیت فراوان داشت باین‌همه در چندمود فعالیت پارلمانها توسعه فوق‌العاده یافته و حکومت فرانسه عملادر دست آنها قرار گرفته بود. یکی از موارد مزبور در دوره شورش پیتس آمد کرد بشرح اینککه پس از مرگ هانری سوم در سال ۱۵۸۹ حکومت پاریس بدست شورشیان افتاد و هانری چهارم پادشاه جدید فرانسه به پارلمان پاریس دستور داد که پایتخت را ترك گفته به شهر تور (۱) نقل مکان کند. چند نفر از مستشاران از امر پادشاه متابعت کرده عازم تور شدند در صورتیکه مستشاران دیگر از انجام دستور مزبور استنکاف ورزیده در پاریس ماندند و جلسات پارلمان را در آن شهر تشکیل دادند و کلیه تصمیمات حکومت انقلابی را تسجیل نموده و در دفاتر خود به ثبت رسانیدند و امادر سال ۱۵۹۳ پارلمان پاریس با حکومت انقلابی اختلاف عقیده پیدا کرده و با تصمیم حکومت مزبور دائر بر واگذاری تاج و تخت فرانسه به يك شاهزاده خارجی مخالفت نمود و در سال ۱۵۹۴ دوک دومائی‌ن (۲) را از ریاست حکومت انقلابی معزول نموده و به شورشیان دستور داد که هانری چهارم پادشاه قانونی فرانسه را بشناسند و از اجرای او امر او استنکاف نورزند و ضمناً پارلمان پاریس تمام تصمیمات مجالس طبقاتی را که در دوره شورش منعقد گشته و با حکومت انقلابی همکاری میکردند لغو و انحلال مجالس مزبور را اعلام نمود.

مورد دوم که پارلمانها در فرانسه بحد اعلای قدرت و توانائی رسیده بودند اوائل سلطنت لوئی چهاردهم میباشد بدین معنی که لوئی سیزدهم (۳) بموجب فرمان مورخ ۲۰ آوریل ۱۶۳۲ که در دفاتر پارلمان به ثبت رسیده بود آن داطریش (۴) ملکه فرانسه و مادرو لیعهد صغیر را به نیابت سلطنت انتخاب کرده بود که پس از فوت وی با جلب نظر يك هیئت هفت نفری فرانسه را بنام و از طرف پادشاه صغیر (لوئی چهاردهم) اداره کند. هر چند فرمان مذکور در فوق بواسطه ثبت در پارلمان لازم‌الاجرا

بود ولی بعد از فوت لوئی سیزدهم پارلمان پاریس برخلاف رأی قبلی خود هیئت نیابت سلطنت را بنابه تقاضای آن داطریش منحل و نیابت سلطنت را بدون قید و شرط با توقیض نمود.

یکی دیگر از مواردی که پارلمان در فرانسه حاکم مطلق و نامحدود بود مربوط به آغاز سلطنت لوئی پانزدهم میباشد بشرح اینکه لوئی چهاردهم بموجب وصیتنامه یک شورای نیابت سلطنت تشکیل داده و شورای مزبور را مأمور نمود که بعد از فوت او بنام و از طرف پادشاه صغیر (لوئی پانزدهم) وظایف سلطنتی را انجام دهد ولی دوک دورلئان (۱) که بموجب وصیتنامه پادشاه متوفی ریاست شورای سلطنتی معین شده بود به پارلمان پاریس مراجعه و باسناد اینکه مطابق رسوم و عادات فرانسه حق نیابت سلطنت با او است درخواست نمود که پارلمان قسمتی از وصیتنامه لوئی چهاردهم را که مربوط به شورای نیابت سلطنت بود کان لم یکن و بلا اثر دانسته و او را بتنهایی نایب السلطنه فرانسه بشناسد. پارلمان این تقاضا را موجه دانسته و فرمان انحلال شورای نیابت سلطنت را صادر و دوک دورلئان را نایب السلطنه اعلام نمود.

یک مورد دیگر آنکه لوئی پانزدهم در سال ۱۷۷۰ فرمانی صادر کرد که بموجب آن اقتدار مطلق و نامحدود سلاطین فرانسه را تأیید و تأکید نموده و یکبار دیگر اعلام داشت که قدرت سلاطین ناشی از خداوند میباشد و هیچ مقامی نمیتواند آنرا محدود کند. چون پارلمان پاریس حاضر به ثبت این فرمان و تصدیق صحت آن نمیشد لذا پادشاه در جلسه پارلمان حضور بهم رسانیده درخواست کرد که فرمان مورد نظر در دفاتر پارلمان به ثبت برسد. چون مستشاران پارلمان از انجام این تقاضا خودداری نموده و دسته جمعی از سمت خود استعفا کردند مأمورین نظمیه بدستور پادشاه بآنها اخطار کردند که استعفای خود را پس گرفته و فرمان پادشاه را به ثبت برسانند و چون مستشاران مستعفی حاضر نمیشدند استعفای خود را پس بگیرند پادشاه پارلمان پاریس را منحل کرد و بمأمورین انتظامی دستور داد که مستشاران یاغی را از پاریس تبعید کنند و ضمناً انجام وظایف پارلمان پاریس به شورای پادشاهی (۲) تفویض گردید. پارلمانهای محلی نیز که با پارلمان منحل پاریس اظهار همدردی نموده و نظر آنرا

در موضوع عدم ثبت فرمان مورخ ۱۷۷۰ صحیح میدانستند منحل گردیده و بجای آنها هیئت‌های جدیدی بنام شورای اعلی (۱) تشکیل یافت و امالوئی شانزدهم در سال ۱۷۷۴ فرمان لوئی پانزدهم را دائر بر انحلال پارلمانها و تشکیل شورای پادشاهی در پاریس و شوراهای اعلی در شهرهای دیگر فرانسه لغو نموده و پارلمانهای سابق را در پاریس و در ولایات برقرار کرد.

و همچنین در سال ۱۷۸۷ لوئی شانزدهم بنابه پیشنهاد تورگو (۲) وزیر دارائی آزادینخواه و اصلاح طلب فرانسه قوانین جدیدی دائر بر الغای سدهای گمرکی در داخل فرانسه و آزادی تجارت غله و الغای کار اجباری بی مزد (۳) و ایجاد مالیات بر اراضی و مالیات تمبر و استقرار انجمنهای ایالتی و غیره که اکثراً مورد علاقه و تقاضای طبقه سوم بود وضع و ثبت قوانین مزبور را از پارلمان تقاضا کرد و چون پارلمان مایل به ثبت آن قوانین نبود لذا پادشاه شخصاً در پارلمان پاریس حاضر شده ثبت قوانین مورد نظر را درخواست کرد.

پارلمان باین اقدام لوئی شانزدهم اعتراض کرده تقاضا نمود که مجالس طبقاتی منعقد گردد تا قوانین مورد اعتراض پارلمان را مورد رسیدگی قرار داده تصمیم مقتضی اتخاذ کند. بعلاوه در همان سال پارلمان با ثبت فرمان پادشاه دائر بر صدور اوراق قرضه مخالفت نمود که بالنتیجه دو دور لثان و چند مستشار دیگر که سایر کارمندان پارلمان را تحریک بمقاومت میکردند بازداشت و تبعید گردیدند سپس پارلمان سرکش منحل و پارلمان جدیدی (۴) مرکب از بعضی مستشاران پارلمان منحل شده و پاره‌ای از شاهزادگان و روحانیون و اشراف و مأمورین عالی‌مقام دربار سلطنتی و حکام و مستشاران دیوان محاسبات و غیره تشکیل گردید که اعضای آنرا پادشاه تعیین میکرد در صورتیکه مستشاران پارلمان سابق تماماً موروئی بودند این اقدام لوئی شانزدهم که هیچکس انتظار آنرا نداشت یک هیجان و عصبانیت بی سابقه و بی نظیری در محافل مؤثر و با نفوذ پاریس و ایالات ایجاد نمود و در نتیجه همین هیجان و اضطراب بود که پادشاه فرانسه مجبور شد پارلمان نوظهور را منحل و پارلمان سابق را برقرار کند و ضمناً دستور انعقاد مجالس طبقاتی را که مورد تقاضای پارلمان پاریس و پارلمانهای

محلی بود صادر نمود و اما با انعقاد مجالس مزبور در سال ۱۷۸۹ و سرنگون شدن ترتیبات سابق و الغای امتیازات روحانیون و اشراف و اعلام اصل تساوی در مقابل قانون پارلمانها در فرانسه منحل گردیده و نیت قوانین و فرامین در دفاتر پارلمانها از بین رفت .

مبحث چهارم

شورای پادشاهی و شورای عالی (۱)

یکی از ارکان مهم تشکیلات دولتی فرانسه قبل از انقلاب کبیر شورای پادشاهی بود که در قرن هیجدهم از اعضای ذیل تشکیل میشد :

۱- اعضای انتصابی که از طرف پادشاه از بین مأمورین عالیرتبه دولت تعیین شده و قابل عزل بودند .

۲- اشخاصیکه دارای مشاغل مهمی بودند از جمله چند نفر از رؤسای دربار سلطنتی و وزراء .

۳- افراد خاندان سلطنتی و جمعی از اشراف و روحانیون که اعضای موروثی شورای مزبور بودند .

۴- اعضای افتخاری که از طرف پادشاه انتخاب میشدند . اعضای مزبور عملاً در جلسات شوری حاضر نمیشدند .

شورای پادشاهی دارای وظایف مهمی بود از جمله اینکه بنابه پیشنهاد پادشاه مسائل مهم سیاسی و اداری و مالی را مورد بحث قرار داده و نظریات مشورتی خود را بعرض میرسانید . شورای پادشاهی علاوه بر وظایف مذکور در فوق يك محكمه عالی بود و باین عنوان اختلافات حقوقی حاصله بین مردم و همچنین دعاوی اداری را حل و فصل مینمود و نیز دعاوی حقوقی و جزائی را که پادشاه بعنوان ریاست عالی قوه قضائیه به شورای مزبور ارجاع میکرد رسیدگی نموده رأی خود را برای تصویب و اجرا بعرض پادشاه میرسانید . شورای سلطنتی به چند شعبه تقسیم میشد و هریک از شعبات قسمتی از وظایف مندرج بالا را انجام میداد .

در زمان سلطنت لوئی چهاردهم اعضای موروثی و افتخاری از شورای عالی

خارج شدند و فقط عده معدودی که صلاحیت و توانائی عضویت را داشتند در شورای مزبور باقی ماندند. انتصاب و عزل اعضای مزبور با پادشاه بود.

در نیمه دوم قرن پانزدهم شارل هشتم (۱) پادشاه فرانسه شورای دیگری بنام شورای عالی تشکیل داد که اعضای آن از طرف پادشاه انتخاب میشدند. شورای عالی را چهار شورای مستقل ذیل تشکیل میدادند:

۱- شورای دولتی یا امور خارجه (۲). این شورا وظیفه داشت که مسائل مربوط به جنگ و صلح را مورد رسیدگی قرار داده و عهدنامه‌های بین‌المللی را تصویب کند. وزیر امور خارجه بعنوان مخبر در مذاکرات شورای مزبور شرکت میکرد. اعضای شورای دولتی عنوان وزرای افتخاری را داشته و پس از عزل یا استعفا عنوان وزیر افتخاری را حفظ میکردند.

۲- شورای امور داخلی (۳). شورای مزبور وظیفه داشت که مسائل مربوط به امور داخلی را مورد رسیدگی قرار داده و تصمیمات مقتضی اتخاذ کند. کلیه اعضای شورای عالی و وزیر دادگستری و وزراء دیگر و همچنین اشخاصیکه پادشاه تعیین میکرد شورای امور داخلی را تشکیل میدادند. چهار نفر وزیر که عهده‌دار امور داخلی فرانسه بودند بعنوان مخبر در مذاکرات شورای مزبور شرکت میکردند. تنظیم نظامنامه‌های اجرای قوانین از وظایف همین شورا بود بعلاوه شورای امور داخلی بعنوان محکمه عالی اداری به شکایات مردم از حکام و سایر مأمورین دولت رسیدگی کرده احکام قطعی صادر مینمود.

۳- شورای امور مالی (۴). وزیر دارائی و وزیر دادگستری و چند نفر عضو دیگر که از طرف پادشاه انتخاب میشدند شورای امور مالی را تشکیل میدادند. کلیه مسائل مربوط به دخل و خرج دولت در شورای مالی مورد رسیدگی قرار میگرفت بعلاوه کلیه اختلافات حاصله بین ادارات دارائی از یکطرف و مودیان مالیاتی و مستأجرین املاک دولتی و مقاطعه‌کاران و غیره از طرف دیگر برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نهائی باین شوراراجوع میشد.

Charles VIII - ۱

Le Conseil d'Etat ou Conseil des affaires étrangères - ۲

Le Conseil des dépêches - ۳

Le Conseil des finances - ۴

۴- شورای اصحاب دعوی یا شورای خصوصی (۱) : تمام وزراء و چند مأمور و قاضی عالی رتبه عضو این شورا بودند . ریاست شورای اصحاب دعوی با وزیر داد گستری بود . شورای مورد بحث وظایف دیوان کشور را انجام میداد . چند نفر قاضی (۲) بعنوان مخبر در این شورا انجام وظیفه مینمودند . از میان مخبرین شورای خصوصی حکام و پیشکاران دارائی و سایر مأمورین عالی مقام دولتی انتخاب میشدند . علاوه بر چهار شورای اصلی مذکور در فوق چند شورای دیگر نیز از جمله شورای بازرگانی (۳) در فرانسه قبل از انقلاب وجود داشت که از ذکر آنها محض احتراز از تطویل کلام خودداری میشود .

مبحث پنجم

مقامات ایالتی

قبل از انقلاب ۱۷۸۹ خاک فرانسه به چهل ایالت (۴) تقسیم میگردد و اداره هر یک از ایالات بیک قائم مقام پادشاه (۵) یا والی واگذار میشد . والی جانشین پادشاه در حوزه مأموریت خود بوده و باین عنوان نظارت در تمام ادارات دولتی داشت به علاوه والی فرماندهی نیروی نظامی متمرکز در قلمرو حکومت خود را داشته و در مواقع شورش و عصیان مجاز بود قوای نظامی تحت فرماندهی خود را بکار برده و نظم و امنیت را برقرار کند . بعنوان جانشین پادشاه والی شوراهای محلی را منعقد میساخت و فرامین پادشاه را بآنها ابلاغ میکرد . در قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم اختیارات ولات باندازه وسیع بود که آنها مجاز بودند در حوزه مأموریت خود مالیات وضع نمایند و مقصرین سیاسی و جنایتکاران غیر سیاسی را محاکمه کنند و حتی حکم اعدام در باره آنها صادر نمایند و نیز ولات میتوانند اشخاصی را که از طرف دادگاهها محکوم میشدند مورد عفو قرار دهند و یا تخفیفی در مجازات آنها قائل شوند . چون ولات تمام این وظایف را بعنوان نایب مناب پادشاه انجام میدادند از اینرو پادشاه میتواند تصمیمات و احکام آنها را لغو و تصمیم و حکم دیگری صادر کند . مقام

Le Conseil des parties ou Conseil privé --- ۸

Le Conseil du commerce --- ۳ maîtres des requêtes --- ۲

Lieutenant général du roi --- ۵ province --- ۴

والی موروئی بود و پس از فوت او به پسر بزرگترش انتقال مییافت .

و اما ولات که در زمان هنری سوم (۱۵۷۴ - ۱۵۸۹) و لوئی سیزدهم (۱۶۱۰ - ۱۶۴۳) بعد اعلای قدرت و توانائی رسیده بودند در نیمه دوم قرن هفدهم و در قرن هیجدهم (زمان سلطنت لوئی چهاردهم و لوئی پانزدهم) بتدریج قسمت اعظم وظایف سابق خود را از دست داده فقط پاره و ظایف غیر مهم از جمله فرماندهی افتخاری نیروی نظامی حوزه مأموریت خود را حفظ نمودند و اغلب اوقات خارج از محل مأموریت خود اقامت داشتند .

از نیمه اول قرن هفدهم حکومت مرکزی در هر یک از ایالات علاوه بر والی نمایند دیگرری هم بنام پیشکار (۱) داشت که در تمام امور حوزه ایالتی نظارت میکرد . در دوره مورد بحث که ولات فاقد قدرت و اختیاری بودند پیشکاران در حوزه مأموریت خود بعنوان حاکم مطلق تمام دستگاه اداری و قضائی را تحت الشعاع قرار داده و میتوانستند مستخدمین دولت را منفصل کنند به جرائم سیاسی و پاره جرائم مهم دیگر رسیدگی کرده احکام صادر نمایند . پیشکاران در امور مالی نیز وظایف مهمی داشتند بدین معنی که مالیات مستقیم متعلق به هر یک از ایالات را بین ولایات تقسیم نم نمودند و به شکایات مؤدیان مالیات مستقیم رسیدگی میکردند . علاوه پیشکاران ریاست نظامیه را عهده دار بوده و باین عنوان مقررات پلیسی تنظیم و بموقع اجرا میگذاشتند یا در موارد مهم برای تصویب به شورای پادشاهی میفرستادند و همچنین پیشکاران نظارت در تجارت و زراعت داشتند . احضار سر بازان چریک (۲) و جمع آوری مشمولین کارهای اجباری بی مزد نیز بپیشکاران بود . تصمیمات پیشکاران قابل تجدید نظر در شورای پادشاهی بود جز امور مالی که در دیوان محاسبات (۳) رسیدگی میشد . اختلافات حاصله بین پیشکاران و سایر مقامات محلی نیز جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم قطعی به شورای پادشاهی از جاع میشد . هر یک از ایالات به چند ولایت تقسیم میشد و پیشکاران در هر یک از ولایات یک فرمانده داشتند که طبق دستور آنها انجام وظیفه میکردند . در نیمه اول قرن سیزدهم در بعضی ایالات مجالس ایالتی طبقاتی (۴) برای رسیدگی بامور مالیاتی و سایر مسائل مربوط به ایالات منعقد میگردد و از قرن چهاردهم

تا قرن هفدهم مجالس مزبور عمومیت پیدا کرده و در تمام ایالات فرانسه دایر بود و از آن تاریخ بعد مجالس ایالتی در چند ایالت از قبیل برتان (۱) بورگون (۲) پروانس (۳) لانگدک (۴) باقی مانده و در ایالات دیگر تدریجاً منحل گردید. مجالس ایالتی مانند مجالس طبقاتی کشوری از طبقات سه گانه روحانیون و اشراف و طبقه سوم تشکیل میگردید ولی برخلاف این قاعده کلی در بعضی ایالات مجالس مزبور را طبقات ممتاز (روحانیون و اشراف) تشکیل میدادند و افراد طبقه سوم از شرکت در آن مجالس محروم بودند. فرق اساسی که بین مجالس طبقاتی کشوری و مجالس ایالتی وجود داشت این بود که نمایندگان مجالس طبقاتی کشوری تماماً انتخابی بودند در صورتیکه در مجالس ایالتی نقطه قسمتی از اعضاء انتخابی بوده و بقیه بواسطه عناوین یا املاک یا بالاخره مقامی که داشتند در مجالس مزبور عضویت پیدا میکردند. در بعضی ایالات از جمله برتان و بورگون تمام نجباء در مجالس ایالتی عضویت داشتند. شهرها از لحاظ نمایندگی در مجالس ایالتی مساوی نبودند بدین معنی که بعضی از آنها یک یا چند نماینده انتخاب مینمودند در صورتیکه شهرهای دیگر از این حق محروم بودند. در جمعی از ایالات کشاورزان آزاد نیز حق رأی داشتند.

اصولاً هر یک از طبقات سه گانه جداگانه تشکیل جلسه میداد ولی این ترتیب عمومیت نداشت بدین معنی که در بعضی ایالات روحانیون و اشراف و طبقه سوم مجلس واحدی تشکیل میدادند. هر یک از اعضاء مجالس ایالتی مجاز بود بجای خود شخص دیگری را از طبقه خود بمجلس بفرستد. حق انقضاء مجالس ایالتی با پادشاه یا نماینده او بود. راجع به مواقع انقضاء مجالس مزبور مقررات ثابتی وجود نداشت بدین ترتیب که در بعضی ایالات و پاره ادوار مجالس هر سال یکبار و در ایالات و ادوار دیگر هر دو سال و حتی هر سه سال یک دفعه منعقد میگردید. در هر یک از مجالس کلیه مسائل مورد بحث با کثرت آراء عده حاضر در جلسه حل میشد و تصمیم مجالس سه گانه مستلزم موافقت لا اقل دو مجلس بود در ایالاتی که دارای مجلس واحد مرکب از نمایندگان روحانیون و اشراف و طبقه سوم بودند تصمیمات با کثرت آراء کلیه اعضاء حاضر در جلسه

اتخاذ میگردید . هر يك از مجالس ایالتی از بین اعضاء خود کمیسیوني تشکیل میداد که در اجرای تصمیمات متخذه نظارت داشته باشد .

در سال ۱۷۸۷ در ایالاتی که فاقد مجالس بودند مجالس جدیدی بنام مجامع ایالتی (۱) تشکیل گردید ولی مجالس مزبور دوام زیاد نداشت و بر اثر انقلاب و سرنگون شدن دستگاه سیاسی و اداری دوره قبل از ۱۷۸۹ تمام مجالس اعم از مجالس سابق که فوقاً شرح داده شد و مجالس جدید التأسيس منحل گردید .

فصل دوم

انقلاب ۱۷۸۹ و قانون اساسی ۱۷۹۱

مبحث اول

علل و جهات انقلاب کبیر

بطوریکه در فصل اول متذکر گردید قبل از انقلاب ۱۷۸۹ جمعیت فرانسه به سه طبقه تجزیه میشد که طبقه اول را روحانیون طبقه دوم را اشراف و طبقه سوم را سکنه شهرها و زارعین آزاد تشکیل میدادند. از ۲۵ میلیون جمعیت فرانسه در حدود ۱۳۰۰۰۰ روحانیون و ۱۴۰۰۰۰ اشراف بودند. روحانیون دارای املاکی بودند که مساحت آن تقریباً یک چهارم اراضی حاصلخیز فرانسه را تشکیل میداد. روحانیون از رعایای خود بهره مالکانه میگرفتند که میزان آن بالغ بر ۲۵ میلیون لیور (۱) بود. علاوه بر بهره مالکانه روحانیون در حدود ۱۰ میلیون لیور عوارض دریافت میداشتند و این عواید سرشار یک قسمت متعلق به خود روحانیون بوده و قسمت دیگر مال صومعه‌ها بود. از وجوه هنگفتی که عایدشان میشد روحانیون به پادشاه فرانسه قرض میدادند. روحانیون از پرداخت مالیات معاف بوده فقط سالیانه مبلغی بعنوان اعانه (۲) بدولت میپرداختند. برخلاف روحانیون درجه اول وضع مالی کشیشهای شهرها و قراء اکثراً پریشان بود و روی همین اصل آنها متمایل به طبقه سوم بوده و عامل مؤثری در ایجاد و توسعه انقلاب بشمار میرفتند.

اشراف نیز بدو دسته تقسیم میشدند. دسته اول را اشراف درجه اول تشکیل میدادند که در دربار و ادارات دولتی و ارتش شاغل مشاغل مهم بودند و علاوه بر عایدات حاصله از املاک خود و عوارض دریافتی از زارعین از خزانه و دربار حقوق و کمک

۱ - livre 'واحد پولی فرانسه قبل از انقلاب) .

۲ - don gratuit

خرج دریافت میداشتند. اشراف نیز مانند روحانیون از پرداخت مالیات معاف بوده فقط سالیانه مبلغی برسم اعانه بلاعوض بدولت میپرداختند و حتی دوره تحصیلی دانشجویان اشرافی کمتر از طبقه سوم بود. و اما نجبا و بزرگان فاقد عایدات کافی از املاک خود و حقوق و کمک خرج بودند بزحمت امرار معاش نموده و متمایل به طبقه سوم بودند و از نظریات و آرزوهای آنها جانبداری میکردند.

شاغلین مشاغل آزاد - بانکداران - ارباب صنایع - تجار - اصناف - کارگران مستخدمین دولت و غیره که جزء طبقه سوم بشمار میرفتند با اینکه مصالح و منافع اجتماعی و اقتصادی آنها هم آهنگی نداشت ولی چون تمام این دستجات مخالف سلطنت نامحدود و طبقات ممتاز بودند از اینرو جنبه واحدی تشکیل داده و عزم راسخ داشتند که با تمام وسائل ممکنه سازمان سیاسی و اجتماعی آن زمان را واژگون ساخته تشکیلات جدیدی بوجود آورند.

۷۵ درصد سکنه فرانسه را دهاقین تشکیل میدادند که قسمتی از آنان مانند برده مجاز نبودند زمین ارباب خود را ترك گویند. قسمت اعظم روستائیان آزاد فاقد زمین بوده آنها را از ملاکین اجاره میکردند و یا در ارضی آنها به عملگی اشتغال داشتند. دهقانان علاوه بر مالیاتیکه بصورت پول یا جنس بدولت میپرداختند به روحانیون عشر عایدات و به ملاکین عوارض میدادند. با این وضع دهقانان ارضی خود را ترك گفته روانه شهرها میشدند و چون تهیه کار در شهرها مشکل بود بدین جهت مجبور به گدائی میشدند یا ولگردی و راهزنی میکردند.

قبل از انقلاب از ۷۲۰۰۰۰ نفر جمعیت پاریس يك ششم یعنی ۱۲۰۰۰۰ نفر ولگرد (۱) بودند که عامل مؤثر اغتشاشات و بی نظمیهای دوره انقلاب بشمار میرفتند و هیچ مقامی اعم از پادشاه و دولت و مجلس ملی و احزاب و انجمنهای سیاسی و حتی سیاسیون تندرو نمیتوانستند از شرارت آنها جلو گیری کنند. برای تشریح فقر و سیه روزی مردم فرانسه قبل از انقلاب مراجعه به خاطرات سیاح انگلیسی آرتور یونگ (۲) که در اواخر قرن هیجدهم از فرانسه دیدن کرده بود کافی بنظر میرسد. در خاطرات خود سیاح نامبرده چنین مینویسد:

« فقر قسمت اعظم مردم فرانسه وضع ناگوار زراعت رکود در تجارت و صنایع سنگینی مالیات و عوارض و لخرجی در بار کسرداری بودجه عمومی کشور معاملات استقراضی بیوستگی مصادر امور و طبقات ممتاز به رژیم سیاسی و اجتماعی موجود در آن زمان و عدم میل آنها با اصلاحات خلاصه تمام این عوامل زمینه مساعدی برای شورش مردم گرسنه مهیا نموده است و حتی جمعی از روحانیون و اشراف عدم رضایت خود را از وضع موجود ابراز و مصرأ و مؤکداً تشکیل مجالس طبقاتی را درخواست مینمایند ».

در بروز انقلاب عقاید فلاسفه قرن هیجدهم مانند ولتر (۱) دیدرو (۲) مونتسکیو (۳) مابلی (۴) و بالاخص ژان شاک روسو (۵) فوق‌العاده مؤثر بود. عقاید نویسندگان مزبور که محدود نمودن سلطنت و الغاء ترتیب طبقاتی و برقراری اصل تساوی و آزادی را خواستار بودند نه تنها بین طبقه سوم بلکه میان قسمتی از روحانیون و اشراف و حتی گارد سلطنتی نیز طرفدار داشت. جنگ امریکای شمالی و اعلان استقلال سیزده مستعمره امریکائی انگلستان در ۴ ژویه ۱۷۷۶ و اصول مندرج در قانون اساسی مورخ ۱۷۸۷ ممالک متحده امریکای شمالی از عوامل مهم و مؤثر انقلاب ۱۷۸۹ بشمار میرود. دربار فرانسه که تحت فشار طبقات ممتاز و طبقه سوم قرار گرفته بود چنانچه از روحانیون و اشراف حمایت میکرد با مخالفت طبقه سوم مواجه میشد و اگر از عناصر آزادیخواه که طبقه سوم را تشکیل میدادند طرفداری کرده و سیاست خود را منطبق با آمال و آرزوهای آنها مینمود با مخالفت شدید روحانیون و اشراف روبرو میشد. با این اوضاع و احوال در رأس حکومت میبایست شخصی قرار گیرد که به وظایف سنگین و پرمسئولیت خود پی برده با کاردانی و اراده خلیل‌ناپذیر اقدامات لازم جهت تعدیل اختلافات موجوده بین طبقات ممتاز و عناصر اصلاح‌طلب بعمل آورده از وقایع ناگوار انقلاب جلوگیری کند ولی متأسفانه در آن زمان سلطنت فرانسه در دست لرزان لوئی شانزدهم پادشاه خوش نیت ولی ضعیف‌الاراده بود که تحت نفوذ درباریان خاصه ملکه ماری آنتوانت (۶) و برادر خود

کونت‌دارتوآ (۱) قرار گرفته بود.

دراوایل سلطنت لوئی شانزدهم تورگو (۲) وزیر دارائی وقت که یکی از هواخواهان طریقه فیزیوکرات (۳) بشمار میرفت مصمم بود به اصلاحات اساسی مبادرت نموده خطوط گمرکی را در داخل فرانسه از بین ببرد و امتیازات صنفی را ملغی و آزادی کار و تجارت را اعلام کند و لسی اقدامات این وزیر بصیر و نیک اندیش با مخالفت روحانیون و اشراف درجه اول مواجه شد. بعد از تورگو نکرا (۴) یکی از بانکداران معروف آن زمان بوزارت دارائی انتخاب شد. نکرا نیز مانند تورگو مصمم بود اقدام با اصلاحات اقتصادی و مالی بکند ولی عناصر محافظه کار از نفوذ خود در دربار استفاده کرده نکرا را وادار باستعفا نمودند.

لوئی شانزدهم که قادر به حل مشکلات سیاسی و مالی نبود بر آن شد که مجالس طبقاتی را که از سال ۱۶۱۴ باین طرف تشکیل نمیشد منعقد سازد و برای تأمین این منظور فرمانی بتاریخ ۲۷ دسامبر ۱۷۸۸ صادر نمود که بموجب آن مقرر میگردد که طبقات سه گانه یعنی روحانیون و اشراف و طبقه سوم نمایندگان خود را در مجالس مزبور انتخاب و معرفی نمایند. مطابق فرمان مزبور و نظامنامه انتخابات مورخ ۲۴ ژانویه ۱۷۸۹ قرار بود یک چهارم مجموع نمایندگان را روحانیون ربع دیگر را اشراف و بقیه دو چهارم را طبقه سوم انتخاب کنند ولی چون قرار بود هر یک از طبقات مانند سابق جداگانه رأی بدهند از اینرو ترتیب بالا در تصمیمات طبقه سوم بلااثر بوده و روحانیون و اشراف میتوانستند در مجالس جبهه واحدی تشکیل داده نظریات طبقه سوم را بلااثر و خنثی کنند و روی همین اصل طبقه سوم و عناصر آزادیخواه و اصلاح طلب دو طبقه دیگر درخواست میکردند که هر یک از نمایندگان یک رأی داشته باشد. همانطور که در ادوار سابق معمول بود در سال ۱۷۸۹ انتخابات روحانیون و اشراف مستقیم و انتخابات طبقه سوم به دو حتی سه درجه صورت گرفت. در انتخابات طبقات ممتاز فقط روحانیون و اشراف شرکت میکردند که مالک تیول بودند در صورتیکه در انتخابات طبقه سوم کسانی میتوانستند رأی بدهند که بدولت مالیات مستقیم میپرداختند. انتخابات نمایندگان مجالس از ۷ فوریه تا ۲۷ آوریل در محیط نسبتاً

آرام انجام یافته و مردم با علاقه فراوان رأی میدادند. قرار بود طبقات سه گانه ۱۲۰۰ نفر نماینده انتخاب نمایند که ۳۰۰ نفر آنرا روحانیون ۳۰۰ نفر دیگر را اشراف و بقیه ۶۰۰ نفر را طبقه سوم تعیین کنند ولی عده انتخاب شدگان کمتر از ۱۲۰۰ نفر بود. بین انتخاب شدگان قریب ۲۰۰ نفر وکیل دادگستری در حدود ۲۰۰ نفر کشیش شهرها و دهات بودند. رأی دهندگان طبقه سوم ۱۵ نفر از اشراف و روحانیون درجه اول را بنمایدگی انتخاب کرده بودند. شهر پاریس با حومه ۵۶ نفر وکیل به مجالس طبقاتی فرستاده بود.

مجالس طبقاتی در ۵ ماه مه ۱۷۸۹ در ورسای از طرف لوئی شانزدهم افتتاح یافت و تا واسطه ماه ژوئن نمایندگان مشغول مباحثه در موضوع طرز تشکیل جلسات بودند بدین معنی که وکلای طبقه سوم درخواست میکردند که کلیه نمایندگان اعم از روحانیون و اشراف و طبقه سوم مجلس واحدی تشکیل دهند در صورتیکه نمایندگان طبقات ممتاز با این پیشنهاد مخالفت کرده از مجالس سه گانه طرفداری مینمودند. چون نمایندگان طبقات سه گانه نتوانستند این مشکل را حل و اختلاف حاصله فیما بین را رفع نمایند لذا وکلای طبقه سوم که نمایندگی نود و شش درصد ملت فرانسه را داشتند در ۱۷ ژوئن مجلس ملی (۱) تشکیل دادند و از نمایندگان روحانیون دعوت کردند که در جلسات مجلس مزبور شرکت جویند. چندی بعد عده ای از روحانیون و نجبای درجه دوم بنمایندگان طبقه سوم ملحق شده و آمادگی خود را برای حضور در مجلس ملی اعلام کردند. چون لوئی شانزدهم به گارد مجلس دستور داده بود که از تشکیل جلسات مجلس ملی ممانعت شود در ۲۰ ژوئن نمایندگان مجلس مزبور جلسه فوق العاده در محل موسوم به ژودو بوم (۲) تشکیل داده و بنابه پیشنهاد تارژه (۳) وکیل دادگستری و یکی از واضعین قانون مدنی فرانسه قسم یاد کردند که بدون توجه به مخالفت روحانیون و اشراف جلسات مجلس ملی را تشکیل و قانون اساسی فرانسه را تنظیم و تصویب نمایند و قبل از انجام این منظور از هم جدا نشوند. در ۲۳ ژوئن لوئی شانزدهم در مجلس ملی حضور یافته و با لحن آمرانه درخواست کرد که نمایندگان از تشکیل مجلس ملی خودداری نموده و هر یک از طبقات سه گانه

مجلس جداگانه ترتيب دهد و ضمناً لوئی شانزدهم اعلام کرد که چنانچه نمایندگان جلسات مجلس ملی را ادامه داده و تصمیماتی اتخاذ کنند تصمیمات آنها کان لم یکن و بلا اثر تلقی خواهد گردید. نمایندگان طبقه سوم از اجرای امر پادشاه استنکاف ورزیده از طلال در جلسه خارج نشدند.

و اما لوئی شانزدهم بر اثر مقاومت شدید نمایندگان طبقه سوم تغییر عقیده داده در ۲۷ ژوئن به روحانیون و اشراف توصیه کرد که در مجلس ملی حاضر شده با نمایندگان طبقه سوم همکاری و تشریک مساعی نمایند. این تقاضای لوئی شانزدهم مورد قبول نمایندگان روحانیون و اشراف واقع گردید و در ۱۴ ژوئیه مجلس ملی با حضور کلیه نمایندگان یک کمیسیون هشت نفری انتخاب کرد تا طرح قانون اساسی فرانسه را تهیه و برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کند. و اما چون تنظیم طرح قانون اساسی و تصویب آن در مجلس ملی مستلزم وقت و دقت بیشتری بود و از طرفی هم جمعی از نمایندگان از طرف موکلین خود مأموریت داشتند که هر چه زودتر اعلامیه‌ای که حاوی حقوق و امتیازات افراد مردم باشد تنظیم و ابلاغ نمایند لذا مجلس ملی در جلسه ۱۲ اوت کمیسیون مخصوصی برای تهیه طرح اعلامیه مورد نظر انتخاب کرد و در جلسه ۲۶ اوت طرح تنظیمی سیس (۱) را که مورد موافقت کمیسیون مخصوص واقع گردیده بود با پاره‌ای اصلاحات تصویب نمود و مقرر داشت که اعلامیه مزبور (۲) سرلوحه قانون اساسی فرانسه قرار گیرد روز بعد یعنی در ۲۷ اوت بحث در طرح قانون اساسی شروع شده و تا اوایل ماه سپتامبر ۱۷۹۱ بطول انجامید و در جلسه ۳ سپتامبر به تصویب مجلس ملی رسید و در همان روز یک هیئت شصت نفری طرح مصوب را به لوئی شانزدهم تقدیم نمود تا پس از توشیح بموقع اجرا گذارده شود. وی پس از تردید و تعمق و مشورت‌های طولانی در ۱۳ سپتامبر موافقت خود را با طرح مصوب به نمایندگان اطلاع داد و در ۱۴ سپتامبر در مجلس ملی حاضر شده قسم یاد کرد که قانون اساسی فرانسه را محترم شمرده و وسائل اجرای آنرا فراهم سازد. پس از توشیح و ابلاغ قانون اساسی مورد بحث مجلس ملی در ۳۰ سپتامبر منحل و فرمان انتخابات مجلس ملی جدید موسوم به کنوانسیون ملی (۳) از طرف

پادشاه صادر گردید و در ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ مجلس جدیداً انتخاب افتتاح یافت .

مبحث دوم

اعلامیه حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲۶ ماه اوت ۱۷۸۹ که جزء لاینفک قانون اساسی مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۱ میباشد دارای يك مقدمه و ۱۷ ماده است. نمایندگان مجلس ملی فرانسه که از پیروان فلاسفه بزرگ قرن هیجدهم بودند در مقدمه اعلامیه مزبور که بعضی اصول آن اقتباس از اعلامیه حقوق مورخ ۱۳ فوریه ۱۶۸۹ انگلستان (۱) و اعلان استقلال ۱۳ مستعمره امریکائی - مورخ ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ (۲) و قانون اساسی مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۷۸۷ ممالک متحده امریکای شمالی است بشرح زیر بیان مطلب میکردند :

« افراد جامعه دارای يك سلسله حقوق طبیعی مقدس مسلم و غیر قابل انکار میباشد . بی اطلاعی مصادر امور از وجود این حقوق یا عدم رعایت آنها یگانه علت فلاکت و بدبختی اجتماعات بشری است . »

سپس اعلامیه مزبور اختیاراتی بنام حقوق بشر برای افراد مردم قائل شده که مفاد آن از این قرار است :

افراد مساوی و آزاد بدنیا میآیند و بنابراین باید در تمام مدت عمر خویش از آزادی و برابری در حقوق بهره مند گردند . اختلافات اجتماعی فقط در صورتی جایز است که مصالح و منافع عمومی آنرا ایجاب کند (ماده اول) .

مرام اجتماعات سیاسی همانا حفظ و حراست حقوق طبیعی اشخاص است و این حقوق عبارت است از آزادی - حق مالکیت - امنیت و حق دفاع در مقابل ظلم (ماده دوم) .

حق حاکمیت ناشی از خود ملت بوده هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمیتوانند فرمانروائی کنند مگر بنماینده‌گی از طرف ملت (ماده سوم) .

آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند انجام دهند بشرط اینکه عملیات آنها صدمه به حقوق دیگران وارد نسازد. حقوق اشخاص را فقط قانوناً میتوان محدود کرد (ماده چهارم).

قانون عملیاتی را میتواند ممنوع کند که مضر بحال جامعه باشد و هر عملیکه قانوناً ممنوع نیست مجاز و مشروع میباشد و هیچکس را نمیتوان وادار به عملی کرد که در قانون منظور نگردیده است (ماده پنجم).

قانون معرف و مظهر اراده عمومی بوده و تمام افراد می توانند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود در تدوین آن شرکت جویند (ماده ششم).

از لحاظ حمایت و از حیث مجازات تمام افراد در مقابل قانون مساوی هستند و افرادی که از لحاظ معلومات و صلاحیت اخلاقی مساوی باشند حق رسیدن به مقامات دولتی و اشتغال بمشاغل عمومی را دارا خواهند بود (ماده هفتم).

قانون فقط مجازاتی را میتواند معین کند که لزوم و ضرورت آن آشکار باشد. هیچکس را نمیتوان مورد مجازات قرارداد مگر بموجب قانونی که قبل از وقوع جرم به تصویب رسیده ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شده باشد (ماده هشتم).

هر فردی بی گناه شناخته میشود مگر اینکه تقصیر او به ثبوت برسد و هر عمل شدیدی که اعمال آن در باره متهم ضرور نباشد باید بسختی مورد مجازات واقع گردد (ماده نهم).

هیچکس را نمیتوان برای عقاید حتی عقیده مذهبی مورد تعقیب قرارداد مشروط بر اینکه ابراز آن عقیده منحل نظم عمومی نگردد (ماده دهم).

چون انتشار عقاید و نظریات شخصی یکی از امتیازات اساسی افراد میباشد لذا هر فردی مجاز است آزادانه سخن گوید، بنویسد و نوشته های خود را بصورت نشریه در بیاورد. سوء استفاده از این حق در موارد مقرر در قانون قابل تعقیب است (ماده یازدهم).

تضمین حقوق بشر مستلزم داشتن نیروی انتظامی است که برفع عموم و نه برای اشخاصیکه آنرا اداره میکنند ایجاد شده است (ماده دوازدهم).

بمنظور نگهداری نیروی انتظامی و تأمین هزینه آن ایجاد مالیات میشود. مالیات باید با در نظر گرفتن توانائی مؤدیان دریافت شود (ماده سیزدهم).

تمام مردم حق دارند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود لزوم وضع مالیات را تأیید نموده و آزادانه با آن موافقت کنند و مأخذ و سهم بندی و طریقه دریافت و مدت آنرا معین و در مصرف آن نظارت کنند (ماده چهاردهم).

جامعه حق دارد از کلیه مستخدمین دولت در باره انجام وظایف محوله بآنها بازخواست نماید (ماده پانزدهم).

اجتماعاتیکه حقوق بشر و اصل تفکیک قوا را رعایت نمیکنند فاقد قانون اساسی میباشند (ماده شانزدهم).

چون حق تملک یک حق مقدس و غیر قابل تجاوز میباشد بدین جهت از هیچکس نمیتوان سلب مالکیت نمود مگر در مواردیکه مصلحت عمومی ایجاب کند مشروط بر اینکه قیمت عادلانه ملک مورد نظر قبلاً تعیین و قبل از خلع بد به مالک پرداخته شود (ماده هفدهم).

این بود مفاد اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹. اصل حاکمیت ملی و آزادی و برابری در قسمت اعظم قوانین اساسی بعدی فرانسه ثبت گردیده بود.

اصول مذکور در فوق در قرن نوزدهم به سایر ممالک راه یافته و در قوانین اساسی آنها قید گردید.

مبحث سوم

هَيْئَتُ الْقَضَائِيَّةِ (۱)

بموجب ماده اول از فصل سوم قانون اساسی ۱۷۹۱ حق حاکمیت ناشی از ملت بوده قوه قانونگذاری را هیئت تقنینیه قوه اجرائیه را پادشاه و قوه قضائیه را قضاتی اعمال میکردند که از طرف مردم انتخاب میشدند.

هیئت تقنینیه را مجلس واحدی تشکیل میداد که ۷۴۵ عضو آن برای مدت دو سال انتخاب میشدند. هر یک از ۸۳ ولایت فرانسه (۲) یک حوزه انتخابیه تشکیل میداد. عده نمایندگان که در هر یک از حوزهها انتخاب میشدند با وسعت خاک و تعداد جمعیت و مقدار مالیات پرداختی بدولت بستگی داشت بدین ترتیب که از مجموع ۷۴۵ کرسی نمایندگان ۲۴۶ کرسی بالسویه بین ۸۲ ولایت تقسیم میشد که نتیجتاً هر ولایتی از لحاظ

وسعت خاک دارای سه کرسی بوده فقط ولایت پاریس که وسعت آن کمتر از ولایات دیگر بود فقط یک کرسی داشت. ۲۴۹ کرسی دیگر با در نظر گرفتن تعداد جمعیت بین ولایات قسمت میشد و بقیه ۲۴۹ کرسی بر اساس میزان مالیات پرداختی بدولت بین ۸۳ ولایت توزیع میکردید.

با اینکه اعلامیه حقوق بشر مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ تمام افراد را در مقابل قانون مساوی میدانست معذک قانون اساسی مورد بحث اتباع فرانسه را به دودسته تقسیم نموده برای افراد دسته اول (۱) حق شرکت در انتخابات را قائل میشد و اشخاصی را که جزء دسته دوم بودند از دخالت در انتخابات ممنوع میساخت. دسته اول را کسانی تشکیل میدادند که علاوه بر تابعیت فرانسه و ۲۵ سال عمر و اقامت در حوزه انتخابیه معادل اجرت لا اقل سه روز کار را بدولت مالیات میپرداختند. و رشکستان به تقصیر، اشخاصی که اشتغال به نوکری داشتند و همچنین کسانی که تحت تعقیب جزائی بودند حق نداشتند در انتخابات شرکت کنند. علاوه بر آن دهنندگان ملزم بودند قسم وفاداری نسبت به ملت و پادشاه یاد نموده و تعهد کنند که قانون اساسی را محترم خواهند شمرد. قرار بود هر دو سال یکبار صورت اسامی افرادی که واجد شرایط قانونی بودند تهیه و دو ماه قبل از انتخابات منتشر گردد و اشخاص ذینفع حق داشتند بمحاکم صالحه مراجعه و اصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند.

انتخابات بدورچه بود بدین ترتیب اشخاصی که واجد شرایط مقرر در قانون اساسی بودند در حوزه های فرعی مجامع بدوی (۲) تشکیل داده از بین کسانی که حق رأی داشتند یک عده را انتخاب میکردند و افرادی که بدین ترتیب تعیین میشدند در مرکز حوزه ولایتی مجلسی بنام مجمع انتخاباتی (۳) تشکیل داده چند نفر را به عضویت هیئت تقنینیه انتخاب مینمودند. در انتخابات درجه دوم علاوه بر نمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل نیز انتخاب میشدند. عده نمایندگان علی البدل بالغ بر ثلث نمایندگان اصلی بود در صورت عدم تصویب اعتبار نامه یا فوت یا استعفای نمایندگان اصلی نمایندگان علی البدل جانشین آنها در مجلس میشدند. وزراء - مأمورین دولت - کارمندان وزارت دربار - مستخدمین شهرداری - فرماندهان گارد ملی و پاره دستجات دیگر مجاز نبودند

نمایندگی انتخاب شوند مگر اینکه قبل از انتخابات از شغل خود استعفا داده باشند .
 قضات نیز با حفظ شغل خود نمی توانستند به عضویت هیئت تقنینیه انتخاب شوند . تجدید
 انتخابات نمایندگان هیئت تقنینیه مطابق مقررات قانونی بدون فرمان پادشاه بعمل
 می آمد . در تمام دوره قانونگذاری و همچنین در ظرف دو سال از تاریخ انقضای دوره
 مزبور نمایندگان از حق نیل بوزارت و اشتغال بمشاغل عمومی و دریافت حقوق و مستمری
 و حقوق تقاعد و قبول مأموریت موقت از قوه مجریه ممنوع بودند .

علاوه بر وضع قوانین و ایجاد مالیات و تصویب بودجه کل کشور هیئت تقنینیه
 وظایفی داشت که اهم آنها از این قرار بود :

۱- حق پیشنهاد طرحهای قانونی .

پیشنهاد طرحهای قانونی اختصاص بخود نمایندگان داشته و پادشاه و وزرای
 او از اعمال این حق محروم بودند و چون رعایت این اصل ممکن بود لطمه بمنافع
 کشور وارد ساخته و قوه مجریه را در انجام وظایف خود عاجز کند بدین جهت قانون
 اساسی ۱۷۹۱ به پادشاه حق میداد که توجه نمایندگان هیئت تقنینیه را به يك موضوع
 قانونی جلب و تقاضا کند طرحی که مورد نظر او است تنظیم و تصویب شود و این حق
 بوسیله پیامی که پادشاه به هیئت تقنینیه میفرستاد صورت میگرفت . بدیهی است
 که مجلس حق داشت باین تقاضای ریاست قوه مجریه ترتیب اثر نداده از تهیه و تصویب
 طرح مورد تقاضای پادشاه استنکاف ورزد .

۲- اعلان جنگ .

اعلان جنگ بر حسب پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه بعمل می آمد .

۳- تصویب قراردادهای بین المللی .

قراردادهای صلح و اتحاد نظامی و بازرگانی و غیره بدون تصویب هیئت تقنینیه
 قابل اجرا نبود .

۴- اجازه ورود نیروی نظامی خارجی .

ورود قوای نظامی بیگانه بخاك یا سواحل فرانسه مستلزم موافقت قبلی هیئت
 تقنینیه بود .

۵- تعیین عده نیروی زمینی و دریائی .

هیئت تقنینیه بنا بر پیشنهاد پادشاه عده نیروی زمینی و تعداد کشتیهای جنگی را

معین و مسائل دیگر مربوط به ارتش و بحریه نظامی را حل و فصل میکرد.

۶- اجازه فروش املاک دولتی.

اجازه فروش املاک متعلق بدولت از وظایف هیئت تقنینیه بود.

۷- اعطای عناوین و غیره.

اعطای عناوین افتخاری و نشان نیز از طرف هیئت تقنینیه بعمل میآمد.

۸- تعقیب وزراء و مأمورین عالی مقام دولت.

هیئت تقنینیه قرار تعقیب وزراء و سایر مأمورین عالیرتبه را صادر میکرد

و همچنین سایر اشخاص متهم به قیام برضد امنیت و استقلال کشور یا نقض قانون اساسی را مورد تعقیب قرار میداد.

جلسات هیئت تقنینیه با حضور لا اقل ۲۰۰ نفر نماینده تشکیل میشد و برای

اتخاذ تصمیم موافقت نصف بعلاوه يك عده حاضر در جلسه ضروری بود. جلسات مجلس

علنی بود و مذاکرات آن چاپ و منتشر میشد ولی مجلس بر حسب تقاضای پنج نفر

نماینده جلسات خود اسری اعلام میکرد. طرحهای قانونی باستثنای طرحهای فوری

سه بار و هر دفعه بفاصله هشت روز رسیدگی میشد. نمایندگان در آغاز دوره تقنینیه قسم

یاد میکردند که نسبت به ملت و پادشاه وفادار بوده و مقررات قانون اساسی و سایر قوانین را

اجرا نمایند. نمایندگان مجلس علاوه بر عدم مسئولیت برای نطق و رأی از تعرض

نیز مصون بودند بدین معنی که بجز موارد جرائم مشهوده توقیف و تعقیب و محاکمه

آنها بدون اجازه مجلس جایز نبود.

مبحث چهارم

سلطنت = ولا یتعهد = نیابت سلطنت = قیومیت

پادشاه بنمایندگی و از طرف ملت حکمران سلطنت میکرد. وی در حضور

نمایندگان هیئت تقنینیه قسم وفاداری نسبت به ملت ادا کرده و متعهد میشد که باتمام

وسائل مشروع حامی قانون اساسی باشد و موجبات اجرای قانون مزبور و سایر قوانین

فرانسه را فراهم کند. در صورت تعطیل مجلس پادشاه بوسیله اعلامیه وفاداری خود را

نسبت به ملت و قانون اظهار داشته و متعهد میشد که پس از انعقاد هیئت تقنینیه مراسم

تحلیف را در حضور نمایندگان ملت انجام دهد . شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود .

ولایتعهد با نزدیکترین قوم و خویش پادشاه بود . زنان و مردانیکه قرابت آنها با پادشاه بوسیله زنان بود از حق نیل به ولایتعهد محروم بودند . چنانچه در موقع سلطنت ولیعهد ۱۸ سال تمام نداشت صغیر شناخته شده و وظایف سلطنت را بنام و از طرف او نایب السلطنه انجام میداد . نیابت سلطنت با نزدیکترین اقوام ذکور پادشاه بود بشرط اینکه علاوه بر ۲۵ سال عمر تابعیت فرانسه را دارا بوده و وارث احتمالی تاج و تخت يك کشور خارجی نبوده باشد . چنانچه بین اقوام ذکور پادشاه شخصی که واجد شرایط مندرج بالا باشد پیدا نمیشد در این صورت در ظرف يك هفته از تاریخ جلوس پادشاه صغیر هیئت تقنینیه و در غیاب مجلس مزبور وزیر دادگستری وظیفه داشتند از اشخاصیکه واجد شرایط انتخاب کردن نمایندگان هیئت تقنینیه بودند دعوت کند که در هر ناحیه (۱) يك نفر را با کثرت مطلق آراء انتخاب نمایند . اشخاصی که به ترتیب بالا انتخاب میشدند در مقرر هیئت تقنینیه حاضر شده در مدت چهل روز از تاریخ آغاز سلطنت پادشاه صغیر يك نفر را به نیابت سلطنت فرانسه تعیین میکردند سپس صورت مجلسی تنظیم نموده به هیئت تقنینیه ارسال میداشتند . هیئت مزبور صحت انتخاب نایب السلطنه را چه از لحاظ واجد بودن شرایط قانونی و چه از حیث قانونی بودن جریان انتخابات مورد رسیدگی قرار داده فرمان انتخاب او را صادر مینمود . نایب السلطنه دارای کلیه وظایف و اختیاراتی بود که قانون اساسی برای شخص پادشاه قائل میشد . نایب السلطنه مانند پادشاه مسئول عملیات و اقدامات خود نبود و قبل از اینکه به انجام وظایف قانونی خود مبادرت کند در مقابل نمایندگان هیئت تقنینیه مراسم تحلیف را انجام میداد و تعهد میکرد که نسبت به ملت و پادشاه صغیر وفادار بوده و وسائل اجرای قانون اساسی و سایر قوانین فرانسه را فراهم کند . از آغاز سلطنت پادشاه صغیر تا انتخاب نایب السلطنه و انجام مراسم تحلیف از طرف وی انجام وظایف قوه مجریه با هیئت وزیران بود .

قیمومت پادشاه صغیر با مادر او بود و چنانچه پادشاه صغیر مادر نداشت یا مادر او شوهر اختیار میکرد در هر يك از این دو مورد قیم را هیئت تقنینیه تعیین میکرد .

انتخاب نایب السلطنه و اخلاف او بسمت قیم پادشاه صغیر ممنوع بود. زنان نیز حق انتخاب شدن به قیمومت را نداشتند.

قانون اساسی ۱۷۹۱ که روی اصل حاکمیت ملی استوار گردیده بود ظاهراً قانون اساسی سلطنتی ولی در معنی قانون اساسی جمهوری بشمار میرفت و دلیل آن این بود که واضعین قانون مزبور اعتماد به دربار وقت نداشتند و از این رو بر آن شدند که اختیارات پادشاه را فوق العاده محدود کنند. وظایف پادشاه را قانون اساسی ۱۷۹۱ بشرح زیر معین نموده بود:

۱- پادشاه از حق وتوی مطلق (۱) یا امتناع بلا شرط از توشیح و ابلاغ لوایح مصوب هیئت تقنینیه محروم بوده فقط مجاز بود از حق وتوی نسبی (۲) استفاده کند. هنگام بحث در موضوع وتو نمایندگان هیئت تقنینیه بدو دسته مخالف و متضاد قسمت شده بودند بدین ترتیب دسته اول که از طرف سییس معروف راهنمایی میگردد باستناد اینکه اصل حاکمیت ملی قابل تجزیه نیست با حق وتوی مطلق مخالفت کرده و مدعی بودند که با تفویض این حق به پادشاه سلطنت نامحدود در فرانسه تجدید خواهد شد و اما دسته دیگر از نمایندگان حق وتو را اساس و پایه رژیم سلطنتی شناخته اصرار داشتند که این حق در قانون اساسی برای پادشاه منظور گردد. پس از مذاکرات طولانی و پرهیجان مجلس ملی در جلسه مورخ ۱۱ سپتامبر ۱۷۸۹ حق وتوی نسبی برای پادشاه قائل شده و مقررداشت چنانچه برائراستنکاف پادشاه از توشیح و ابلاغ طرحهای مصوب هیئت تقنینیه طرح مورد اختلاف بین قوه مقننه و ریاست قوه مجریه در دوره قانونگذاری جدید به تصویب میرسید دیگر پادشاه حق نداشت از توشیح و ابلاغ آن طرح قانونی خودداری کند. قوانین مالیاتی از توشیح مستثنی بود.

۲- بطوریکه در بالا اشاره شد پادشاه از حق پیشنهاد لوایح قانونی ممنوع بوده فقط میتواندست بوسیله پیام توجه هیئت تقنینیه را به یک موضوع قانونی جلب و تقاضا کند که نمایندگان طرح قانونی مورد لزوم را تهیه و تصویب کنند.

۳- بدون موافقت هیئت تقنینیه پادشاه حق نداشت اعلان جنگ دهد و قرارداد صلح را امضاء کند.

۴- نه تنها عهدنامه صلح بلکه پیمان اتحاد نظامی و قراردادهای بازرگانی و سایر قراردادهای بین‌المللی نیز مستلزم موافقت قبلی هیئت تقنینیه بود.

۵- پادشاه حق نداشت هیئت تقنینیه را منحل یا جلسات آن را برای مدت معینی تعطیل کند.

۶- پادشاه دوره اجلاس هیئت تقنینیه را افتتاح نموده مسائلی را که بعقیده وی بایستی مورد توجه واقع گردد باستحضار نمایندگان میرسانید.

۷- در ایام تعطیل پادشاه حق داشت هیئت تقنینیه را بطور فوق‌العاده منعقد کند.

۸- پادشاه بعنوان رئیس قوه مجریه نظارت عالی بر ادارات دولتی داشت و نظم و آسایش عمومی را حافظ و نگهبان بود. استقرار امنیت خارجی کشور و دفاع از حقوق فرانسه و حفظ و حراست دارائی آن نیز از وظایف پادشاه بود.

۹- پادشاه فرمانده کل قوای بری و بحری بوده باین عنوان فرماندهان ارتش و نیروی دریائی را عزل و نصب مینمود. اعطای درجه مارشالی و امیرالبحری با پادشاه بود. پادشاه دو نلث دریاداران نصف امرای لشکر و فرماندهان کشتی‌های جنگی و ژاندارمری - یک نلث سرهنگ و نایب سرهنگهای ارتش و یک ششم معاونین فرماندهان کشتی‌های جنگی را نصب و عزل مینمود. انتصاب افراد خانواده سلطنتی بفرماندهی نیروی بری و بحری مستلزم موافقت هیئت تقنینیه بود.

۱۰- پادشاه مأمورین سیاسی و کنسولی فرانسه را در ممالك بیگانه تعیین میکرد. انتخاب افراد خانواده سلطنتی بسمت مأمورین سیاسی بنا به پیشنهاد پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه عمل میامد.

۱۱- پادشاه نظارت در ضرب مسکوکات داشت و مأمورین عالی‌رتبه ضرابخانه را انتخاب میکرد. تمثال پادشاه روی مسکوکات منقوش میشد.

مخارج دستگاه سلطنتی در موقع جلوس پادشاه تا آخر سلطنت او معین میگردد. برای اداره امور مالی دربار یک نفر مدیر تعیین میشد و اشخاصیکه طلبی از پادشاه داشتند بطرفیت مدیر نامبرده اقامه دعوی در محاکم مینمودند. پادشاه دارای گارد مخصوص بود. گارد پادشاه عبارت بود از ۱۲۰۰ نفر پیاده نظام و ۶۰۰ نفر سوار نظام. اجرای احکام پادشاه مستلزم موافقت وزراء بود. در سه مورد پادشاه از مقام سلطنت منفصل میشد مورد اول اینکه در مدت یک ماه از تاریخ تشکیل هیئت تقنینیه ازاد،

قسم خودداری میکرد یا قسم خود را پس میگرفت مورد دوم آنکه پادشاه بمنظور جنگ با ملت فرانسه فرماندهی يك ارتش بیگانه را عهده دار میشد و یا از مقاومت در مقابل نیروی نظامی خارجی خودداری میکرد يك مورد دیگر اینکه پادشاه خاك فرانسه را ترك گفته و در ظرف مدتی كه هیئت تقنینیه معین میگردد از بازگشت به کشور خود استنكاف میورزید. ولیعهد نیز بدون اجازه پادشاه و موافقت هیئت تقنینیه مجاز نبود از فرانسه خارج شود و چنانچه وی پس از رسیدن به سن ۱۸ سال به تقاضای هیئت تقنینیه از مراجعت بفرانسه استنكاف میورزید در این صورت از مقام ولایتعهدی مستعفی شناخته میشد.

پادشاه فرانسه وظایف خود را توسط وزراء انجام میداد. عزل و نصب وزراء با پادشاه بود. افراد خاندان سلطنتی - نمایندگان هیئت تقنینیه - مستشاران دیوان کشور و اعضای هیئت عالی منصفه (۱) از حق رسیدن بمقام وزارت ممنوع بودند. قبل از شروع بانجام وظائف محوله وزراء قسم یاد میکردند كه به ملت وفادار بوده و قانون اساسی و سایر قوانین را محترم خواهند شمرد. همانطور كه در بالا اشاره شد فرامین پادشاه بدون امضای متصدی وزار تخانه مربوطه قابل اجرا نبود و وزیر با امضای فرمان پادشاه مسئولیت صدور و اجرای آن فرمان را بعهده میگرفت. وزراء ملزم بودند سالیانه گزارش جامعی راجع به كارهای وزار تخانه های خود تهیه و به هیئت تقنینیه تقدیم كنند. وزراء در مقابل هیئت تقنینیه مسئولیت سیاسی نداشتند بدین معنی كه نمایندگان نمی توانستند با ابراز عدم اعتماد آنها را وادار باستعفا كنند و اما از لحاظ جزائی وزراء مسئول بودند و قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر و دیوان عالی ملی (۲) مركب از مستشاران دیوان کشور و اعضای هیئت عالی منصفه آنها را محاكمه میکرد. از لحاظ حقوقی نیز وزراء مسئول عملیات و اقدامات خود بودند. وزراء مجاز بودند در هیئت تقنینیه حضور بهم رسانیده در باره وزار تخانه های خود اظهاراتی بنمایند. مجلس نیز حق داشت وزراء را برای دادن توضیحات لازم احضار كند.

محاكم در مقابل پادشاه و هیئت تقنینیه استقلال كامل داشتند. قضات را مردم برای مدت معینی انتخاب میكردند. نه تنها قضات بلكه مستخدمین ادارات نیز از طرف

مردم انتخاب میشدند . در رأس دستگاه قضائی دیوان کشور قرار گرفته بود . محاکم حق نداشتند بعلمت عدم مطابقت با قانون اساسی از اجرای قوانین عادی خود داری کنند . دیوان عالی ملی نه تنها وزراء ، بلکه مأمورین عالی رتبه دولت و همچنین مرتکبین جرائم سیاسی را محاکمه میکرد . قرار تعقیب آنها را هیئت تقنینیه صادر مینمود .
تجدید نظر در قانون اساسی تابع مقررات ذیل بود :

چنانچه هیئت تقنینیه در سه دوره متوالی تقاضای متحد المضمونی مبنی بر لزوم تجدید نظر در بعضی مواد قانون اساسی را می نمود مجلس خاصی بنام مجلس تجدید نظر (۱) منعقد میگردد . مجلس مزبور را ۷۵ نفر نماینده هیئت تقنینیه جدید و ۲۹ نفر نماینده مخصوص که به تناسب سکنه شهرستانها انتخاب میشوند تشکیل میدادند . هیئت تقنینیه دوره اول و دوم قانونگذاری از تقاضای تجدید نظر ممنوع بودند . نمایندگان دوره قبل که تغییر قانون اساسی را درخواست نموده بودند مجاز نبودند به عضویت مجلس تجدید نظر انتخاب شوند . تصمیمات مجلس تجدید نظر بدون توشیح از طرف پادشاه قابل اجرا بود .

فصل سوم

قانون اساسی ۷۴ ژوئن ۱۷۹۲

مبحث اول

هَيْئَتُ الشَّعْبِ = شورای اجراییه

بطوریکه در بالا اشاره شد اولین مجلس ملی (مؤسسان) فرانسه پس از تصویب قانون اساسی ۱۷۹۱ و توشیح و ابلاغ آن از طرف لوئی شانزدهم منحل و مجلس دیگری بر طبق مقررات قانون اساسی مزبور منعقد گردید. مجلس اخیرالذکر در دهم اوت ۱۷۹۲ لوئی شانزدهم را از مقام سلطنت منفصل و قرار بازداشت او را در صومعه معروف لوتامپل (۱) صادر نمود و چون پس از خلع پادشاه و تغییر رژیم سیاسی انحلال مجلس مزبور و تشکیل مجلس مؤسسان جدید ضروری بنظر میرسید از این رو در ۱۱ اوت ۱۷۹۲ فرمان انتخابات مجلس مؤسسان و نظامنامه جدید انتخابات صادر و ابلاغ گردید. بموجب فرمان مزبور تمام اتباع فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال عمر و عایدی شخصی یا مزدکار و یکسال اقامت در حوزه انتخابیه مجاز بودند در انتخابات درجه اول شرکت کنند. انتخاب کنندگان درجه اول با داشتن ۲۵ سال عمر میتوانند بعنوان منتخب در انتخابات درجه دوم شرکت جسته و بنمایندگی تعیین شوند. مجلس جدید موسوم به کنوانسیون ملی که برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید فرانسه منعقد گردیده بود در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ اولین جلسه خود را تشکیل و در همان روز فرمانی دائر بالغاء رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری صادر نمود.

مجلس کنوانسیون در ۱۱ اکتبر ۱۷۹۲ کمیسیونی مرکب از دانتون (۲) ژانسونه (۳) بریسو (۴) بارر (۵) سییس، کوندورسه (۶) و چند نفر دیگر که از

Danton -- ۲

Le Temple -- ۱

Barrère -- ۵

Brissot -- ۴

Gensonné -- ۳

Condorcet -- ۶

انقلابیون معروف بشمار رفته و اکثر افعال حزب ژیروند (۱) بودند تشکیل داد که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای شور و تصویب به مجلس تقدیم کند. کمیسیون مزبور تا اواسط ماه فوریه ۱۷۹۳ مشغول تهیه طرح قانون اساسی بوده و در آن تاریخ طرح تنظیمی را بوسیله کوندورسه و ژانسونه مخبرین خود به کنوانسیون تقدیم کرد. طرح مزبور اصل حاکمیت بلاواسطه را بر طبق فلسفه سیاسی ژان ژاک روسو مورد قبول و عمل قرار داده و به مردم حق میداد که در مجامع اولیه نه تنها نمایندگان هیئت تقنینیه بلکه هفت نفر وزیر را نیز برای مدت دو سال انتخاب کنند. علاوه طرح مزبور به مردم حق میداد که طرحهای قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت تقنینیه پیشنهاد کنند و چنانچه لایحه پیشنهادی مجامع اولیه را هیئت تقنینیه رد و مردم فرانسه آنرا در رفراندوم تصویب میکردند در اینصورت هیئت تقنینیه منحل میشد و نمایندگان که در هیئت منحل شده رأی مخالف داده بودند از حق انتخاب شدن به عضویت مجلس جدید محروم میشدند. تجدیدنظر در قانون اساسی نیز مستلزم تصویب مردم بود. اعلامیه حقوق بشر که سرلوحه طرح مورد بحث قرار گرفته بود حق مقاومت در مقابل ظلم و تعدی را برای مردم قائل شده و حدود اعمال این حق را موقوف بر قانون عادی میکرد در صورتیکه ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ حق مقاومت را بدون هیچگونه فید و شرطی برای مردم قائل شده بود.

دوماده دیگر (۲۴ و ۲۳) در اعلامیه حقوق طرح مورد بحث تازگی داشت یکی اینکه اعلامیه مزبور علم و دانش را یکی از حوائج ضروری و طبیعی مردم دانسته و جامعه را ملزم میکرد که وسائل تعلیم و تربیت افراد را فراهم کند و دیگری آنکه اعلامیه مزبور جامعه را مکلف میکرد که معاش افراد بی بضاعت را تأمین کند و حدود انجام این تعهد را قرار بود یک قانون متعارفی معین نماید.

طرح مزبور که از طرف اعمال مؤثر و متنفذ حزب ژیروند تنظیم شده بود در هیئت تقنینیه با مخالفت شدید حزب تندرو ژاکوبین (۲) مواجه شد و پس از وقایع خونین ماه مه و بازداشت و محاکمه و اعدام نمایندگان با نفوذ حزب ژیروند طرح تنظیمی آنها از بین رفته و هیئت تقنینیه در جلسه ۲ ژوئن کمیته نجات عمومی (۳) را که بمنظور تقویت قوه مجریه و مبارزه با مخالفین حکومت انقلابی تشکیل یافته بود

مأمور نمود که طرح جدیدی تهیه و به تصویب مجلس برساند. کمیته نجات عمومی طرح جدید قانون اساسی را برای تصویب به هیئت تقنینیه تقدیم نمود که پس از دو هفته مذاکره و مذاقه با پاره اصلاحات در ۲۴ ژوئن مورد قبول نمایندگان واقع گردیده به آراء عمومی ارجاع و با کثرت قریب بانفاق (۱۸۰۱۹۱۸) رأی موافق در قبال فقط ۱۱۶۱۰ مخالف) به تصویب رسید.

قانون اساسی مصوب ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ که اصول مندرج در اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ را با پاره اصلاحات سرلوحه خود قرار داده بود دارای ۱۲۴ ماده میباشد که اهم آنها از این قرار است:

حاکمیت ناشی از ملت بوده و ملت را تمام مردم تشکیل میدهند. مردم نه تنها نمایندگان مجلس ملی بلکه مستخدمین دولت اعضای هیئت منصفه مستشاران دیوان کشور و اعضای دادگاههای جنائی را انتخاب می کنند (مواد ۷-۸-۹).
کلیه اشخاصیکه در فرانسه متولد شده و در آن کشور اقامت داشتند پس از رسیدن به سن ۲۱ سال حق داشتند در انتخابات شرکت کنند. اتباع خارجه نیز با داشتن ۲۱ سال عمر، یک سال اقامت در فرانسه و عایدی شخصی یا ازدواج با زن فرانسوی میتوانند حق رأی داشته باشند بعلاوه اتباع خارجه که هزینه معاش یک پیرمرد فرانسوی را تأمین یا یک طفل فرانسوی را به فرزندگی قبول میکردند میتوانند در انتخابات شرکت کنند (ماده ۴).

انتخابات مستقیم بود و اشخاصیکه واجد شرایط قانونی بودند برای هر ۴۰۰۰ نفر جمعیت با کثرت مطلق آراء یک نفر نماینده انتخاب میکردند. در صورت عدم حصول اکثریت مطلق انتخاب نماینده تجدید میشد و در انتخابات ثانوی اکثریت نسبی کافی بود.

علنی یا مخفی بودن انتخابات موکول به تصمیم خود انتخاب کنندگان بود (مواد ۱۶-۲۲-۲۶)

کلیه اتباع فرانسه که واجد شرایط انتخابات کردن بودند میتوانند بکالت انتخاب شوند (ماده ۲۸).

پارلمان دارای یک مجلس بود که اعضای آن برای مدت یکسال انتخاب میشدند و در اول ماه مه انتخابات مجلس تجدید میشد (مواد ۳۲ و ۴۰).

برای تشکیل جلسات مجلس حضور نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان کافی بود. تصمیمات با کثرت نمایندگان حاضر در جلسه اتخاذ میگردید (مواد ۴۲ و ۴۹).

نمایندگان مصونیت سیاسی داشتند بدین معنی که مقامات رسمی و اشخاص نمیتوانستند اعضای مجلس ملی را برای نطقی که در پارلمان ایراد نموده و رأیی که میدادند نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از انقضای آن تعقیب نمایند. علاوه بر مصونیت سیاسی نمایندگان دارای مصونیت جزائی نیز بودند بدین ترتیب که بازداشت و تعقیب آنها منوط به اجازه مجلس بود. در موارد جرائم مشهوده مقامات انتظامی میتوانند نمایندگان را دستگیر کنند ولی ادامه بازداشت، تعقیب و محاکمه آنها منوط با اجازه مجلس بود (مواد ۴۳-۴۴).

علاوه بر وضع قوانین و ایجاد مالیات و تصویب بودجه مجلس دارای وظایفی بود که اهم آنها از این قرار است:

اعلان جنگ با مجلس بود. مجلس هر سال عده نیروی زمینی و دریائی رامین مینمود. ورود ارتش بیگانه به خاک فرانسه و نیروی دریائی خارجی به بنادر آن کشور مستلزم اجازه مجلس بود. استقرار حکومت نظامی بدون موافقت هیئت تقنینیه ممنوع بود. تصویب کلیه قراردادهائی که دولت فرانسه با مالک بیگانه منعقد میساخت با هیئت تقنینیه بود. قرار تعقیب اعضای شورای اجرائیه (۱) و مستخدمین دولت را هیئت تقنینیه صادر مینمود و همچنین تعقیب اشخاصیکه متهم به توطئه بر علیه امنیت عمومی بودند با هیئت تقنینیه بود. نصب و عزل فرماندهان نیروی زمینی و دریائی از وظایف هیئت مزبور بشمار میرفت (ماده ۵۵).

قوه مجریه بعهده شورائی بود که ۲۴ نفر عضو آنرا هیئت تقنینیه بنا به پیشنهاد مردم انتخاب میکرد بشرح اینکه در هریک از ولایات اشخاصیکه حق شرکت در انتخابات هیئت تقنینیه را داشتند يك نفر را انتخاب مینمودند و هیئت تقنینیه از بین آنها اعضای شورای اجرائیه را برای مدت دو سال تعیین میکرد و هر سال انتخاب نصف اعضای شورای اجرائیه تجدید میشد. عزل و نصب وزراء با هیئت اجرائیه بود ولی هیئت مزبور حق نداشت آنها را از بین اعضای خود انتخاب کند. اعضای شورای اجرائیه مجاز بودند در جلسات هیئت تقنینیه حضور یافته راجع به امور وزارتخانهائی

خود اظهاراتی بنمایند و همچنین هیئت تقنینیه حق داشت وزراء را برای ادای توضیحات لازم احضار کند (مواد ۶۲ الی ۷۷) .

مبحث دوم

تقسیمات کشور - تشکیلات قضائی - امور مالی - نیروی نظامی - تجدیدنظر

در قانون اساسی - حقوق بشر

خاک فرانسه به ولایات تقسیم میشد و هر ولایتی مرکب از چند بخش (۱) بود و هر بخش را چند دهستان (۲) تشکیل میداد . فرمانداران و بخشداران و دهمداران و سایر مأمورین ولایت و بخش و دهستان را مردم برای مدت دو سال انتخاب میکردند و هر سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد . تعیین حدود و نوع وظائف مأمورین محلی موکول به تصویب قانون مخصوصی بود (مواد ۷۸ الی ۸۴) .

افراد حق داشتند اختلافات حقوقی خود را برای رسیدگی به داوران خصوصی یعنی حکمهای که خودشان انتخاب میکردند رجوع کنند . تصمیمات داوران خصوصی قطعی بود مگر در مواردیکه اصحاب دعوی در قرارداد دآوری حکم داوران را قطعی ندانسته و برای خود حق تقاضای تجدیدنظر قائل میشدند و نیز مردم میتوانند اختلافات خود را به دادرسان بخش (۳) رجوع کنند . دادرسان بخش را مردم انتخاب میکردند و مدت مأموریت آنها یکسال بود . قانون اساسی علاوه بر داوران خصوصی و دادرسان بخش داوران عمومی (۴) را نیز منظور و مقرر داشته بود که آنها را مردم برای یکسال انتخاب کنند .

داوران عمومی بنا به تقاضای اصحاب دعوی به احکام صادره از طرف داوران خصوصی یا دادرسان بخش رسیدگی کرده حکم قطعی صادر مینمودند . دادرسی در محاکم بخش و نزد داوران عمومی علنی و مجانی بود (مواد ۸۵ تا ۹۵) .

محاکمات جزائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد . تعقیب متهمین مستلزم شکایت به هیئت منصفه بود مگر در مواردیکه قرار تعقیب متهمین را هیئت تقنینیه

صادر می‌کرد. نه تنها محاکمه بلکه بازپرسی نیز علنی بود. تشخیص وقوع جرم با هیئت منصفه بود و دادگاه جنائی فقط مواد مربوطه قانون جزا را درباره متهمی که مجرم شناخته میشد اجرا می‌کرد. قضات دیوان جنائی را مردم برای مدت یکسال انتخاب می‌کردند. در رأس محاکم دیوان کشور قرار گرفته بود (مواد ۹۶ تا ۱۰۰). تمام افراد مردم مشمول مالیات بودند. کلیه وجوه حاصله از مالیات و عایدات دیگر دولت در خزانه داری کل تمرکز یافته و هزینه وزارتخانه ها را خزانه داری پرداخت می‌کرد. هیئت تقنینیه چند نفر را از خارج برای نظارت در خزانه داری تعیین می‌کرد (مواد ۱۰۱ الی ۱۰۶).

تمام افراد مشمول نظام وظیفه بوده و الزام داشتند تمرین نظامی بکنند. برای استقرار صلح و امنیت داخلی کشور مأمات مربوطه می توانستند کتباً تقاضا کنند که عده نیروی نظامی در اختیار آنها گذاشته شود ولی بمنظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی فرانسه فقط شورای اجرائیه مجاز بود قوای نظامی را مورد استفاده قرار دهد (مواد ۱۰۷ الی ۱۱۳).

چنانچه در نصف بعلاوه يك ولايات يك عشر مجامع اولیه تقاضای تجدید نظر در مواد قانون اساسی را می‌کردند هیئت تقنینیه ملزم بود مجامع مزبور را در تمام ولايات منعقد کند و اگر اکثریت آن مجامع با تجدید نظر در قانون اساسی موافقت می‌کردند در این صورت مجلس کنوانسیون ملی (مؤسسان) تشکیل گردیده و مواد مورد نظر را تغییر میداد (مواد ۱۱۵ الی ۱۱۷).

راجع به روابط جمهوری فرانسه با ملل دیگر مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون اساسی ۱۷۹۳ چنین مقرر میداشت:

ملت فرانسه دوست حقیقی و واقعی ملل آزاد میباشد (ماده ۱۱۸).

ملت فرانسه در امور داخلی دول دیگر دخالت نمی‌کند (ماده ۱۱۹).

ملت فرانسه برای اشخاصیکه بعلت آزادیخواهی از کشور خود خارج شده اند

حق پناه قائل است (ماده ۱۲۰).

ملت فرانسه با دشمنی که خاک فرانسه را اشغال نموده صلح نخواهد کرد

(ماده ۱۲۱).

قانون اساسی ۱۷۹۳ حقوق و اختیارات ذیل را برای فرانسویان قائل شده و

و عایت احترام آنرا تضمین میکرد :

مساوات در مقابل قانون و محاکم - آزادی فردی - تامین جانی و مالی - حق تملك اموال منقول و غیر منقول - آزادی عقاید مذهبی - حق تظلم و بالاخره استفاده از تمام حقوق بشری (ماده ۱۲۲) .

بر طبق ماده ۱۲۳ قانون اساسی مورد بحث جمهوری فرانسه درستی و صداقت - شهامت و از خود گذشتگی - زهد و تقوی - پیری و کهنسالی - مهر و محبت و حتی فلاکت و بدبختی مردم را با نظرا احترام مینگریست . بموجب ماده مزبور ملت فرانسه قانون اساسی خود را تحت حمایت و حفاظت اشخاص صالح و پاکدامن قرار میداد .

ماده ۱۲۴ مقرر میداشت که اعلامیه حقوق بشر و متن کامل قانون اساسی باید بر کتیبه ها در عمارت هیئت تقنینیه و در میدانهای عمومی ترسیم شود .

فصل چهارم

قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵

مبحث اول

بجریان تنظیم و تصویب قانون اساسی ۱۷۹۵

پس از تصویب قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳ مجلس کنوانسیون (مؤسسان می‌بایست منحل شده و مجالس دیگری طبق مقررات قانون اساسی جدید تشکیل گردد و اما اوضاع داخلی و مشکلات بین‌المللی فرانسه بقاء یک دولت قوی و توانا را ایجاب میکرد و چون وجود چنین دولتی تحت لوای قانون اساسی جدید که بیشتر جنبه فلسفی داشت غیرمقدور بود از این جهت مجلس کنوانسیون بنا به پیشنهاد سن ژوست (۱) در جلسه ۱۰ اکتبر ۱۷۹۳ تصمیم گرفت که تا استقرار صلح و اعاد اوضاع عادی در فرانسه از اجرای قانون اساسی جدید خودداری شود سپس در اواخر ۱۷۹۳ مجلس تمام اقتدارات دولتی را به کمیته نجات عمومی تفویض و تمام وزارتخانه‌ها و کمیته‌ها و انجمن‌ها و سایر مقامات رسمی و غیررسمی را تابع کمیته مزبور نمود. تنها وزارتخانه‌ها و مقامات دیگر حتی خود کنوانسیون ملی قدرت و توانایی خود را از دست داده و در یک محیط رعب و وحشت بی نظیر کلیه پیشنهادات کمیته نجات عمومی را بدون کوچکترین ایرادی تصویب مینمود.

و اما در ۹ ترمیدور (۲) سال دوم جمهوری ۲۷ ژویه ۱۷۹۴) در نتیجه بازداشت و محاکمه و اعدام روبسپیر (۳) و سن ژوست و سایر اعضاء متنفذ و مؤثر کمیته نجات عمومی رژیم ترور (۴) در فرانسه پایان یافت و قوانین مصوب ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ اختیارات نامحدودی برای کمیته مزبور قائل شده بود ملغی و انجمن انقلابی پاریز که قانون بی‌نظمی و هرج و مرج بود منحل گردید و صلاحیت دادگاه انقلابی نیز محدود

گشت. در اول آوریل و ۲۰ مه ۱۷۹۵ شورشیان مجلس کنوانسیون را اشغال و اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ را تقاضا نمودند. کنوانسیون مبادرت با اقدامات جدی و شدید بر علیه شورشیان نموده و محرکین آنها را بدادگاه انقلابی جلب و دادگاه آنان را محاکمه و محکوم باعدام نمود.

پس از خاموش کردن شورش و از بین بردن یاغیان موضوع اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ در مجلس کنوانسیون مورد بحث قرار گرفته و نمایندگان منسوب به حزب میانه رو ژیروند که پس از ۹ ترمیدور به مجلس کنوانسیون بازگشت نموده بودند با اجرای قانون اساسی مزبور که از طرف نمایندگان حزب ژا کوئن در يك محیط ترس و وحشت تهیه و به نمایندگان مجلس تحمیل شده بود جداً و شدیداً مخالفت کردند زیرا آنها این خوف و نگرانی را داشتند که با اجرای قانون اساسی ۱۷۹۳ و تجدید انتخابات و تشکیل مجلس جدید حکومت فرانسه یکبار دیگر بدست تروریستها افتاده و اوضاع قبل از نهم ترمیدور تجدید خواهد شد. اینک پس از مذاکرات طولانی مجلس کنوانسیون در ماه مارس ۱۷۹۵ يك کمیسیون یازده نفری جهت تجدیدنظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ تشکیل داد و ای کمیسیون مزبور پس از مطالعه دقیق تغییر بعضی مواد قانون اساسی مزبور را کافی ندانسته و در جلسه ۲۳ ژوئن ۱۷۹۵ به مجلس کنوانسیون پیشنهاد کرد که بجای تجدیدنظر در بعضی مواد قانون اساسی ۱۷۹۳ قانون اساسی جدیدی تنظیم و به تصویب برسد. این پیشنهاد مورد قبول واقع گردید و مجلس کنوانسیون در مدت دو ماه طرح پیشنهادی کمیسیون یازده نفری را مورد شور و مذاکره قرار داده و در جلسه مورخ ۲۲ اوت ۱۷۹۵ آنرا با اصلاحات کلی قبول کرد سپس طرح مزبور بآراء عمومی ارجاع و با کثرت ۹۱۶۳۳۴ رأی موافق در برابر ۴۱۸۹۲ مخالف بتصویب رسید. علاوه بر موافقت با طرح جدید قانون اساسی و ارجاع آن بآراء عمومی مجلس کنوانسیون مقرر داشت که از مجموع ۷۵۰ نفر نماینده کنوانسیون ۵۰۰ نفر بحکم قرعه بنمایندگی پارلمان جدید تعیین گردند و منظور این بود که يك نوع هسته از نمایندگان با سابقه و با اطلاع مجلس کنوانسیون در پارلمان جدید ایجاد گردد تا نمایندگان جدید الا انتخاب بتوانند وظایف قانون گذاری را بدون زحمت و اشکال زیاد انجام دهند. این تصمیم مجلس کنوانسیون نیز به فرارندوم ارجاع و با کثرت ۱۶۷۷۵۸ رأی موافق در قبال ۹۵۳۷۳ رأی مخالف تصویب شد.

پس از فراندوم و اعلام نتیجه آن و تصویب قانون عفو عمومی مجلس کنوانسیون در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ منحل و بر طبق قانون اساسی جدید اقدام به تشکیل مجلس بانصد نفری (۱) و مجلس شیوخ (۲) گردید .

قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای ۳۱ ماده مربوط به حقوق و تکالیف بشر و ۳۷۷ ماده اصلی میباشد که به ۱۴ فصل تقسیم شده است . از لحاظ شماره مواد ، قانون اساسی ۱۷۹۵ مفصل ترین قوانین اساسی فرانسه بشمار میرود . از ۳۷۷ ماده اصلی فقط يك قسمت شامل مسائل کلی و اساسی بوده و بقیه مربوط به مسائلی است که ممکن بود حل و فصل آنها به قوانین متعارفی موکول و حتی در نظامنامه داخلی مجالس منظور گردد .

مبحث دوم

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر (۳)

اعلامیه حقوق و تکالیف بشر که سر لوحه قانون اساسی ۱۷۹۵ میباشد با جمله ذیل شروع میشود :

«ملت فرانسه در قبال واجب الوجود (۴) اعلامیه ذیل را که حاوی حقوق و تکالیف بشر میباشد اعلام میکند» .

حقوق بشر :

ماده اول - حقوق افرادی که بطور اجتماع زندگی میکنند عبارت است از آزادی - برابری - امنیت و حق تملک .

ماده دوم - آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که مایل باشند انجام دهند مشروط بر اینکه عمل آنها صدمه بحقوق دیگران وارد نسازد .

ماده سوم - برابری عبارت از این است که قوانین حمایت کننده و قوانین مجازات کننده برای عموم یکسان باشد . اصل برابری با اختلافات طبقاتی و امتیازات موروثی مانعة الجمع است .

ماده چهارم - امنیت یا آسایش خاطر مستلزم این است که هیئت اجتماع وسائل

حفظ حقوق افراد را تأمین کند .

ماده پنجم - حق مالکیت عبارت از این است که اشخاص بهر نحوی که مقتضی صلاح بدانند تصرفاتی در اموال خود نموده از عایدات آن و همچنین از ثمره کار و پیشه خود بهره‌مند گردند .

ماده ششم - قانون مظهر اراده عمومی است که بوسیله اکثریت مردم یا اکثریت نمایندگان مردم تجلی میکند .

ماده هفتم - عملی که قانوناً ممنوع نشده باید مجاز باشد . هیچکس ملزم نیست عملی را انجام دهد که در قانون پیش‌بینی نشده باشد .

ماده هشتم - هیچکس را نمیتوان به دادگاه احضار نموده مورد اتهام قرارداد و بازداشت کرد مگر در موارد مقرر در قانون و با رعایت تشریفاتى که قانون منظور میدارد .

ماده نهم - اشخاصیکه شخصاً یا بوسیله دیگران عملیات غیرقانونی انجام میدهند مجرم شناخته شده و قابل مجازات میباشند .

ماده دهم - هر نوع سختگیری و شدت عمل غیر قانونی نسبت به شخص متهم باید شدیداً مجازات شود .

ماده یازدهم - هیچکس را نمیتوان محاکمه کرد مگر پس از استماع دفاع او یا احضار وی به محکمه .

ماده دوازدهم - مجازاتی که در قانون معین میگردد نباید از حد لزوم تجاوز کند . نوع مجازات باید با اهمیت جرم مطابقت داشته باشد .

ماده سیزدهم - هر نوع عملیکه برای تشدید مجازات قانونی معمول گردد جنایت محسوب میشود .

ماده چهاردهم - هیچ قانونی اعم از مدنی و جزائی عطف بماسبق نمیکند .

ماده پانزدهم - هر کس میتواند نسبت به وقت و کار خود قبول تعهد کند ولی هیچکس مجاز نیست نفس خود را بفروشد و نیز هیچکس را نمیتوان مورد معامله قرارداد .

ماده شانزدهم - مالیات برای تأمین منافع عمومی وضع میشود . مالیات باید با در نظر گرفتن بنیه مالی مؤدیان تعیین و دریافت شود .

ماده هفدهم - حاکمیت ناشی از مجموع افراد است .

ماده هیجدهم - هیچ فردی و هیچ دسته‌ای نمی‌تواند خود را منشاء حاکمیت بدانند.
ماده نوزدهم - بدون نمایندگی قانونی هیچکس نمیتواند حکومت کند یا یکی از وظایف عمومی را انجام دهد.

ماده بیستم - هر فردی حق دارد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در وضع قوانین و انتخاب نمایندگان ملت و مأمورین دولت شرکت کند.

ماده بیست و یکم - وظایف عمومی را نمیتوان مورد تملک قرار داد.
ماده بیست و دوم - امنیت اجتماعی بدون تفکیک قوا و تعیین حدود وظائف هر یک از آنها بدون مسئولیت مستخدمین غیرمقدور است.
تکالیف بشر:

ماده اول - اعلامیه حقوق تعهداتی برای قانونگذاران قائل است. حفظ و نگهداری جامعه‌ایجاب میکند اشخاصیکه اجتماع را تشکیل میدهند به تکالیف خود آشنا بوده و آنرا انجام دهند.

ماده دوم - تمام تکالیف بشرناشی از دواصل ذیل است که بدست طبیعت در قلوب مردم منقوش گردیده است یکی اینکه آنچه را که مایل نیستید در باره شما معمول دارند نسبت بدیگران انجام ندهید دیگر آنکه باشخاص خوبی کنید تا آنها نیز بشما خوبی کنند.

ماده سوم - تکالیف هر فردی نسبت بجامعه عبارت است از دفاع آن - خدمت بجامعه - اطاعت از قوانین و احترام اشخاصیکه وضع قوانین میکنند.

ماده چهارم - کسی که آدم خوب پدر خوب برادر خوب رفیق خوب و شوهر خوب نیست ممکن عضو خوب جامعه باشد.

ماده پنجم - کسیکه براستی و صداقت از قوانین پیروی نکند ممکن نیست آدم خوبی باشد.

ماده ششم - کسیکه علناً قوانین را نقض کند باجامعه در حالت جنگ است.

ماده هفتم - کسیکه قوانین را آشکارا نقض نکرده ولی با مهارت و تردستی و حیل از رعایت آن استنکاف ورزد جامعه را جریحه دار میسازد و خود را ناشایسته نیکی و احترام معرفی میکند.

ماده هشتم - زراعت - عملیات تولیدی دیگر - وسائل کار و نظم اجتماعی بوجود -

و بقاء مالکیت شخص بستگی دارد .

ماده نهم - در مواردیکه قانون مقرر میدارد ، هر فردی از افراد جامعه موظف است بمنظور حفظ آزادی و برابری و مالکیت نفس خود را در اختیار وطن قرار دهد .

مبحث سوم

هیئت قانون گذاری

قانون اساسی ۱۷۹۵ از انتخابات عمومی و مستقیم که در قانون اساسی ۱۷۹۳ پیش بینی شده بود عدول کرده انتخابات دودرجه و مأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار نمود . توضیح آنکه بر طبق ماده ۸ از فصل دوم قانون اساسی ۱۷۹۵ کسانی که در فرانسه متولد شده و مقیم آن کشور بودند بشرط داشتن لا اقل ۲۱ سال عمر و پرداخت مالیات مستقیم از حقوق سیاسی بهره مند میگردیدند . اشخاصیکه واجد شرایط مندرج بالا بودند با یکسال اقامت در حوزه انتخابیه می توانستند در مجامع اولیه (۱) شرکت کنند . در هر بخش برای حداقل ۴۵۰ و حداکثر ۹۰۰ نفر رأی دهنده یک مجمع اولیه تشکیل میشد بهر حال هر بخشی میبایست لا اقل یک مجمع اولیه داشته باشد و لو اینکه شماره رأی دهندگان آن کمتر از ۴۵۰ نفر باشد . هر یک از مجامع اولیه از بین رأی دهندگان برای مخفی برای مدت یکسال یک منتخب برای هر دوست نفر رأی دهنده اعم از حاضر یا غائب تعیین میکرد .

برای شرکت در مجامع درجه دوم (۲) اشخاص علاوه بر ۲۵ سال عمر بایستی مالک یا مستأجر زمین یا خانه مسکونی باشند . مجامع درجه دوم سالی یک مرتبه در روز مقرر در ماده ۳۶ قانون اساسی منعقد گردیده و در ظرف مدت ده روز برای مخفی و با کثرت آراء ، نمایندگان هیئت قانون گذاری و مستشاران دیوان کشور و اعضا ، هیئت منصفه و قضات و پاره مستخدمین دولتی را انتخاب میکردند . قانون اساسی ۱۷۹۵ هیئت قانون گذاری را به دو مجلس تقسیم کرده بود که یکی شورای شیوخ و دیگری مجلس پانصد نفری نامیده میشد . شورای شیوخ دارای ۲۵۰ نفر عضو بود . برای انتخاب شدن به عضویت شورای مزبور داشتن لا اقل ۴۰ سال عمر - تأهل و ۱۵ سال اقامت (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) در فرانسه ضروری بود برای انتخاب شدن نمایندگان شورای پانصد نفری ۳۰ سال عمر شش سال اقامت در خاک

فرانسه (بلافاصله قبل از انتخاب شدن) لازم بود ولی شرط سن (۳۰ سال) قبل از سال هفتم جمهوری (۱۷۹۹) قابل اجرا نبوده و تا آن تاریخ برای عضویت مجلس مزبور داشتن لا اقل ۲۵ سال عمر کافی بود.

مواد ۴۵ الی ۷۲ قانون اساسی ۱۷۹۵ دارای مقرراتی بود که اهم آن بشرح زیر است :

بهیچوجه وعنوان هیئت قانونگذاری مجاز نبود هیچیک ازوظایف خود را یا يك یاچند نفر از اعضاء خود یا اشخاص خارج واگذار کند (ماده ۴۵).

مجالس مقننه حق نداشتند وظائف قوه مجریه وقوه قضائیه را شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود انجام دهند (ماده ۴۶).

نمایندگی هیئت قانونگذاری بامشاغل عمومی دیگر مانعة الجمع بود (ماده ۴۷). هیئت قانونگذاری هرده سال یکبار با در نظر گرفتن شماره جمعیت هر یک ازولایات عده نمایندگان آنها را در مجلس شیوخ ومجلس ۵۰۰ نفری معین مینمود و این تصمیم مجالس تاده سال دیگر قابل تجدیدنظر نبود (مادتين ۵۰ و ۵۱).

موکلین مجاز نبودند بنمایندگان خود در هیئت قانونگذاری دستوراتی (۱) داده وآنها را ملزم به انجام آن دستورات بکنند (ماده ۵۲).

نمایندگان هر يك از مجلسین برای مدت سه سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب يك ثلث آنها تجدید میشد (ماده ۵۳).

هیچکس نمیتوانست بیشتر از شش سال متوالی به عضویت هیئت قانونگذاری انتخاب شود (ماده ۵۵).

جلسات شورای شیوخ و شورای ۵۰۰ نفری دائمی بود ولی تعطیل جلسات مجلسین مانعی نداشت (ماده ۵۹).

رئیس ومنشی مجلس شیوخ ومجلس پانصد نفری برای یکماه انتخاب میشدند (ماده ۶۱).

جلسات مجالس اصولا علنی بود ولی هر يك از مجلسین بنا به تقاضای صد نفر از اعضاء خود میتواندست جلسات محرمانه تشکیل دهد. مذاکرات در جلسه محرمانه بعمل میآمد ولی تصمیم میبایستی در جلسه علنی گرفته شود (مواد ۶۴ و ۶۶).

هیچیک از مجالس مجاز نبود کمیسیونهای دائمی داشته باشد و فقط در صورت لزوم میتواندست کمیسیون مخصوصی برای مطالعه در موضوع معینی تشکیل دهد و کمیسیون مخصوص پس از بحث در موضوع مورد نظر و تهیه گزارش و تقدیم آن به مجلس مربوطه منحل میشود (ماده ۶۷).

اعضای هیئت قانونگذاری از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند که میزان سالیانه آن بالغ بر بهای سی هزار کیلو گرم گندم بود (ماده ۶۸).

هیئت مدیره (۱) مجاز نبود در دایره‌ای که مرکز آن در محل انعقاد مجالس واقع گردیده و شمع آن بالغ بر شصت کیلو متر بود نیروی نظامی متمرکز سازد یا عبور دهد مگر به تقاضا یا با اجازه هیئت قانونگذاری (ماده ۶۹).

برای تشکیل جلسات شورای شیوخ و اتخاذ تصمیمات لازم حضور لا اقل نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان آن شورا ضروری بود در صورتیکه برای تشکیل جلسات شورای ۵۰۰ نفری و شروع مذاکرات و دادن رأی حضور لا اقل ۲۰۰ نفر لازم بود. شورای شیوخ فقط مجاز بود طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را بدون جرح و تعدیل تصویب یا رد نماید. اصولاً شورای شیوخ مانند شورای ۵۰۰ نفری طرحهای قانونی را سه مرتبه مورد شور قرار میداد. تصمیم شورای ۵۰۰ نفری مبنی بر فوریت طرح برای شورای شیوخ الزامی نبود بدین معنی که شورای مزبور میتواندست فوریت طرح مصوب شورای ۵۰۰ نفری را قبول یا رد کند. چنانچه شورای شیوخ طرحهای مصوب شورای ۵۰۰ نفری را رد میکرد در اینصورت شورای اخیر الذکر فقط بعد از یکسال میتواندست همان طرح را برای شور مجدد و تصویب به شورای شیوخ ارسال دارد معذلك شورای ۵۰۰ نفری مختار بود در طرحی که از طرف مجلس شیوخ رد شده بود تغییراتی بعمل آورده آنرا بدون رعایت مدت یکسال برای تصویب به مجلس شیوخ بفرستد. تغییر محل انعقاد جلسات مجالس از وظائف اختصاصی مجلس شیوخ بوده و تصمیم شورای مزبور در این مورد قطعی و لازم الاجرا بود.

مبحث چهارم

قانون مدیریت

قوه مجریه را يك هیئت پنج نفری موسوم به هیئت مدیره اعمال می‌کرد. انتخاب اعضای هیئت مدیره با هیئت قانون گذاری بود بدین ترتیب که شورای بانصدنفری برای مخفی و با کثرت مطلق آراء، پنجاه نفر را که واجد شرایط قانونی بودند انتخاب و به شورای شیوخ معرفی می‌کرد و شورای مزبور از بین آنها پنج نفر را به عضویت هیئت مدیره تعیین می‌کرد. برای انتخاب شدن به عضویت هیئت مدیره داشتن ۴۰ سال عمر ضروری بود. مدیران از بین اشخاصی انتخاب می‌شدند که سابقه نمایندگی هیئت قانون گذاری را داشته یا وزیر بودند و این شرط فقط از سال نهم جمهوری (۱۸۰۱) قابل اجرا بود. مدت مأموریت مدیران پنج سال بود و هر سال انتخاب یکی از آنها تجدید میشد ولی در چهار سال اولی (از ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹) هر سال یکی از مدیران بحکم قرعه خارج و جانشین او بر طبق مقررات مذکور در فوق انتخاب میشد. هیچک از مدیران خارج شده نمی‌توانست به عضویت هیئت مدیره انتخاب شود مگر پس از انقضای مدت پنج سال. در صورت فوت یا استعفاء یکی از مدیران جانشین او در مدت ده روز انتخاب میشد. مدیران هر يك متناوباً سه ماه ریاست هیئت مدیره را عهده‌دار بودند. برای رسمیت جلسات هیئت مدیره حضور سه نفر مدیر ضروری بود. هیئت مدیره مسئول امنیت داخلی و خارجی فرانسه بود. هیئت مدیره بمنظور اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری ابلاغیه (۱) صادر می‌کرد. حق پیشنهاد طرح‌های قانونی اختصاص به هیئت قانون گذاری داشته و مدیران از اعمال این حق معنوع بودند و اما برای اینکه رعایت این اصل لطمه بامور دولتی وارد نسازد مدیران در انجام وظائف خود عاجز ننهند قانون اساسی بآنها اجازه میداد که توجیه هیئت تقنینیه را به لزوم تصویب قانون جدیدی یا حذف و یا تکمیل یکی از قوانین مصوب جلب نمایند. قوای نظامی فرانسه در اختیار هیئت مدیره بود ولی مدیران در درون

اشتغال و همچنین دو سال بعد از انقضای مأموریت خود مجاز نبودند فرماندهی نیروی مسلح فرانسه را عهده‌دار شوند. انتصاب فرماندهان ارتش با هیئت مدیره بود. نظارت در اجرای قوانین نیز بعهده هیئت مدیره بود. هیئت مدیره وزراء را نصب و عزل مینمود. عده وزراء و وظائف آنها را هیئت قانون گذاری معین میکرد. شماره وزراء نمیبایست کمتر از شش و بیشتر از هشت نفر باشد. مدیران مجاز نبودند وزراء را از بین اقوام نسبی و سببی خود تعیین کنند. وزراء شورائی تشکیل میدادند و مقام نخست وزیری وجود نداشت. وزراء مسئول اجرای قوانین مصوب هیئت قانون گذاری و اعلامیه‌های هیئت مدیره بودند. هیچیک از مدیران مجاز نبود از فرانسه خارج شود مگر دو سال بعد از انقضای دوره عضویت خود در هیئت مدیره بعلاوه هیچیک از مدیران حق نداشت بیشتر از پنج روز از مقر هیئت مدیره خارج شود و نیز مدیران نمی توانستند به محلی که فاصله آن تا جایگاه هیئت مدیره از ۷ کیلومتر تجاوز میکرد نقل مکان کنند مگر با اجازه هیئت قانون گذاری. مقر هیئت مدیره در همان محلی بود که جلسات هیئت قانون گذاری تشکیل میشد. حقوق سالیانه هر یک از مدیران بالغ بر بهای پانصد هزار کیلو گرام گندم بود در صورتیکه مقرری سالیانه نمایندگان مجلسین برابر قیمت سی هزار کیلو گرم گندم بود.

مبحث پنجم

قانون قضائی

هیئت قانون گذاری و همچنین مدیران و وزراء مجاز نبودند در امور قضائی دخالت کنند. دادرسان نیز حق نداشتند در اعمال قوه مقننه و قوه مجریه شریک و سهیم باشند. دادرسی مجانی بود. عزل دادرسان بدون مجازات و اثبات تقصیر جایز نبود. جلسات دادگاهها علنی بود مگر در مواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ منافع ملی و جلوگیری از انتشارات منافعی عصمت ضروری بود. احکام دادگاهها بایستی مدلل و متکی به قوانین بوده و در جلسه علنی محکمه قرائت شود. قضات را مردم انتخاب میکردند. قانون اساسی به اصحاب دعوی حق میداد که اختلافات حقوقی خود را به

داوری ارجاع کنند. احکام داوران قابل اعتراض نبود مگر در مواردیکه طرفه طبق قرارداد داوری این حق را برای خود قائل میشدند.

در هر بخشی يك دادگاه بخش بایك دادرس (۱) و يك یا چند معاون (۲) د بود. دادرسان بخش و معاونین آنها برای دو سال انتخاب میشدند. تجدیدانتخاب آنها برای يك یا چند دوره دیگر مانع قانونی نداشت. بموجب قانون اساسی ۲۹۵ علاوه بر دادگاه بخش در هر يك از شهرستانها يك دادگاه حقوقی (۳) و در شهرهای بزرگ دادگاه تجارت دایر بود. هر يك از محاکم حقوقی دارای لااقل عضو اصلی و سه عضو علی البدل بود. محاکم حقوقی به احکام صادره از طرف داوران و دادگاههای بخش و محاکم تجارت استینافاً رسیدگی میکردند. دادگاه حقوقه به شعبات تقسیم میشد. رؤسای شعب را دادرسان دادگاه حقوقی از بین خود انتخاب میکردند. احکام صادره از دادگاههای حقوقی را از دیکتترین دادگاههای حقوقی استیناف رسیدگی می نمودند.

در هر ولایتی حداقل سه و حداکثر شش دادگاه جنحه (۴) دایر بود. دادگاه جنحه را يك رئیس دو قاضی بخش یا معاونین آنها تشکیل میدادند. رئیس دادگاه جنحه از بین اعضای دادگاه حقوقی برای مدت دو سال انتخاب میشد. وظائف دادگاه را در دادگاه جنحه نماینده قوه مجریه (۵) انجام میداد. احکام دادگاه جنحه استیناف در دادگاه جنائی (۶) رسیدگی میشد. در هر ولایتی يك دادگاه جنائی وجود داشت. دادرسان دادگاه جنائی از بین قضات محکمه حقوقی انتخاب میشدند. در محاکم جنائی رسیدگی با اتهامات جنائی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. دادستان محکمه جنائی و دایران را هیئت مدیره انتخاب میکرد.

در رأس تشکیلات قضائی دیوان کشور (۷) قرار گرفته بود. عده مستشار

۱ - Juge de paix	۲ - assesseur
۳ - Tribunal civil	۴ - Tribunal correctionnel
۵ - Commissaire du pouvoir exécutif	
۶ - Tribunal criminel	
۷ - Tribunal de cassation	

دیوان کشور نبایستی از سه چهارم مجموع ولایات فرانسه تجاوز کند. مستشاران دیوان کشور برای مدت پنج سال انتخاب میشوند و هر سال انتخاب يك پنجم آنها تجدید میشود. انتخاب مستشاران مزبور در مجامع ولایتی بعمل میآید و تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت. هریك از مستشاران يك قایم مقام داشت که او نیز در مجامع ولایتی برای پنج سال انتخاب میشود. دادستان دیوان کشور و معاونین او را هیئت مدیره نصب و عزل مینمود. دیوان کشور علاوه بر رسیدگی تمیزی به احکام نهائی محاکم به تقاضای احاله دعاوی از محکمه ای به محکمه دیگر نیز رسیدگی میکرد و همچنین وظائف محکمه عالی انتظامی را انجام میداد. بموجب ماده ۲۵۶ قانون اساسی ۱۷۹۵ چنانچه دیوان کشور حکم نهائی یکی از محاکم را نقض کرده و پرونده امر یکبار دیگر مورد رسیدگی ماهوی قرار میگرفت و اصحاب دعوی حکم جدید را نیز مورد اعتراض قرار میدادند در این صورت موضوع به هیئت قانون گذاری احاله میشد و هیئت مزبور در موضوع مورد اختلاف قانونی وضع نموده سپس پرونده امر را به دیوان کشور ارجاع مینمود نظر هیئت قانون گذاری که بصورت قانون در آمده بود برای دیوان کشور الزام آورده بوده و دیوان مزبور وظیفه داشت با در نظر گرفتن رأی هیئت قانون گذاری حکم جدیدی صادر کند.

برای محاکمه نمایندگان شورای بانصد نفری و شورای شیوخ و اعضای هیئت مدیره يك دیوان عالی داد گستری (۱) دائر بود. دادگاه مزبور را پنج نفر قاضی چند نفر عضو هیئت منصفه و دو نفر مدعی ملی (۲) تشکیل میدادند. دیوان عالی داد گستری طبق فرمان هیئت قانون گذاری منعقد میگردد. پس از صدور فرمان هیئت قانون گذاری مبنی بر تشکیل دیوان عالی داد گستری دیوان کشور بجا حضور تمام مستشاران بحکم قرعه پانزده نفر را از بین اعضای خود تعیین میکرد و در همان جلسه از بین عده مزبور پنج نفر برای مخفی و با کثرت آراء، عضویت دیوان عالی داد گستری انتخاب میشدند. اعضای دادگاه مزبور از بین خود يك نفر را بریاست

تعیین می نمودند. اعضای هیئت منصفه در مجامع ولایتی برای مدت یکسال انتخاب میشدند.

مبحث ششم

تجدید نظر در قانون اساسی

تقاضای تجدید نظر در قانون اساسی از طرف شورای شیوخ بعمل میامد و شورای پانصد نفری آنرا قبول یارد میکرد. چنانچه در مدت نه سال سه بار و هر دفعه با فاصله سه سال مجلس شیوخ تجدید نظر در قانون اساسی را تقاضا مینمود و شورای پانصد نفری با این تقاضا موافقت میکرد مجلس خاصی موسوم به مجلس تجدید نظر (۱) جهت تغییر قانون اساسی تشکیل میشد. اعضای مجلس تجدید نظر را ولایات از قرار دو نماینده از هر ولایت انتخاب میکردند. طریقه انتخاب اعضای مجلس تجدید نظر همان طریقه ای بود که قانون اساسی برای انتخاب نمایندگان شورای شیوخ و شورای پانصد نفری منظور میداشت. شرایط انتخاب شدن به عضویت مجلس تجدید نظر نیز همان شرایطی بود که قانوناً برای عضویت شورای پانصد نفری مقرر گردیده بود. نمایندگان شورای پانصد نفری و شورای شیوخ از انتخاب شدن به عضویت مجلس تجدید نظر در قانون اساسی ممنوع بودند. مجلس تجدید نظر در ظرف مدت سه ماه (حداکثر) طرح مواد مورد تجدید نظر را تهیه و برای تصویب به مجامع اولیه ارجاع مینمود.

فصل پنجم

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹

(سال هشتم جمهوری)

در ظرف مدت دو سال از تاریخ تصویب و اجرای قانون اساسی ۱۷۹۵ نمایندگان شورای شیوخ و شورای پانصد نفری با هیئت مدیره تشریک مساعی و همکاری صمیمانه می‌کردند و هیچگونه اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین آنها پیش آمد نکرده بود و علت این همکاری و تشریک مساعی این بود که قسمت اعظم نمایندگان هیئت قانونگذاری و اعضای هیئت مدیره پابند اصول مندرج در قانون اساسی ۱۷۹۵ بوده و خود را ملزم با اجرای اصول مزبور میدانستند. و اما در سال ۱۷۹۷ (سال پنجم حکومت جمهوری) که انتخاب يك ثلث نمایندگان مجلسین تجدید میشد عده‌ای از مخالفین سرسخت هیئت مدیره به عضویت شورای پانصد نفری و شورای شیوخ انتخاب شدند که نتیجتاً سیمای سیاسی مجالس تغییر کرده و اکثریت بدست مخالفین دولت افتاد و از آن تاریخ به بعد نمایندگان هیئت قانونگذاری و خاصه شورای پانصد نفری به مخالفت و مبارزه با مدیران مبادرت نمودند و این مبارزه با اندازه‌ای شدید بود که یکی از نمایندگان شورای پانصد نفری موسوم به ویلوت (۱) در جلسه مورخ ۳ سپتامبر ۱۷۹۷ پیشنهاد کرد که مجلس قرار بازداشت سه نفر از مدیران موسوم به بارراس (۲) روبل (۳) و لاروی بر له پو (۴) را صادر کند. این پیشنهاد يك هیجان و عصبانیت بی نظیری در هیئت مدیره ایجاد نمود که در نتیجه مدیران در ۴ سپتامبر بوسیله نیروی نظامی شورای پانصد نفری و شورای شیوخ را مورد محاصره قرار داده و دستود بازداشت نوزده نفر از مخالفین فعال دولت از جمله ویلوت را صادر کردند سپس نمایندگان مجالس را وادار نمودند

که چندلایحه پیشنهادی دولت را که تماماً جنبه انقلابی داشته و ناقض قانون اساسی بود تصویب کنند. هیئت مدیره باین اقدامات غیرقانونی اکتفا نکرده نمایندگان را وادار نمود که قرار تعقیب پنجاه و سه نفر از اعضای شورای بانصدنفری و شورای شیوخ و حتی دو نفر از مدیران موسوم به کارنو (۱) و بارتلمی (۲) را که با اقدامات و عملیات غیرقانونی سه مدیر دیگر مخالفت میکردند صادر نمایند بعلاوه هیئت مدیره بمنظور طرد مخالفین خود از هیئت قانون گذاری انتخابات ۳۹ ولایت را کان لم یکن و بلااثر اعلام نمود. انتخابات ۱۷۹۸ (سال ششم جمهوری) بنفع دولت تمام شد و هیئت مدیره در هر یک از شوراها اکثریت موافق دولت را حفظ نمود و اما در انتخابات ۱۷۹۹ (سال هفتم جمهوری) یکبار دیگر مخالفین دولت توفیق حاصل نمودند و باتاکا اکثریتی که در هر یک از مجالس بدست آورده بودند مدیرانی را که مسئول کودتای (۳) ۴ سپتامبر ۱۷۹۷ بودند از کار برکنار و بجای آنها هواخواهان خود را تعیین نمودند این عمل هیئت قانون گذاری مانند کودتای ۴ سپتامبر یک اقدام انقلابی بوده و بامقررات قانون اساسی ۱۷۹۵ مبیئت داشت.

نظر به جریانات مزبور و احتمال بروز جنگ داخلی بوناپارات (۴) ژنرال فاتح و جوان فرانسه که در آن موقع فرماندهی نیروی اعزامی فرانسه در مصر را داشت سواحل رود نیل را ترك گفته در ۹ اکتبر ۱۷۹۹ در بندر فرژوس (۵) واقع در شمال غربی بندر نظامی تولون (۶) پیاده شده و از آنجا عازم پاریس گردید و مردم فرانسه که از ظلم و تعدی و کشت و کشتار یک مشت ماجراجو بجان آمده بودند با آغوش باز حکومت مطلق العنان او را قبول نمودند و بدون هیچ قید و شرطی بدولت او تن در دادند و او امرش را گردن نهادند. برای تشریح اوضاع ناروای فرانسه آن زمان و توضیح علل و موجب سقوط هیئت مدیره و واگذاری حکومت نامحدود فرانسه به ناپلئون بوناپارت استناد به قضاوت تییر (۷) مورخ نامی فرانسه کافی بنظر میرسد.

مورخ نامبرده در جلد اول صفحه ۲ - ۵ تألیف خود موسوم به تاریخ کنسولا و امپراطوری (۱) راجع به سقوط هیئت مدیره و استقرار حکومت ناپلئون بشرح زیر اظهار عقیده میکند :

« آنانکه پس از طوفان کنوانسیون این جمهوری مخصوص را بوجود آورده بودند باستحکام و تعالی عمل خود یقین نداشتند اما پس از رژیم خونینی که طی کرده بودند یافتن طریقی دیگر و انجام عملی بهتر برای آنها دشوار بود. در واقع محال بود که آنها بتوانند بفکر بوربن‌ها (۲) بیافتند چه احساسات کلیه مردم برضد آنها بود و همچنین نمیتوانستند خود را در دامان سر کرده‌ای نامدار بیاندازند زیرا در آن هنگام هیچک از فرماندهان ما آنقدر افتخار بدست نیاورده بود که مردم را جذب و تسخیر نماید بعلاوه هنوز تجربه تخیلات و تصورات را از بین نبرده بود تازه از چنگال کمیته نجات عمومی خلاصی یافته بودند و فقط جمهوری خون‌آلود ۱۷۹۳ مرکب از يك مجلس واحد که تمام قوای ثلاثه را در اختیار داشت مورد محك قرار گرفته بود فقط يك کار باقی بود که عبارت باشد از يك جمهوری اعتدالی که در آن قوا عاقلانه تقسیم شده و اداره امور آن بدست مردمان تازه‌ای سپرده شود که نسبت بتمام اجحافاتیکه کشور فرانسه را بوحشت انداخته بود بیگانه باشند .

آزمایش جمهوری جدید چهار سال بطول انجامید (از ۱۳ برومر سال چهارم تا ۱۸ برومر سال هشتم) و با صداقت و حسن نیت از طرف کسانی که اغلب درستکار و دارای نیات عالیه بودند عمل گردید . بعضی افراد تندخلق یا کسانی که در درستی آنها شك میرفت از قبیل باراس توانسته بودند نام خود را داخل صورت اسامی دولتهائی بنمایند که در این چهار سال هریک پس از دیگری سرکار آمدند ولی روبل لادوی یرله‌پو ، لوتورنور (۳) دوژه دو کوس (۴) اشخاص درستکار و بعضی از آنها بسیار لایق و نفر آخر آنان سییس مرد فوق‌العاده بلند مرتبه ای بود . معینا

جمهوری دیرکنوار بزودی صورت اسفناکی بخود گرفت که در آن جنبه هرج و مرج به بیرحمی میچربید. مردم را اعدام نمیکردند ولی تبعید مینمودند کسی مجبور نبود اسکناسهای جدید را بزور تهدید بمرگ قبول کند ولی پرداختی هم بکسی نمیشد. سربازان بدون سلاح و نان بجای آنکه فاتح باشند مغلوب میشدند و دوره نارضایتی غیرقابل تحملی جانشین دوره وحشت و ترور شده بود. از آنجا که ضعف نیزگاهی خشم و غضب از خود ظاهر میسازد این جمهوری اعتدالی که منظور آن ملائمت بود دو تصمیم جابرانه گرفت یکی قرضه تصاعدی اجباری و دیگری قانون گرو گیری (۱) و تصمیم اخیر با آنکه جنبه خونین نداشت یکی از وقیح ترین توهین های زائیده افکار بیرحمانه احزاب بود.

جای تعجب نیست فرانسه که در سال ۱۷۹۹ نمیشد در آن اسم بوربن هار ابرد پس از دیرکنواری دیگر بجمهوری عقیده نداشت و خود را در آغوش آن فرمانده جوان فاتح مصر و ایتالیا انداخت که بیگانه نسبت به احزاب بوده و همه آنها با چشم بی اعتنائی می نگریست و با اراده قوی در امور کشوری و نظامی متساویا ابراز لیاقت نموده و جاه طلبی که از خود ظاهر نمود نه فقط ایجاد ترس و وحشت نکرد بلکه با کمال امیدواری مورد استقبال واقع گردید. برای بدست گرفتن دولت فتوحات و افتخاراتی کمتر از آنچه او بدست آورده بود کافی بود زیرا چندی قبل از او ژنرال ژوبر (۲) را به نوی (۳) اعزام داشتند تا بتواند عناوینی را که نداشت بدست آورده و انقلابی را که در تاریخ ۱۸ برومر بوقوع پیوسته بود برپاسازد. آن بیچاره در نوی مغلوب و مقتول گردید ولی بوناپارت جوان غالب و خوشبخت بطور معجزه آسائی از خطرات جنگ و دریا نجات یافته و از مصر بفرانسه برگشت و در اولین دفعه ای که ظاهر گردید هیئت مدیره درهم شکست. تمام احزاب باستقبال او رفتند و از او تقاضای برقراری امنیت و فتح و صلح را نمودند معینا قدرت یک نفر ممکن نبود در یک روز جانشین آن دوره عوام فریبی شود که ظالم و مظلوم همه بنوبه خود از اقتدار بهره مند

شده بودند. ظواهر میبایستی محفوظ بماند و برای آنکه کشور خسته و کسل فرانسه مجدداً مقتدر گردد اول دولت محلل فاتح ترمیم کننده و نیمه جمهوری لازم بود خلاصه اینکه حکومت کنسولا قبل از رسیدن به امپراطوری ضرورت داشت.»

و اما ناپلئون به محض ورود به پاریس با لوسین بوناپارت (۱) رئیس شورای پانصد نفری، لمرسیه (۲) رئیس شورای شیوخ و سیمیس عضو هیئت مدیره و تالیران (۳) و رجال ناراضی دیگر تماس گرفته و به کمک ویاری آنها و سائل کودتای ۱۸ برومر سال هشتم (۸ نوامبر ۱۷۹۹) را فراهم ساخت و پس از آن اعضای شورای شیوخ روز ۹ نوامبر تشکیل جلسه داده و در این جلسه پس از استماع اظهارات یکی از نمایندگان درباره احتمال ورود اعضای حزب تندرو ژاکوبین به پاریس و امکان تجدید ترور قراری مبنی بر انتقال هیئت قانونگذاری به شهر سن کلو (۴) واقع در حومه پاریس صادر و فرماندهی نظامی ناحیه هفدهم را که سن کلو نیز جز آن بود به ناپلئون بوناپارت تفویض نمودند. بر طبق نقشه قبلی جلسات شورای پانصد نفری و شورای شیوخ در سن کلو تشکیل شد و ناپلئون با یک عده نظامی وارد طالار جلسه شورای پانصد نفری شده و نمایندگان را بوسیله سربازان خود از جلسه بیرون کرد و همان روز شورای پانصد نفری تحت ریاست لوسین بوناپارت با حضور فقط یک عشر اعضای خود تشکیل جلسه داده انحلال هیئت مدیره را اعلام و هیئت دیگری بنام کمیسیون اجرائیه کنسولی (۵) تشکیل داد و ناپلئون بوناپارت و سیمیس و روزه دو کوس را بسمت کنسول تعیین نمود. بعلاوه شورای پانصد نفری که بصورت شورای پنجاه نفری درآمده بود هیئت تقنینیه را تا ۱۹ فوریه ۱۸۰۰ تعطیل کرده و برای هر یک از مجالس یک کمیسیون موقت انتخاب کرد که در غیاب شورای پانصد نفری و شورای شیوخ قوه قانونگذاری را اعمال و نواقص قانون اساسی ۱۷۹۵ را رفع کنند. تصمیمات شورای پانصد نفری مبنی بر انحلال هیئت مدیره و تشکیل کمیسیون اجرائیه کنسولی و تعطیل هیئت تقنینیه و تأسیس کمیسیونهای موقت مورد موافقت مجلس شیوخ واقع گردیده

و هريك از کمیسیونهای مزبور يك کمیسیون فرعی تشکیل داد که موضوع تکمیل قانون اساسی ۱۷۹۵ را مورد مطالعه قرار داده و نظریات خود را به تصویب کمیسیون مربوطه برساند.

کمیسیونهای فرعی طرحی را که سپس تهیه کرده بود مورد مطالعه قرار داده آنرا با نظر موافق برای تصویب به کمیسیونهای اصلی مجلسین ارسال داشتند و کمیسیونهای مزبور همان طرح را با پاره اصلاحات جزئی تصویب نمودند و اما نظر بعدم موافقت ناپلئون با طرح مصوب کمیسیونهای مجلسین يك کمیته چند نفری تشکیل یافت که مطابق نقشه ناپلئون طرح مصوب کمیسیونهای مجلس شیوخ و شورای پانصد نفری را مورد تجدید نظر قرار دهد. طرح تنظیمی کمیته مزبور به ناپلئون اطلاع داده شده و مورد قبول وی واقع گردید سپس بجای اینکه طرح مورد قبول ناپلئون به تصویب کمیسیونهای مجالس برسد بدستور نامبرده در شب ۱۳ دسامبر اعضای کمیسیونهای مزبور احضار و طرح قانون اساسی جدید را امضا نمودند.

بموجب ماده ۹۵ طرح جدید طرح مزبور بایستی بآراء عمومی ارجاع و پس از تصویب در فراندوم بموقع اجرا گذاشته شود. ارجاع به آراء عمومی تازگی نداشت زیرا چنانکه در بالا اشاره شد قوانین اساسی ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵ نیز در فراندوم به تصویب رسیده بود ولی چون نحوه ارجاع بآراء عمومی در طرح جدید قانون اساسی پیش بینی نشده بود بنابراین در ۱۴ دسامبر ۱۷۹۹ قانونی وضع گردید که بموجب آن در هر ناحیه دفتر مخصوصی بازو از مردم درخواست شد که در ظرف ۳ روز از تاریخ وصول طرح جدید موافقت یا مخالفت خود را با آن طرح اعلام کنند. و اما قبل از اینکه در فراندوم انجام یافته و طرح پیشنهادی ناپلئون به تصویب ملت فرانسه برسد قانون اساسی جدید بموقع اجرا گذاشته شد و سه نفر کنسول شورای دولتی را تشکیل داده و وزراء جدید و سی و يك نفر سنا تورا تعیین نمودند و روز بعد سنا تورهایی انتصابی بقیه بیست و نه نفر سنا تورا را انتخاب کردند سپس مجلس سنا که بترتیب مذکور در فوق تشکیل شده

د صد نفر عضو مجلس تریبونا (۱) و سیصد نفر عضو هیئت تقنینیه (۲) را تعیین کرد. کمیسیونهای شورای پانصد نفری و شورای شیوخ پس از تشکیل شورای دولتی و سنای تریبونا و هیئت تقنینیه انحلال خود را اعلام نمودند و در ۷ فوریه ۱۸۰۰ نتیجه آراء عمومی بشرح زیر اعلام گردید :

از ۳۰۱۲۵۶۹ رأی دهنده ۳۰۰۹۴۴۵ نفر قانون اساسی جدید را قبول و بقیه ای دهندگان آنرا رد کرده بودند .

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹ مشتمل بر ۷ فصل و ۹۵ ماده است که ۱۴ ماده ای آن مربوط به حقوق سیاسی افراد بوده و بقیه ۸۱ ماده شامل مجالس مقننه مواد ۱۴ الی ۳۸ (حکومت (مواد ۳۹ تا ۵۹) محاکم (مواد ۶۰ تا ۷۵) و مقررات کلی مواد ۷۶ الی آخر) میباشد .

مبحث دوم

حقوق سیاسی افراد

مواد مربوط به حقوق سیاسی افراد چنین مقرر میداشت :

هر فردی که در خاک فرانسه متولد شده و پس از رسیدن به سن ۲۱ سال کامل هم خود را در محل تولد خویش به ثبت رسانده و یکسال در فرانسه سکونت میکرد بعه فرانسه شناخته میشد . چنانچه يك تبعه بیگانه پس از رسیدن به سن ۲۱ سال تمام نسیم خود را مبنی بر سکونت در خاک فرانسه بمقامات مربوطه اعلام و ده سال متوالی در فرانسه اقامت میکرد تبعه فرانسه شناخته میشد . بموجب ماده ۵ قانون اساسی ۱۷۹۱ اشخاص ذیل از اعمال حقوق حاصله از تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات محروم بودند :

- ۱- ورشکستگان به تفصیر و وراث آنها ۲- اشخاصیکه نوکری میکردند
- کسانیکه بموجب احکام محاکم از تصرف در اموال خود ممنوع یا تحت تعقیب

جزائی بودند ع- اشخاصیکه از حضور در يك دادگاه جنائی خود داری میکردند برای استفاده از مزایای تابعیت فرانسه و شرکت در انتخابات یکسال اقامت در حوزه انتخابیه ضروری بود. ساکنین هر يك از حوزه‌ها از بین خود يك عده را که صلاحیت اداره امور ملی را داشتند انتخاب میکردند. شماره انتخاب شوندگان نبایستی از عشر مجموع اشخاصیکه حق رأی داشتند تجاوز کند. اشخاصی که در يك بخش انتخاب میشدند لیستی تشکیل میدادند که از بین آنها مامورین بخش تعیین میشدند. کسانی که جزء لیستهای بخش يك ولایت بودند از بین خود عده‌ای را که بالغ بر عشر انتخاب کنندگان بود تعیین میکردند و این اشخاص جزء لیست ولایتی منظور گردیده و از بین آنها مامورین ولایتی تعیین می شدند و بالاخره افرادی که جزء لیستهای ولایتی بودند از میان خود يك عده را که بالغ بر يك ده رأی دهندگان بود انتخاب میکردند. همین اشخاص يك لیست ثابت ملی تشکیل میدادند و از بین آنها مامورین ملی تعیین میشدند. اشخاصیکه جزء صورتهای بخش ولایتی و ملی بودند هر سه سال یکبار در لیستهای مربوطه تجدید نظر بعمل آورده و در گذشتگان و اشخاصی را که در ظرف سه سال گذشته بعلت ترك تا بعیت فرانسه نوکری و رشکستگی و علل دیگر از اعمال حقوق سیاسی محروم گردیده بودند از لیستهای مورد تجدید نظر خارج و بجای آنها اشخاص دیگری را تعیین میکردند. بعلاوه هر سه سال یکبار رأی دهندگان مجاز بودند به تشخیص و صلاحدید خود و با کثرت مطلق آراء پاره‌ای از افراد جزء لیستهای سه گانه بخش ولایتی و ملی را از صورتهای مزبور حذف نمایند و بجای آنها اشخاص دیگر را انتخاب کرده و جز صورتهای سه گانه قرار دهند.

بحث سوم

سنای نگهبان (۱)

سنای نگهبان دارای هشتاد نفر عضو بود که مادام العمر انتخاب شده و قابل عزل

بودند. در بدو امر مجلس سنا دارای شصت نفر عضو بود و قرار بود در مدت ده سال از تاریخ تصویب قانون اساسی ۱۷۹۹ سالیانه دو نفر بعداً سناتورها اضافه شود تا در سال ۱۸۰۹ شماره آنها به هشتاد نفر برسد. انتخاب سناتورها بترتیب ذیل بعمل میآمد:

هیئت قانونگذاری و مجلس تربیونو کنسول اول هر یک از آنها یک نفر را به مجلس سنا معرفی میکردند و مجلس مزبور از بین آنان یک نفر سناتور تعیین میکرد. - رای انتخاب شدن به عضویت مجلس سنا داشتن چهل سال عمر ضروری بود. کنسول اول پس از انقضای مدت مأموریت خود یا استعفاء از مقام کنسولی استحقاقاً سناتور میشد در صورتیکه دو کنسول دیگر فقط پس از پایان دوره کنسولی به مقام سناتوری نایل میگرددیدند. اهم وظایف مجلس سنا از این قرار بود:

۱- مجلس سنا از بین اشخاصیکه جزء لیست ملی بودند نمایندگان هیئت انونگذاری و تربیونو کنسولها و مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات را انتخاب میکرد.

۲- مجلس سنا موظف بود به تشخیص خود یا بنابه تقاضای کنسول اول یا مجلس تربیونو کلیه قوانین و فرامین را که با قانون اساسی مابینت داشت کان لم یکن بلا اثر اعلام کند.

۳- مجلس سنا کمیسیونی برای رسیدگی بمحاسبات دولت انتخاب میکرد. اعضای کمیسیون مزبور که عده آنها بالغ بر هفت نفر بود از بین اشخاصی تعیین میگرددیدند که جزء لیست ملی بودند. و اما با اینکه سناتورها ما دام العمر تعیین شده قابل عزل و انتصاب بسایر مشاغل دولتی نبودند معذک نتوانستند وظایف قانونی خود را انجام داده قوانین و فرامین دوره کنسولی را که مابینت با قانون اساسی داشت اطل کنند.

جلسات مجلس سنا علنی نبود و مذاکرات مجلس مزبور منتشر نمیشد. مقرری سناتورها بالغ بر یک دوازدهم حقوق کنسول اول بود.

مبحث چهارم

پارلمان

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی تریبونا و دیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد. مجلس تریبونا دارای صد نفر عضو بود. چنانکه در بالا اشاره شد اعضای مجلس تریبونا را مجلس سنا از بین اشخاصیکه جزء لیست ملی بودند انتخاب میکرد. نمایندگان مجلس تریبونا بایستی لااقل ۲۵ سال عمر داشته باشند. دوره نمایندگی مجلس مزبور پنج سال بود و هر سال انتخاب يك پنجم نمایندگان تجدید میشد. مجلس تریبونا لوائح پیشنهادی دولت را مورد شور و مذاکره قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمود سپس سه نفر از اعضای خود را مأمور میکرد که در جلسه هیئت قانونگذاری حاضر شده دلایل موافقت یا مخالفت خود را باستحضار نمایندگان آن مجلس برسانند بعلاوه مجلس تریبونا میتواندست مصوبات هیئت قانونگذاری و تصمیمات دولت را از لحاظ عدم مطابقت با قانون اساسی به مجلس سناي نگهبان ارجاع و الغاء آنرا درخواست کند و همچنین مجلس تریبونا حق داشت نظر مشورتی خود را جمع به نواقص دستگاه اداری فرانسه و لزوم اصلاح آن را بدولت اطلاع دهد. قبل از تعطیل جلسات خود مجلس تریبونا میتواندست يك کمیسیون موقت انتخاب کند که در صورت لزوم نمایندگان را برای تشکیل جلسه فوق العاده دعوت نماید. جلسات تریبونا علنی بود. مقرری سالیانه نمایندگان مجلس تریبونا ۱۵۰۰۰ فرانك بود.

هیئت قانونگذاری دارای سیصد نفر عضو بود و هريك از ولایات لااقل يك نماینده در مجلس مزبور داشتند. برای انتخاب شدن به عضویت هیئت قانونگذاری داشتن لااقل سی سال عمر ضروری بود. نمایندگان مجلس مورد بحث مانند اعضای مجلس تریبونا برای مدت پنج سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب يك پنجم آنها تجدید میشد. انتخاب نمایندگان برای يك دوره دیگر فقط يكسال بعد از انقضای دوره نمایندگی آنها مجاز بود ولی اعضای مجلس مزبور بدون فاصله يكساله نمیتوانستند به عضویت مجلس تریبونا و مشاغل عمومی تعیین شوند. جلسات هیئت قانونگذاری هر سال در ۲۱ ماه نوامبر تشکیل یافته و چهار ماه طول می کشید و اما در خلال تعطیل هشت ماهه دولت میتواندست مجلس مزبور را بطور فوق العاده منعقد نماید. برای

سمیت جلسات هیئت قانونگذاری و اتخاذ تصمیمات حضور دو نلث لااقل مجموع نمایندگان ضروری بود. مجلس تریبونا و مجلس سنا و شورای دولتی نیز با حضور و نلث اعضاء خویش جلسات خود را تشکیل میدادند.

هیئت قانونگذاری پس از کسب اطلاع از مفاد لوایح مصوب مجلس تریبونا استماع دلایل نمایندگان مجلس مزبور لوایح قانونی را بدون هیچگونه شور و مذاکره برای منخفی و یا اکثریت آراء تصویب یارد میکرد و روی همین اصل هیئت انونگذاری را مجلس بی زبان مینامیدند. جلسات هیئت قانونگذاری هم مانند مجلس تریبونا علنی بود ولی به تقاضای دولت یا عده‌ای از نمایندگان جلسه سری تشکیل میشد. مطابق ماده ۳۴ قانون اساسی عده مستمعین در جلسات هریک از جلسین نه-بی بایستی بیشتر از ۲۰۰ نفر باشد. مقرری سالیانه نمایندگان هیئت انونگذاری بالغ برده هزار فرانك بود. کنسول اول لوایح مصوب هیئت قانونگذاری را در ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور، ابلاغ و بموقع اجرا می گذاشت ولی در خلال این مدت وی میتواند از ابلاغ و اجرای لوایح مزبور بعلت عدم مطابقت با قانون اساسی خود داری کرده و الغای آن لوایح را از سنای حافظ و حامی قانون ساسی درخواست کند.

مبحث پنجم

قوة مجریه

قوة مجریه در دست سه نفر کنسول بود که برای مدت ده سال تعیین میشدند. انتخاب هریک از آنها بطور نامحدود قابل تجدید بود. حکومت فرانسه در دست و ناپارت کنسول اول بوده و دو کنسول دیگر وظائف مشورتی داشتند و و ناپارت نانو نامجاز بود به نظریات آنها ترتیب اثر نداده به تشخیص و صلاحدید خود امور مهم مملکتی را حل و فصل نماید و تصمیمات خود را بموقع اجرا بگذارد. حقوق کنسول اول پانصد هزار فرانك و حقوقی که به هریک از دو کنسول دیگر داده میشد بالغ بر سه عشر حقوق کنسول اول یعنی صد و پنجاه هزار فرانك بود. کنسول اول دارای

وظائف و اختیاراتی بود که اهم آنها از این قرار است :

۱- کنسول اول قوانین مصوب مجالس مقننه را ابلاغ نموده و بموقع اجرا میگذاشت .

۲- عزل و نصب اعضای شورای دولتی و وزراء و سفرای کبار و نمایندگان دیگر فرانسه در خارجه و افسران نیروی زمینی و دریائی و رؤسای ادارات و کمیسرهای دولتی نزد محاکم با کنسول اول بود .

۳- کنسول اول اعضای دادگاه های حقوقی و جنائی را باسئله های مستشاران دیوان کشور و امنای صلح تعیین میکرد و لسی او حق عزل هیچیک از قضات را نداشت .

۴- کنسول اول لوایح قانونی برای شور و تصویب به مجلس تریبونا پیشنهاد میکرد و از نظر تسهیل اجرای قوانین مصوب نظامنامه تنظیم مینمود بدون اینکه اجرای آن قوانین را توقیف یا تعویق نماید .

۵- کنسول اول باممالک بیگانه روابط سیاسی برقرار نموده و قرارداد های متار که جنگ و صلح و اتحاد نظامی و پیمانهای بیطرفی و اقامت و بازرگانی و غیره را منعقد میساخت و اما قرار دادهای صلح و اتحاد نظامی و همچنین اعلان جنگ مستلزم موافقت مجالس مقننه بود و کنسول اول میتواند از مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری تقاضا کند که بحث و اتخاذ تصمیم در باره قرار دادهای اخیر الذکرو همچنین اعلان جنگ بجای جلسه علنی در جلسه محرمانه انجام یابد . بموجب ماده ۵۱ قانون اساسی مورد بحث مواد سری هیچ قرار دادی مبطل مواد آشکار آن نبود .

۶- تامین امنیت داخلی و دفاع از سرحدات فرانسه بعهده کنسول اول بود .

۷- کنسول اول نیروی زمینی و دریائی را اداره میکرد .

۸- کنسول اول مجاز بود بدون انجام تشریفات قانونی دستور بازداشت اشخاصی را که از نظر توطئه بر علیه دولت مورد سوء ظن بودند صادر نماید بشرط اینکه در

رف مدت ده روز از تاریخ بازداشت، متهمین بمقامات صلاحیت دار قضائی تسلیم شوند .
 ۹- ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مصوب مجلسین با کنسول اول بود .
 قانوناً هیچیک از اقدامات و عملیات کنسول اول بدون امضاء، یکی از وزراء
 ببل اجراء نبود (ماده ۵۵ قانون اساسی) .

شورای دولتی که دارای چهل نفر عضو بود بنا به پیشنهاد کنسول اول لوائح
 نونی تهیه مینمود که در صورت موافقت کنسول اول برای شور و تصویب به مجلس
 بپونا فرستاده میشد .

مبحث ششم

تشکیلات قضائی

هر بخشی دارای يك یا چند امین صلح بود . امنای صلح را ساکنین بخش
 رای مدت سه سال انتخاب میکردند . وظیفه امنای صلح این بود که اصحاب دعوی
 سازش دهند و در صورت عدم حصول سازش به طرفین دعوی توصیه میکردند که
 خلاف حاصله فیما بین را بوسیله داوران حل و فصل نمایند .

برای رسیدگی بدعای حقوقی محاکم بدایت (۱) و محاکم استیناف (۲)
 اثر بود . سازمان و حوزه محاکم مزبور و حدود صلاحیت آنها در قانون اساسی معین
 نگردیده موکول به تصویب يك قانون متعارفی شده بود .

در موارد جرائمی که مستلزم مجازات بدنی یا شرم آور (۳) بود هیئت منصفه
 دوی (۴) دعوی را رد یا قبول میکرد .

در صورت پذیرفتن دعوی از طرف هیئت بدوی هیئت منصفه دیگری در دادگاه
 قضائی به پرونده امر رسیدگی کرده متهم را مقصر یا بی گناه می شناخت سپس قضات

دادگاه جنائی باستناد مواد مربوطه قانون جزا حکم محکومیت یا برائت ویرا صادر مینمودند. حکم دادگاه جنائی قابل استیناف نبود و طرفین دعوی فقط حق داشتند از احکام مخالف قانون استدعای تمیز نمایند.

جرائمی که مستلزم مجازات بدنی و شرم آور نبود در محاکم جنحه رسیدگی میشد. احکام محاکم مزبور را دادگاههای جنائی استینافاً رسیدگی میکردند.

در رأس تشکیلات قضائی فرانسه دادگاه تمیز قرار گرفته بود. مستشاران دادگاه تمیز و همچنین کمیسرهای دولتی نزد دادگاه مزبور از بین اشخاصی تعیین میشدند که جزء لیست ملی بودند. قضات محاکم بدایت و استیناف و دادگاه های جنحه و جنائی و کمیسرهای دولتی نزد محاکم اخیرالذکر از بین اشخاصی انتخاب میشدند که جزء لیستهای بخش یا شهرستان بودند. تمام قضات بجز امنای صلح ماده العمر انتخاب میشدند و همانطوریکه در بالا اشاره شد مدت مأموریت امنای صلح سه سال بود.

سناورها نمایندگان مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری و اعضای شورای دولتی مسئول عملیات و اقدامات مربوطه بوظائف خود نبودند ولی چنانچه اعضای مجالس مزبور مرتکب جرائمی میشدند که مشمول مجازات بدنی یا شرم آور بود جلب موافقت مجلس مربوطه در دادگاه های عمومی محاکمه میشدند. قرار تعقیب وزراء را که مرتکب جرائم مزبور میشدند شورای دولتی صادر و محاکم عمومی آن را محاکمه میکردند. وزراء در مواز ذیل مسئول بودند:

۱- برای هر اقدام دولتی که مجلس سنا آنرا خلاف قانون اساسی اعلام مینمود.

۲- برای عدم اجرای قوانین و نظامنامه ها.

۳- برای دستوراتی که برخلاف قانون اساسی و قوانین متعارفی و نظامنامه ها صادر میکردند.

در هر يك از موارد مذکور در فوق مجلس تریبونا نظر خود را راجع

قیب وزیر مورد اتهام باستحضار هیئت قانونگ-ذاری میرسانید و هیئت نامبرده
ن از احضار متهم و استماع دفاع او ویرا بی گناه اعلام یا او را تسلیم دادگاه
الی مینمود .

دیوان عالی مرکب بود از چند نفر مستشار دادگاه تمیز باننخاب آن دادگاه و
هیئت منصفه که اعضای آن از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند انتخاب میشدند.
را تعقیب قضات را که در حین انجام وظیفه مرتکب جرائمی میشدند دادگاه تمیز
مادرو محاکم عمومی آنها را محاکمه میکردند .

مبحث هفتم

مقررات کلی

فصل هفتم (مواد ۷۶ الی ۹۵) قانون اساسی ۱۲۹۹ دارای پاره مقررات کلی
بود که اهم آنها از این قرار است :

خانه هر کسی که در خاک فرانسه اقامت دارد يك پناهگاه غیر قابل تجاوز
شناخته میشود و هیچکس نمیتواند بدون اجازه ساکنین وارد خانه ای بشود مگر در
ورد حریق یا طغیان آب (ماده ۷۶) .

قرار توقیف اشخاص باید متضمن نکات ذیل باشد :

۱- دلایل توقیف و تصریح مواد قانونی که باستناد آن قرار بازداشت صادر

نده است .

۲- صدور قرار توقیف از طرف مقام صلاحیتدار .

۳- ابلاغ قرار توقیف و تسلیم رو نوشت آن به بازداشت شده (ماده ۷۷) .

ماده ۷۸ و چند ماده دیگر رؤسای بازداشتگاهها را ملزم مینمود که بدون
حکم کتبی مقام صلاحیتدار هیچ يك از محبوسین را در توقیفگاه نپذیرند و به محبوسین
جازه ملاقات با اقوام و دوستان خود بدهند مگر در مواردیکه قاضی چنین ملاقاتی
را ممنوع کرده باشد . عدم رعایت مقررات مزبور جرم تلقی شده و مرتکبین مورد

تعقیب جزائی قرار می‌گرفتند. شدت عمل و سختگیری هنگام دستگیری و بازداشت در توقیفگاه بجز آنچه که قانون اجازه میداد جرم شناخته میشد.

مطابق ماده ۸۳ هر فردی از افراد حق داشت شکایات خود را به مقامات رسمی و خاصه مجلس تریبونا ارسال دارد. تسلیم عرایض بطور دسته‌جمعی به مجلس مزبور و سایر مقامات دولتی ممنوع بود.

جرایم نظامی در محاکم مخصوص و طبق آئین دادرسی خاصی رسیدگی میشد (ماده ۸۵).

به کلیه نظامیانیکه ضمن دفاع از وطن مجروح شده بودند و همچنین به زنان و اطفال افسران و سربازانیکه در میدان جنگ یا بر اثر جراحات وارده در جنگ فوت کرده بودند مستمری داده میشد (ماده ۸۶).

هنگام شورش مسلحانه یا آشوب و عصیانیکه امنیت کشور را تهدید میکرد دولت با اجازه قبلی مجالس مقننه میتواند در محل معینی و برای مدت محدودی قانون اساسی را معلق نماید و چنانچه مجالس در حال تعطیل بودند دولت مجاز بود مبادرت با اقدام مزبور بکند منتهی مجالس بایستی بدون فوت وقت منعقد گردند. اقدام دولت را تأیید یا رد نمایند (ماده ۹۲).

ماده ۹۳ قانون اساسی مورد بحث اعلام میکرد به فرانسویانیکه بعد از ۲ ژوئیه ۱۷۸۹ [تاریخ اشغال دژ معروف باستیل (۱) بدست انقلابیون پاریس] خاک فرانسه را ترک کرده و مورد عفو قانونی واقع نگردیده بودند اجازه بازگشت به فرانسه داده نخواهد شد. بموجب همین ماده اموال مهاجرین بطور قطع بنفع دولت ضبط میشد.

ماده ۹۵ دولت را موظف میکرد که قانون اساسی را به تصویب ملت فرانسه برساند.

فصل ششم

قانون اساسی سال دهم پنجم شهری (۱۸۰۲)

مبحث اول

طرد مخالفین دولت از مجلس و انتخاب ناپلئون

بسمت گنرول مارشال

عناصر تندرو فرانسه (ژاکوبین) از شخص ناپلئون و وسائل حکومتی وی و قانون اساسی سال هشتم جمهوری رضایت نداشتند و درخواست میکردند قانون اساسی مزبور که برخلاف فصل سیزدهم (مواد ۳۳۶ الی ۳۵۰) قانون اساسی سال سوم جمهوری وضع و در فرمانروایان مردم تحمیل شده بود منسوخ گردیده قانون اساسی سابق بموقع اجرا گذاشته شود و اما برخلاف آنچه که عناصر افراطی درخواست میکردند ناپلئون و اطرافیان او معتقد بودند که باید تغییراتی در قانون اساسی مورخ ۱۷۹۹ بعمل آید تا دولت بتواند با قدرت و توانائی بیشتری با عناصر تندرو مبارزه کرده ملت فرانسه را از شر آنها رهایی بخشد.

در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۰ ناپلئون مورد سوء قصد واقع گردید. موضوع سوء قصد به ناپلئون در شورای دولتی مطرح و شورای مزبور باستناد اینکه قانون اساسی حافظ و حامی راهزنان نیست تصمیم گرفت از مجلس سنا سؤال کند آیا تبعید تروریستها وسیله مؤثری برای حفظ و حراست قانون اساسی میباشد یا نه؟ مجلس سنا باین سؤال شورای دولتی جواب مثبت داد که در نتیجه صد و سی نفر از عناصر انقلابی بازداشت و به مستعمره گیان (۱) واقع در امریکای جنوبی تبعید شدند. و اما تبعید عده کثیری تروریست بامریکای جنوبی برای ناپلئون کافی نبود بلکه او مصمم بود که اقدامات جدی تری جهت از بین بردن مخالفین خود و تثبیت حکومت خویش بعمل آورد. ناپلئون در

مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری مخالف زیاد داشت که گاهی لوایح او را رد کرد و عملیات و اقدامات ویرا مورد انتقاد شدید قرار میدادند. نظر به مخالفت مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری با لوایح پیشنهادی دولت و خاصه طرح قانون مدنی ناپلئون بر آن شد که مخالفین خود را از مجالس مزبور دور کند.

بصورتیکه در بالا خاطر نشان گردید مطابق قانون اساسی ۱۷۹۹ اعضای مجلس تریبونا و هیئت قانونگذاری را مجلس سنا برای مدت پنج سال از بین اشخاصی که جزء لیست ملی بودند تعیین مینمود و هر سال انتخاب یک پنجم آنها بایستی تجدید شود و تجدید انتخاب قرار بود در خلال سال دهم جمهوری یعنی ۱۸۰۲ انجام یابد. هر چند در ماده ۳۸ قانون اساسی مزبور طریقه تجدید انتخاب یک پنجم اعضای مجالس پیش بینی نشده بود معذک مردم فرانسه یقین داشتند که مجلس سنا بحکم قرعه یک پنجم نمایندگان را از مجالس خارج و بجای آنها از لیست ملی اعضای جدیدی تعیین خواهد کرد و اما مجلس سنا پس از وصول پیام دولت برخلاف انتظار افکار عمومی در جلسه مورخ ۱۸ مارس ۱۸۰۲ از مجلس تریبونا بیست نفر و از هیئت قانونگذاری شصت نفر را که همگی از مخالفین سرسخت دولت بودند بدون قرعه خارج نمود.

این تصمیم خلاف اصول و منطق مجلس سنا که طبق دستور ناپلئون انتخاب گردیده بود برای تسکین حس جادطلبی و بلندپروازی کنسول اول کافی نبود و با تثبیت مقام خود در داخل فرانسه و توسعه فتوحات خویش در جنگ میخواست که او را مادام العمر بریاست قوه مجریه انتخاب کنند و اختیارات و امتیازات بیشتری بر او اوقائل شوند. پس از انعقاد پیمان صلح آمین (۱) بتاريخ ۲۵ مارس ۱۸۰۲ بین فرانسه از یک طرف و انگلستان اسپانیا و هلند از طرف دیگر شورای دولتی پیشنهاد کرد که بعنوان قدردانی و حق شناسی از خدمات ناپلئون در جنگ و انعقاد عهدنامه صلح که جنگ را با سه دولت توانای آن زمان بنفع فرانسه خاتمه داده و صلح و صفای اروپای غربی برقرار میساخت ناپلئون مادام العمر به سمت کنسول اول انتخاب شود.

س از تأیید این پیشنهاد از طرف مجلس تریبونا و هیئت قانون گذاری موضوع به
 آراء عمومی ارجاع و با کثرت ۳۵۶۸۸۸۵ رأی موافق در برابر ۸۳۶۵ رأی مخالف به
 تصویب رسید که نتیجتاً مجلس سنا بموجب تصویب نامه (۱) مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ ناپلئون
 اکنسول مادام العمر اعلام نمود .

و اما آراء متجاوز از سه ملیون و نیم فرانسوی دائر به مادام الحیوة بودن مقام
 کنسول اول نتوانست موجبات رضایت ناپلئون را فراهم سازد . وی مصمم بود که
 جدید نظری در قانون اساسی سال هشتم بعمل آورده اختیارات بیشتری تحصیل کند
 برای تأمین این منظور ناپلئون طرح قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و برای
 رسیدگی به شورای دولتی ارسال داشت و شورای مزبور طرح پیشنهادی کنسول اول
 ا پس از مذاکره خیلی مختصر قبول کرد سپس مجلس سنا طرح مزبور را در جلسه
 ۲ اوت ۱۸۰۲ تصویب نمود و همین طرح بدون ارجاع به فراندوم بموقع اجرا
 گذارده شد .

مبحث دوم

در بیان انتخاباتی

قانون اساسی ۱۸۰۲ سه نوع مجامع انتخاباتی منظور داشته بود که عبارت بود
 از مجمع ناحیه (۲) هیئت رأی دهندگان بخش (۳) و هیئت رأی دهندگان شهرستان (۴) .
 مجمع ناحیه ای را کلیه ساکنین محل که واجد شرایط قانونی بودند تشکیل میدادند .
 رئیس مجمع ناحیه ای را کنسول اول برای مدت پنج سال انتخاب میکرد و دو نفر از مسن ترین
 دو نفر هم از جوانترین رأی دهندگان برای نظارت در انتخابات تعیین میشدند . از نظر
 سهیل در انجام وظائف محوله مجمع ناحیه ای به مجامع فرعی تقسیم میشد . کنسول
 اول از بین دو نفر که مجمع ناحیه ای پیشنهاد میکرد یکی را بسمت امین صلح تعیین

Assemblée de canton — ۲ Sénatus consulte ۱

Collège électoral d'arrondissement — ۳

Collège électoral de département — ۴

مینمود و بهمین ترتیب يك نفر بعنوان جانشین امین صلح انتخاب میشد. امنای صلح و جانشینان آنها برای مدت ده سال تعیین میشدند. مجامع ناحیه‌ای اعضای شوراهای شهر را از بین صد نفر که بیشتر از دیگران مالیات میپرداختند تعیین میکردند و هر ده سال نصف اعضای شوراهای شهر تجدید میشد. شهردار و معاونین او را کنسول اول برای پنج سال انتخاب میکرد. تجدید انتخاب مانعی نداشت. مجمع ناحیه ای چند نفر را که قانون با در نظر گرفتن تعداد سکنه منظور داشته بود عضویت هیئت رأی دهندگان بخش و چند نفر را هم عضویت هیئت رأی دهندگان شهرستان انتخاب میکرد. دولت مجامع ناحیه‌ای را منعقد نموده و دوره جلسات و دستور مذاکرات مجامع مزبور را معین میکرد.

هر يك از هیئت‌های رأی دهندگان بخش برای هر پانصد نفر سکنه يك عضو داشت. بهر حال عده اعضای هیچيك از هیئت‌های مزبور نمیتوانست بیشتر از دویست و کمتر از صد و بیست نفر باشد و هیئت‌های رأی دهندگان شهرستانها برای هر هزار نفر سکنه يك عضو داشتند و این عده نبایستی بیشتر از سیصد و کمتر از دویست نفر باشد. اعضای هیئت‌های انتخاب کنندگان بخش و شهرستانها مادام‌العمر انجام وظیفه میکردند. چنانچه یکی از اعضای هیئت‌های مزبور عملی خلاف شرافت انجام میداد یا اقدامی بر علیه مصالح کشور میکرد هیئت مربوطه بنا به تقاضای دولت و با کثرت سه ربع آراء میتواند او را از عضویت خارج کند و همچنین اگر یکی از اعضا بدون عذر موجه در سه جلسه متوالی حاضر نمیشد از او نیز سلب عضویت میشد. کنسول اول رؤسای هیئت‌های رأی دهندگان بخش و شهرستانها را تعیین میکرد. در هر يك از بخش‌ها از شصت نفر مؤدی که بیشتر از مؤدیان دیگر مالیات مستقیم میپرداختند صورت برداری میشد و هیئت رأی دهندگان بخش از بین اشخاص مزبور عده مقرر در قانون را به عضویت هیئت شهرستان انتخاب میکرد و ضمناً کنسول اول حق داشت ده نفر از بین اشخاصی که دارای نشان افتخار (۱) بوده یا خدمات شایانی بملت فرانسه انجام داده بودند به عضویت هر يك از هیئت‌های بخش تعیین کند.

بعلاوه کنسول اول حق داشت به صلاحدید خود بیست نفر را به عضویت هریک از هیئتهای شهرستان انتخاب کند و از این بیست نفرده نفر بایستی از مؤدیانی که بیشتر از دیگران مالیات مستقیم میپرداختند بوده و ده نفر هم از بین دارندگان نشان افتخار یا اشخاصی که خدمات قابل توجهی بملت فرانسه کرده بودند انتخاب شده باشند.

هریک از هیئتهای ولایتی دو نفر را برای هر کرسی خالی در شورای شهرستان پیشنهاد میکرد و کنسول اول از بین آنها يك نفر را به عضویت شورای مزبور تعیین مینمود. اعضای شوراهای شهرستان برای پانزده سال انتخاب میشدند و هر پنج سال انتخاب يك ثلث آنها تجدید میشد. هریک از هیئتهای رأی دهندگان شهرستان دو نفر را به عضویت مجلس تربیونا دو نفر دیگر را به عضویت هیئت قانون گذاری و دو نفر را هم بنمایندگی مجلس سنا پیشنهاد میکرد و از بین این اشخاص نمایندگان مجالس مزبور یعنی تربیونا و هیئت قانون گذاری و سنا تعیین میشدند. در صورت عدم رعایت قوانین و سایر مقررات دولت حق داشت هیئتهای رأی دهندگان را منحل و دستور تجدید انتخابات هیئتهای مزبور را صادر کند.

مبحث سوم

کنسولها

بموجب قانون اساسی ۱۸۰۲ وظائف قوه مجریه به سه نفر کنسول تفویض شده بود. کنسولها مادام العمر انجام وظیفه میکردند. کنسولها نمایندگی مجلس سنا را داشته ریاست مجلس مزبور را نیز عهده دار بودند. چون ناپلئون دو روز قبل از تصویب قانون اساسی سال دهم جمهوری بموجب تصویبنامه مورخ ۲ اوت ۱۸۰۲ مجلس سنا مادام العمر بسمت کنسول اول انتخاب شده بود از اینجهت قانون اساسی مزبور به بیان طریقه انتخاب کنسول دوم و سوم اکتفا کرده مقرر میداشت که در صورت بلا تصدی بودن یکی از این دو مقام کنسول اول يك نفر را برای احراز آن مقام به مجلس سنا پیشنهاد خواهد کرد و در صورت مخالفت سنا با شخص پیشنهاد شده کنسول اول بایستی شخص دیگری را پیشنهاد کند و چنانچه این دفعه هم کاندیدای پیشنهاد

شده از طرف ناپلئون بامخالفت سنا مواجه میشد در این صورت نامبرده برای دفعه سوم شخص ثالثی را معرفی میکرد و این دفعه مجلس سنا موظف بود فرمان انتصاب او را بسمت کنسول صادر کند .

کنسول اول میتواندست به تشخیص و صلاح دید خود يك نفر را بعنوان جانشین خود در نظر گرفته انتصاب او را از سنا خواستار شود و همچنین کنسول اول مجاز بود بموجب وصیتنامه يك نفر را به قائم مقامی خود تعیین کند و چنانچه چنین شخصی مورد قبول سنا واقع نمیگردید هر يك از کنسولهای دوم و سوم شخص دیگری را به سنا معرفی میکردند و در صورت عدم موافقت با اشخاص پیشنهاد شده اشخاص دیگری پیشنهاد میشدند و مجلس سنا ناچار یکی از آنها را بسمت جانشین کنسول اول تعیین و فرمان او را صادر میکرد . چنانچه کنسول اول قبل از فوت جانشین خود را به مجلس سنا پیشنهاد نکرده و یا بموجب وصیتنامه هیچ کس را به قائم مقامی خود تعیین نمینمود در هر يك از این دو مورد مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول دوم و سوم يك نفر را بسمت کنسول اول انتخاب میکرد و تمام این تشریفات بایستی در ظرف ۲۴ ساعت پس از فوت کنسول اول انجام یابد .

اهم وظائف کنسول اول بشرح زیر بود :

- ۱ - کنسول اول حق پیشنهاد لوایح قانونی را داشت .
- ۲ - کنسول اول وزرا، و مأمورین عالی مقام کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود .
- ۳ - فرماندهی قوای بری و بحری با کنسول اول بود .
- ۴ - کنسول اول پس از طرح موضوع در شورای خصوصی (۱) قراردادهای بین المللی منجمله عهدنامه های صلح و اتحاد نظامی را منعقد و تصویب مینمود .
- ۵ - کنسول اول بنا به پیشنهاد هیئت های ولایتی اعضای شوراهای شهرستان را انتخاب میکرد .

۶ - کنسول اول حق داشت بدون پیشنهاد هیئت های رأی دهندگان يك عده را از

اهل علم و هنر و اشخاصی که خدمات شایانی به فرانسه نموده بودند به عضویت مجلس سنا تعیین کند بشرط اینکه بر اثر این انتصابات مجموع سناتور ها از صد و بیست نفر تجاوز نکند .

- ۷ - انتصاب اعضای شورای خصوصی با کنسول اول بود فقط کنسول دوم و م واسطه مقام خود در شورای خصوصی عضویت داشتند .
- ۸ - کنسول اول با جلب نظر مشورتی شورای خصوصی میتوانست محکومین اسی و غیر سیاسی را مورد عفو قرار دهد یا تخفیفی در مجازات آنها قائل شود .

مبحث چهارم

- شورای خصوصی - شورای دولتی - تریبونال - هیئت قانون گذاری - دینان کشور
- اهم وظائف مجلس سنا بشرح زیر بود :
- ۱ - مجلس سنا مسائلی را که در قانون اساسی پیش بینی نشده ولی برای رای آن کمال ضرورت را داشت حل و فصل مینمود .
 - ۲ - مجلس سنا قانون اساسی را تفسیر میکرد .
 - ۳ - حق انحلال مجلس تریبونال و هیئت قانون گذاری با مجلس سنا بود .
 - ۴ - مجلس سنا احکام محاکم را که از لحاظ امنیت کشور زیان آور بود نسخ میکرد .
 - ۵ - مجلس سنا مقررات لازم الاجرائی برای مستعمرات فرانسه وضع مینمود .
 - ۶ - مجلس سنا در تمام خاک فرانسه یا بعضی نقاط آن حکومت نظامی برقرار میکرد .
 - ۷ - مجلس سنا در صورت لزوم هیئت منصفه را در بعضی ولایات منحل میکرد .
- تمام این تصمیمات را مجلس سنا بنا به پیشنهاد دولت یعنی کنسول اول اتخاذ میکرد . بطور کلی تصمیمات مجلس سنا با کثرت عادی آراء یعنی نصف بعلاوه يك حاضر در جلسه اتخاذ میگردد مگر در مورد تکمیل و تفسیر قانون اساسی و وضع مقررات برای مستعمرات که مستلزم موافقت دو نلث سناتور ها بود . طرح مصوبات

مجلس سنا قبلادر شورای خصوصی مرکب از سه نفر کنسول دو نفر از وزراء دو سناتور دو نفر عضو شورای دولتی و دو نفر هم که دارای نشان درجه اول افتخار بودند مورد شور قرار میگرفت .

سناتور ها از رسیدن به پاره مقامات عالی و قبول مأموریت موقت ممنوع نبودند . وزارت با عضویت مجلس سنا مانع الجمع نبود و وزرائیکه سناتور نبودند میتوانند بدون حق رأی در جلسات مجلس سنا شرکت کنند .

عده اعضای شورای دولتی بالغ بر پنجاه نفر بود . وزراء با حق رأی در جلسات شورای دولتی شرکت مینمودند . اعضای شورای دولتی را کنسول اول تعیین میکرد . ریاست شورای دولتی با وزیر دادگستری بود . شورای دولتی طبق دستور دولت لوایح قانونی تهیه کرده و بوسیله نمایندگان خود از لوایح پیشنهادی خویش در هیئت قانونگذاری دفاع مینمود . علاوه بر تهیه لوایح قانونی شورای دولتی نظامنامه های اجرای قوانین مصوب را تنظیم و بدولت پیشنهاد میکرد و همچنین شورای دولتی بعنوان محکمه عالی اداری به شکایات مردم از ادارات دولتی رسیدگی کرده احکام قطعی صادر مینمود .

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی تریبونا و دیگری هیئت قانونگذاری نامیده میشد .

ماده ۷۶ قانون اساسی ۱۸۰۲ مقرر میداشت که از ۱۸۰۵ بعد (سال سیزدهم جمهوری) مجلس تریبونا دارای پنجاه نفر عضو خواهد بود و هر سه سال انتخاب نصف این عده تجدید خواهد شد . مجلس تریبونا به چند شعبه تقسیم میشد . مجلس مزبور لوایح پیشنهادی دولت را مورد شور قرار داده آنرا تصویب یا رد مینمود سپس چند نفر از اعضای خود را مأمور میکرد که در جلسه هیئت قانونگذاری حضور بهم رسانیده دلایل مخالفت یا موافقت خود را بالوایح پیشنهادی دولت باستحضار آن مجلس برسانند . عده نمایندگان ولایات در هیئت قانونگذاری بسته به تعداد جمعیت آنها بود . هیئت قانونگذاری پس از استماع دلایل نمایندگان مجلس تریبونا لوایح مصوب مجلس مزبور را رد یا تصویب مینمود . انعقاد تعطیل و تمدید دوره اجلاس هیئت

انوانگذاری بادولت بود در صورتی که انحلال مجلس مزبور بموجب تصویبنامه مجلس بنا بعمل میآمد .

در رأس تشکیلات قضائی دیوان عالی تمیز قرار گرفته بود . مستشاران دیوان برور مجلس سنا بنا به پیشنهاد کنسول مادام العمر تعیین میکرد . ریاست کل دیوان ای تمیز با وزیر دادگستری بود بعلاوه دولت مجاز بود ریاست محاکم استیناف را ز به وزیر دادگستری که قاضی اعظم نامیده میشد واگذار کند .

فصل هفتم

قانون اساسی ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری)

مبحث اول

تقریر، مقام امپراطوری، بدناپلئون بر ناپارت

تصویب قانون اساسی جدید

در ماه مارس ۱۸۰۴ چند نفر از هواخواهان خاندان بوربون (۱) که در زمان آنها ژورژ کادودال (۲) نامی قرار گرفته بود توسطه بر علیه ناپلئون نمودند. هر چه این توسطه بلائیر مانده و ژورژ کادودال و مسببین دیگر مجاکمه و اعدام شدند و اطرافیان کنسول اول این سوء قصد را مورد استنفاده سیاسی قرار داده بوسیله فرماندار و فرماندهان ارتش و قضات و مستخدمین ادارات و هیئت های انتخاباتی و دستجات دیگر به ناپلئون تبریک و تهنیت گفته از او درخواست کردند که بمنظور استقرار امپراطوری و جلوگیری از عملیات تروریستی مقام امپراطوری را قبول نموده و آنرا در خاصه خود موروثی کند. مجلس سنا نیز در اواخر ماه مارس بنا به پیشنهاد فوشه (۳) معروضه ای به کنسول اول تقدیم و از او تقاضا نمود که عنوان امپراطوری را پذیرد و بدین وسیله خدمت بزرگ دیگری بملت فرانسه انجام دهد.

پس از دریافت معروضه مجلس سنا ناپلئون شورای دولتی را منعقد کرد و پیشنهاد مجلس سنا را مورد مطالعه قرار داده و نظر خود را اعلام کرد. در جلسه ۱۸ آوریل ۱۸۰۴ مجلس تریبونا نیز یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد که مقام امپراطوری به ناپلئون تفویض گردد. موضوع جهت مطالعه به کمیسیون مخصوصی ارجاع گردید و این کمیسیون تقاضای مذکور را تأیید و به مجلس تریبونای پیشنهاد کرد که ناپلئون

امپراطور فرانسه اعلام نموده و این عنوان را قابل انتقال به وراث ذ کوروی بداند .
 مجلس تریبونادر جلسه سوم ماه مه ۱۸۰۴ گزارش کمیسیون مخصوص ر امینی بر تفویض
 مقام امپراطوری به شخص ناپلئون و وراث ذ کور او تصویب نمود و چون هیئت تقنینیه
 در حال تعطیل بود از این رو نمایندگان حاضر در پاریس احضار و حضوراً رأی مجلس
 تریبونا را تأیید نمودند . و اما پیشنهاد نمایندگان مجلس سنا و تصمیم مجلس تریبونا
 و موافقت عده ای از اعضای هیئت تقنینیه که در آن موقع در پاریس حضور داشتند برای
 ارتقاء کنسول اول بمقام امپراطوری کافی بنظر نمی رسید بلکه لازم بود که مجلس سنا
 با صدور تصویبنامه این اقدام را تسجیل کند . اینک مجلس مزبور در جلسه مورخ
 ۱۸ ماه مه ۱۸۰۴ پس از استماع گزارش کمیسیون مخصوصی که برای رسیدگی باین
 موضوع تشکیل یافته بود تصویبنامه ای (۱) دایر بر تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون
 و جانشینان او صادر نمود سپس سناتورها دسته جمعی در قصر سن کلو حضور بهم رسانیده
 تصمیم سنا را به نامبرده اطلاع دادند . بنابه تقاضای ناپلئون تصویبنامه مجلس سنا
 باراء عمومی ارجاع و با ۳۵۷۲۳۲۹ رأی موافق در مقابل فقط ۲۵۶۹ مخالف تأیید
 گردید و در ۶ ماه نو امبر ۱۸۰۴ مجلس سنا نتیجه آراء عمومی را اعلام نمود .

مبحث دوم

ولایتعهد - نیابت سلطنت - تعیین بدت امپراطور سنیت

قانون اساسی ۱۸ ماه مه ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری) دارای ۱۴۲ ماده
 است که قسمت اعظم آن مربوط به ولایتعهد نیابت سلطنت افراد خانواده سلطنتی
 خصیصه های برجسته و افسران ارشد و مسائل مشابه میباشد . ماده اول مقرر میداشت :
 « حکومت جمهوری به یک نفر امپراطور تفویض میشود که دارای عنوان
 امپراطور فرانسیها میباشد . قضاوت بنام امپراطور بعمل می آید » .

ماده دوم قانون اساسی ۱۸۰۴ ناپلئون بوناپارت کنسول اول را امپراطور
 اعلام می نمود . بموجب مواد ۳ الی ۸ قانون اساسی مورد بحث ولایتعهد با اعیان
 ذ کور ناپلئون بود .

زنان و مردانی که قرابت آنها با ناپلئون بوسیله زنان بوده از حق نیل بولایتعهد و رسیدن بمقام امپراطوری محروم بودند. در صورت نداشتن اولاد ذکور، ناپلئون می توانست پسران و نوه های پسر برادران خود را بفرزندی انتخاب کند که در نتیجه آنها مانند اعقاب طبیعی و قانونی ناپلئون حق رسیدن به ولیعهدی را دارا میشدند و اگر ناپلئون بعد از بنیاد گرفتن اولاد برادران خود بفرزندی دارای اولاد ذکور قانونی میشد در این صورت اولاد مزبور از نظر نیل به ولیعهد بر اولاد خوانده مقدم شناخته میشدند چنانچه ناپلئون فاقد اولاد طبیعی قانونی و اولاد خوانده بود ولیعهد حقاً به برادر و ژرژ بوناپارت (۱) و اعقاب ذکور او تفویض میشد و در صورت فوت ژوزف بوناپارت یا امتناع او از قبول مقام امپراطوری یا بالاخره فقدان اولاد ذکور وی ولیعهد به برادر کوچکتر ناپلئون لوئی بوناپارت (۲) و اولاد ذکور او میرسید. در صورتیکه ناپلئون و برادران او فاقد اولاد ذکور بودند مجلس سنا یک نفر را بمقام امپراطوری انتخاب میکرد و تا انتخاب امپراطور جدید انجام وظایف وی با هیئت وزیران بود.

اعضای ذکور خاندان سلطنتی که حق نیل بولایتعهد را داشتند در سن ۱۸ سالگی در مجلس سنا و شورای دولتی عضویت پیدا میکردند. ریاست خاندان امپراطوری با ناپلئون بود و مشارالیه بموجب فرمان روابط خود را با اقوام خو معین میکرد افراد خاندان امپراطوری بدون اجازه ناپلئون مجاز نبودند از دواج کنند برادران ناپلئون و پسران قانونی او از خزانه دولت مستمری دریافت میداشتند.

در صورت فوت امپراطور ولیعهد وقتی میتواند شخصاً مملکت را اداره کند که دارای ۱۸ سال بود و اگر باین سن نرسیده بود یک نفر بعنوان نایب السلطنه به و از طرف امپراطور صغیر مملکت را اداره میکرد. نایب السلطنه بایستی ۲۵ سال عمر داشته باشد. زنان از حق نیابت سلطنت محروم بودند. نایب السلطنه را امپراطور از بین نزدیکترین اقوام ذکور خود تعیین میکرد و در صورت فقدان اقوام ذکور نایب السلطنه از بین شخصیه های برجسته (۳) انتخاب میشد. در صورت عدم انتخاب نایب السلطنه از طرف امپراطور مجلس سنا یک نفر را از افراد ذکور خاندان امپراطوری به نیابت سلطنت تعیین میکرد و چنانچه در خانواده سلطنتی کسی که دارای

۲۵ سال عمر بوده باشد پیدامی شد در این مورد مجلس سنا از بین شخصیت‌های برجسته امپراطوری یک نفر را بعنوان نایب السلطنه انتخاب مینمود. در دوره نیابت سلطنت و سه سال بعد از رسیدن امپراطور صغیر به سن بلوغ مجلس سنا نمیتوانست باتصوینامه قانون اساسی را تغییر دهد.

بر طبق ماده ۲۴ قانون اساسی نایب السلطنه بطور کلی تمام وظائف امپراطور صغیر را انجام میداد ولی از حق عزل و زبرداد گستری و وزیر امور خارجه و انتصاب سنا توره‌های جدید و پاره شخصیت‌های دیگر ممنوع بود. نایب السلطنه بنام امپراطور صغیر و از طرف او مملکت را اداره میکرد و مسئول عملیات و اقدامات خود نبود. نایب السلطنه موظف بود کلیه لوایح قانونی و نظامنامه‌های اجرای قوانین را قبلاً در شورای نیابت سلطنت که مرکب از شخصیت‌های برجسته بود طرح کند ولی نظر شورای مزبور در این مورد جنبه مشورتی داشته برای نایب السلطنه لازم الاجرا نبود اما اعلان جنگ و انعقاد قرارداد صلح و قراردادهای اتحاد نظامی و بازرگانی مستلزم موافقت نصف بعلاوه يك از اعضای شورای نیابت سلطنت بود و در صورت تساوی آراء موافق و مخالف نایب السلطنه اختلاف موجوده بین اعضای شورای مزبور را حل و تصمیم قطعی اتخاذ مینمود. مقرری نایب السلطنه بالغ بر ربع مقرری پادشاه بود. قیمومت امپراطور صغیر بامادرش بود و چنانچه ولیعهد فاقد مادر بود امپراطور يك نفر را به قیمومت جانشین صغیر خود تعیین میکرد. در صورت فوت مادر امپراطور صغیر و عدم انتخاب قیم از طرف امپراطور متوفی مجلس سنا يك نفر را از بین شخصیت‌های برجسته به قیمومت تعیین مینمود بهر حال سنا حق نداشت نایب السلطنه و اعقاب او و همچنین زنان را به قیمومت امپراطور نابالغ انتخاب کند.

بحث سوم

سنا - شورای دولتی - هیئت قنینیه - مجلس تربیتی

یکی از ارکان مهم دستگاه دولتی مجلس سنا بود که از دستجات ذیل تشکیل میشد:

- ۱- افراد ذکور خاندان سلطنتی.
- ۲- شخصیت‌های برجسته امپراطوری.

۳- بیست و چهار نفر که امپراطور از بین اعضای هیئت های ولایتی تعیین میکرد.

۴- اشخاصیکه امپراطور به تشخیص و صلاحدید خود به سناتوری انتخاب می نمود.

امپراطور از بین اعضای مجلس سنایکنفر ابرای مدت یکسال بریاست مجلس مزبور تعیین میکرد. مجلس سنا دارای دو کمیسیون دائمی بود که یکی کمیسیون آزادی شخصی و دیگری کمیسیون آزادی مطبوعات نامیده میشد. هر يك از این دو کمیسیون هفت نفر عضو داشت که مجلس سنا از بین اعضای خود انتخاب میکرد و وظائف کمیسیونهای مزبور بشرح ذیل بود:

اشخاصیکه از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده و در ظرف مدت ده روز از تاریخ توقیف برای محاکمه به مقامات قضائی تسلیم نمیشدند، می توانستند شخص یا بوسیله و کلاء و اقوام خود به کمیسیون آزادی شخصی مجلس سنا شکایت کنند. کمیسیون موضوع را به وزیری که حکم بازداشت شاکی را صادر نموده بود اطلاع میداد. چنانچه بازداشت شدگان در ظرف ده روز برای محاکمه به مقامات قضائی تسلیم نمیشدند وزراء ملزم بودند موضوع را باستحضار کمیسیون برسانند و اگر بنظر کمیسیون مصالح کشور ادامه توقیف را ایجاب نمی کرد در این صورت کمیسیون از وزیر طرف شکایت درخواست میکرد که محبوس را آزاد کند یا او را تسلیم دادگستری نماید. در صورت عدم انجام این تقاضا مجلس سنا بنا به پیشنهاد کمیسیون آزادی شخصی، وزیری را که از انجام تقاضای موجه کمیسیون استنکاف می ورزید با اتهام بازداشت غیر قانونی مورد تعقیب قرار میداد.

علاوه بر کمیسیون آزادی فردی يك کمیسیون مخصوص دیگری هم میشد. کمیسیون آزادی مطبوعات وجود داشت بشرح اینکه مؤلفین، صاحبان چاپخانه ها و کتابفروشی ها و مدیران جراید حق داشتند از مواعی که مقامات دولتی در چاپ و انتشار کتب و مجلات و روزنامه ها و غیره ایجاد میکردند بکمیسیون آزادی مطبوعات عارض شوند. چنانچه به تشخیص کمیسیون مواعع مورد تظلم را مصالح کشور ایجاب نمی نمود از وزیر طرف شکایت درخواست میشد که اقدام غیر قانونی خود را لغو کند و اگر وزیر از انجام چنین تقاضائی خودداری میکرد در این صورت مجلس سنا بنا به پیشنهاد

کمیسیون مطبوعات قرار تعقیب آن وزیر را صادر می نمود. این دو کمیسیون مانند سایر مقامات رسمی دوره ناپلئون جنبه تشریفاتی داشته و دائماً و همیشه اقدامات عملیات خلاف قانون ناپلئون و وزراء او را تسجیل میکردند و اما وظیفه اساسی مجلس سنا همانا تشخیص مطابقت قوانین مصوب به مجلس سنا فرستاده میشد و مجلس بدین معنی که قوانین بلافاصله پس از تصویب به مجلس سنا فرستاده میشد و مجلس زبور حق داشت در ظرف مدت ۶ روز از تاریخ تصویب قانون آنرا بعلت مبادنت قانون اساسی غیر قابل اجراء اعلام کند سپس تصمیم مجلس سنا باستحضار امپراطور میرسید و وی پس از استعمال نظر مشورتی شورای دولتی رأی سنا را تأیید نموده اجرای قانون مصوب هیئت تقنینیه خودداری میکرد یا نظر سنا را رد نموده قانون مصوب را بموقع اجراء میگذاشت.

یکی دیگر از ارکان دستگاه دولتی شورای دولتی بشمار میرفت. شورای دولتی موظف بود لوایح قانونی و نظامنامه های اجرای قوانین مصوب (۱) را تهیه کند علاوه بر این شورای دولتی بعنوان محکمه عالی اداری بشکایات مردم ادارات دولتی رسیدگی میکرد. برای رسمیت جلسات شورای دولتی که اختصاص تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه های اجرای قوانین داشت حضور دولث اعضاء ضروری بود و برای سایر امور اکثریت عادی کافی بود. شورای دولتی بشش شعبه زاین و امور داخلی و امور مالی و امور نظام و امور بحریه نظامی و امور تجارتی تقسیم میشد. وزراء بواسطه مقام خود در شورای دولتی عضویت داشتند.

در تکمیل مواد ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری ناپلئون ۲۲ ژوئیه ۱۸۰۶ فرمانی صادر نمود که بموجب آن سازمان و وظائف شورای دولتی بدین میگردد. باینکه شورای دولتی در زمان ناپلئون جنبه مشورتی داشته و تصمیمات آن برای دولت لازم الاجرا نبود معذک ناپلئون بشورای مزبور علاقه و اعتماد زیاد داشته و قبل از اینکه تصمیمی در امور مهم مملکتی اتخاذ کند نظر شورای مزبور را خواست و بر اثر همین اعتماد و اطمینان بود که شورای دولتی در تدوین قانون مدنی و قانون جزاء قانون تجارت و اصول محاکمات نقش مهمی ایفاء نمود.

هیئت تقنینیه دو نوع جلسه داشت که یکی رسمی و دیگری خصوصی بود.

در جلسه رسمی، هیئت تقنینیه پس از استماع نمایندگان شورای دولتی و مجلس تریبون بدون شور و مذاکره بلائحه قانونی رأی مخالف یا موافق میداد. و اما بنابتقاضای پنجاه نفر عضو هیئت قانونگذاری یا نمایندگان شورای دولتی و یا بالاخره طرز تصمیم رئیس هیئت برای شور و مذاکره جلسه خصوصی تشکیل میشد. مذاکره در جلسه خصوصی قابل انتشار نبود.

اعضای مجلس تریبون برای مدت ۱ سال انتخاب میشدند و هر پنج سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد. مجلس تریبون سه نفر را برای مخفی و با کثرت آر در نظر گرفته و بامپراطور پیشنهاد میکرد و مشارالیه از بین آنها یک نفر را برای مدت دو سال بریاست مجلس تریبون تعیین مینمود. تریبون به سه شعبه (قوانین، امور داخلی و امور مالی) تقسیم میشد. رسیدگی بلوایح قانونی در شعب سه گانه بهم میآمد و مجمع عمومی مجلس تریبون از رسیدگی بلوایح ممنوع بود.

برای محاکمه افراد خاندان سلطنتی و شخصیت های برجسته و وزراء و سناتورها و اعضای شورای دولتی و افسران ارشد دادگاهی بنام دادگاه عالی امپراطوری (۱) دایر بود. بعلاوه دادگاه مزبور اشخاصی را که متهم به توطئه بر علیه شخص امپراطور و ولیعهد بودند و همچنین مجرمین سیاسی و مأمورین عالیمقام نظامی و کشوری محاکمه میکرد. دادرسان دیوان عالی امپراطوری عبارت بودند از شاهزادگان شخصیت های برجسته امپراطوری، وزیر دادگستری و عده ای از سناتورها و اعضای شورای دولتی و مستشاران دیوان کشور. سناتورها اعضای شورای دولتی و مستشاران دیوان کشور بترتیب سابقه خدمت در دادگاه عالی امپراطوری عضویت پیدا میکردند. علاوه بر دادستان که امپراطور انتخاب مینمود دادگاهشش نفر دادیار داشت که سه نفر را امپراطور و سه نفر دیگر راهیئت تقنینیه بنابه پیشنهاد مجلس تریبون تعیین میکرد ریاست دادگاه با مهردار اعظم (۲) بود. جلسات دادگاه با حضور شصت نفر دادرس تشکیل میگردد. جلسات دادگاه اصولاً علنی بود. هر چند احکام دادگاه قطعی و غیر قابل تجدید نظر بود معذک برای اجرای احکامی که متضمن مجازات بدنی یا رسوا کننده بود موافقت امپراطور ضرورت داشت.

پس از تصویب قانون اساسی سال دوازدهم جمهوری چند تصویبنامه از مجلس ناگذشت که اهم آنها از اینقرار است :

۱- تصویبنامه مورخ نوزدهم اوت ۱۸۰۷ که بموجب آن مجلس تریبونا
یحل گردید .

۲- تصویبنامه مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۰۷ که برطبق آن مقرر گردید قضاتی که
آنتاریخ مادام العمر انتخاب میشدند برای مدت معینی تعیین گردند .

۳- تصویبنامه مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۳ که برطبق آن مجلس سنا حق نیابت
طنت را برای زن امپراطور قائل شد .

۴- تصویبنامه مورخ ۱۵ نوامبر ۱۸۱۳ که مطابق آن ماده ۸ قانون اساسی
۱۸۰۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حق انتخاب رئیس هیئت تقنینیه به امپراطور
ویض گردید .

قسمت دوم

تشکیلات ریاستی فرانسه از سال ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۰

فصل اول

قانون اساسی موقت ژوئن ۱۸۱۴

مبحث اول

شرط ناپلئون - بازگشت خاندان بوربون - قانون اساسی جدید پس از اشغال پاریس از طرف ارتش متفقین مجلس سنا در اول ماه آوریل ۱۸۱۴ ریاست تالیران (۱) تشکیل جلسه داده یک حکومت موقت مرکب از تالیران مارشال برنویل (۲) مارشال پیرمونتسکیو (۳) ژوکور (۴) دالبرگ (۵) که یکی از راج نامی آن زمان بشمار میرفت و شارل موریس (۶) وزیر امور خارجه دوره مدیر و کنسولی و امپراطوری تشکیل داده و در سوم آوریل ناپلئون را از مقام امپراطور منفصل و در همان جلسه بنابه پیشنهاد تالیران بازگشت خاندان بوربون را تصویب نمود. نظر به اهمیت موضوع انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و انتقال تاج و تخت فرانسه به لوئی هیجدهم به درج تصویب نامه مزبور مبادرت میشود. مفاد تصویب نامه بشو زیر است.

نظر باینکه در سلطنت مشروطه وجود پادشاه متکی به قانون اساسی یا قرائن اجتماعی است.

۱ - Maréchal Beurnonville - ۲

Talleyrand - ۱

Maréchal Pierre de Montesquieu - ۳

Dalberg - ۵

Jaucourt - ۴

Charles Maurice - ۶

نظر باینکه ناپلئون بوناپارت در ایام زمامداری متین و عاقلانه خود ملت را وار ساخته بود که در آتیه انتظار اقدامات حکیمانه و عادلانه‌ای از او داشته باشد سپس پیمانی که او را با مردم فرانسه بهم می‌پیوست بخصوص با برقراری مالیاتها ارض مخالف قانون و سوگندی که هنگام جلوس بر تخت سلطنت یاد کرده بود ال شد.

نظر باینکه با عدم تشکیل جلسات هیئت قانونگذاری و انکار عنوان و سهم ت مزبور در نمایندگی ملی به حقوق ملت سوء قصد نمود.

نظر باینکه برخلاف ماده ۵۰ قانون اساسی مورخ ۲۲ فریر (۱) سال هشتم مقرر میدارد اعلان جنگ باید به صورت لایحه قانونی بقوه مقننه پیشنهاد و پس از اعلیه تصویب و اجرا گردد به یک سلسله جنگ اقدام نمود.

نظر باینکه برخلاف مقررات قانون اساسی چندین فرمان اعدام صادر نمود و جب دو فقره فرمان مورخ ۵ مارس گذشته جنگی را که برای برآوردن جاه طلبی ناپروازی او برپا شده بود ملی میشناخت.

نظر باینکه با فرامین خود در باره زندانهای دولتی قوانین اساسی را نقض ده است.

نظر باینکه مسئولیت وزیران را از بین برده و کلیه اقتدارات را درهم نموده بتقلال هیئت قضات را نابود ساخته است.

نظر باینکه آزادی مطبوعات را که یکی از حقوق مسلم ملت بشمار میرود تحت سانسور مستبدانه نظمیه خود قرار داده و در عین زمان از مطبوعات بمنظور اکاذیب و مطالب موهن برای دول خارجی استفاده نموده و در انتشار اسناد ارشاهی که در سنا قرائت شده تحریفاتی بعمل آورده است.

چون بجای آنکه طبق سوگند خود فقط بنفع سعادت و عظمت فرانسه حکومت ناپلئون از مذاکره صلح تحت شرایطی که منافع ملی قبول آنرا لازم میدانست رافت فرانسه لطمه وارد نماید آورد امتناع ورزیده و بدین طریق فلاکت و بدبختی را بحد اعلی رسانده است.

چون از کلیه وسائل اعم از افراد و جوهری که در اختیار او گذاشته شده بود

سوء استفاده نموده و زخمی‌ها را بدون مداوا و کمک و تغذیه ترك کرده و اقدام بعمل آورده که نتیجه آن تخریب شهرها و تقلیل سکنه دهستانها و بروز قحطی و شیوع امراض مسری بوده است .

چون بععل مذکور دولت امپراطوری که بموجب تصویبنامه مورخ ۲۸ فلوریال سال دهم ایجاد شده بود دیگر وجود ندارد و خواسته تمام فرانسویان استقرار نظم است که نخستین نتیجه آن برقراری صلح و آشتی بین تمام دول عضو خانواده بزرگ اروپا میباشد .

سنا مراتب ذیل را اعلام میدارد :

ماده اول - ناپلئون بوناپارت از مقام امپراطوری منفصل و حق جانشینی افری خانواده او نیز ملغی میگردد .

ماده دوم - ملت و ارتش فرانسه از سوگند وفاداری نسبت به ناپلئون بوناپارت معاف میشوند .

ماده سوم - این فرمان بدون تأخیر بوسیله پیام حکومت موقت فرانسه به تمام ولایات و سپاه‌ها فرستاده خواهد شد و در تمام محله‌های پایتخت منتشر خواهد گردید .

تصمیم مجلس سنا مبنی بر انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری در جلسه سه‌شنبه ۱ آوریل ۱۸۱۴ به تصویب هیئت تقنینیه رسید . ناپلئون که با گارد امپراطور در قصر فونتن بلو (۲) بسر میبرد در ۴ آوریل بنفع پسر سه سال خود موسوم به دوک دورایخ شتادت (۳) از مقام امپراطوری استعفا کرد ولی بر اثر اصرار متفقین ۱۱ آوریل بدون قید و شرط کناره‌گیری نموده و در ۲۰ آوریل عازم جزیره الب (۴) واقع در دریای مدیترانه گردید .

و اما قبل از استعفای ناپلئون مجلس سنا يك کمیسیون هفت نفری جهت تهیه طرح قانون اساسی جدید انتخاب نمود . طرح تنظیمی کمیسیون مزبور در جلسه ۶ آوریل با اتفاق آراء بتصویب رسید و روز بعد یعنی در ۷ آوریل هیئت تقنینیه نیز همین طرح را با اتفاق آراء تصویب نمود . قرار بود طرح مصوب که قانون اساسی سنا (۱)

۱ - floréal ماه هشتم سال جمهوری (از ۲۰ آوریل تا ۱۹ مه) .

۳ - Duc de Reichstadt

۲ - Fontainebleau

۵ - Constitution sénatoriale

۴ - Elbe

یافته میشد به آراء عمومی ارجاع گردد ولی برائرمخالفت لوئی هیجدهم از ارجاع آراء عمومی صرف نظر شده و خود طرح از بین رفت سپس کمیسیون جدیدی مرکب نمایندگان پادشاه و مجلس سنا و هیئت تقنینیه تشکیل گردید که طرح قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و به تصویب برساند. در ۴ ژوئن ۱۸۱۴ طرح پیشنهادی بیسیون در جلسه مشترک مجالس با حضور پادشاه قرائت و پس از تصویب، از طرف شاه ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شد.

قانون اساسی جدید موسوم به منشور اساسی (۱) دارای يك مقدمه و ۷۶ ماده اش. متن مقدمه از اینقرار است:

« خداوند متعال که پس از غیبت طولانی ما را مجدداً بکشورمان خوانده و وظائف بی بعهده ما محول فرموده است. اولین احتیاج اتباع ما صلح بود ما هم بلادرنك ن پرداختیم و این صلح که برای فرانسه مانند بقیه اروپا لازم بود بامضاء رسید. شاع کنونی کشور احتیاج به يك قانون اساسی داشت ما آنرا وعده کرده بودیم کنون ابلاغ مینمائیم. با توجه باینکه در فرانسه تمام قدرت در اختیار پادشاه است سلاف ما اعمال آنرا با در نظر گرفتن شرایط زمانی تغییر داده بودند بدین طریق لی نمودند (۲) مزایائی برای رعایا قائل شده سپس لوئی مقدس (۳) و فلیپ جمیل (۴) وق آنها را تائید نموده و توسعه دادند.

قوانین لوئی یازدهم و هازری دوم (۵) و شارل نهم (۶) اساس برقراری نظم بانی و توسعه آن بوده است و بالاخره لوئی چهاردهم تقریباً کلیه قسمت های ادارات لتی را بوسیله فرامین مختلفه با درایتی که تا آن زمان از آن بالاتر دیده نشده بود لیم نمود. ما هم بمثال پادشاهان سلف خود از تأثیر ترقیات روزافزون و روابط بیسی که ترقیات مزبور در جامعه ایجاد نموده و تمایلی که در نیم قرن اخیر با فکار ه اند و تحولاتی که از آن حاصل گردیده مستحضر هستیم و توجه نموده ایم که آمال اع ما برای ایجاد يك قانون اساسی ناشی از احتیاجات حقیقی آنان می باشد ولی با قبول این ال احتیاط کامل بعمل آورده ایم که قانون مزبور لایق ما و ملتی باشد که افتخار بانروائی آنرا داریم افراد دانا و عاقلی از میان طبقه اول کشور به نمایندگان شورای ما

Louis le Gros - ۲
Philippe le Bel - ۴
Charles IX - ۶

Charte constitutionnelle - ۱
Saint Louis - ۳
Henri II - ۵

ملحق شده‌اند که این عمل مهم را انجام دهند در عین حال که اذعان داریم اروپای روشنفکر انتظار یک حکومت مشروطه آزاد را دارد بخاطر نیز داریم که وظیفه اولی ما نسبت به ملت این است که برفع آن حقوق و مزایای تاج و تخت خود را محفوظ بداریم.

ما امیدواریم که در نتیجه تجربه، ملت یقین حاصل کرده باشد که فقط قدرت عالیّه است که میتواند بمؤسساتی که ایجاد مینماید نیرو و دوام و عظمتی را که خود دارد بدهد. بدین طریق زمانی که درایت سلاطین با نیت ملل تطبیق مینماید قانون اساسی دارای دوام خواهد بود ولی هنگامی که باشدت عمل و استفاده از ضعف دولت امتیازاتی کسب مینمایند آزادی عمومی مانند تاج و تخت سلطنتی در خطر خواهد بود. اصول قانون اساسی را در اخلاق فرانسوی و آثار مقدس قرون گذشته کاوش نموده و بدین لحاظ طبقه نجبا را یکی از مبانی ملی تشخیص داده‌ایم که باید خاطرات گذشته و تجربیات را با یکدیگر مربوط ساخته و از مننه قدیم و جدید را با هم به پیوند و مجلس مبعوثان را جانشین مجالس قدیمی کردیم که نسبت بمنافع ملت ابراز جدیت نموده و وفاداری و احترام خود را نیز نسبت بمقام سلطنت ظاهر نماید. با سعی در ارتباط سلسله ایام که تجاوزات ناروایی آنرا از هم گسیخته بود کلیه مصائبی را که در غیاب ما به ملت وارد نموده بودند همانطور که آرزو داریم از صفحه تاریخ محو گردد از خاطر خود محو نمودیم. خوشوقت از رجعت در این خانواده بزرگ در مقابل ابراز آنهمه علاقه جز اظهار و بیان تسلی نمیتوانیم پاسخی دهیم و گرامی‌ترین ادعیه ما این است که تمام فرانسویان مانند برادر با یکدیگر زندگی نمایند و هیچ خاطره تلخی امنیتی را که باید در تعقیب اعطاء فرمان رسمی امروز ایجاد گردد متزلزل نسازد. با اطمینان بمقاصد و اتکاء بوجدان خود در مقابل مجلس که بسخن ما گوش میدهد تعهد مینمائیم که نسبت باین قانون اساسی وفادار باشیم و در پیشگاه آنکه سلاطین و ملل را در یک ترازو می‌سنجد مجدداً سوگند یاد میکنیم که آنرا حفظ نمائیم. مطابق میل خود و با اعمال آزادانه اقتدارات سلطنتی با این شرایط موافقت داشته و منشور اساسی را از طرف خود و همچنین از طرف جانشینانمان، باتباع خود برای همیشه اعطاء میداریم.»

فصل اول - (مواد ۱ تا ۱۲) قانون اساسی اعطائی در خصوص حقوق و وظائف مردم چنین مقرر می‌داشت :

« فرانسویان بدون توجه به عناوین و مقام در مقابل قانون مساوی هستند . تمام فرانسویها به تناسب دارائی خود مالیات و عوارض میپردازند . تمام مردم فرانسه بدون استثناء ، حق اشتغال بمشاغل نظامی و کشوری را دارند . آزادی شخصی فرانسویها تضمین میشود بدین معنی که هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر با رعایت شرایط قانونی و در مواردیکه قانون پیش بینی میکند . هر کس مجاز است با آزادی کامل طبق قوانین مذهب خود عمل کند . باینکه تمام مذاهب بطور مساوی مورد حمایت دولت میباشد معذک مذهب کاتولیک آئین دولتی شناخته میشود . مأمورین مذهب کاتولیک و سایر ادیان مسیحی از خزانه دولت حقوق میگیرند . فرانسویها با رعایت قوانین مربوطه حق دارند عقاید و نظریات خود را منتشر کنند . حق تملك اموال منقول و غیر منقول غیر قابل نقض و مصون از تعرض و تجاوز میباشد ولی در مواردیکه منافع دولت ایجاب کند سلب مالکیت جایز است مشروط بر اینکه قیمت ملك مورد نظر پرداخته شود . تعقیب و مجازات اشخاص برای نظریاتی که قبل از بازگشت خانواده بوربون به فرانسه اظهار داشته اند و رأییکه داده اند ممنوع است . نظام اجباری ملغی و طریقه استخدام افراد و ملاحان را قانون معین خواهد کرد » .

مبحث دوم

پادشاه و وزراء

بموجب قانون اساسی ۴ ژوئن ۱۸۱۴ اهم وظائف پادشاه بشرح زیر بود :

۱- ازلحاظ ریاست قوه مجریه پادشاه وزراء و سایر مأمورین عالیه مقام نظامی و کشوری را عزل و نصب مینمود . فرماندهی کل قوای زمینی و دریائی با پادشاه بود . پادشاه اعلان جنگ میداد و قرارداد صلح و اتحاد نظامی و عهدنامه های بازرگانی و اقامت و غیره را منعقد میساخت . پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالك خارجه میفرستاد و نمایندگان ممالك مزبور را می پذیرفت . پادشاه حق داشت در تمام کشور یا يك قسمت آن حکومت نظامی اعلان کند . بر اثر استقرار حکومت نظامی آزادی شخصی و مسکن و مطبوعات و اجتماعات و غیره بطور موقت لغو یا محدود گردیده و اداره تمام کشور یا قسمتی از نقاط آن به مأمورین نظامی واگذار میشد و همچنین محاکمه بعضی جرائم بدادگاه های نظامی ارجاع میشد . اعطای عناوین

اشرافی و درجات و نشان و غیره با پادشاه بود. ضرب مسکوکات با رعایت قوانین مربوطه بنام پادشاه بعمل میآمد.

۲- پادشاه در اعمال قوه مقننه شریک و سهیم بوده و باین عنوان دوره اجلاسیه مجلس مبعوثان و مجلس اعیان را افتتاح میکرد. حق تعطیل مجالس با پادشاه بود. پادشاه مجاز بود مجلس مبعوثان را منحل کند و لی ملزم بود مجلس جدید را در ظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد. حق پیشنهاد لوایح قانونی با پادشاه بود و مجالس مقننه از اعمال این حق محروم بودند فقط قانون اساسی به هریک از مجلسین اجازه میداد که با جلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به يك موضوع قانونی جلب و استدعا کند که راجع به آن موضوع يك لایحه قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجالس ارسال دارند. پادشاه حق داشت لوایح قانونی را به تشخیص و صلاحدید خود به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان پیشنهاد کند با استثناء لوایح مالی که بایستی قبلاً به مجلس مبعوثان فرستاده شود. حق توشیح و ابلاغ قوانین با پادشاه بود.

۳- قضاوت ناشی از پادشاه بود. پادشاه قضات را تعیین میکرد. اعمال حق عفو و تخفیف مجازات با پادشاه بود.

شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود. قبل از جلوس بر تخت سلطنتی پادشاه قسم یاد میکرد که قانون اساسی را حافظ و حامی بوده و بر طبق آن سلطنت کند. مخارج دستگاه پادشاهی برای تمام دوره سلطنت معین میگردد. بطوریکه فوقاً ذکر شد عزل و نصب وزراء با پادشاه بود بدون اینکه مجالس مقننه دخالتی در این امر داشته باشند. وزراء مجاز بودند با حفظ مقام وزارت در یکی از مجلسین عضویت داشته باشند. وزراء در مقابل مجالس مسئولیت جزائی داشتند بدین معنی که قرار تعقیب آنها را مجلس مبعوثان صادر و مجلس اعیان آنها را محاکمه میکرد.

مبحث سوم

مجالس مقننه

پارلمان دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان (۱) و دیگری مجلس

مبعوثان (۱) نامیده میشد. اعضای مجلس اعیان را پادشاه مادام‌العمر یا بطور موقتی تعیین میکرد. چون عدهٔ نمایندگان مجلس اعیان محدود نبود لذا پادشاه میتواند يك عده را به تشخیص و صلاحدید خود بصورت مجلس مزبور تعیین نموده بدینوسیله قیافه سیاسی آن مجلس و بالنتیجه تمام دستگاه تقنینیه را تغییر دهد. افراد خانواده سلطنتی با اجازه پادشاه که برای يك دورهٔ تقنینیه صادر میشد در سن ۲۵ سالگی حق داشتند در مذاکرات مجلس شرکت نموده و رأی دهند در صورتیکه سایر اعضای مجلس مزبور در سن ۲۵ سالگی حق شرکت در جلسات را داشته و در سن ۳۰ سالگی از حق رأی استفاده میکردند. ریاست مجلس اعیان با مهردار فرانسه (۲) بود و در غیاب او یکی از اعضاء آن مجلس با انتخاب پادشاه و وظائف ریاست را انجام میداد. جلسات مجلس اعیان علنی نبود.

اعضای مجلس مبعوثان از طرف مردم انتخاب میشدند. برای رأی دادن داشتن لااقل ۳۰ سال عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانك مالیات مستقیم لازم بود. و این دو شرط یعنی سی سال لااقل عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانك مالیات مستقیم باندازه ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه در حدود فقط صد هزار نفر حق رأی داشتند. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴۰ سال لااقل عمر و پرداخت هزار فرانك مالیات مستقیم ضروری بود. اگر در یکی از ولایات عدهٔ اشخاصی که دارای ۴۰ سال عمر بوده و هزار فرانك لااقل مالیات مستقیم میپرداختند کمتر از پنجاه نفر بود در این صورت به اشخاصی که کمتر از هزار فرانك مالیات میدادند اجازه داده میشد که به عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شوند. منظور واضعین مقررات فوق الذکر این بود که افراد خیلی جوان و بی بضاعت را از حق رأی محروم نموده نمایندگی مجلس مبعوثان را منحصر بافراد بولدار و مسن کنند تا از انتخاب اشخاص آزادخواه که بیشتر از طبقه جوانان بوده و میباشند جلوگیری شود. در هر حوزه انتخابیه لااقل نصف اعضای مجلس مبعوثان بایستی از بین اشخاصی انتخاب شوند که در همان حوزه سکونت داشتند. انتخابات مستقیم و مخفی بود و رأی متعدد بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ معمول گردید بدین معنی اشخاصیکه بیشتر از میزان معین در قانون عایدی داشتند دارای

دو رأی بودند . رأی متعدد در فرانسه تا ۱۸۳۱ مرسوم بوده و در آن تاریخ ملفی گردید . اعضای مجلس مبعوثان برای ۵ سال انتخاب میشدند و هر سال انتخاب يك پنجم آنها تجدید میشد . برخلاف مجلس اعیان جلسات مجلس مبعوثان علنی بود ولی بنابه تقاضای پنج نفر نماینده جلسه سری تشکیل میگردد . از بین پنج نفر نماینده که مجلس مبعوثان پیشنهاد میکرد پادشاه یک نفر را بریاست آن مجلس تعیین مینمود . جلسات مجلسین در عین زمان شروع و پایان می یافت .

مجالس اصولاً مساوی الحقوق بودند و اما برخلاف این اصل مجلس اعیان وظائف قضائی داشت بدین معنی که محاکمه وزراء و متهمین به خیانت و توطئه برضد امنیت کشور با مجلس مزبور بود . بعلاوه چنانچه یکی از نمایندگان مجلس اعیان مرتکب جنایتی میشد او را مجلس مزبور محاکمه میکرد . نمایندگان مجلسین مصونیت جزائی داشتند بدین ترتیب که توقیف و محاکمه آنها در زمان اشتغال بدون اجازه مجلسی که در آن عضویت داشتند ممنوع بود مگر در موارد جرائم مشهوده . چون پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص به پادشاه داشت و مجالس از اعمال این حق محروم بودند از این رو نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد کنند مگر با موافقت پادشاه .

فصل دوم

قانون اساسی مصوب ۲۲ آوریل ۱۸۱۵

مبحث اول

بازگشت ناپلئون به فرانسه و تصویب قانون اساسی جدید

بطوریکه فوقاً ذکر شد پس از اشغال پاریس از طرف دول متفق و انفصال ناپلئون از مقام امپراطوری و تشکیل يك حکومت موقت مرکب از فرماندهان نامی و رجال سیاسی معروف فرانسه، در ۴ آوریل ۱۸۱۴ امپراطور از مقام خود به نفع پسر سه ساله اش استعفا کرد ولی بر اثر اصرار متفقین ناپلئون در ۱۱ آوریل بدون قید و شرط از مقام امپراطوری دست کشیده و در ۲۰ آوریل پس از تودیع با گارد امپراطوری عازم جزیره الب (۱) واقع در دریای مدیترانه شد. متفقین جزیره کوچک الب را تحت حکمرانی ناپلئون قرار دادند و نامبرده با حفظ عنوان امپراطور و دریافت مستمری مکفی در جزیره مزبور مستقر شد. و مادر کنگره وین (۲) که از سلاطین اطیش و روسیه و پروس و دانمارک و جمعی از سلاطین آلمان و رجال معروف اروپا مانند مترنیخ (۳) و لنکتن (۴) تالیران (۵) و رازومووسکی (۶) برای حل و فصل مسائل حاصله از جنگهای ناپلئون تشکیل یافته بود چنین اظهار عقیده میشد که چون توقف ناپلئون در جزیره الب ممکن است برای امنیت و آسایش اروپا ایجاد خطر کند بنابراین صلاح است که وی به يك جزیره دور افتاده مانند سنت الن (۷) تغییر مکان داده شود بلاوه اخبار واصله از پاریس حاکی از این بود که مردم فرانسه از وسائل حکومتی لویی هیجدهم ناراضی هستند و آرزو دارند که ناپلئون از محل تبعید خود به فرانسه

Vienne — ۲

Wellington — ۴

Rasoumovsky — ۶

Elbe — ۱

Metternich — ۳

Talleyrand — ۵

Sainte Hélène — ۷

مراجعت کرده و باردیگر زمام امور فرانسه را در دست قوی و توانای خود بگیرد .
 نظر باینکه قاطبه اهالی فرانسه مایل به بازگشت امپراطور مستعفی به فرانسه بودند و از طرفی هم در کنگره وین اختلافات شدیدی بین دول ایجاد شده بود لذا ناپلئون مخفیانه جزیره البرا ترک کرد و در اول ماه مارس ۱۸۱۵ در خلیج ژوآن (۱) واقع در جنوب فرانسه از کشتی پیاده شده روانه پاریس گردید و در طول راه مردم با آغوش باز او را استقبال کردند و بار دیگر سرنوشت فرانسه را در دست توانای او قرار دادند . در ۲۰ مارس هنگامیکه لوئی هیجدهم بعجله از پاریس فرار میکرد ناپلئون وارد قصر معروف توایلری (۲) شد و اما قبل از ورود به پاریس ناپلئون در شهر لیون (۳) واقع سر راه پاریس فرمانی صادر کرد که بموجب آن مجلس اعیان و مجلس مبعوثان را که بر طبق قانون اساسی اعطائی لوئی هیجدهم تشکیل یافته بود منحل و اعلام می نمود که بدون فوت وقت مجلس جدیدی از نمایندگان ملت فرانسه تشکیل خواهد داد تا بادر نظر گرفتن منافع کشور و تمایلات و آرزوهای مردم قانون اساسی جدیدی وضع و بموقع اجرا بگذارد . پس از ورود به پاریس ناپلئون کمیسیون از وزرا، و اعضای شورای دولتی و رجال معروف انتخاب نمود و این کمیسیون که تحت ریاست خود ناپلئون جلسات خود را تشکیل میداد طرحی را که رجل معروف فرانسه بنژامن کونستان (۴) تهیه کرده بود با پاره اصلاحات قبول نمود و این طرح که سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری (۵) نامیده میشد مطابق معمول حکومتهای انقلابی و خود ناپلئون بوناپارت بآراء عمومی ارجاع و با کثرت ۱۵۳۲۳۲۷ رأی موافق در مقابل فقط ۴۸۰۲ مخالف به تصویب رسید . در ۳۰ آوریل فرمان انتخابات مجلس مبعوثان صادر و پس از تعیین اعضای موروئی مجلس اعیان مجالس جدید در ۳ ژوئن منعقد گردید .

قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵ دارای يك مقدمه و ۶۷ ماده میباشد . باینکه قانون اساسی مزبور سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری نامیده میشد ولی بیشتر شباهت به قانون اساسی ۱۸۱۴ اعطائی لوئی هیجدهم دارد بدین معنی که واضعین

قانون اساسی جدید پارهٔ مواد قانون اساسی ۱۸۱۴ را مورد تجدیدنظر قرار داده و آنرا بصورت سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری در آورده بودند .

در مقدمه قانون اساسی جدید ، ناپلئون بوناپارت راجع به اصول و مبانی حکومت آینده فرانسه بشرح زیر اظهار عقیده میکرد :

« از زمانی که پانزده سال قبل مامطابق تصمیم ملت فرانسه حکومت این کشور را بعهدہ گرفتیم در ایام مختلف سعی و کوشش کردیم که قوانین مشروطیت را بادر نظر گرفتن حوائج و آرزوهای مردم واستفاده اذدروس حاصله از تجربیات گذشته تکمیل کنیم که در نتیجه قانون اساسی امپراطوری بصورت يك سلسله مقررات در آمد که مورد قبول ملت فرانسه واقع گردید . مادر نظر داشتیم يك اتحادیه بزرگی ازدول اروپا تشکیل دهیم و این نقشه بارو حیه مردم این عصر مطابقت داشته ووسائل پیشرفت تمدن را فراهم میساخت . برای تهیه زمینه تشکیل اتحادیه اروپا ما انجام بعضی اقدامات داخلی را بتأخیر انداختیم . یگانه منظور ما این است که بوسیله تثبیت واستحکام آزادی عمومی سعادت و نیکبختی ملت فرانسه را تأمین کنیم . برای رسیدن باین هدف لازم میدانیم تغییرات کلی در قوانین اساسی و تصویبنامه های سنا و سایر مقرراتی که بموجب آن این امپراطوری اداره میشود بعمل آوریم .

برای اینکه مقررات مفید و نافع دوره گذشته حفظ شده و از طرفی هم قوانین اساسی امپراطوری خودمان باتمایللات ملت و حوائج صلح اروپا منطبق گردد مامصمم شدیم يك سلسله مقررات مبنی بر تغییر و تکمیل قوانین اساسی و تضمین حقوق مردم و بسط و توسعه اختیارات هیئت نمایندگان به تصویب مردم برسانیم تا نتیجتاً آزادی سیاسی و آسایش و امنیت فردی با قدرت و توانائی دولت توأم بوده و دول بیگانه استقلال ملت فرانسه و مناعت تاج ما را محترم شمارند . با توجه باصول مندرج بالا مواد ذیل بنام سند الحاقی به قوانین اساسی امپراطوری به آراء عمومی ارجاع میشود تا مردم فرانسه آزادانه آنرا تصویب نمایند . »

ماده اول سند الحاقی مقرر میداشت که قوانین اساسی دوره کنسولا و امپراطوری که عبارت از تصویبنامه های مورخ ۲ و ۴ اوت ۱۸۰۲ و ۱۸ مه ۱۸۰۴ مجلس سنا باشد بشرط عدم مبیانت با قانون اساسی جدید بقوت خود باقی است . طبق ماده دوم اعمال قوه مقننه با امپراطور و نمایندگان پارلمان بود .

مبحث دوم

مجلس اعیان و مجلس مبعوثان

بموجب قانون اساسی جدید پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بود که یکی مجلس اعیان و دیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد. نمایندگان مجلس اعیان را امپراطور بطور موروثی تعیین میکرد. در صورت فوت یکی از اعضاء مجلس مزبور حق نمایندگی به پسر بزرگتر او انتقال می یافت. اعضاء مجلس اعیان در سن ۲۰ سالگی حق حضور در جلسات و حق شرکت در مذاکرات را داشتند و پس از رسیدن به سن ۲۵ سالگی میتوانند رأی بدهند و اما اعضاء خاندان امپراطوری از شرط سن مذکور مستثنی بوده در سن ۱۸ سالگی حق حضور در جلسات مجلس اعیان را داشتند و در سن ۲۱ سالگی از حق رأی استفاده میکردند. مانند دوره لوئی هیجدهم تعداد نمایندگان مجلس اعیان نامحدود بود. مجلس مزبور تحت ریاست مهردار امپراطوری (۱) جلسات خود را تشکیل میداد و همانطوریکه در تصویبنامه مورخ ۱۸ مه ۱۸۰۴ مجلس سنا مقرر گردیده بود در غیاب مهردار امپراطوری يك نفر از نمایندگان مجلس اعیان بانتخاب امپراطور وظائف ریاست را عهده دار میشد.

نمایندگان مجلس مبعوثان را مردم برای مدت پنج سال انتخاب میکردند. ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۸۱۵ مقررات قانون اساسی ۴ اوت ۱۸۰۲ مربوط به هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها و بخشها را با پاره تغییرات تأیید میکرد. اهم این تغییرات از این قرار بود :

از سال ۱۸۱۶ بپس قرار بود اعضاء مجلس اعیان بانتخاب امپراطور مادام العمر ریاست هیئت های شهرستانها را عهده دار شوند. از تاریخ مزبور هیئت انتخاب کنندگان هر يك از شهرستانها موظف بود از بین رأی دهندگان هر يك از بخشها يك رئیس و دو نایب رئیس انتخاب کند و برای انجام این منظور هیئت انتخاب کنندگان شهرستانها بایستی ۱۵ روز قبل از تشکیل مجامع بخشها منعقد گردد. رأی دهندگان ملزم نبودند نمایندگان مجلس مبعوثان را از بین ساکنین حوزه انتخابیه خود تعیین کنند بلکه مجاز بودند آنها را از میان رأی دهندگان حوزه های دیگر نیز انتخاب نمایند.

از باب صنایع و تجارهریک از شهرستانها يك نماینده مخصوص از بین خودشان انتخاب میکردند .

تعداد اعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر ۶۲۹ نفر بود . برای عضویت مجلس مبعوثان ۲۵ سال عمر کافی بود . رئیس مجلس مبعوثان را خود نمایندگان انتخاب میکردند ولی انتخاب او مستلزم موافقت امپراطور بود . مجلس مبعوثان اعتبارنامه های نمایندگان را چه از حیث واجد بودن شرایط قانونی و چه از لحاظ جریان انتخابات مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یا رد می نمود . نمایندگان مجلس مبعوثان و همچنین اعضاء مجلس اعیان مصونیت پارلمانی داشتند بدین معنی که در زمان اشتغال بازداشت و تعقیب آنها باتهام جنحه یا جنایت بدون اجازه مجلس مربوطه جایز نبود مگر در موارد جرائم مشهوده بعلاوه از تاریخ افتتاح تا ۴ روز بعد از پایان دوره اجلاسیه نمایندگان مجلسین برای عدم پرداخت قروض قابل بازداشت نبودند . اعضاء مجلس اعیان را باتهام جنحه یا جنایت خود مجلس اعیان محاکمه میکرد در صورتیکه محاکمه اعضاء مجلس مبعوثان بامحاکم دادگستری بود . عضویت در مجلس مبعوثان و مجلس اعیان با استخدام دولتی مانعة الجمع نبود بهر حال فرمانداران (۱) و بخشداران (۲) در حوزه مأموریت خود قابل انتخاب نبودند بعلاوه محاسبین خزانه دولت مجاز نبودند با حفظ سمت خود قبول نمایندگی کنند .

جلسات هر دو مجلس علنی بود ولی ده نفر عضو مجلس اعیان یا بیست و پنج نفر از اعضاء مجلس مبعوثان حق داشتند تقاضای تشکیل جلسه محرمانه کنند . دولت نیز مجاز بود درخواست کند که مجالس برای استماع اظهارات وزراء جلسات محرمانه تشکیل دهند . امپراطور حق داشت مجلس مبعوثان را تعطیل یا منحل کند . در صورت انحلال بایستی دستور انتخابات جدید صادر و مجلس جدیدالانتخاب در ظرف مدت شش ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد گردد . چنانچه مجلس مبعوثان تعطیل یا منحل میشد مجلس اعیان نمیتوانست تشکیل جلسه دهد .

حق پیشنهاد لوایح قانونی اختصاص بدولت داشته و مجالس از اعمال این حق محروم بودند و فقط میتوانند از دولت تقاضا کنند که راجع به يك موضوع قانونی

لایحه تهیه و برای تصویب به مجالس پیشنهاد کند. مواد اصلاحی به لوایح قانونی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشد بایستی قبلاً باستحضار وزراء رسیده و مورد قبول دولت واقع گردد و در غیر این صورت مجالس موظف بودند لوایح پیشنهادی دولت را بدون جرح و تعدیل تصویب یا رد کنند. از لحاظ اعمال قوه مقننه مجالس متساوی الحقوق بودند فقط لوایح قانونی دایر بر وضع مالیات و معاملات استقراض و سر باز گیری و همچنین بودجه کل کشور اول در مجلس مبعوثان مطرح سپس بتصویب مجلس اعیان میرسید. تفسیر قوانین مستلزم تصویب و توشیح قانون مخصوص بود.

مبحث سوم

مخاکم - حقوق افراد

بموجب قانون اساسی ۱۸۱۵ تمام قضات را باستثنای امنای صلح و اعضای مخاکم تجارت امپراطور تعیین میکرد. قضات برای تمام عمر انتخاب میشدند و قابل تغییر نبودند. هیئت منصفه مانند سابق دایر بود. مجلس مبعوثان قرار تعقیب وزراء را صادر و مجلس اعیان آنها را مخاکم میکرد. قبل از صدور قرار تعقیب وزراء مجلس نمایندگان میتواند آنها را برای ادای توضیحات احضار کند و پس از صدور قرار تعقیب، مجلس مبعوثان از بین اعضاء خود پنج نفر را انتخاب و آنها را مأمور میکرد که مجرمیت وزیر متهم را در محضر مجلس اعیان ثابت کنند. رسیدگی بجرائم نظامی در صلاحیت دادگاههای نظامی بود در صورتیکه جرائم غیر نظامی که افسران و سربازان مرتکب میشدند در مخاکم عمومی رسیدگی میشد. اعمال حق عفو عمومی و خصوصی و تخفیف مجازات محکومین با امپراطور بود.

مواد ۵۹ الی ۶۷ (فصل ششم) حقوق ذیل را برای افراد قائل شده بود:

«فرانسویان از لحاظ پرداخت مالیات و از حیث اشتغال به مشاغل کشوری و نظامی مساوی هستند، هیچکس را نمیتوان از دادگاه قانونی محروم نموده در دادگاه فوق العاده مخاکم کرد. هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت و تعقیب نموده گرد در موارد مقرر در قانون و بارعایت تشریفات که قانوناً منظور گردیده است. آزادی عقاید مذهبی برای کلیه افراد تضمین میشود.

حق مالکیت و حق دریافت مطالبات از دولت برای عموم محفوظ است.

اشخاص حق دارند عقاید و نظریات خود را بدون سانسور انتشار دهند ولی مقامات مربوطه و اشخاص متضرر حق تعقیب نویسنده را دارند .
جرائم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود .
هر فردی میتواند نظریات و درخواستهای خود را باستحضار دولت و مجالس مقننه برساند .
تقدیم عرایض بطور دسته جمعی ممنوع است .

عرایض مردم در جلسات علنی مجالس خوانده میشود و در صورت قابل توجه بودن توسط رؤسای مجالس بعرض امپراطور میرسد .
حکومت نظامی فقط در صورت اشغال قسمتی از خاک فرانسه از طرف نیروی نظامی يك دولت بیگانه یا شورش داخلی برقرار میشود . در مورد اول حکومت نظامی را دولت بدون تصویب مجالس مقننه برقرار می کند ولی در صورت شورش داخلی استقرار آن مستلزم تصویب قانون مخصوصی است بهر حال چنانچه مجالس در حال انعقاد نباشند دولت مجاز است حکومت نظامی اعلان کند بشرط اینکه در ظرف مدت ۱۵ روز پس از تشکیل جلسات مجالس يك لایحه قانونی دائر بر اجازه برقراری حکومت نظامی تهیه و به پارلمان پیشنهاد کند .

بموجب فصل سوم (مواد ۳۴ الی ۳۷) قانون اساسی مورد بحث مالیات مستقیم برای یکسال و مالیات غیر مستقیم برای چند سال وضع میشود . در صورت انحلال مجلس مبعوثان مالیات مصوب مجلس منحل شده تا انعقاد مجلس مبعوثان جدید قابل دریافت بود . دریافت مالیات مستقیم و غیر مستقیم ، انجام معاملات استقراضی دولت ، فروش یا معاوضه املاک دولتی ، ترتیب سرباز گیری و واگذاری قسمتی از خاک فرانسه به يك دولت خارجی تمام این عملیات بموجب قانون صورت می گرفت . لوایح قانونی دایر بر وضع مالیات و معاملات استقراضی و سرباز گیری و کلیه محاسبات مملکتی بایستی اول در مجلس مبعوثان عنوان شده با کثرت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس اعیان برسد .

این بود اهم مقررات قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵ و اما پس از تصویب قانون اساسی جدید و انعقاد مجالس مقننه ناپلئون در ۱۲ ژوئن عازم میدان جنگ شد و در ۱۸ همان ماه در محلی موسوم به واترلو (۱) واقع در بلژیک مغلوب و یکبار دیگر از مقام

امپراطوری به نفع پسر خود استعفا کرد و این تصمیم ناپلئون مورد تایید مجلس نمایندگان واقع گردید و ضمناً مجلس مزبور در جلسه ۲۳ ژوئن يك حکومت موقت ۵ نفری بریاست فوشه (۱) جهت اداره فرانسه و يك کمیسیون ۹ نفری برای تنظیم قانون اساسی جدید انتخاب کرد. در ۲۹ ژوئن مجلس نمایندگان به بحث در طرح قانون اساسی جدید که مانوئل (۲) رجل سیاسی فرانسه تهیه کرده بود مبادرت نموده و تا ۷ ژوئیه قسمتی از مواد طرح مزبور را تصویب کرد.

در ۸ ژوئیه لوئی هیجدهم تحت حمایت ولنگتن به پاریس برگشت و قانون اساسی ۴ ژوئن ۱۸۱۴ را یکبار دیگر بموقع اجرا گذاشته مجلس نمایندگان را منحل و دستور تجدید انتخابات را صادر نمود.

فصل سوم

انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ و تغییر منشور اعطائی

لوئی هیجدهم

مبحث اول

حلال انقلاب - خلع شارل دهم - انتخاب لوئی دورلنن به سلطنت فرانسه
پس از فوت لوئی هیجدهم در سال ۱۸۲۴ تاج و تخت فرانسه به شارل دهم (۱) برادر ۶۷ ساله او انتقال یافت. مردم فرانسه که از حکومت ارتجاعی پادشاه متوفی راضی نبودند از سلطنت شارل دهم حسن استقبال کردند و اما پاره اقدامات او از جمله وضع قوانین بر علیه مذهب کاتولیک اعطای یک میلیارد فرانک خسارت به مهاجرین دوره انقلاب کبیر موجبات عدم رضایت مردم را فراهم ساخت و لسی مارتینیاک (۲) یکی از رجال آزادیخواه که در سنه ۱۸۲۸ به ریاست هیئت وزیران فرانسه انتخاب شده بود با پاره اقدامات اصلاحی منجمله الغاء سانسور مطبوعات موفق شد عدم رضایت عناصر آزادیخواه و اصلاح طلب را تعدیل نموده و بطور محسوس کدورت موجوده بین ملت و پادشاه را مرتفع سازد. و اما پادشاه و اطرافیان او مشغول دسیسه بر علیه نخست وزیر خیر خواه و اصلاح طلب بوده او را وادار به استعفاء نمودند و بجای وی پولینیاک (۳) که یکی از رجال مرتجع آن زمان بشمار میرفت به ریاست دولت تعیین شد.

در سال ۱۸۳۰ شارل دهم بنابه پیشنهاد پولینیاک مجلس مبعوثان را که قسمت اعظم آن از مخالفین دولت تشکیل میشد منحل و دستور انتخابات جدید را صادر نمود ولی این اقدام شارل دهم بضرر او تمام شد زیرا در انتخابات جدید علاوه بر ۲۲۱ نفر مخالف

Charles X - ۱

Jean - Baptiste de Martignac - ۲

Jules - Armand, prince de Polignac - ۳

دولت در مجلس منحل شده، ۴۹ نفر مخالف جدید بنمایندگی انتخاب شدند. چون دولت در انتخابات شکست خورده و همکاری او با مجلس جدیدالانتخاب غیرمقدور بود از این رو در ۲ ژوئیه یکبار دیگر مجلس مبعوثان منحل و انتخابات جدید برای ۱۳ سپتامبر تعیین گردید و برای اینکه از انتخاب مخالفین دولت جلوگیری شود پادشاه قانون انتخابات را تغییر داد و همچنین آزادی مطبوعات را معلق ساخت تا اقدامات خلاف قانون اساسی وی سر و صدا بلند نکند. اقدامات دولت ارتجاعی شارل دهم یعنی انحلال مجلس جدیدالانتخاب، تغییر قانون انتخابات و از بین بردن آزادی مطبوعات با اعتراض شدید نمایندگان مجلس منحل شده و مدیران جراید مواجه شد و عصبانیت بی نظیری در قاطبه مردم فرانسه ایجاد نموده و منجر به انقلاب گردید. نمایندگان مجلس منحل شده که در پاریس حاضر بودند بتاريخ ۳۰ ژوئیه شارل دهم را بواسطه نقض قانون اساسی از سلطنت خلع و همانروز نیابت سلطنت را بطور موقت تا تعیین تکلیف تاج و تخت فرانسه به لوئی فیلیپ دورلئان (۱) پسر فیلیپ دورلئان (۲) پسر عوی لوئی شانزدهم که در مجلس کنوانسیون رأی به اعدام وی داده و خود او نیز در دوره ترور محکوم به اعدام شده بود تفویض کردند.

و اما شارل دهم که بعجله پاریس را ترك گفته در سن کلو (۱) و رامبوئیه (۴) توقف کرده بود حکومت ارتجاعی پولینیاک را از کار برکنار و امریه های مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۸۳۰ راجع بانحلال مجلس مبعوثان و تغییر قانون انتخابات و از بین بردن آزادی مطبوعات را باطل نموده و از مقام سلطنت به نفع پسرش دوک دو بوردو (۵) استعفا داد ولی این عقب نشینی شارل دهم بلا اثر ماند بدین معنی که مجلس مبعوثان در جلسه ۶ اوت بمنظور تعیین تکلیف تخت و تاج فرانسه و تجدید نظر در منشور اعطائی يك کمیسیون ۸ نفری انتخاب کرد و همین کمیسیون به مجلس پیشنهاد نمود که مقدمه منشور ۱۸۱۴ را که منافی با اصل حاکمیت ملی بود حذف و تغییراتی هم در باره ای از مواد آن بعمل آورد و دوک دورلئان را بسلطنت انتخاب کند. این پیشنهاد و همچنین اعلامیه مربوطه در جلسه هفتم اوت مجلس مبعوثان مطرح و با پاره اصلاحات با کثرت ۲۱۹ موافق در برابر ۳۳ مخالف به تصویب رسید. مجلس اعیان نیز در همانروز تشکیل جلسه

Louis - Philippe d' Orléans - ۱

Saint - Cloud - ۳

Philippe d' Orléans - ۲

Duc de Bordeaux - ۵

Rambouillet - ۴

داده با ۸۹ رأی موافق در مقابل ۱۰ رأی مخالف و ۱۴ ممتنع تصمیمات مجلس مبعوثان را
دائر بر تغییر قانون اساسی ۱۸۱۴ و انتخاب دوک دورلئان به سلطنت فرانسه تأیید کرد.
در هفتم اوت مجلس مبعوثان اعلامیه‌ای راجع به لزوم تغییر سلطنت صادر نمود که مفاد
آن بشرح زیر است :

«نظر به وضع حاصله از حوادث ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ ژوئیه و اوضاع واحوالی که
بر اثر نقض قانون اساسی بوجود آمده است .

باتوجه باینکه در نتیجه نقض قانون اساسی و مقاومت دلاورانه سکنه پاریس
اعلیحضرت شارل دهم و والا حضرت لوئی آنتوان (۱) پسر ارشد پادشاه و تمام افراد
خانواده سلطنتی از فرانسه خارج میشوند .

مجلس مبعوثان اعلام میکند که تخت و تاج فرانسه عملاً و قانوناً بلاتصدی است
ولازم است پادشاه جدیدی انتخاب شود .

و نیز مجلس مبعوثان اعلام میکند که طبق آرزو و آمال ملت فرانسه و نظر بمنافع
و مصالح آن ، منشور اعطائی لوئی هیجدهم که شئون ملی را جریحه دار میساخت
و پاره مواد آن مستلزم تجدیدنظر میباشد .

منافع عمومی و فوری ملت فرانسه ایجاب میکند که سلطنت فرانسه بشرط
موافقت با تصمیمات و پیشنهادات مجلس مبعوثان به والا حضرت لوئی فیلیپ دورلئان
نایب السلطنه و نزدیکترین اقوام ذکور او واگذار شود .

نظر بآنچه که فوقاً ذکر شد از والا حضرت لوئی فیلیپ دورلئان نایب السلطنه
تقاضا میشود که شرائط و تعهدات مندرج بالا را قبول نموده و قسم یاد کند که قانون
اساسی ۱۸۱۴ را با تغییراتی که در آن قانون بعمل آمده محترم بشمارد و پس از انجام
مراسم تحلیف معظم له عنوان پادشاه فرانسه را دارا خواهد بود .

مجلس اعیان نیز در جلسه ۷ اوت اعلامیه مذکور در فوق را تأیید نموده موضوع
بلاثر بودن انتصابات اعضای مجلس مزبور را که در زمان سلطنت شارل دهم بعمل
آمده بود موکول به حسن تدبیر، رأی و تصمیم نایب السلطنه میکرد .

در نهم اوت دوک دورلئان در جلسه مشترك مجلسین حضور بهم رسانیده پس از
استماع تصمیمات مجلس مبعوثان و مجلس اعیان قسم یاد کرد که قانون اساسی جدید

فرانسه را محترم شمرده منافع مردم را در نظر بگیرد و موجبات عظمت و نیکبختی ملت را فراهم سازد. قانون اساسی جدید در شماره ۱۴ اوت ۱۸۳۰ مجله رسمی (۱) فرانسه منتشر گردید.

مبحث دوم

پادشاه - وزراء

قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۳۰ دارای يك مقدمه و ۷۰ ماده میباشد. در مقدمه لوئی فیلیپ پادشاه جدیدالا انتخاب فرانسه فرمان ابلاغ مجدد و اجرای منشور اساسی مصوب ۴ ژوئن ۱۸۱۴ را که در نتیجه اصلاحات و تغییراتی که مجالس مقننه در آن بعمل آورده بودند بصورت قانون اساسی جدید در آمده بود صادر نمود.

۷۰ ماده قانون اساسی مورد بحث شامل مسائل ذیل میباشد :

- ۱- حقوق عمومی فرانسویان (مواد ۱ تا ۱۱) .
- ۲- اختیارات پادشاه (مواد ۱۲ تا ۱۹) .
- ۳- مجلس اعیان (مواد ۲۰ الی ۲۹) .
- ۴- مجلس مبعوثان (مواد ۳۰ الی ۴۵) .
- ۵- وزراء، (مادتين ۴۶ و ۴۷) .
- ۶- دستگاه قضائی (مواد ۴۸ تا ۵۹) .
- ۷- حقوقیکه دولت تضمین میکرد (مواد ۶۰ تا ۶۷) .
- ۸- مقررات مخصوص (مواد ۶۷ تا ۷۰) .

چون کلیه شرائط رأی دادن و انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان در قانون اساسی جدید پیش بینی نشده بود ماده ۶۹ قانون مزبور تعیین شرائط رأی دادن را موقوف به تصویب يك قانون متعارفی کرده بود بنابراین قانون مورد نظر در ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بتصویب مجلسین رسید. بعلاوه ماده ۶۸ قانون اساسی مقرر میداشت که ماده ۲۳ قانون مزبور که بموجب آن پادشاه محق بود اعضای مجلس اعیان را بطور موروئی یا مادام العمر تعیین کند در دوره اجلاسیه ۱۸۳۱ مجلسین مورد تجدید نظر واقع گردد.

باتوجه بمداول ماده مذکور در فوق مجلس مبعوثان در جلسه مورخ ۱۸۸۱ کتبر ۱۸۳۱ لایحه پیشنهادی دولت را که بر طبق آن موروئی بودن عضویت مجلس اعیان ملغی گردیده و پادشاه ملزم میشد اعضای آن مجلس را از بین شخصیت‌های معین در قانون انتخاب کند تصویب کرد. چون مجلس اعیان مایل به تصویب لایحه مزبور نبود از این رو پادشاه بنا به پیشنهاد هیئت دولت و باستناد ماده ۲۳ قانون اساسی يك عده را به نمایندگی مجلس اعیان انتصاب کرد که در نتیجه مخالفت آن مجلس با لایحه پیشنهادی دولت بر طرف گردیده و مجلس اعیان لایحه مزبور را با ۱۷۰ رأی موافق در برابر ۱۰۲ مخالف تصویب کرد.

اینک بادر نظر گرفتن مواد قانون اساسی مورخ ۱۸۳۰ و مفاد قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ مجلس مبعوثان و قانون ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ راجع بطریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان به بیان سازمان سیاسی فرانسه از تاریخ انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ تا انقلاب ۱۸۴۸ مبادرت میشود.

فرق عمده منشور اعطائی ۱۸۱۴ با قانون اساسی ۱۸۳۰ عبارت از این است که منشور ۱۸۱۴ را لوئی هیجدهم بمیل خود بمثلت فرانسه اعطا کرده بود در صورتیکه قانون اساسی ۱۸۳۰ قراردادی بود بین پادشاه و نمایندگان ملت و پادشاه فقط پس از ابراز موافقت با قانون اساسی مزبور و اعلام وفاداری خود نسبت بآن، پادشاه فرانسه شناخته شد.

بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ اقتدارات دولتی را پادشاه مجلس مبعوثان و مجلس اعیان اعمال میکردند و قانون اساسی جدید اختیارات پادشاه را نسبت به سابق محدود نموده بود بدین معنی که پادشاه و هر يك از مجالس حق پیشنهاد قانون را داشتند در صورتیکه قانون اساسی ۱۸۱۴ پیشنهاد لوایح قانونی را از وظائف اختصاصی پادشاه دانسته فقط به هر يك از مجلسین اجازه میداد که با جلب موافقت مجلس دیگر توجه پادشاه را به يك موضوع قانونی جلب و تقاضا کند که راجع بآن موضوع يك لایحه قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجالس پیشنهاد کند. هر چند بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه حق داشت از توشیح و ابلاغ لوایح و طرحهای مصوب مجلسین خودداری کند ولی لوئی فیلیپ در تمام دوره سلطنت خود فقط يك دفعه از این حق استفاده کرده و توشیح و ابلاغ قانون مصوب مجلسین که اهمیت زیاد نداشت امتناع کرد. قانون اساسی جدید به پادشاه حق میداد که بمنظور اجرای قوانین نظامنامه تنظیم و ابلاغ

کندولی وی مجاز نبود بوسیله نظامنامه از اجرای قوانین مصوب جلو گیری نماید. بموجب قانون اساسی ۱۸۳۰ پادشاه بجای مراسم تاجگذاری که جنبه مذهبی داشت در جلسه مشترک مجلسین قسم یاد میکرد که قانون اساسی و سایر قوانین را محترم شمرده و وسائل اجرای قوانین مزبور را فراهم سازد. مانند دوره قبل از انقلاب ۱۸۳۰ پادشاه وزراء و سایر مأمورین عالیمقام کشوری و نظامی را نصب و عزل مینمود. پادشاه اعلان جنگ میداد و قراردادهای بین المللی را منعقد میساخت. پادشاه نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالک بیگانه میفرستاد و نمایندگان آنها را میپذیرفت. حق تعطیل مجالس با پادشاه بود. پادشاه حق داشت فرمان انحلال مجلس مبعوثان را صادر کند و لسی ملزم بود مجلس جدید را در ظرف سه ماه از تاریخ انحلال مجلس سابق منعقد سازد.

پادشاه ریاست قوه قضائیه را دارا بوده و باین عنوان قضات را تعیین میکرد و حق عفو و تخفیف مجازات محکومین را اعمال مینمود. شخص پادشاه مقدس و از مسئولیت مبری بود. مخارج دستگاه پادشاهی را مجالس مقننه در اولین دوره اجلاسیه پس از جلوس پادشاه جدید برای تمام دوره سلطنت معین میکردند.

هر چند در قانون اساسی جدید مسئولیت سیاسی وزراء در مقابل مجالس پیش بینی نشده بود ولی در عمل مسئولیت آنان در مقابل پارلمان معمول بود بدین معنی که پادشاه اعضاء هیئت دولت را از بین اشخاصی که مورد اعتماد مجالس بودند تعیین میکرد و عملاً به مجالس حق میداد دولت را مورد استیضاح قرار دهند و چنانچه اظهارات دولت قانع کننده بنظر نرسید در این صورت مجلس مبعوثان میتواند با ابراز عدم اعتماد دولت را وادار باستعفاء کند. مجلس اعیان از این حق استفاده نمیکرد ولی درباره موارد خود دولت برای تقویت مقام خود در مجلس مبعوثان، از مجلس اعیان تقاضای رأی اعتماد مینمود. بموجب ماده ۴۶ قانون اساسی ۱۸۳۰ وزراء مجاز بودند با حفظ مقام خود به نمایندگی مجلس مبعوثان انتخاب شوند یا به عضویت مجلس اعیان تعیین گردند و همچنین نمایندگان مجالس حق داشتند با حفظ عضویت خود در پارلمان قبول وزارت کنند. همانطوریکه در زمان سلطنت لوئی هیجدهم و شارل دهم معمول بود وزراء در مقابل پارلمان مسئولیت جزائی داشتند بدین ترتیب که مجلس مبعوثان قرار تعقیب آنها را صادر و مجلس اعیان آنان را محاکمه میکرد.

مبحث سوم

مجلس اعیان - مجلس مبعوثان

ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ از کسانی که در زمان سلطنت شارل دهم به عضویت مجلس اعیان تعیین شده بودند سلب نمایندگی کرده بود علاوه نمایندگان مجلسین موظف بودند قسم یاد کنند که به پادشاه جدید وفادار باشند و چون طرفداران سلسله ارشد خاندان بوربون حاضر نمیشدند چنین تعهدی بکنند بنابراین ۴۶ نفر از اعضای مجلس اعیان که از ادای سوگند وفاداری امتناع میکردند از نمایندگی منفصل شدند و همچنین ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۸۳۰ مقرر میداشت که مجالس مقننه در دوره اجلاسیه ۱۸۳۱ بر طبق يك قانون متعارفی طریقه انتصاب اعضای مجلس اعیان را مورد تجدیدنظر قرار دهند. با توجه بماده فوق الذکر ماده واحده مورخ ۲۹ دسامبر ۱۸۳۱ موروثی بودن عضویت مجلس اعیان (موضوع ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۸۳۰) را ملغی نموده مقرر داشت که از آن تاریخ بپس نمایندگان مجلس مزبور را پادشاه مادام العمر از بین رجال (۱) از قبیل رئیس مجلس مبعوثان - کسانی که لا اقل سه دوره سابقه نمایندگی مجلس مبعوثان را داشتند - مارشالها و دریابانهای فرانسه - امرای لشکر و دریاداران بادوسال سابقه - وزراء - سفرای کبار با سه سال سابقه سفارت - وزرای مختار باشش سال سابقه وزارت مختاری - اعضای شورای دولتی باده سال سابقه - فرمانداران (۲) باده سال سابقه فرمانداری - فرمانداران کل مستعمرات با پنج سال سابقه - رؤسای انجمنهای ولایتی (۳) که سه بار لا اقل بریاست انجمن مزبور انتخاب شده بودند - شهرداران شهرهایی که دارای لا اقل سی هزار جمعیت بودند بشرط دوره عضویت انجمن شهر و پنج سال سابقه ریاست شهرداری - رؤسای دیوان کشور و دیوان محاسبات - دادستانهای دیوان کشور و دیوان محاسبات با پنج سال سابقه دادستانی - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات با پنج سال سابقه مستشاری - نمایندگان دیوان کشور و دیوان محاسبات باده سال سابقه - رؤسای کل محاکم وطنی (۴) با پنج سال سابقه قضاوت در آن محاکم - دادستانهای محاکم سلطنتی

préfets - ۲

Cours royales - ۴

notabilités - ۱

Conseils généraux - ۳

باده سال سابقه - رؤسای محاکم تجارت با چهار دوره سابقه ریاست (در شهرهایی که دارای لا اقل سی هزار جمعیت بودند) - اعضای اصلی فرهنگستان - ملاکین و تجار و ارباب صنایع عمده که سه هزار فرانک مالیات مستقیم میپردازند .

افراد ذکور خاندان سلطنتی در مجلس اعیان عضویت داشتند . اعضای مجلس اعیان در سن ۲۵ سالگی حق شرکت در جلسات مجلس مزبور را داشته و در سن ۳۰ سالگی میتوانند رأی بدهند و ریاست آن مجلس با مهرداد فرانسه بود و در غیاب او یکی از نمایندگان بانتخاب پادشاه و ظایف ریاست را انجام میداد . توقیف اعضای مجلس اعیان مستلزم موافقت مجلس مزبور بود .

بموجب قانون انتخابات مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۳۱ مجلس مبعوثان، حق رأی اختصاص به اشخاصی داشت که علاوه بر واجد بودن سایر شرایط مقرر در قانون مزبور، ۲۵ سال عمر داشته و ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپردازند در صورتیکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۵ فوریه ۱۸۱۷ برای رأی دادن ۳۰ سال عمر و پرداخت ۳۰۰ فرانک مالیات ضروری بود . در نتیجه اجرای قانون جدید انتخابات عده رأی دهندگان نسبت بدوره قبل دو برابر شده بود . طبق قانون ۱۸۱۷ چنانچه در یکی از حوزه های انتخابیه عده رأی دهندگان کمتر از ۱۵۰ نفر بود در این صورت به اشخاصیکه کمتر از ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپردازند (به ترتیب میزان مالیات پرداختی آنها) حق رأی داده میشد تا تعداد رأی دهندگان به ۱۵۰ نفر برسد . پاره ای اشخاص منجمه اعضای فرهنگستان و افسران متقاعد نیروی زمینی و دریائی با پرداخت ۱۰۰ فرانک مالیات مستقیم در انتخابات شرکت میکردند .

مقامات مربوطه صورت اسامی اشخاصی را که واجد شرایط رأی دادن بودند تنظیم و اعلام میکردند و هر سال یک مرتبه در صورت های تنظیمی تجدید نظر میشد و متوفیان و اشخاصی که در خلال سال گذشته بعلت ترك تابعیت یا محکومیت و یا علل قانونی دیگر از حق رأی دادن محروم شده بودند از صورتهای مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که بعلت تحصیل تابعیت رسیدن به سن قانونی و غیره دارای رأی میشدند وارد صورت رأی دهندگان میکردند . در ظرف مدت مقرر در قانون اشخاص ذینفع مجاز بودند به شورای فرمانداری (۱) مراجعه و اصلاح صورت تنظیمی را

درخواست کنند و پس از انقضای مدت قانونی صورتها قطعی محسوب شده و حق شرکت در انتخابات فقط باشخصی داده میشود که جزء صورتهای نهائی بودند. فرمان انتخابات از طرف پادشاه صادر میگردد. در هر حوزه انتخابیه يك نفر وکیل انتخاب میشود. مجموع اعضاء مجلس مبعوثان بالغ بر ۵۹ نفر بود. به نمایندگی مجلس مبعوثان فقط اشخاصی میتوانند انتخاب شوند که دارای ۳۰ سال عمر بوده و ۵۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپردازند در صورتیکه در زمان لوئی هیجدهم و شارل دهم برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان ۴ سال لااقل عمر و پرداخت ۵۰۰ فرانک مالیات مستقیم لازم بود. برای انتخاب شدن داشتن نصف آراء مأخوذه و ثلث مجموع آراء حوزه انتخابیه ضروری بود. در صورت عدم حصول حد نصاب مذکور در فوق انتخابات تجدید میشود و در دفعه دوم رأی دهندگان ملزم بودند از بین دو نفر که بیشتر از داوطلبان دیگر رأی داشتند یکی را بنمایندگی انتخاب کنند. انتخابات در مدت حداکثر ده روز انجام مییافت. رسیدگی به اعتبارنامههای نمایندگان با خود مجلس بود. نمایندگان مجالس از دریافت مقرری ممنوع بودند.

دوره اجلاس مجلس در عین زمان شروع و پایان مییافت بجز مواردیکه مجلس اعیان بعنوان محکمه تشکیل جلسه میداد. افتتاح دوره اجلاس پارلمان از طرف پادشاه بعمل میآمد. مجالس اصولاً متساوی الحقوق بودند و اما برخلاف این اصل کلی مجلس اعیان وظائف قضائی داشت بدین ترتیب که وزراء و اشخاصی را که متهم بخیان یا به مملکت و توطئه برضد امنیت عمومی بودند مجلس اعیان محاکمه میکرد. قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادر مینمود. بعلاوه محاکمه نمایندگان مجلس اعیان متهم به ارتکاب جنحه یا جنایت با خود مجلس اعیان بود. لوایح مالی قبلاً در مجلس مبعوثان رسیدگی و تصویب شده سپس برای تصویب به مجلس اعیان فرستاده میشد ولی دولت مجاز بود سایر لوایح را به تشخیص خود قبلاً به مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان تقدیم کند. چنانچه لوایح یا طرحهای قانونی در يك دوره اجلاس از طرف یکی از ارکان سه گانه قانونگذاری یعنی مجلس مبعوثان یا مجلس اعیان و یا پادشاه رد میشد در این صورت آن لایحه یا طرح قانونی نایستی در همان دوره اجلاس برای تصویب به مجالس تقدیم شود.

مبحث چهارم

قوه قضائیه - حقوق عمومی افراد

ریاست قوه قضائیه با پادشاه بود و دادرسان بنام پادشاه قضاوت میکردند . قضات از طرف پادشاه انتخاب میشدند و قابل عزل نبودند مگر امنای صلح که عزل و تغییر شغل آنها جایز بود . بموجب ماده ۵۳ قانون اساسی دولت مجاز نبود متهمین را از محکمه قانونی محروم نموده به محکمه فوق العاده تسلیم کند . ضبط اموال بعنوان مجازات ممنوع بود . جلسات محاکم جنائی علنی بود مگر در مواردیکه علنی بودن آنها از لحاظ حفظ نظم عمومی و جلوگیری از انتشارات منافی عفت ضروری تشخیص داده میشد .

قانون اساسی ۱۸۳۰ اصل برابری را در مقابل قانون و از لحاظ پرداخت مالیات و اشتغال بمشاغل کشوری و نظامی و آزادی فردی و آزادی مطبوعات و الغاء سانسور و آزادی عقاید مذهبی را اعلام مینمود مذهب کاتولیک که در زمان سلطنت لوئی هیجدهم و شارل دهم مذهب دولتی شناخته میشد بر طبق قانون اساسی جدید این امتیاز را از دست داده و در ردیف سایر ادیان مسیحی قرار میگرفت . فقط روحانیون مذهب کاتولیک و همچنین مأمورین سایر مذاهب مسیحی از خزانه دولت حقوق دریافت میداشتند .

ماده ۶۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ حل و فصل مسائل ذیل را موکول به تصویب قوانین متعارفی مینمود :

- ۱- تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی بجرائم سیاسی و مطبوعاتی .
- ۲- مسئولیت وزراء و سایر مأمورین دولت .
- ۳- تجدید انتخابات در حوزه هائیکه نمایندگان آنها شغل موظف دولتی قبول میکردند .

۴- ترتیب سرباز گیری .

۵- سازمان گارد ملی .

۶- وضع استخدامی افسران نیروی زمینی و دریائی .

۷- طرز انتخاب و حدود وظائف انجمنهای ولایتی و بلوکی .

۸- موضوع آزادی تعلیم و تربیت .

۹- الغای رأی متعدد و تعیین شرائط رأی دادن و انتخاب شدن .

نظر بماده ۶۹ قانون اساسی ۱۸۳۰ مجالس مقننه در دوره های اجلاسیه ۱۸۳۰

و ۱۸۳۱ و ۱۸۳۳ و ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ و ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ چند فقره قانون تصویب نمودند
که محض اجتناب از تطویل کلام از شرح آنها صرف نظر میشود .

فصل چهارم

انقلاب ۱۸۴۸ و اعلام حکومت جمهوری

مبحث اول

جریان انقلاب - تشکیل حکومت موقت

تصویب قانون اساسی جدید

در ماه فوریه ۱۸۴۸ انقلابی در پاریس بوقوع پیوست که منجر به سقوط حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری گردید. همانطور که انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ در فرانسه شروع شده به بلژیک و لهستان سرایت نموده بود انقلاب ۱۸۴۸ نیز در فرانسه پدیدار شده به پروس و اتریش و مجارستان و ایتالیا راه یافته باعث شورش و عصیان در آن ممالک گردید. فرق و قبايع ۱۸۳۰ فرانسه با حوادث خونین ۱۸۴۸ این بود که در سال ۱۸۳۰ ملاکین و تجار و ارباب صنایع و متعولین دیگر بمنظور خلع سلسله ارشد (۱) خانواده بوربون و استقرار سلسله اصغر (۲) خاندان مزبور اقدام به انقلاب نمودند در صورتیکه علت اساسی انقلاب ۱۸۴۸ مخالفت قسمت اعظم مردم فرانسه با قانون انتخابات ۱۹ آوریل ۱۸۳۱ بود. توضیح اینکه بموجب قانون مزبور حق شرکت در انتخابات مجلس مبعوثان فقط باشخاصی داده میشد که ۲۰۰ فرانک مالیات مستقیم میپرداختند و حق انتخاب شدن بنمایندگی منحصر به کسانی بود که ۵۰۰ فرانک مالیات مستقیم میدادند و این مأخذ باندازه ای سنگین بود که از سی میلیون جمعیت فرانسه آن زمان در حدود فقط دو یست هزار نفر حق شرکت در انتخابات را داشتند. و اما کارگران و سایر عناصر تندرو تحت تأثیر تألیفات سوسیالیستهای آن دوره مانند پرودون (۳) لوئی بلان (۴) کابه (۵) و مندرجات تبلیغاتی و مقاله های تحریک آمیز

branche cadette - ۲
Louis Blanc - ۴

branche aînée - ۱
Proudhon - ۳
Cabet - ۵

روزنامه‌های رفرم (۱) و ناسیونال (۲) چاپ پاریس اکتفا به تجدید نظر در قانون انتخابات ۱۸۳۱ و اعلام انتخابات عمومی نکرده بلکه الغای حکومت سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست می نمودند. با توجه به تقاضاهای طبقات اصلاح طلب ملت فرانسه مخالفین دولت در مجلس مبعوثان پیشنهاد کردند میزان مالیاتی که رأی دهندگان بایستی پردازند تقلیل یابد تا عده بیشتری از افراد بتوانند از حق رأی استفاده کنند. گیزو (۳) رئیس الوزراء و هواخواهان او در مجلس مبعوثان با این پیشنهاد مناسب و ملایم مخالفت نمودند و این مخالفت بی جا و سوء سیاست پادشاه و وزیرای او باعث شد که در روز ۲۲ فوریه عناصر تندرو پاریس اقدام به انقلاب کنند. الحاق گارد ملی (۴) به شورشیان پادشاه را وادار کرد گیزو را از کار برکنار و موله (۵) نام را به نخست وزیری تعیین کند. روز بعد یعنی در ۲۳ فوریه انقلاب با شدت و حدت بیشتری تجدید شد و نظامیان بسوی مردم تیراندازی کردند که در نتیجه عده‌ای مقتول و مجروح شدند. انقلابیون مقتولین را بردوش گرفته در خیابانها تظاهراتی نمودند و مردم را علیه پادشاه و دولت تحریک می کردند و مصرأ و مؤکداً الغای رژیم سلطنتی و استقرار حکومت جمهوری را درخواست می نمودند. پادشاه تییر (۶) را که یکی از مخالفین دولت و مورد احترام مردم بود احضار و او را مأمور تشکیل کابینه کرد ولی این اقدام لوئی فیلیپ نتوانست آتش انقلاب را خاموش کند زیرا عناصر تندرو و انقلابی الغای حکومت سلطنتی و استقرار رژیم جمهوری را در خواست می کردند. انتخاب مارشال بوژو (۷) بفرماندهی قوای متمرکز در پایتخت به عصبانیت مردم افزود و نظامیان از مقاومت در مقابل انقلابیون خودداری کرده و حتی با آنها همصدا شدند. در ۲۴ فوریه پادشاه به نفع نوه خود موسوم به کنت دوپاری (۸) از مقام سلطنت استعفا داده پاریس را ترک گفت و در انگلستان پناهنده شد. در همان روز کونت دوپاری باتفاق مادرش که از طرف پادشاه مستعفی به نیابت سلطنت انتخاب شده بود در مجلس مبعوثان حضور بهم رسانید. اکثریت نمایندگان مایل بودند سلطنت کونت دوپاری و نیابت سلطنت مادر او را قبول کنند ولی در آن موقع شورشیان وارد مجلس شده نمایندگان را بزور از طالعز جلسات

National - ۲	Réforme - ۱
garde nationale - ۴	Guizot - ۳
Thiers - ۶	Molet - ۵
Comte de Paris - ۸	maréchal Bugeaud - ۷

بیرون کردند سپس يك حکومت موقت مرکب از لامارتین (۱) آراگو (۲) لویی - بلان (۳) دوپون (۴) و هفت نفر دیگر تشکیل دادند. حکومت موقت بریاست دوپون بطور موقت تاتشکیل مجلس ملی رژیم جمهوری را اعلام و مجلس اعیان و مجلس مبعوثان را منحل نمود. در ۵ ماه مارس فرمان انتخابات عمومی صادر گردید. انتخابات در ۲۳ آوریل بعمل آمده و مجلس ملی باحضور ۹۰۰ نفر نماینده در ۴ ماه مه منعقد و در همانروز تصمیم حکومت موقت را دائر بر استقرار حکومت جمهوری تأیید نمود سپس مجلس ملی استعفای حکومت موقت را قبول و در دهم ماه مه يك کمیسیون اجرائی (۵) مرکب از آراگو، لامارتین و سه نفر دیگر تشکیل و کمیسیون مزبور را مأمور نمود که تا تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل حکومت دائمی فرانسه را اداره کند. در ۱۵ ماه مه عناصر تندرو که از اقدامات مجلس ملی و عملیات کمیسیون اجرائی ناراضی بودند یکبار دیگر وارد مجلس شده نمایندگان را از طالار جلسه بیرون کردند و انحلال کمیسیون اجرائی را اعلام و يك حکومت موقت از هواخواهان خود تشکیل دادند. در همان روز عصیان خاموش گردیده و مسبین محاکمه و مجازات شدند. در ۲۳ ژوئن همانسال عصیان شدیدتری بوقوع پیوست و مجلس ملی ژنرال کاونیاك (۶) را با اختیارات تام مأمور خاموش کردن شورش نمود. عصیان ۴ روزه ژوئن نیز مانند شورش ۱۵ مه بدون اخذ نتیجه پایان یافت و مجلس ملی بمنظور جلوگیری از تکرار شورش در پاریس حکومت نظامی اعلام نموده و کارگرانی را که از ولایات پاریس آمده و در آنجا اقامت کرده بودند بولایات تبعید نمود و آزادی مطبوعات و تشکیل مجامع و انجمنها را محدود کرد.

و اما قبل از وقایع خونین ۱۵ مه مجلس ملی بتاريخ ۱۲ همان ماه يك کمیسیون ۱۸ نفری مرکب از نمایندگان احزاب مختلف جهت تنظیم قانون اساسی جدید تشکیل داد. کمیسیون مزبور طرح قانون اساسی را در ۱۳ ماده تنظیم و در ۱۹ ژوئن برای شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد. مجلس طرح مزبور را با پاره اصلاحات در جلسه ۴ نوامبر با کثرت ۷۳۹ رأی در برابر ۳۰ رأی مخالف تصویب نمود سپس

در ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ پرنس لوئی ناپلئون بوناپارت برادرزاده ناپلئون اول در انتخابات مستقیم و بلاواسطه با کثرت ۵۵۳۴۲۲۶ رأی که قسمت اعظم آن متعلق به کارگران و دهاقین بود بریاست جمهوری انتخاب شد.

مبحث دوم

اصول کلی - وظائف و حقوق مردم

قانون اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۸۴۸ دارای يك مقدمه و ۱۱۶ ماده میباشد. خلاصه مقدمه قانون اساسی مزبور از این قرار است :

« در مقابل خداوند بنام ملت فرانسه مجلس ملی اعلام میکند :

-۱-

فرانسه يك دولت جمهوری است . با برقراری حکومت جمهوری ملت فرانسه عزم دارد با آزادی کامل راه ترقی را طی کند و وسائل تقسیم عادلانه مالیات و عوارض و سایر تعهدات مردم را در مقابل دولت و همچنین مزایای اجتماعی را فراهم نماید و سطح زندگی هر فردی از افراد را بوسیله تقلیل هزینه های عمومی و تعدیل مالیات بالا ببرد و با اصلاح ادارات دولتی و تکمیل قوانین مردم را به حد اعلای تکامل معنوی و آسایش و آسودگی برساند .

-۲-

فرانسه يك جمهوری دمکراسی و غیرقابل تقسیم است .

-۳-

جمهوری فرانسه حقوق و وظایفی را که فوق قوانین موضوعه بوده و مقدم بر آن قوانین میباشد تأیید میکند .

-۴-

شعار جمهوری فرانسه آزادی (۱) برابری (۲) و برادری (۳) است . اساس و پایه جمهوری فرانسه خانواده ، کار ، مالکیت و نظم اجتماعی میباشد .

-۵-

ملت فرانسه بانظر احترام به سایر ملل مینگردد و میخواهد که ملل دیگر نیز متقابلاً ملت فرانسه را محترم شمارند .

-۶-

افراد ملت نسبت به جمهوری فرانسه و وظایفی دارند . ملت فرانسه نیز وظایفی را در برابر مردم عهده دار است .

-۷-

افراد مردم وظیفه دارند که وطن خود را دوست داشته باشند - به حکومت جمهوری خدمت کنند - بقیمت جان خود از فرانسه دفاع نمایند - به تناسب دارائی خود در پرداخت مالیات شریک و سهمیم باشند .

-۸-

ملت فرانسه عزم را سخ دارد که از افراد و خانواده و دارائی و کار آنها حمایت کرده و فرهنگ را برای عموم قابل استفاده کند . ملت فرانسه بوسیله ایجاد کار یا کمک مادی و سائل زندگی اشخاص محتاج و کسانی را که قدرت کار ندارند تأمین میکند . فصل دوم (مواد ۲ الی ۱۷) قانون اساسی ۱۸۴۸ حقوقی برای اشخاص قائل شده بود که اهم آن از این قرار است :

• هیچکس را نمیتوان دستگیر و بازداشت نمود مگر بموجب قانون (ماده ۲) .
خانه اشخاص از تجاوز مصون است . هیچکس نمیتواند وارد خانه دیگری بشود مگر در موارد پیش بینی شده در قانون و بارعایت مقرراتی که در قانون منظور گردیده است (ماده ۳) .

هیچکس را نمیتوان از محاکم قانونی محروم ساخت . تشکیل کمیسیون و محاکم فوق العاده به هر عنوان و اسمی باشد ممنوع است (ماده ۴) .

حکم اعدام در باره مجرمین سیاسی ملغی است (ماده ۵) .
بردگی در هیچیک از سرزمینهای تحت حاکمیت فرانسه جایز نیست (ماده ۶) .
هر کس میتواند با آزادی خلل ناپذیر بآداب و رسوم مذهب خود عمل کند .
دولت فرانسه بدون تبعیض از تمام مذاهب حمایت میکند . روحانیون ادیبانی که از طرف دولت شناخته شده اند بادر آتیه مورد شناسائی دولت واقع خواهند گردید حق دارند از خزانه دولت حقوق دریافت دارند (ماده ۷) .

افراد مجازند انجمن و مجامعی تشکیل دهند - نظریات و عرایض خود را بمقامات دولتی تسلیم کنند عتاید خود را بوسیله مطبوعات یا وسایل دیگر اظهار نمایند مشروط بر اینکه اعمال این حق آزادی دیگران را محدود ننماید و مخل نظم عمومی نباشد .

بهیچ وجه و عنوان نمیتوان مطبوعات را تابع سانسور کرد (ماده ۸).

تعلیم و تربیت آزاد است. آزادی تعلیم و تربیت بشرط شایستگی و صلاحیت اخلاقی پیش بینی شده در قانون و تحت نظر دولت اعمال میشود و تمام مؤسسات تعلیم و تربیتی بدون استثناء مشمول این نظارت میباشند (ماده ۹).

تمام افراد با احراز شرائط منصوصه در قانون و بادر نظر گرفتن لیاقت و صلاحیت خود حق اشتغال به کلیه مشاغل دولتی را دارند. عناوین اشرافی و کلیه امتیازات طبقاتی و غیره ملغی است (ماده ۱۰).

حق مالکیت محفوظ است معذک در مواردیکه منافع عمومی ایجاب نماید دولت میتواند از اشخاص سلب مالکیت کند مشروط بر اینکه قبل از خلع ید بهای منصفانه ملک مورد نظر پرداخت شود (ماده ۱۱).

ضبط اموال برای همیشه ملغی است (ماده ۱۲).

قانون آزادی کار و حرفه را برای اشخاص تضمین میکند. جامعه بوسیله تعلیم ابتدائی و مجانی - تعلیم حرفه ای - برابری کارفرما و کارگر - ایجاد مؤسسات تعاونی و اعتبار - ایجاد کار بوسیله دولت و شهرستانها و بخشها و دهستانها برای اشخاصیکه فاقد کار میباشند و سائل توسعه تولید را فراهم میکند. دولت به اطفال بی پدر و مادر و علیان و پیران بی بضاعت کمک میکند (ماده ۱۳).

پرداخت قروض دولتی تضمین میشود. تعهداتی که دولت در مقابل طلبکاران خود تقبل نموده است قابل انکار نیست (ماده ۱۴).

مالیات برای تأمین منافع و آسایش عمومی وضع میشود. اشخاص با در نظر گرفتن تمکن و توانائی خود مالیات میپردازند (ماده ۱۵).

بدون قانون وضع مالیات نمیشود (ماده ۱۶).

مالیات مستقیم برای مدت یکسال وضع میشود و مالیات غیر مستقیم را میتوان برای چند سال ایجاد نمود (ماده ۱۷) «

ماده ۱۸ (فصل سوم) قانون اساسی مورد بحث ملت را منشأ تمام قوای دولتی دانسته و تفویض آن قوا را بطور موروئی با شخص منع میکرد. ماده ۱۹ فصل مزبور تفکیک قوا را اولین شرط حکومت آزاد میدانست.

مبحث دوم

مجلس ملی (۱)

بموجب ماده ۲۰ قانون اساسی مورخ ۱۸۴۸ پارلمان فرانسه را مجلس واحدی موسوم به مجلس ملی تشکیل میداد. مجموع نمایندگان مجلس مزبور بالغ بر ۷۵۰ نفر بود که ۷۳۴ نفر را شهرستانهای اروپائی و بقیه ۱۶ نفر را الجزایر و مستعمرات فرانسه انتخاب میکردند. هر يك از شهرستانهایك حوزه انتخابیه تشکیل میداد. عده نمایندگان که در حوزه های انتخابیه تعیین میشدند متناسب با تعداد سکنه آن حوزه ها بود. انتخابات عمومی مستقیم و سری بود بدین معنی که تمام اتباع فرانسه باستثناء اشخاصیکه بموجب احکام قطعی دادگاه ها از حقوق مدنی و سیاسی محروم گردیده بودند در سن ۲۱ سالگی بدون پرداخت مالیات با شش ماه اقامت در حوزه انتخابیه بطور مستقیم چند نفر را بنمایندگی مجلس ملی انتخاب میکردند.

و اما ماده ۲۷ قانون اساسی مورد بحث به مجلس ملی اجازه میداد که بموجب يك قانون متعارفی مستثنیاتی از اصل کلی مندرج بالا قائل شده و باره اشخاص را از حق رأی دادن و انتخاب شدن محروم کند. نظر به ماده مذکور در فوق قانونی در ۱۸۴۹ به تصویب رسید که بموجب آن علاوه بر کسانی که بموجب احکام قطعی محاکم از حقوق مدنی و سیاسی محروم شده بودند اشخاص ذیل نیز نمیتوانستند از حق رأی استفاده کنند:

- ۱- اشخاصیکه بموجب حکم محاکم جنحه از حق رأی محروم شده بودند.
- ۲- اشخاصیکه با اتهام ارتکاب جنایت محکومیت بحبس پیدا کرده بودند.
- ۳- کسانی که با اتهام سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس اموال دولتی یا عملیات منافی عفت به سه ماه لا اقل حبس محکوم شده بودند.
- ۴- اشخاصیکه برای رباخواری محکومیت پیدا کرده بودند.
- ۵- ورشکستگان به تقصیر.
- ۶- اشخاصیکه از تصرف در اموال خود ممنوع بودند.

بموجب ماده ۲۷ قانون اساسی مورد بحث تمام انتخاب کنندگان بدون رعایت شرط اقامت در حوزه انتخابیه در سن ۲۵ سالگی حق داشتند بنماینده گی مجلس ملی انتخاب شوند. بطور کلی مشاغل دولتی با عضویت مجلس مانعة الجمع بود بدین معنی که مأمورین دولت که بنماینده گی انتخاب میشوند ملزم بودند قبل از تصویب اعتبارنامه های نمایندگی از شغل خود استعفاء بدهند و در غیر این صورت از مأموریت دولت معزول گردیده و در نمایندگی باقی میماندند و اما برخلاف این اصل کلی طبق ماده ۸۵ قانون انتخابات مورخ ۱۸۴۹ وزراء، دادستان دیوان کشور، دادستان محکمه استیناف پاریس، فرماندار ایالت سن (۱)، استادان دانشگاه پاریس، اشخاصیکه از طرف دولت مأمور انجام وظیفه موقت (حد اکثر تا شش ماه) میشدند و همچنین فرمانده گارد ملی ایالت سن مجاز بودند با حفظ شغل خود در مجلس ملی عضویت داشته باشند. و اما بموجب ماده ۸۱ قانون انتخابات مأمورین مذکور در ذیل دولت و پاره مأمورین دیگر در حوزه مأموریت خود از انتخاب شدن بنماینده گی مجلس ملی بطور مطلق ممنوع بودند :

- ۱- رؤسای کل و رؤسای شعب و اعضای دادرای محاکم استیناف.
 - ۲- رؤساء و معاونین، بازپرسان و اعضای دادرای محاکم بدایت.
 - ۳- فرمانداران، رؤسای شهر بانی، بخشداران، دبیران کل و اعضای شورای فرمانداری.
 - ۴- مأمورین عالی مقام دارائی.
 - ۵- سرمهندسین شهرستانها و مهندسین بخش.
 - ۶- رؤساء و بازپرسان فرهنگ.
 - ۷- مدیران مدارس ابتدائی.
 - ۸- روحانیون عالی مقام (۲).
- بعلاوه اشخاصیکه با دولت فرانسه قرارداد مطالعه کاری منعقد ساخته بودند و همچنین رؤسای راه آهن از حق انتخاب شدن در تمام حوزه ها ممنوع بودند.

جلسات مجلس ملی بود معذلك مجلس ميتوانست به صلاحديد خویش جلسات خود را برای مدت معینی تعطیل کند. در صورت تعطیل کمیسیون مرکب از اعضای هیئت رئیسه و ۲۵ نفر نماینده از طرف مجلس ملی برای مخفی و با کثرت مطلق آراء انتخاب میشدند که در موارد ضروری نمایندگان را برای تشکیل جلسات فوق العاده مجلس دعوت نمایند. رئیس جمهوری نیز مجاز بود در ایام تعطیل مجلس را بطور فوق العاده منعقد کند. اعضای مجلس ملی از طرف تمام شهرستانها نمایندگی داشتند نه فقط از طرف شهرستانهایی که آنها را انتخاب کرده بودند.

نمایندگان مجلس مجاز نبودند از موکلین خود دستور العمل (۱) دریافت دارند. نمایندگان مجلس ملی با آزادی خلل ناپذیر ميتوانستند در مجلس اظهاراتی کنند و رأی دهند بقسمی که مقامات دولتی و اشخاص حق نداشتند آنها را بواسطه نطقی که در مجلس ایراد کرده بودند و رأیی که داده بودند نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از دوره نمایندگی تعقیب نمایند. در امور جزائی نیز مقامات مربوطه حق نداشتند نمایندگان مجلس ملی را دستگیر و تعقیب کنند مگر با اجازه اکثریت مجلس ولی در مورد جرائم مشهوده بازداشت و تعقیب نماینده مجاز بود و در این مورد هم مقامات وابسته موظف بودند مراتب را باستحضار مجلس ملی برسانند. نمایندگان برای سه سال انتخاب میشدند. ۴۵ روز لااقل قبل از انقضای دوره قانونگذاری تاریخ انتخابات جدید بموجب قانون معین میگردد و اگر بفرض محال مجلس ملی از تصویب چنین قانونی خودداری میکرد در این حال رأی دهندگان قانوناً محق بودند سی روز مانده به آخر دوره قانونگذاری به انتخاب نمایندگان خود مبادرت کنند. مجلس جدید یکروز بعد از انقضای دوره مجلس سابق منعقد میگردد.

نمایندگان مجلس ملی از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند و نمیتوانستند از قبول آن امتناع کنند. جلسات مجلس ملی علنی بود معذلك مجلس ميتوانست بنا به تقاضای جمعی از نمایندگان که عده آنها قرار بود نظامنامه داخلی معین کند جلسه محرمانه تشکیل دهد. هر يك از نمایندگان حق داشت طرحهای قانونی تهیه و برای شور و مذاکره به مجلس تقدیم کند. در موقع اخذ رأی حضور نصف بعلاوه يك مجموع نمایندگان در جلسه مجلس ضروری بود. بجز موارد ضروری کلیه لوایح و طرحهای

قانونی بایستی سه مرتبه بفاصله لااقل پنج روز مورد شور و مذاکره واقع گردد .
وزراء در مقابل مجلس ملی مسئولیت سیاسی داشتند بدین معنی که مجلس میتواند
با کثرت آراء آنها را وادار باستعفاء کند .

مبحث سوم

ریاست جمهوری - وزراء - شورای دولتی = تقسیمات کشور

قانون اساسی ۱۸۴۸ (ماده ۴۳) ریاست قوه مجریه را به رئیس جمهوری تفویض کرده بود . رئیس جمهوری بایستی هنگام تولد تبعه فرانسه بوده باشد عبارت دیگر اشخاصی که تابعیت فرانسه را قبول کرده بودند از انتخاب شدن بمقام ریاست جمهوری ممنوع بودند بعلاوه سن رئیس جمهوری نبایستی کمتر از سی سال باشد . رئیس جمهوری برای چهار سال انتخاب میشد و انتخاب او فقط پس از چهار سال فاصله قابل تجدید بود . بعد از انقضای مدت مأموریت رئیس جمهوری در ظرف مدت چهار سال معاون وی و همچنین اقوام نسی و سببی او تا درجه ششم نمیتوانستند بریاست جمهوری انتخاب شوند . انتخاب رئیس جمهوری در دومین یکشنبه ماه مه بعمل میآمد . وی برای مخفی بطور مستقیم و با کثرت مطلق آراء کلیه رای دهندگان شهرستانهای اروپائی فرانسه و الجزایر انتخاب میشد . صورت مجالس انتخابات به مجلس ملی ارسال و مجلس مزبور پس از تأیید صحت انتخابات نتیجه آنرا اعلام میکرد و چنانچه هیچکدام از داوطلبان حائز اکثریت مطلق آراء نبوده و دو میلیون لااقل رأی نداشت و یا بالاخره واجد شرایط قانونی نبود در هر يك از این سه مورد مجلس ملی از بین پنج نفر داوطلب که بیشتر از داوطلبان دیگر رأی داشتند یک نفر را برآی مخفی و با کثرت آراء بریاست جمهوری انتخاب میکرد . قبل از مبادرت بانجام وظائف محوله رئیس جمهوری بایستی در مجلس ملی حضور بهم رسانیده بشرح زیر قسم یاد کند :

« در حضور خداوند و در مقابل ملت فرانسه که نمایندگی آن با مجلس ملی است قسم یاد میکنم به جمهوری دمکراتیک واحد و غیر قابل تقسیم وفادار بوده و کلیه وظائفی را که قانون اساسی به من محول نموده است انجام دهم » .
اهم وظائف رئیس جمهور بشرح ذیل بود :

۱- رئیس جمهوری وزرا را انتخاب و عزل مینمود. عده وزراء و وظائف آنها بموجب قانون معین میگردد.

۲- رئیس جمهوری پس از جلب نظر مشورتی هیئت وزیران مأمورین سیاسی فرانسه در ممالك بیگانه - فرماندهان نیروی زمینی و دریائی - فرمانده گارد ملی ایالت سن - فرمانداران ولایات اروپائی فرانسه - فرمانداران الجزایر و مستعمرات فرانسه - دادستانها و سایر مأمورین عالی مقام دولتی را تعیین و عزل مینمود. رئیس جمهوری سایر مأمورین دولت را بر طبق پیشنهاد وزراء انتصاب و عزل مینمود.

۳- رئیس جمهوری مجاز بود مأمورین قوه مجریه را که از طرف مردم انتخاب میشدند برای مدت حداکثر سه ماه از کار برکنار کند و همچنین میتواند آنها را بشرط جلب نظر شورای دولتی از خدمت منفصل نماید.

۴- رئیس جمهوری نیروی مسلح فرانسه را در اختیار داشت ولی شخصاً نمیتوانست فرماندهی آنها را بعهده بگیرد.

۵- رئیس جمهوری سفرای کبار و سایر نمایندگان سیاسی ممالك بیگانه را میپذیرفت. سفرای کبار و سایر نمایندگان سیاسی فرانسه در خارجه بنمایندگی رئیس جمهوری انجام وظیفه میکردند.

۶- رئیس جمهوری عهدنامه های بین المللی را منعقد میساخت ولی هیچیک از عهدنامه های مزبور قطعی نبود مگر پس از تصویب مجلس ملی.

۷- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجلس ملی اعلان جنگ میداد.

۸- حق پیشنهاد لوایح قانونی با رئیس جمهوری و مجلس ملی بود.

۹- رئیس جمهوری بنام ملت فرانسه قوانین فوری را در مدت سه روز و سایر قوانین را در ظرف یکماه از تاریخ تصویب ابلاغ میکرد. در ظرف مدتی که برای ابلاغ قوانین مقرر گردیده بود رئیس جمهوری میتواند بوسیله پیام از مجلس ملی تقاضا کند که قانون مصوب را مورد تجدید نظر قرار دهد و اگر مجلس ملی همان قانون را یکبار دیگر تصویب میکرد در این صورت رئیس جمهوری ملزم بود آن قانون را مانند يك قانون فوری در ظرف سه روز ابلاغ کند و در صورت امتناع ریاست جمهوری از ابلاغ قانونی که دو دفعه به تصویب مجلس ملی رسیده بود رئیس مجلس حق و وظیفه داشت آن قانون را ابلاغ و بوقوع اجرا بگذارد.

۱۰- اعلان حکومت نظامی مستلزم موافقت مجلس ملی بود .

۱۱- اقدام رئیس جمهوری مبنی بر انحلال یا تعطیل یا هر گونه عملی که مانع کارهای مجلس ملی میشد خیانت به کشور محسوب میشد و بر اثر چنین اقدامی وی بحکم قانون اساسی از مقام خود منفصل شده و قوه مجریه به مجلس ملی انتقـال می یافت و دیوان عالی دادگستری بلادرنگ برای محاکمه رئیس جمهوری و همدستان او تشکیل میشد .

۱۲- رئیس جمهوری حق عفو خصوصی و تخفیف مجازات را داشت ولی اعمال این حق مستلزم جلب نظر مشورتی شورای دولتی بود . عفو عمومی بوسیله قانون بعمل میآمد . عفو و تخفیف مجازات رؤسای جمهور و وزراء و سایر اشخاصیکه از طرف دادگاهها محکوم میشدند منوط بموافقت مجلس ملی بود .

رئیس جمهوری موظف بود هر سال بوسیله پیام وضع عمومی کشور را باستحضار مجلس ملی برساند . کلیه اقدامات رئیس جمهوری بجز فرمان انتصاب و عزل اعضاء هیئت دولت بدون امضای یکی از وزراء بلا اثر بود . رئیس جمهوری سالی ششصد هزار فرانک مقرری دریافت میداشت بعلاوه هزینه خانه مسکونی او بمعده دولت بود . رئیس جمهوری نمیتوانست از خاک فرانسه خارج شود مگر با اجازه مجلس ملی . در صورت فوت یا استعفاء رئیس جمهوری در مدت یکماه اقدام به انتخاب رئیس جدید میشد .

رئیس جمهوری يك قائم مقام داشت که مجلس ملی از بین سه نفر که وی پیشنهاد میکرد انتخاب مینمود . نایب رئیس نیز مانند رئیس جمهوری قبل از مبادرت به انجام وظائف خود قسم وفاداری نسبت به حکومت جمهوری یاد میکرد . در صورت عدم توانائی رئیس جمهوری برای انجام وظائف خود نایب رئیس وظائف ریاست جمهوری را انجام میداد .

مطابق قانون اساسی سال ۱۸۴۸ در فرانسه هیئتی بنام شورای دولتی (۱) وجود داشت که ریاست آن با نایب رئیس جمهوری بود . اعضای شورای دولتی را مجلس ملی برای مخفی و اکثریت آراء انتخاب میکرد . دوره مأموریت اعضای شورای دولتی شش سال بود و هر سه سال انتخاب نصف آنها تجدید میشد . تجدید انتخاب

اعضای شورای مزبور مانع قانونی نداشت. عزل اعضای شورای دولتی بنا به پیشنهاد رئیس جمهوری و طبق تصمیم مجلس ملی بعمل میآمد. دولت وظیفه داشت که نظر مشورتی شورای دولتی را درباره کلیه لوایح قانونی که به مجلس ملی پیشنهاد میشد بخواهد بعلاوه شورای دولتی در خصوص طرحهای قانونی که نمایندگان به مجلس ملی تقدیم میکردند اظهار نظر میکرد و نیز شورای دولتی وظیفه داشت که نظامنامههای اجرای قوانین مصوب را تنظیم کند و در عملیات ادارات دولتی نظارت داشته باشد. علاوه بر وظائف مذکور در فوق مجلس ملی میتواند وظایف دیگری نیز برای شورای دولتی قائل شود.

کشور فرانسه به شهرستانها (۱) تقسیم میشد و هر شهرستان مرکب از چند بخش (۲) و هر بخش مرکب از چند بلوک (۳) و هر بلوک مرکب از چند دهستان (۴) بود. سازمان اداری هر یک از شهرستانها را یک فرماندار (۵) یک شورای شهرستان (۶) و یک شورای فرمانداری (۷) تشکیل میدادند. در رأس هر بخش یک بخشدار (۸) قرار گرفته بود. در هر بلوک یک شورای بلوک (۹) دایر بود ولی در شهرهایی که به چند بلوک تقسیم میشد فقط یک شورای تشکیل میگرفت. سازمان اداری هر دهستان عبارت بود از یک دهدار (۱۰) و معاونین او و یک شورای دهستان (۱۱). انتخاب اعضای شوراهای شهرستان و شوراهای بلوک و دهستان بطور مستقیم بعمل میآمد. طرز انتخاب اعضای شورای شهرستان سن و شهر پاریس و شهرهایی که متجاوز از بیست هزار جمعیت داشتند تابع مقررات خاصی بود. رئیس جمهور حق داشت پس از جلب نظر مشورتی شورای دولتی شوراهای شهرستان و شوراهای بلوک و دهستانرا منحل کند.

مبحث چهارم

مهاکم - تجدید نظر در قانون اساسی

قضاوت بنام ملت فرانسه بعمل میآمد. جلسات مهاکم علنی بود مگر در مواردیکه

arrondissement - ۲	département - ۱
commune - ۴	canton - ۳
Conseil général - ۶	préfet - ۵
sous - préfet - ۸	Conseil de préfecture - ۷
maire - ۱۰	Conseil cantonal - ۹
	Conseil communal - ۱۱

علنی بودن آنها از لحاظ مصالح کشور و جلوگیری از انتشارات منافی اخلاق عمومی ضروری تشخیص داده میشد. محاکم جنائی و همچنین محاکم جنحه که با اتهامات سیاسی و مطبوعاتی رسیدگی میکردند با حضور هیئت منصفه تشکیل میشد. امنای صلح - اعضای محاکم بدایت - مستشاران محاکم استیناف - مستشاران دیوان کشور و دیوان محاسبات از طرف رئیس جمهوری انتخاب میشدند. قضات مذکور در فوق بجز امنای صلح مادام العمر تعیین میشدند و عزل و انفصال موقت آنها مستلزم حکم محاکم صلاحیتدار بود. ماده ۸۸ قانون اساسی ۱۸۴۸ مقرر میداشت که محاکم نظام (۱) و دادگاههای تجدید نظر و محاکم تجارت و سایر دادگاههای اختصاصی که قبل از انقلاب سال ۱۸۴۸ دایر بود با سازمان و وظائفی که داشتند باقی بمانند مگر اینکه مجلس ملی بموجب يك قانون متعارفی در تشکیلات و وظائف آنها تغییراتی بعمل آورد. کلیه اختلافات حاصله بین محاکم و مقامات اداری بوسیله دادگاه مخصوصی که اعضای آنرا دیوان کشور و شورای دولتی از بین مستشاران خود برای مدت سه سال انتخاب مینمودند حل و فصل میشد. ریاست این دادگاه با وزیر دادگستری بود.

قرار تعقیب رئیس جمهور و وزرا را مجلس ملی صادر و دادگاه عالی دادگستری آنها را محاکمه میکرد. همچنین مجلس ملی کلیه متهمین بارتکاب جنایت و سوء قصد یا توطئه بر علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را برای محاکمه بدادگاه عالی دادگستری تسلیم مینمود. دادگاه عالی دادگستری را پنج قاضی اصلی و دو قاضی علی البدل و سی و شش عضو اصلی و چهار عضو علی البدل هیئت منصفه تشکیل میدادند. قضات اصلی و علی البدل دادگاه مزبور را دیوان کشور برای مدت یکسال برأی مخفی و با کثرت مطلق آراء از بین اعضای خود انتخاب میکرد. پنج قاضی اصلی از بین خود یک نفر را بریاست دادگاه انتخاب میکردند. اعضای اصلی و علی البدل هیئت منصفه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند بهر حال انتخاب نمایندگان مجلس ملی به عضویت هیئت منصفه ممنوع بود. اعضای دادرسی دادگاه عالی دادگستری را رئیس جمهوری تعیین میکرد. قرار هیئت منصفه مبنی بر مجرمیت متهم مستلزم موافقت دو نلث اعضاء آن بود.

تجدید نظر در قانون اساسی تابع مقررات ذیل بود :

چنانچه مجلس ملی در سال سوم دوره قانونگذاری لزوم تغییر قانون اساسی یا تجدید نظر در بعضی مواد آنرا تشخیص میداد موضوع سه بار بفاصله هر دفعه یکماه مورد شور واقع گردیده و نمایندگان مجلس که عده آنها نبایستی کمتر از پانصد نفر باشد با کثرت سه ربع آراء تصمیم بروضع قانون اساسی جدید یا تجدید نظر در پاره مواد قانون اساسی موجود میگرفتند سپس مجلس مخصوصی (مؤسسان) برای تغییر قانون اساسی تشکیل میشد . مجلس مزبور که عده نمایندگان آن بایستی بالغ بر نهصد نفر باشد ملزم بود در ظرف مدت سه ماه از تاریخ انعقاد تغییرات لازم در قانون اساسی را بعمل آورده و انحلال خود را اعلام کند .

فصل پنجم

گودتای ۱۸۵۱ و قانون اساسی ۱۸۵۲

مبحث اول

گودتا = رفرا اندوم (۱) = تصویب قانون اساسی جدید

پس از تصویب قانون اساسی ۱۸۴۸ مجلس مؤسسان در دوم ماه مه ۱۸۴۹ انحلال خود را اعلام نمود و طبق مقررات قانون اساسی جدید مجلس دیگری بنام مجلس ملی منعقد گردید. اکثریت مجلس ملی را مخالفین حکومت جمهوری و هواخواهان رژیم سلطنتی تشکیل میدادند. چون در انتخابات فرعی آوریل ۱۸۵۰ عناصر تندرو بنمایندگی انتخاب شده بودند و نمایندگان اکثریت مجلس ملی این نگرانی را داشتند که در انتخابات عمومی ۱۸۵۲ اکثریت بدست نمایندگان دست چپ بیفتد در صدد چاره جوئی برآمده و تصمیم گرفتند که قانون انتخابات ۱۸۴۹ را تغییر دهند. چون انتخابات عمومی در قانون اساسی پیش بینی شده بود و مجلس ملی نمیتوانست مأخذ تمول را برای شرکت در انتخابات برقرار کند بنابراین نمایندگان اکثریت مجلس در ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱ قانونی تصویب نمودند که بموجب آن برای رأی دادن سه سال اقامت در حوزه انتخابیه ضروری بود در صورتیکه مطابق قانون انتخابات ۱۵ مارس ۱۹۴۹ برای شرکت در انتخابات شش ماه اقامت کافی بود. منظور واضعین قانون جدید این بود که کارگران سیار که برای پیدا کردن کار از محلی به محل دیگر نقل مکان میکردند نتوانند در انتخابات مجلس ملی شرکت کنند. در نتیجه اجرای این قانون سه میلیون نفر از رأی دادن محروم شدند. چون لوئی ناپلئون با این قانون مخالف بود و از طرفی هم نمیتوانست از حق و تویعنی عدم توشیح و ابلاغ قوانین مصوب مجلس ملی استفاده کند لذا طبق ماده ۵۸ قانون اساسی بوسیله پیام از مجلس تقاضا نمود که در قانون مزبور تجدید نظر کند ولی مجلس ملی قانون جدید

انتخابات را تأیید نمود که نتیجتاً رئیس جمهور مجبور شد آن قانون را توشیح و ابلاغ کند.

گذشته از این چون لوئی ناپلئون که دوره سه ساله ریاست او در نهم ماه دسامبر ۱۸۵۲ پایان مییافت مطابق ماده ۵۵ قانون اساسی نمیتوانست بدون فاصله یکبار دیگر بر ریاست جمهوری انتخاب شود از طرفی هم تغییر ماده مزبور نظر به دسته بندیهای سیاسی آن زمان مشکل و حتی غیر مقدور بنظر میرسید نامبرده در روز دوم دسامبر ۱۸۵۱ فرمانی صادر نمود که حاکی از اقدامات ذیل بود :

- ۱- برقرای حکومت نظامی (۱).
 - ۲- الغای قانون انتخابات مورخ ۳۱ ماه مه ۱۸۵۱.
 - ۳- انحلال مجلس ملی و تجدید انتخابات مجلس مزبور.
 - ۴- انحلال شورای دولتی.
- بعلاوه لوئی ناپلئون چند ماده قانون اساسی را مورد تجدید نظر قرار داده و تصویب آنرا به آراء عمومی ارجاع نمود. مواد مورد تجدید نظر از این قرار بود :
- ۱- انتخاب رئیس جمهور برای مدت ده سال.
 - ۲- تشکیل مجلس سنای حافظ و نگهبان قانون اساسی.
 - ۳- تشکیل شورای دولتی جدید برای تهیه قوانین و دفاع از آن در مجلس ملی.
 - ۴- الغای انتخابات جمعی و استقرار انتخابات فردی.
 - ۵- مسئولیت سیاسی وزراء در مقابل رئیس جمهوری.
- این بود پنج اصلی که قانون اساسی جدید فرانسه میبایست بر اساس آن تنظیم شود.

کودتای ۲ دسامبر و بازداشت مخالفین مؤثر و متنفذ لوئی ناپلئون از قبیل ژنرال کاونیک (۲) و تییر (۳) تاریخ نویس و رجل سیاسی نامی فرانسه عصبانیت کم نظیری در محافل سیاسی پاریس و شهرستانها ایجاد نموده و منجر به شورش گردید. هر چند ماده ۹۱ قانون اساسی دیوان عالی دادگستری را موظف میکرد که لوئی ناپلئون را برای نقض قانون اساسی محاکمه کند ولی نظر به اوضاع و احوال آن زمان تشکیل

محکمه نه تنها مشکل بلکه غیرمقدور بود. نمایندگان مجلس ملی که هنوز توقیف نشده بودند از جمله ویکتورهاوگو (۱) مردم را تحریک بمقاومت مینمودند که نتیجتاً در پاریس و شهرستانها حوادث خونینی بوقوع پیوست و دولت بانهایت شدت و حدت توانست عصیان را خاموش و مسببین و محرکین را اعدام یا به مستعمرات دور افتاده تبعید کند.

و اما در فراندومیکه در روزهای ۲۱ و ۲۰ دسامبر ۱۸۵۱ بعمل آمد از رأی - دهندگان تقاضا شد که به سؤال ذیل جواب بدهند :

« آیا ملت فرانسه با ادامه حکومت لوئی ناپلئون بوناپارت موافق میباشد و باو اختیار میدهد که قانون اساسی جدید فرانسه را روی پنج اصل مندرج در فرمان مورخ ۲ دسامبر ۱۸۵۱ تنظیم کند ؟ »

در فراندوم در حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر به سؤال لوئی ناپلئون جواب مثبت و نزدیک به ۶۵۰۰۰۰ نفر پاسخ منفی دادند .

پس از اعلام نتیجه فراندوم لوئی ناپلئون کمیسیونی تشکیل داد که بادر نظر گرفتن پنج اصل مذکور در فوق قانون اساسی جدیدی تنظیم و به تصویب وی برساند .

طرح قانون اساسی جدید در ۵۸ ماده بتاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ به تصویب لوئی ناپلئون رسیده و در ۲۹ مارس همانسال بوقع اجرا گذاشته شد .

مبحث دوم

ریاست جمهوری - وزراء

قانون اساسی ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ فرق زیاد با قانون اساسی سال هشتم جمهوری (۱۷۹۹) نداشت بدین معنی که قانون اساسی مزبور مانند قانون اساسی سال هشتم جمهوری منشأ و مبدأ اقتدارات دولتی را اراده ملی میدانست . باینکه قانون اساسی تنظیمی لوئی ناپلئون روی اصل حاکمیت ملی قرار گرفته و وی خود را مانند ناپلئون اول تعقیب کننده و دوام دهنده اصول انقلابی میدانست معذک ماده ۳ قانون اساسی مورد بحث مقرر می داشت که رئیس جمهور بوسیله وزراء ، شورای دولتی ، سنا و هیئت نائونگذاری حکومت میکند .

از لحاظ ریاست قوه مجریه لوئی ناپلئون دارای اختیارات نامحدود بود بدین معنی

که وی وزراً و مأمورین نظامی و کشوری و اعضای شورای دولتی و سنا را عزل و نصب مینمود - فرماندهی نیروی نظامی با او بود - اعلان جنگ از وظائف رئیس جمهور بود - رئیس جمهور در زمان جنگ و ایام صلح در تمام قلمرو فرانسه یا قسمتی از خاک آن حکومت نظامی اعلام میکرد و فقط ملزم بود فرمان برقراری حکومت نظامی را باستحضار سنا برساند - رئیس جمهور قراردادهای صلح اتحاد نظامی و بازرگانی و غیره را منعقد میساخت - برای اجرای قوانین نظامنامه تنظیم و فرامین صادر میکرد - فرامین رئیس جمهور بدون امضای وزراء قابل اجرا بود .

از حیث دخالت در قوه مقننه رئیس جمهور لوایح قانونی تهیه و برای شور و تصویب به هیئت قانونگذاری ارسال میداشت . نمایندگان از حق پیشنهاد قانون ممنوع بودند .

رئیس جمهور حق انعقاد - تعطیل - تمدید و انحلال هیئت قانونگذاری را داشت و در صورت انحلال، هیئت قانونگذاری جدید بایستی در مدت ۶ ماه از تاریخ انحلال مجلس قبلی منعقد گردد .

رئیس جمهوری حق داشت بدون قید و شرط از توشیح و ابلاغ قوانین مصوب هیئت قانونگذاری خودداری کند . تصویب و اجرای مصوبات مجلس سنا نیز با او بود . قضاوت بنام رئیس جمهور بعمل میآمد . انتخاب قضات با ریاست جمهور بود . رئیس جمهور حق عفو و تخفیف مجازات را داشت .

هر چند ماده پنجم قانون اساسی ۱۸۵۲ رئیس جمهور را در مقابل ملت مسئول میدانست ولی ماده مزبور و مواد دیگر قانون اساسی طرق و وسایل تعقیب او را معین نکرده بود . وزراء - اعضای مجلس سنا - نمایندگان هیئت قانونگذاری - اعضای شورای دولتی - افسران نیروی زمینی و دریائی - قضات و سایر مستخدمین دولت سوگند وفاداری نسبت به قانون اساسی و شخص رئیس جمهور یاد میکردند . مقرر شد سالانه رئیس جمهور بموجب تصویبنامه سنا برای تمام دوره ریاست او معین میگردد . چنانچه رئیس جمهور قبل از انقضای دوره ده ساله فوت میکرد یا استعفاء میداد سنا از رأی دهندگان دعوت مینمود که با انتخاب رئیس جمهور جدید مبادرت کنند . رئیس جمهور حق داشت بموجب وصیتنامه سری که در مجلس سنا ضبط میشد يك نفر را به جانشینی خود در نظر گرفته و انتخاب او را از مردم خواستار شود . ماده ۱۸ قانون اساسی

مقرر میداشت که تا انتخاب رئیس جمهور جدید رئیس مجلس سنا با کمک وزراء مملکت را اداره خواهد کرد.

وزراء هیئتی تشکیل نمیدادند و بنابراین مقام نخست وزیری وجود نداشت و وزراء گزارشهای خود را به رئیس جمهور تقدیم نموده از او دستورالعمل دریافت میداشتند. هیئت قانونگذاری نمیتوانست وزراء را مورد استیضاح قرار دهد و آنها را با ابراز عدم اعتماد و ادار با استعفاء کند و حتی سؤالاتی از آنها بنماید. وزراء مجاز نبودند با حفظ مقام وزارتی در هیئت قانونگذاری عضویت داشته باشند و همچنین حق نداشتند در جلسات هیئت قانونگذاری حضور بهم رسانیده از لوایح پیشنهادی دولت دفاع کنند. حق دفاع از لوایح دولتی بعده اعضای شورای دولتی بود.

برای تهیه لوایح قانونی و تنظیم نظامنامه های اجرای قوانین مصوب هیئت قانونگذاری هیئتی بنام شورای دولتی دائر بود. علاوه بر وظائف مزبور شورای دولتی بعنوان يك محكمه عالی اداری اختلافات حاصله بین اشخاص و ادارات دولتی را حل و فصل میکرد. شورای دولتی وظائف خود را تحت نظر رئیس جمهور انجام میداد. عده اعضای شورای دولتی حد اقل چهار و حد اکثر پنجاه نفر بود. وزراء بواسطه مقام خود در شورای دولتی عضویت داشتند.

نصب و عزل اعضای شورای دولتی با رئیس جمهور بود. شورای مزبور تحت ریاست رئیس جمهور جلسات خود را تشکیل میداد و در غیاب او اداره جلسات شورا بانایب رئیس بود که از طرف رئیس جمهور انتخاب میشد. بطوریکه در بالا اشاره شد چند نفر از اعضای شورای دولتی با انتخاب رئیس جمهور در هیئت قانونگذاری بنام رئیس جمهور از لوایح پیشنهادی دولت دفاع میکردند.

مبحث سوم

هیئت قانونگذاری - سنا

اعمال قوه مقننه با مجلسی بود موسوم به هیئت قانونگذاری (۱) که اعضای آن برای مدت شش سال انتخاب میشدند. انتخابات عمومی بود و در هر حوزه انتخابیه یک نفر نمایندگان انتخاب میشد. دوره اجلاسیه بنایستی از سه ماه تجاوز کند. رئیس

و نواب رئیس هیئت قانونگذاری را رئیس جمهور انتخاب میکرد. نظامنامه داخلی هیئت مزبور را نیز رئیس جمهور تصویب مینمود. نمایندگان از خزانه دولت مقرری دریافت نمیداشتند. محتاج به تذکر نیست که در نتیجه عدم پرداخت مقرری اشخاصیکه بوسیله کار و هنر خود امرار معاش میکردند از انتخاب شدن به عضویت هیئت قانونگذاری محروم بودند.

نمایندگی هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانعة الجمع بود. جلسات هیئت قانونگذاری علنی بود ولی بنابتقاضای پنج نفر نماینده جلسه محرمانه تشکیل میشد. فقط صورت رسمی مذاکرات و تصمیمات هیئت قانونگذاری قابل انتشار در جراید بود. هیئت قانونگذاری لوایح قانونی را که شورای دولتی تهیه میکرد مورد مذاکره قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمود. نمایندگان مجاز نبودند مواد اصلاحی به لوایح قانونی پیشنهاد نمایند مگر با جلب موافقت شورای دولتی. افراد مردم حق نداشتند از ظلم و تعدی مأمورین دولت به هیئت قانونگذاری شکایت کنند یا نظریات خود را راجع باصلاح قوانین مصوب و لزوم تدوین قوانین جدید باستحضار مجلس برسانند. منظور لوئی ناپلئون این بود که مردم با هیئت قانونگذاری تماس پیدا نکنند فقط برای حفظ ظاهر به مردم اجازه داده شده بود که شکایات خود را از مقامات دولتی و پیشنهادات خود را راجع باصلاح قوانین به مجلس سنا ارسال دارند.

بطوریکه در بالا اشاره شد قانون اساسی ۱۸۵۲ مقرر میداشت که انتخابات هیئت قانونگذاری بر اساس تعداد سکنه بعمل آمده و هر ۳۵۰۰ رأی دهنده یک نفر نماینده به هیئت مزبور خواهند فرستاد (مواد ۳۴ و ۳۵). مطابق ماده ۳۶ انتخابات عمومی و فردی بود و نمایندگان برای شش سال انتخاب میشدند.

نظرباینکه مقررات مذکور در فوق برای انجام انتخابات کافی نبود و چون بموجب ماده ۵۸ قانون اساسی مورد بحث از تاریخ کودتا (۲ دسامبر ۱۸۵۱) تا انعقاد هیئت قانونگذاری رئیس جمهور میتواندست بموجب فرامین (۱) وضع قوانین کند لذا لوئی ناپلئون بتاريخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ يك فرمان اساسی (۲) در خصوص شرایط رأی دادن

décret - ۱

décret organique - ۲

و انتخاب شدن و سایر مسائل مربوط با انتخابات را صادر کرد . علاوه بر امریه مزبور وی در ۲۰ فوریه ۱۸۵۲ امریه دیگری (۱) را جمع به او راق رأی - کیفیت استخراج و شمارش آراء و غیره صادر نمود . فرق امریه اول با امریه دوم این بود که امریه اول فقط بوسیله قانون قابل تغییر بود در صورتیکه امریه دوم را رئیس جمهور میتواندست مورد تجدید نظر قرار دهد . بموجب امریه مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ عده نمایندگان دوره اول هیئت قانونگذاری ۲۶۱ نفر معین شده بود . همانطور که در ماده ۳۵ قانون اساسی مقرر گردیده بود هر ۳۵۰۰۰ رأی دهنده یک نفر نماینده انتخاب میکردند و چنانچه تعداد رأی دهندگان یک حوزه بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر بود در این صورت از آن حوزه دو نفر نماینده انتخاب میشد . الجزایر و مستعمرات فرانسه از حق انتخاب نماینده محروم بودند . هر یک از ایالات فرانسه با در نظر گرفتن تعداد سکنه به چند حوزه انتخابیه تقسیم و در هر یک از آنها یک نماینده انتخاب میشد . انتخابات عمومی مستقیم و مخفی بود . تاریخ انتخابات بموجب فرمان رئیس جمهور معین میگردد . برای انتخاب شدن اکثریت مطلق آراء ضروری بود و در صورت عدم حصول چنین اکثریتی انتخابات تجدید میشد . برای رأی دادن ۲۱ سال عمر و لا اقل شش ماه سکونت (قبل از تاریخ انتخابات) در حوزه انتخابیه ضرورت داشت . نظامیان فقط در محل سکونت دائمی خود و نه در محل خدمت حق داشتند در انتخابات شرکت کنند . اشخاصیکه بموجب احکام محاکم از حقوق مدنی و سیاسی محروم شده بودند و همچنین کسانی که برای سرقت ، کلاهبرداری ، خیانت در امانت ، رباخواری ، اختلاس اموال دولتی و جرائم مشابه محکومیت پیدا کرده بودند و نیز اشخاصیکه از تصرف در اموال خود ممنوع بودند و ورشکستگان بنقصیر و ولگرد ها بطور دائم و پاره محکومین فقط در ظرف مدت پنج سال از شرکت در انتخابات محروم بودند . مقامات وابسته اسامی اشخاصی را که واجد شرایط انتخاب کردن بودند تنظیم و اعلام میکردند . هر سال یک مرتبه در لیست های تنظیمی تجدید نظر میشد و اشخاص ذی علاقه حق داشتند به امنای صلح راجعه و اصلاح لیست های مورد اعتراض را خواستار شوند . احکام امنای صلح قابل تجدید بود .

هر یک از رأی دهندگان در سن ۲۵ سالگی بدون شرط اقامت در حوزه مربوطه

میتوانست بنمایندگی انتخاب شود. نمایندگان هیئت قانونگذاری با استخدام دولتی مانع‌الجمع بود بدین معنی که مأمورین دولت میتوانند بنمایندگی انتخاب شوند ولی پس از انتخاب شدن ملزم بودند از شغل دولتی استعفاء دهند و بنمایندگی را قبول نکنند. پاره‌ای از مستخدمین دولت از قبیل رؤسا و دادستانهای محاکم استیناف-رؤسای محاکم حقوقی - دادستانهای جمهوری - رئیس کل گارد ایالت «سن» - رئیس شهربانی (۱) - فرمانداران و بخشداران - روحانیون عالی‌مقام مذهب کاتولیک و پاره‌ای مأمورین دیگر در حوزه مأموریت خود از انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند.

قانون اساسی ۱۸۵۲ علاوه بر هیئت قانونگذاری هیئت دیگری نیز بنام سنا بوجود آورده بود. عده اعضای مجلس سنا در سال اول هشتاد نفر معین شده بود و این عده بر حسب ضرورت ممکن بود تا صد و پنجاه نفر افزایش یابد.

مارشالها، دریابانها و کاردینالها (۲) بواسطه مقام خود در سنا عضویت داشتند بعلاوه رئیس جمهوریک عده را از بین رجال سیاسی و علماء و مأمورین عالی‌مقام نظامی و کشوری و قضات و مالکین و تجار و ارباب صنایع عمده بعضویت سنا انتصاب مینمود. عضویت مجلس سنا مادام‌العمر بود. مجلس سنا در وضع و تصویب قوانین شرکت نداشته بلکه حافظ و نگهبان قانون اساسی بود و باین عنوان کلیه قوانین مصوب هیئت قانونگذاری را از لحاظ مطابقت با قانون اساسی رسیدگی میکرد و وظیفه داشت از اجرای قوانین مصوب که با قانون اساسی و مذهب و اخلاق و اصل برابری و اصل مالکیت شخصی و آزادی فردی مبیانت داشت جلوگیری کند بعلاوه سنا موظف بود با اجرای قوانینی که ممکن بود دفاع از خاک فرانسه را بخطر بیاندازد مخالفت کند. وظائف مذکور در فوق باندازه‌ای مهم بود که مجلس سنا میتواند به بهانه عدم مطابقت با قانون اساسی یا مبیانت با دیانت و اخلاق و حق مالکیت و اصل برابری و آزادی فردی و یا بالاخره بخطر انداختن دفاع کشور فرانسه از اجرای قوانین مصوب هیئت قانونگذاری جلوگیری کند و این وظیفه را مجلس سنا مستقلاً بدون تقاضای ریاست جمهور یا مقام دیگری انجام میداد.

علاوه بر وظایف مندرج بالا مجلس سنا دارای وظائف مهم ذیل بود :

- ۱- بنابتقاضای دولت یا اشخاص کلیه مقررات لازم الاجرا را که ناقض قانون اساسی بود باطل میکرد .
- ۲- قوانین مربوط به الجزایر و مستعمرات فرانسه را تصویب مینمود .
- ۳- همانطور که قانون اساسی سیال هشتم جمهوری (۱۳ دسامبر ۱۷۹۹) منظور داشته بود قانون اساسی ۱۸۵۲ نیز به سنا حق میداد مقرراتی که در قانون اساسی تصریح نشده ولی برای اجرای آن ضرورت داشت وضع کند .
- ۴- حق تفسیر قانون اساسی با مجلس سنا بود .
- ۵- بشرط موافقت قوه مجریه مجلس سنا حق داشت بعضی مواد قانون اساسی را تغییر دهد و چنانچه تغییرات مورد نظر مربوط به یکی از اصول پنجگانه مندرج در امریه ۲ دسامبر ۱۸۵۱ بود در اینصورت و فقط در این مورد مصوبات سنا میبایست به فرماندوم ارجاع و به تصویب ملت برسد .
- ۶- در صورت انحلال هیئت قانونگذاری، بر حسب ضرورت بنابتقاضای دولت مجلس سنا میتواندست قوانینی برای حسن جریان امور وضع کند .

مبحث چهارم

دیوان عالی داد گستری

ماده ۵۴ قانون اساسی ۱۸۵۲ برای رسیدگی به توطئه و سوء قصد نسبت به رئیس جمهور و جنحه و جنایت برضد امنیت داخلی و خارجی کشور يك محكمه عالی داد گستری تأسیس کرده بود که بموجب فرمان ریاست جمهور منهدم میگردد . ماده ۵۵ قانون اساسی به مجلس سنا مأموریت داده بود که بوسیله تصویبنامه طرز تشکیل دادگاه مزبور را معین کند . با توجه بماده مزبور مجلس سنا بتاريخ ۱۰ ژوئیه سال ۱۸۵۲ تصویبنامه ای در ۲۲ ماده تنظیم و بموقع اجرا گذاشت . بموجب تصویبنامه مزبور دیوان عالی داد گستری دارای دوشعبه اتهام (۱) و محاکمه (۲) بود . هر يك از شعب دارای پنج عضو اصلی و دو عضو علی البدل بود که رئیس جمهور از بین

Chambre des mises en accusation - ۱

Chambre de jugement - ۲

مستشاران دیوان کشور تعیین مینمود بعلاوه رئیس جمهور رؤسای شعب را انتخاب میکرد. رئیس جمهور دادستان دیوان عالی دادگستری را برای مدت یکسال و سایر اعضای دادسرای دادگاه مزبور برای هر محاکمه تعیین مینمود. دادرسی با حضور هیئت منصفه بعمل میآمد. هیئت مزبوری و شش نفر عضو اصلی و چهار عضو علی البدل داشت که بحکم قرعه از بین اعضای شوراهای شهرستانها انتخاب میشدند. دادگاه عالی دادگستری تشکیل نمیکردید مگر بموجب امریه رئیس جمهور. اگر عقیده شعبه اتهام بر بی تقصیری متهم بود قرار منع تعقیب ویرا صادر مینمود و برعکس اگر شعبه مزبور عمل متهم را متضمن جرائم پیش بینی شده در ماده ۵۴ قانون اساسی تشخیص میداد او را برای محاکمه به شعبه دوم (دادرسی) معرفی میکرد. قرار شعبه اتهام قطعی و غیر قابل اعتراض بود. چنانچه شعبه اتهام پرونده را قابل رسیدگی در دیوان عالی دادگستری میدانست رئیس جمهور دستور انعقاد شعبه دوم را صادر و تاریخ و محل تشکیل جلسات آنرا معین میکرد. در ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور فرمان ریاست جمهور اعضای اصلی و علی البدل هیئت منصفه انتخاب میشدند. عضویت هیئت منصفه بامقام وزارت عضویت مجلس سنا و شورای دولتی و هیئت قانونگذاری مانع الجمع بود. تصمیمات هیئت منصفه مبنی بر بی گناه یا مقصر بودن متهم با کثرت بیست رأی اتخاذ میشد. دیوان عالی دادگستری بر طبق قانون جزا دادرسی میکرد. احکام محکمه مزبور قطعی و غیر قابل استیناف و تمیز بود.

مبحث پنجم

تبدیل رژیم جمهوری به حکومت مطلقیتى - دوره اصلاحات
 باینکه بموجب قانون اساسی ۱۴ ژانویه سال ۱۸۵۲، فرانسه رسماً يك دولت جمهوری بود ولی در معنی سازمان سیاسی آن کشور فرق محسوس و قابل توجهی با حکومت سلطنتی نداشت زیرا قوه مجریه تماماً در دست لوئی ناپلئون بود و وزیران هیچگونه مسئولیتی در مقابل هیئت قانونگذاری نداشتند بعلاوه رئیس جمهور حق انعقاد و تمديد و تعطیل و انحلال مجلس را داشت و مجاز بود از حق وتوی مطلق استفاده کرده قوانین مصوب هیئت قانونگذاری را توشیح و ابلاغ نکند. لوئی ناپلئون بی بهانه میگشت آنچه را که عملاً وجود داشت تسجیل کرده و بصورت حکومت

سلطنتی در بیاورد. به منظور اجرای نقشه مزبور نامبرده در ماه اکتبر ۱۸۵۲ مسافرتی به رلایات کرد و مردم استقبال شایانی از او نمودند و الغاء رژیم جمهوری واستقرار رژیم سلطنتی را خواستار شدند و در نتیجه این تظاهرات مجلس سنا بنا به پیشنهاد جمعی از اعضا، خود در جلسه ۷ نوامبر ۱۸۵۲ تصویبنامه‌ای صادر نمود که بموجب آن حکومت جمهوری در فرانسه به حکومت سلطنتی تبدیل میشد و لوئی ناپلیون بوناپارت بنام ناپلئون سوم به مقام امپراطوری ارتقاء یافته و بعد از او سلطنت فرانسه به اولاد ذکور وی میرسید و این تصویبنامه مجلس سنا به فراندوم ارجاع و در ۲۱ و ۲۲ ماه نوامبر ۱۸۵۲ با کثرت ۷۸۲۴۱۸۹ رأی موافق در مقابل ۲۵۳۱۴۵ مخالف به تصویب رسید و در ۲ دسامبر ۱۸۵۲ ابلاغ گردید و تمام دول که با فرانسه روابط سیاسی داشتند لوئی ناپلئون را بعنوان امپراطور فرانسه شناختند و فقط الکساندر دوم (۱) امپراطور روسیه به تصور اینکه ناپلئون سوم سیاست ناپلئون اول را تعقیب نموده و سائل جنگ با روسیه و سایر ممالک اروپا را فراهم خواهد ساخت چندی از شناسائی رژیم جدید فرانسه خودداری میکرد. قانون اساسی مورخ ۱۴ ژانویه سال ۱۸۵۲ با بازای تغییرات حاصله از تبدیل حکومت جمهوری به رژیم سلطنتی و اصلاحاتی که به منظور تقویت و توسعه اختیارات امپراطور بعمل آمده بود بقوت خود باقی ماند.

و اما بر اثر شکست فرانسه در مکزیك و مشکلات خارجی دیگر، ناپلئون سوم ناگزیر به تغییر سیاست داخلی خود گردیده اختیارات خود را بطور محسوس محدود نمود و امتیازات بیشتری برای هیئت قانونگذاری و سناتوئل شد بشرح اینکه بموجب فرمان ۲۴ نوامبر ۱۸۶۰ به مجالس حق داد از وزیر، سؤالاتی راجع به سیاست داخلی و خارجی دولت بکنند و همچنین بموجب فرمان مذکور در فوق به هیئت قانونگذاری اجازه داده شد که بودجه هر يك از وزارتخانه‌ها را جدا گانه تصویب نماید در صورتیکه پیش از صدور فرمان مزبور هیئت قانونگذاری بودجه کل کشور را چهار دیواری تصویب یا رد میکرد و نیز فرمان ۱۸۶۰ به مجالس حق داد که صورت مذاکرات خود را بدون هیچگونه محدودیتی منتشر کنند. طبق امر به ۱۹ ژانویه ۱۸۶۷ هیئت قانونگذاری و سنا مجاز گردیدند دولت را استیضاح کنند. تصویبنامه مورخ ۸ نوامبر ۱۸۶۹ و ۲۰ آوریل ۱۸۷۰ مجلس سنا که در ۸ ماه مه سال ۱۸۷۰ به فراندوم ارجاع شده

بود تغییرات مهمتری در قانون اساسی ۱۸۵۲ بعمل آورد بدین معنی که به مجالس اجازه داده شد اعضای هیئت رئیسه خود را انتخاب کنند و طرحهای قانونی تهیه و بتصویب برسانند بعلاوه وزراء، هیئتی تحت ریاست امپراطور تشکیل دادند و مسئول مجلسین شناخته شدند و نیز به مردم اجازه داده شد که به هیئت قیابونگذاری و مجلس سنا تظلم کنند. بموجب ماده ۲۴ تصویبنامه ۲۱ ماه مه سال ۱۸۷۰ مجلس سنا، تجدیدنظر در قانون اساسی مستلزم پیشنهاد امپراطور و تصویب مردم بود و جلسات هر دو مجلس علنی گردید در صورتیکه مطابق قانون اساسی ۱۸۵۲ جلسات مجلس سنا محرمانه بود.

فصل ششم

قوانین اساسی ۱۸۷۵

مبحث اول

تغییر رژیم - تشکیل حکومت موقت

گنجینه نصیب قوانین اساسی جدید

پس از انتشار خبر شکست فرانسه در سدان (۱) و تسلیم ناپلئون سوم با یک ارتش صدهزار نفری به سپاه فاتح پروس (۲) یک عصبانیت و غوغای بی سابقه‌ای در پاریس و شهرستانهای فرانسه ایجاد شد. بمنظور جلوگیری از تغییر رژیم هیئت وزیران به بارلمان پیشنهاد کرد که یک شورای سلطنتی بانتخاب هیئت قانونگذاری تشکیل گردد تا در غیاب امپراطور، فرانسه را بنام و از طرف وی اداره کند. هنگامیکه این پیشنهاد در هیئت قانونگذاری مطرح بود مخالفین حکومت سلطنتی به سرپرستی گامبتا (۳) ژول فاور (۴) و ژول فرری (۵) طالعار جلسات هیئت قانونگذاری را اشغال و خلع ناپلئون را از سلطنت اعلام نمودند سپس عازم کاخ شهرداری (۶) پاریس شده یک حکومت موقت (۷) مرکب از گامبتا، ژول فاور، ژول فرری، آراگو، ژول سیمون (۸) و چند رجل نامی دیگر تشکیل دادند.

در ۴ سپتامبر حکومت موقت اعلامیه‌ای صادر نمود که بموجب آن حکومت امپراطوری در فرانسه ملغی و رژیم جمهوری برقرار گردید. در همان روز هیئت قانونگذاری و مجلس سنا منحل گردید و چهار روز بعد یعنی در ۸ سپتامبر حکومت موقت امر به دیگری صادر نمود که مطابق آن مقرر گردید که مردم فرانسه طبق قانون انتخابات ۱۸۴۹ مارس ۱۸۷۱ هفتصد و پنجاه نماینده به مجلس ملی انتخاب کنند. انتخابات در ۸ ماه فوریه ۱۸۷۱ بعمل آمد و مجلس ملی بتاريخ ۱۲ فوریه در شهر بوردو (۹) منعقد گردید.

Prusse - ۲	Sedan - ۱
Jules Favre - ۴	Gambetta - ۳
Hôtel de Ville - ۶	Jules Ferry - ۵
Jules Simon - ۸	Gouvernement provisoire - ۷
	Bordeaux - ۹

حکومت موقت در اولین جلسه مجلس ملی استعفای خود را تقدیم و مجلس مزبور حکومت دیگری بنام حکومت دفاع ملی (۱) تشکیل داد. مجلس ملی علاوه بر تشکیل حکومت دفاع ملی و نظارت در عملیات آن و تصویب قوانین متعارفی و رسیدگی بامور دیگر وظیفه داشت که قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و تصویب کند ولی تهیه و تصویب قانون اساسی جدید پنج سال جریان داشت. علت عمده این امر آنست که از هفتصد و پنجاه نفر نماینده مجلس ملی در حدود چهارصد و هشتاد نفر طرفدار حکومت سلطنتی بودند ولی بین آنها توافق نظر نسبت به پادشاه آینده وجود نداشت بدین معنی که عده ای موسوم به طرفداران سلطنت مشروع (۲) در حدود صد و پنجاه نفر از سلسله ارشد خاندان بوربون جانب‌داری کرده و کنت دوشامبرون (۳) نوه شارل دهم پادشاه مخلوع فرانسه را به سلطنت فرانسه پیشنهاد می نمودند. دسته دوم معروف به اورلانیست (۴) که عده آنها بالغ بر سیصد نفر بود هواخواه سلسله اصغر خاندان بوربون بوده و کنت دوپازی (۵) نوه لوئی فیلیپ را پادشاه فرانسه می شناختند و بالاخره نزدیک به سی نفر از نمایندگان مجلس ملی طرفدار تجدید سلطنت خاندان ناپلئون بودند. بقیه دو بیست و هفتاد نفر باینکه ظاهراً از حکومت جمهوری طرفداری می کردند ولی در مسائل مهم مربوط به طرز تشکیل حکومت جمهوری و حدود وظائف ریاست جمهوری و روابط وی با پارلمان وحدت نظر بین آنها وجود نداشت و در نتیجه این اختلافات بود که تنظیم و تصویب قانون اساسی جدید فرانسه پنج سال بطول انجامید مضافاً باینکه نمایندگان مجلس ملی تعهد کرده بودند که تا انتخابه خاک فرانسه از نیروی آلمان و اعاده وضع عادی از تصویب قانون اساسی جدید خودداری کنند و این تعهد موسوم به میثاق بوردو (۶) میباشد.

بطوریکه در بالا اشاره شد در جلسه مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ «تی. بر» مورخ معروف و یکی از رهبران مؤثر مائومت ملی ریاست قوه مجریه انتخاب گردید. «تی. بر» دارای نفوذ فوق العاده در داخل فرانسه بود و در اثر همین نفوذ فوق العاده وی از ۲۶ شهرستان نمایندگان انتخاب شده بود. بعلاوه او بواسطه مخالفت با جنگ در محافل بین المللی

۱- Gouvernement de la Défense nationale

۲- Comte de Chamburn

۳- Comte de Paris

۴- Legitimistes

۵- Orléanistes

۶- Pacte de Bordeaux

دارای معروفیت کم نظیر بود و این معروفیت در موقع انعقاد قرارداد صلح با آلمان ممکن بود مورد استفاده قرار گیرد. چون قانون مورخ ۱۷ فوریه ۱۸۷۱ مدتی برای ریاست «تییر» قائل نشده بود و از طرفی هم نامبرده در مسائل مربوط به سیاست عمومی دولت مسئول مجلس ملی شناخته میشد از این رو مجلس حق داشت با ابراز عدم اعتماد او را از مقام ریاست جمهوری معزول کند. بموجب قانون مورد بحث «تییر» علاوه بر ریاست قوه مجریه و ریاست هیئت وزیران نمایندگی مجلس ملی را نیز دارا بود.

در ۳۱ اوت ۱۸۷۱ قانون دیگری به تصویب رسید که بموجب آن مجلس ملی عنوان ریاست جمهوری را تا آخر دوره مجلس برای «تییر» قائل شد و چون طبق ماده ۳ قانون جدید «تییر» مسئول مجلس ملی بود از این رو مجلس مانند سابق میتواند او را از مقام ریاست جمهوری منفصل کند. ماده ۲ قانون مذکور در فوق به تنها رئیس جمهور بلکه وزراء را نیز در قبایل قوه مقننه مسئول دانسته و رئیس جمهور را ملزم میکرد که احکام و سایر اقدامات خود را قبل از اجراء بامضای یکی از آنها برساند. «تییر» که مخالف جدی حکومت سلطنتی بود و اصرار داشت که وزراء او نیز طرفدار حکومت جمهوری باشند در ۱۸ ماه مه ۱۸۷۳ وزراء سلطنت خواه را از هیئت دولت طرد و بجای آنها چند نفر جمهوریخواه را بوزارت انتخاب کرد و بدین ترتیب یک کابینه یکنواخت (۱) تشکیل داد و در ۱۹ همان ماه طرح قانون اساسی جدید را که بر اساس رژیم جمهوری تدوین شده بود جهت شور و تصویب به مجلس ملی تقدیم کرد. در ۲۳ ماه مه دوک دو بروئی (۲) که یکی از سلطنت طلبان متعصب شمار میرفت «تییر» را بواسطه طرح قانون اساسی پیشنهادی وی مورد استیضاح قرارداد و روز بعد رئیس جمهوری در جلسه مجلس حاضر شده و ضمن جواب به استیضاح «دو بروئی» اظهار داشت که استقرار حکومت سلطنتی در فرانسه غیر مقدور است چه تخت و تاج را نمیتوان به سه قسمت تقسیم کرده هر یک از قسمتهای سه گانه را به یکی از مدعیان سلطنت واگذار نمود. پس از استماع جواب «تییر» مجلس ملی که اکثریت آنرا مخالفین رژیم جمهوری تشکیل میدادند با اکثریت ۳۴۰ رأی در مقابل ۳۴۷ مخالف نسبت باو ابراز عدم اعتماد نموده و وی را وادار

باستعفاء کردند و در همان روز مارشال ماك ماهون (۱) با کثريت ۳۹۱ رأی موافق در قبال يك مخالف و ۳۳۰ ممتنع که منسوب به احزاب چپ بودند برياضت جمهوری انتخاب شد.

واما برخلاف ترتيب معموله در زمان رياست جمهوری «تییر» قانون ۲۰ نوامبر ۱۸۷۳ مارشال ماك ماهون را از لحاظ سياسی مسئول مجلس ملی نمیدانست بدین معنی که تا آخر دوره هفت ساله وی مجلس مجاز نبود او را از مقام رياست جمهوری معزول کند و فقط وزراء در مقابل مجلس ملی مسئول بوده و مجلس با رأی عدم اعتماد میتواند هیئت دولت یا بعضی از اعضا، آنرا وادار به کناره گیری کند. نظر براینکه مارشال ماك ماهون در امور سياسی اطلاعات لازم و تجربه کافی نداشت از این جهت اداره امور را به وزراء خود واگذار کرده بود از طرفی هم چون قوه بیان نداشت از حضور در جلسات مجلس اجتناب نموده بوسیله پیام بانمایندگان تماس میگرفت. پس از خاموش کردن عصیان عناصر هرج و مرج طلب پاریس (۲) و انعقاد قرارداد صلح با آلمان و پرداخت غرامت جنگ و تخلیه خاک فرانسه از ارتش فاتح آلمان و اعاده اوضاع عادی و استقرار آرامش، مجلس ملی درمآء نوامبر ۱۸۷۳ يك کمیسیون سی نفری برای تهیه طرح قانون اساسی جدید فرانسه انتخاب کرد. مطالعات این کمیسیون که اکثریت آنرا سلطنت طلبان اعتدالی تشکیل میدادند در حدود چهارده ماه طول کشیده و در ۲۱ ماه ژانویه ۱۸۷۵ مجلس ملی به شور در طرح تنظیمی کمیسیون مبادرت نمود. جمعی از سلطنت طلبان بعلت اختلافات موجوده بین آنها ناچار تمایل خود را نسبت به حکومت جمهوری ابراز داشتند مشروط براینکه پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بوده و دخالت رئیس جمهور در امور مملکتی حتی المقدور زیاد باشد. در ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ قانون تشکیل مجلس سنا، در ۲۵ همان ماه قانون سازمان قوای عالیة کشور و در ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ قانون مربوط به روابط قوای عالیة کشور از تصویب مجلس ملی گذشت. قوانین اساسی ۱۸۷۵ که مشتمل بر ۳۴ ماده بود مختصرترین و کوتاهترین قوانین اساسی نه تنها فرانسه بلکه تمام ممالک دنیا بشمار میرود.

منظور واضعین قوانین اساسی ۱۸۷۵ از این اختصار این بود که به حل و فصل مسائل کلی و اساسی اکتفا شده حل و عقد سایر مسائل که ممکن بود اختلافات موجوده بین احزاب سیاسی را توسعه داده و مانعی برای تصویب قانون اساسی جدید ایجاد کند و کول به قوانین عادی گردد.

پس از تصویب قوانین اساسی مزبور، مجلس ملی در ۲ اوت ۱۸۷۵ قانون انتخابات مجلس سنا و در ۳۰ نوامبر قانون انتخابات مجلس مبعوثان را تصویب کرد. در ماه دسامبر ۱۸۷۵ مجلس ملی هفتاد و پنج سناتور دائمی پیش بینی شده در ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ را تعیین نمود و در ۳۰ ژانویه ۱۸۷۶ بقیه ۲۲۵ نفر سناتور از طرف مردم بطور غیر مستقیم انتخاب شدند و بالاخره بتاريخ ۲۰ فوریه همان سال انتخابات مجلس مبعوثان انجام یافت و مجلسین در ۸ ماه مارس ۱۸۷۶ جلسات خود را در شهر ورسای (۱) تشکیل دادند سپس همان روز مجلس ملی منحل و قانون اساسی جدید بموقع اجرا گذارده شد.

قوانین اساسی ۱۸۷۵ چند دفعه مورد تجدید نظر واقع گردیده بود که تفصیل آن از این قرار است :

۱- ماده ۹ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ برای تشکیل جلسات مجلس مبعوثان و مجلس سنا و مقر قوه مجریه شهر ک-وچک و ساکت ورسای واقع در حومه پاریس رامعین کرده بود. قانونگذاران ۱۸۷۵ فرانسه باین تصمیم میخواستند از ایجاد شورش و تولید بی نظمی که در یک شهر بزرگ مانند پاریس بیشتر ممکن الوقوع میباشد جلوگیری کرده و محیط آرام و ساکتی که لازمه قانونگذاری است برای مجالس فراهم سازند. و اما پس از استقرار صلح و ایجاد امنیت و آرامش در پاریس مجلسین مجلس واحدی بنام مجلس ملی یا کنگره در ورسای تشکیل داده و بموجب قانون مصوب ۲۱ ژوئن ۱۸۷۹ محل تشکیل جلسات مجالس و مقر قوه مجریه را از ورسای به پاریس انتقال دادند. و اما بر طبق ماده ۳ قانون مزبور برای انتخاب رئیس جمهوری و تجدید نظر در قوانین اساسی مجلس ملی بایستی در شهر ورسای منعقد گردد.

۲- همانطور که در بالا اشاره شد بموجب ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵

مجلس سنا از ۳۰ نفر عضو تشکیل میشد که ۲۲۵ نفر آنرا مردم بطور غیر مستقیم انتخاب مینمودند و بقیه ۷۵ نفر را خود مجلس ملی در ماه دسامبر ۱۸۷۵ مادام العمر انتخاب کرده بود و در صورت فوت یا استعفاء یا عدم توانائی هریک از این ۷۵ سناتور مجلس سنا در ظرف مدت دوماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی یا سناتوری را که بعلمت عدم توانائی صالح یا قادر بانجام وظائف سناتوری نبود تعیین مینمود. قانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ مجلس ملی مواد يك الى هفت قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ مربوط به سنا را از قانون اساسی خارج و در ردیف قوانین عادی قرارداد سپس در ۹ دسامبر ۱۸۸۴ يك قانون متعارفی به تصویب مجلسین رسید که بموجب آن سناتوری دائمی ملغی و مقرر گردید که کلیه سناتورها را مردم انتخاب کنند. بعلاوه قانون مذکور در فوق اعضای خانواده های بوربون (سلسله ارشد و سلسله اصغر) و خانواده ناپلئون را که در فرانسه سلطنت کرده بودند از حق انتخاب شدن بریاست جمهوری ممنوع ساخت و همچنین قانون ۱۴ اوت ۱۸۸۴ رژیم جمهوری را در فرانسه غیر قابل تغییر اعلام نمود.

علاوه بر اصلاحات مندرج بالا قانون مصوب ۱۴ اوت ۱۸۸۴ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ راجع به سازمان قوای عالیة کشور را مورد تجدید نظر قرارداد. توضیح اینکه ماده ۵ قانون اخیر الذکر مقرر میداشت که در صورت انحلال مجلس مبعوثان رئیس جمهوری در ظرف مدت سه ماه از تاریخ انحلال انتخاب کنندگان را برای تعیین نمایندگان جدید دعوت کند. چون مدت سه ماه برای انتخابات مجلس جدید طولانی تشخیص داده شده بود از این رو قانون ۱۸۸۴ رئیس جمهوری را ملزم میکرد که در صورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات جدید را در ظرف دوماه بعمل آورده و مجلس جدید را انتخاب را در مدت ده روز پس از پایان انتخابات منعقد سازد و نیز قانون مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ بند ۳ ماده اول قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ را (که مطابق آن قرار بود مردم در اولین یکشنبه پس از افتتاح دوره اجلاس مجالس در معابد جمع شده از درگاه خداوند درخواست کنند که نمایندگان را در انجام وظائف خود هدایت و رهبری کنند) لغو کرد.

۳- در دهم اوت ۱۹۲۶ یکبار دیگر قانون اساسی ۱۸۷۵ مورد تجدید نظر واقع گردید بشرح اینکه دولت بمنظور جلب اطمینان طلبکاران خود بر آن شد که مؤسسه ای

بنام صندوق اداره اوراق قرضه دفاع ملی و استهلاك قروض عمومی (۱) تأسیس نموده و مقررات مربوط به صندوق مزبور را بصورت قانون اساسی دریاورد. قانون مورخ دهم اوت ۱۹۲۶ ماده‌ای به قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ ضمیمه کرد دأثر بر اینکه عایدات دولت از فروش توتون و تنباکو و همچنین وجوه حاصله از مالیات برارث و غیره از سال ۱۹۲۷ در اختیار صندوق استهلاك قروض عمومی قرار گیرد و چنانچه بعداً عایدات مذکور در فوق تقلیل یابد اعتباری که بالغ بر مبالغ کسری باشد در بودجه کل کشور منظور گردد.

۴- پس از شکست فرانسه در میدان جنگ و اشغال پاریس بدست ارتش فاتح آلمان و امضای قرارداد متار که جنگ با آلمان و ایتالیا نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورهای در شهر ویشی (۲) تشکیل کنگره داده در دهم ماه ژوئیه ۱۹۴۰ اختیارات تام به مارشال پتن (۳) رئیس مملکت تفویض و وی را مأمور نمودند که بوسیله فرامین قوانین اساسی ۱۸۷۵ را مورد تجدید نظر قرار دهد و احکام خود را بطور موقت تا تشکیل مجالس جدید بموقع اجرا بگذارد. نظر به قانون دهم ژوئیه ۱۹۴۰ مارشال پتن بوسیله فرامین مورخ ۱۱ ژوئیه و ۱۰ دسامبر ۱۹۴۰ و چند فرمان دیگر تغییرات کلی در قوانین اساسی ۱۸۷۵ بعمل آورد که شرح آن بعداً خواهد آمد.

اینک با توجه به قوانین اساسی مورخ ۲۴ و ۲۵ فوریه و ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ و تغییراتی که بعداً در قوانین مزبور بعمل آمده بود و بادر نظر گرفتن قوانین انتخابات مجلس مبعوثان و مجلس سنا و قوانین دیگر بشرح سازمان سیاسی فرانسه از ۱۸۷۶ تا ۱۹۴۰ (جمهوری سوم) مبادرت میشود.

مبحث دوم

ریاست جمهوری

بموجب ماده ۲ قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری در جلسه مشترک مجلس مبعوثان و مجلس سنا (مجلس ملی یا کنگره) با کثرت مطلق آراء انتخاب میشود. چون در قانون اساسی شرایط خاصی جهت احراز مقام ریاست جمهوری

پیش‌بینی نشده بود برای انتخاب شدن باین مقام اصولاً تابعیت فرانسه ۲۱ سال عمر وعدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی کافی بود. و اما بطوریکه فوقاً اشاره شد قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ افراد خانواده بوربون و خانواده ناپلئون را که سابقاً در فرانسه سلطنت میکردند از حق نیل بمقام ریاست جمهوری ممنوع میساخت. علت محرومیت مزبور این بود که نمایندگان جمهور یخواه فرانسه این نگرانی را داشتند که چنانچه یکنفر از خاندان بوربون یا ناپلئون بر ریاست جمهوری انتخاب شود ممکن است مانند ناپلئون اول و ناپلئون سوم از قدرت و نفوذ خود سوء استفاده کرده رژیم جمهوری را لغو و حکومت سلطنتی را در فرانسه برقرار کند. و همچنین قانون اساسی ۱۸۷۵ مانعاً الجمع بودن ریاست جمهوری را بامشاعل دیگر از جمله نمایندگی مجلس مبعوثان و مجلس سنا پیش‌بینی نکرده بود ولی نظر باصل تفکیک قوای ثلاثه عملاً یکنفر نمیتوانست در عین زمان نمایندگی پارلمان و ریاست قوه مجریه را عهده‌دار گردد و چنانچه یکنفر سناتور یا مبعوث بر ریاست جمهوری انتخاب میشد از مقام نمایندگی مستعفی تلقی شده و بجای او یک مبعوث یا سناتور جدید انتخاب میگردد.

رئیس جمهوری برای مدت ۷ سال انتخاب میشد. تجدید انتخاب مانع قانونی نداشت ولی معمولاً یکنفر فقط برای یک دوره بر ریاست جمهوری تعیین میشد. دوره هفت ساله از تاریخ انتخاب شدن محسوب میگردد. رئیس جمهوری در تمام مدت ریاست قابل عزل از مقام خود نبود. لا اقل یکماه قبل از اتمام دوره مأموریت خود رئیس جمهوری مجالس مقننه را برای انتخاب رئیس جمهوری جدید منعقد مینمود و چنانچه بفرض محال وی از انجام این وظیفه قانونی استنکاف میورزید در اینصورت نمایندگان مجلسین پانزده روز مانده به آخر دوره هفت ساله بدون دعوت از طرف رئیس جمهوری جلسه مجلس ملی را تشکیل داده و بانتخاب رئیس جمهوری جدید مبادرت مینمودند و اگر هنگام انقضای دوره هفت ساله ریاست جمهور، مجلس مبعوثان در حال انحلال بود در این مورد اقدام فوری برای تسریع انتخابات بعمل میآمد تا مجلس جدیداً انتخاب و مجلس سنا جلسه واحدی تشکیل داده و رئیس جمهوری جدید را انتخاب کنند. در مورد فوت یا استعفاء یا عدم توانائی رئیس جمهوری وظایف ریاست قوه مجریه را تا انتخاب رئیس جمهوری جدید هیئت دولت انجام میداد.

وظائف ریاست جمهوری بشرح زیر بود :

۱- از لحاظ دخالت در قوه مقننه

رئیس جمهوری حق داشت مجالس مقننه را هنگام تعطیل منعقد کند و همچنین موظف بود مجلس مبعوثان و مجلس سنارا بتقاضای نصف بعلاوه يك نمايندگان یکی از مجلسین دعوت به تشکیل جلسات فوق العاده نماید. ۲- ماده ۲ قانون اساسی مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ به رئیس جمهوری اجازه میداد که جلسات مجالس را تعطیل کند ولی تعطیل نایستی در هر دوره قانونگذاری بیشتر از دودفعه بعمل آید و هر دفعه بیشتر از یکماه ادامه پیدا کند. در دوره جمهوری سوم از حق تعطیل مجالس فقط مارشال ماك ماهون استفاده کرده مجلس مبعوثان و مجلس سنارا از شانزدهم ماه مه تا پانزدهم ژوئن ۱۸۷۷ تعطیل کرد.

۳- قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ (ماده ۵) به رئیس جمهور حق میداد که قبل از انقضای دوره قانونگذاری مجلس مبعوثان را با جلب موافقت مجلس سنا منحل نماید و از ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۰ مجلس مبعوثان فقط یکبار در زمان ریاست مارشال ماك ماهون منحل گردید. بر طبق ماده اول قانون اساسی مورخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ در صورت انحلال مجلس مبعوثان انتخابات مجلس جدید بایستی در ظرف دوماه بعمل آمده و مجلس جدید در مدت ده روز از تاریخ ختم انتخابات منعقد گردد.

۴- رئیس جمهوری حق پیشنهاد لوایح قانونی را داشت. لوایح مالی و بودجه کل کشور بایستی قبلاً به مجلس مبعوثان پیشنهاد شده سپس برای تصویب به مجلس سنا فرستاده شود. لوایح غیر مالی را دولت مخیر بود به مجلس مبعوثان یا سنا پیشنهاد کند. ۵- رئیس جمهوری ملزم بود لوایح و طرحهای مصوب مجالس مقننه را در ظرف یکماه و در موارد فوری که تشخیص آن با هر يك از مجلسین بود در ظرف سه روز از تاریخ تصویب توشیح و ابلاغ کند و چنانچه لوایح یا طرحهای مصوب مجلسین با قوانین اساسی مبیانت داشت یا اجرای آنها اصلاح مملکت نبود در هر يك از این دو مورد رئیس جمهوری حق داشت آن لوایح یا طرحها را در مدت مذکور در فوق بوسیله پیام ذکر دلایل به مجالس برگرداند و تقاضا کند که آن لایحه یا طرح را یکبار دیگر مورد رسیدگی قرار دهند و اگر مجلس مبعوثان و مجلس سنا متفقاً لایحه یا طرح مورد ایراد رئیس جمهوری را با اکثریت مطلق آراء تصویب مینمودند در این صورت وی موظف بود آنرا توشیح و ابلاغ کند. در جمهوری سوم امتناع از ابلاغ قوانین

معمول نبود و رؤسای جمهور فرانسه دائماً همیشه لوایح و طرحهای مصوب مجلسین را توشیح ابلاغ و اجرا مینمودند .

۶- رئیس جمهوری بوسیله فرامین قوانینی برای مستعمرات و کشورهای تحت الحمایه وضع نموده بهوقع اجرا میگذاشت .

۷- رئیس جمهوری حق داشت احکام و فرامین صادر کند مشروط براینکه احکام و فرامین وی با قوانین اساسی و قوانین متعارفی مبادت نداشته باشد .

از لحاظ ریاست قوه مجریه رئیس جمهوری وظایف ذیل را دارا بود :

۱- بارعایت قوانین مصوب وی وزراء و سایر مأمورین کشوری و نظامی را عزل و نصب مینمود و اما مجالس مقننه مجاز بودند قانونی وضع نموده حق نصب و عزل بعضی از مأمورین نظامی و کشوری را به وزراء یا حکام و یا رؤسای ادارات مستقل یا بالاخره انجمنهای محلی یا خود مردم واگذار کنند . بموجب ماده ۴ قانون اساسی مورخ ۲۵ ماه فوریه ۱۸۷۵ رئیس جمهوری پس از جلب نظر مشورتی هیئت وزیران اعضای شورای دولتی را عزل و نصب مینمود . عزل و نصب یا تغییر مأموریت قضات تابع مقررات خاصی بود .

۲- رئیس جمهوری فرمانده کل قوای بری و بحری و هوایی بود . وی مجاز بود این وظیفه را شخصاً انجام دهد یا به يك یا چند افسر عالی مقام واگذار نماید .

۳- رئیس جمهوری با جلب موافقت مجالس مقننه اعلان جنگ میداد ولی در مورد تجاوز بخاك فرانسه وی مجاز بود بدون طرح موضوع در مجالس مقننه بمنظور دفاع از استقلال و تمامیت ارضی فرانسه فرمان عملیات نظامی را صادر کند .

۴- استقرار حکومت نظامی بوسیله قانون مخصوصی بعمل میامد ولی استثنائاً در ایام تعطیل مجالس مقننه رئیس جمهوری با جلب موافقت هیئت وزیران میتواند حکومت نظامی برقرار کند بهر حال پس از اعلان حکومت نظامی مجلس مبعوثان و مجلس سنا در ظرف دوازده روز منعقد گردیده و حق داشتند امریه رئیس جمهوری را دائر بر استقرار حکومت نظامی تأیید یا رد نمایند .

۵- رئیس جمهوری نمایندگان سیاسی و کنسولی به ممالك خارجه میفرستاد و نمایندگان آن ممالك را میپذیرفت .

۶- رئیس جمهوری قراردادهای بین المللی را منعقد و تصویب مینمود ولی برای

عهدنامه‌های صلح، قراردادهای بازرگانی، قراردادهاییکه قسمتی از خاک فرانسه را به يك دولت بیگانه واگذار یا يك قسمت از قلمرويك دولت خارجی را به خاک فرانسه ضمیمه می‌نمود و یا بالاخره یکی از نقاط فرانسه را با نقطه‌ای از خاک يك کشور بیگانه معاوضه میکرد تصویب مجالس مقننه لازم بود. مجالس مقننه مجاز نبودند تغییراتی در طرح قراردادها بعمل آورند بلکه موظف بودند آن طرح‌ها را تصویب یا رد نمایند علاوه مجالس محق نبودند رئیس جمهور را ملزم کنند که تحت شرایط معینی قراردادی با يك یا چند دولت بیگانه منعقد سازد. رئیس جمهوری مجاز بود بدون تصویب مجالس قرارداد های بین‌المللی که از لحاظ سیاسی استتار آنها لازم بنظر میرسید منعقد کند ولی ملزم بود پس از رفع محذور قرارداد های مزبور را باستحضار مجالس برساند.

۷- اعطای درجات و نشان از وظائف رئیس جمهوری بود.

از لحاظ دخالت در قوه قضائیه رئیس جمهوری حق انتخاب قضات و حق اعمال عفو خصوصی و تخفیف مجازات را داشت. اعطای عفو عمومی بوسیله قانون بعمل می‌آمد.

رئیس جمهوری برای خیانت به مملکت مسئول بود و چنانچه وی مرتکب جنایت یا جنحه عمومی میشد طبق مقررات قانون جزا مجاکمه میشد. در مورد خیانت به مملکت و موارد ارتکاب جنحه یا جنایت قرار تعقیب رئیس جمهور در مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا او را مجاکمه میکرد.

حقوق رئیس جمهوری در بودجه کل کشور منظور میگردد. حقوق وی در سال ۱۹۳۰ بالغ بر ۱۸۰۰۰۰۰ فرانك بود. علاوه بر حقوق رئیس جمهوری سالیانه بابت هزینه سفر و پذیرائی ۹۰۰۰۰۰ فرانك و ۹۰۰۰۰۰ فرانك هم جهت خرج نگاهداری منزل مسکونی خود از خزانه دولت دریافت میداشت. مقر و مسکن رئیس جمهوری در قصر الیزه (۱) بود و قصرهای رامبوئییه (۲) و فونتن بلو (۳) را نیز برای گذراندن تعطیلات تابستانی در اختیار داشت.

۱- palais de l' Elysée

۲- chateau de Rambouillet

۳- château de Fontainebleau

مبحث سوم

وزراء

رئیس جمهوری توسط وزراء و وظائف خود را انجام میداد. در قوانین اساسی ۱۸۷۵ عده و نوع وزارتخانه‌ها پیش بینی نشده بود و در عمل هنگام تشکیل کابینه جدید بر طبق فرمان ریاست جمهوری يك يا چند وزارتخانه منحل و وزارتخانه یا وزارتخانه‌های جدیدی تأسیس میشد و اما چون تصویب بودجه هر يك از وزارتخانه‌ها بامجالس مقننه بود لذا مجلس مبعوثان و مجالس سنا با عدم تصویب بودجه وزارتخانه‌های جدید نمیتوانستند از تشکیل آنها جلوگیری کنند به علاوه مجالس مجاز بودند بموجب يك قانون معمولی وزارتخانه جدیدی تأسیس یا یکی از وزارتخانه‌های موجوده را منحل نمایند.

هر چند قوانین اساسی ۱۸۷۵ طرز انتخاب وزراء را پیش بینی نکرده بود ولی چون بر طبق ماده ۳ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ انتصاب کلیه مأمورین کشوری و نظامی باریس جمهوری بود بنابراین وی حق داشت وزراء را نیز که جزء مأمورین دولت بشمار میرفتند تعیین کند مضافاً باینکه در تمام ادوار تاریخ سیاسی فرانسه انتخاب وزراء باریاست قوه مجریه اعم از پادشاه و رئیس جمهور بوده و قوانین اساسی ۱۸۷۵ این حق را از ریاست جمهوری سلب نکرده و به مقام دیگری تفویض ننموده بود.

در جمهوری سوم انتخاب وزراء بشرح ذیل بعمل می‌آمد: در صورت استعفای هیئت دولت رئیس جمهوری باریسای مجالس مقننه و رهبران فراکسیونهای پارلمانی و رؤسای کمیسیونهای مهم مجلسین مشورت میکرد تا بدین وسیله تمایل اکثریت هر يك از مجالس را نسبت به نخست وزیر جدید تشخیص دهد. پس از مذاکرات لازم رئیس جمهوری یکی از رجال سیاسی را مأمور تشکیل کابینه میکرد و شخصی که بدین ترتیب انتخاب میشد پس از مذاکره و مشاوره با همکاران سیاسی خود و نمایندگان سایر فراکسیونها آمادگی خود را برای تشکیل دولت جدید باستحضار ریاست قوه مجریه میرسانید و رئیس جمهوری حکمی مبنی بر انتصاب نخست وزیر جدید صادر میکرد و این حکم بامضای رئیس الوزراء مستعفی میرسید سپس نخست وزیر جدید همکاران خود را انتخاب نموده و باریاست مملکت معرفی میکرد و وی حکم انتصاب

آنها را صادر مینمود و این حکم ریاست قوه مجریه بامضای نخست وزیر جدید میرسید . پس از صدور احکام مزبور هیئت وزیران برنامه خود را تنظیم کرده و آنرا نخست وزیر در مجلس مبعوثان و وزیرداد گستری (معمولا) در مجلس سنا قرائت نموده تقاضای رأی اعتماد میکردند و اگر برنامه دولت و شخص وزراء مورد قبول و موافقت هر يك از مجلسین واقع نمیکردید نخست وزیر استعفای دسته جمعی وزراء را به رئیس جمهوری تقدیم میکرد و وی اقدام لازم برای حل بحران و تشکیل کابینه جدید بعمل میآورد ضمناً بنابتقاضای رئیس جمهوری وزرای مستعفی بطور موقت تا تشکیل کابینه جدید کارهای جاری و زارتخانه های مربوطه را انجام میدادند . در قوانین اساسی مورخ ۱۸۷۵ و همچنین در قوانین متعارفی جمهوری سوم شرائط خاصی برای نیل بمقام وزارت پیش بینی نشده بود و بنابراین اتباع ذکور فرانسه بشرط داشتن ۲۱ سال تمام و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی میتوانند بوزارت انتخاب شوند . وزراء معمولا از بین اعضای مجلس مبعوثان و مجلس سنا انتخاب میشدند و لسی رئیس جمهور مجاز بود آنها را خارج از مجالس نیز انتخاب کند . وزارت با نمایندگی مجالس مانع الجمع نبود بدین معنی که نمایندگان مجلسین با حفظ عضویت خود در پارلمان و استفاده از حق رأی و سایر مزایای نمایندگی میتوانند وظائف وزارت را انجام دهند . اصولا عزل وزرا با رئیس جمهوری بود ولی وی فقط در مواردی از این حق استفاده میکرد که مجلس مبعوثان یا مجلس سنا نسبت به هیئت دولت یا بعضی از وزراء ابراز عدم اعتماد نموده و بطور غیرمستقیم عزل آنها را از ریاست جمهور خواستار میشدند . و اما برخلاف اصل مذکور در ۱۶ مه ۱۸۷۷ مارشال ماك ماهون (رئیس جمهوری فرانسه از سال ۱۸۷۳ تا سنه ۱۸۷۹) هیئت دولت را بریاست ژول سیمون (۱) که مورد اعتماد نمایندگان پارلمان بود معزول و دوک دو بروئی (۲) را به نخست وزیری تعیین نمود و مراتب را بوسیله پیام به مجالس اطلاع داد و چون مجلس مبعوثان با این اقدام مارشال ماك ماهون مخالف بوده و عقیده داشت که ریاست قوه مجریه مجاز نیست بدون ابراز عدم اعتماد از طرف یکی از مجلسین وزرا را معزول کند از دادن رأی اعتماد به وزرای جدید امتناع کرد که در نتیجه رئیس جمهوری بر طبق ماده ۵ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵

پس از جلب موافقت مجلس سنا مجلس مبعوثان را منحل و دستور تجدید انتخابات مجلس منحل شده را صادر نمود.

وزراء هیئتی بنام شورای کابینه (۱) تشکیل میدادند که ریاست آن بان نخست وزیر بود ولی در موارد مهم هیئت وزیران تحت ریاست خود رئیس جمهوری منعقد میگردد. هیئتی که ریاست آن با رئیس جمهوری بود شورای وزیران (۲) نامیده میشد.

همانطور که در سایر ممالک پارلمانی معمول بوده و میباشد در فرانسه (جمهوری سوم) وزراء، دو نوع مسئولیت داشتند که یکی مسئولیت سیاسی و دیگری مسئولیت جزائی بود. در امور سیاسی وزراء، مسئول و ضامن عملیات و اقدامات یکدیگر بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها از حیث امریکه مربوط به سیاست عمومی دولت بود مورد عدم رضایت اکثریت نمایندگان مجلس مبعوثان یا مجلس سنا واقع میگردد کابینه میبایست استعفا بدهد ولی اگر اقدام یکی از وزراء، که مربوط به سیاست عمومی دولت نبوده مورد مخالفت یکی از مجلسین واقع گردیده و اکثریت نمایندگان آن مجلس نسبت به وزیر مورد ایراد ابراز عدم اعتماد می نمودند آن وزیر بتنهایی استعفا میداد و سایر وزراء، بر سر جای خود میماندند مگر اینکه رئیس دولت یا نماینده او از آن وزیر دفاع نموده و تمام کابینه را مسئول اقدام او مینمود. در امور جزائی وزراء، منفرداً مسئول بودند بدین معنی که اگر یکی از آنها هنگام انجام وظائف محوله مرتکب جرمی میگردد سایر اعضای کابینه از حیث جزائی مسئول نبودند. قرار تعقیب وزراء را مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا آنها را مجاکمه میکرد.

مبحث چهارم

سنا

در دوره جمهوری سوم پارلمان فرانسه دارای دو مجلس بود که یکی مجلس سنا و دیگری مجلس مبعوثان نامیده میشد. ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ عدد نمایندگان مجلس سنارا ۳۰ نفر معین کرده بود که ۲۲۵ نفر آنرا ولایات اروپائی فرانسه و ۳ ولایت الجزایر و بعضی مستعمرات و بقیه ۷۵ نفر را مجلس مؤسسان مادام العمر انتخاب کرده بود. از لحاظ تعداد جمعیت ولایات اروپائی فرانسه به ۴ طبقه

تقسیم شده بود و هریک از دو ولایت سن (۱) و ولایت شمالی (۲) جزء طبقه اول محسوب و ۵ نفر سناتور انتخاب میکردند در صورتیکه شش ولایت طبقه دوم که عبارت از رون (۳) پادوکاله (۴) ژیروند (۵) سن سفلی (۶) فینستر (۷) و ساحل شمالی (۸) بود هریک ۴ سناتور و یک ولایت طبقه سوم هریک ۳ و بقیه ولایات هریک ۲ نفر سناتور تعیین میکردند. ناحیه بلفور (۹) و هریک از سه ولایت الجزایر ۲ سناتور و چهار مستعمره که عبارت از لامارتینیک (۱۰) گوادلوپ (۱۱) لاری اونیون (۱۲) و هند فرانسه (۱۳) بود هریک ۱ سناتور انتخاب مینمودند. بموجب ماده ۴ قانون اساسی مورخ ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ برای انتخاب نمایندگان مجلس سنادر هر ولایتی هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت در مجلس مبعوثان و اعضای شورای ولایتی (۱۴) و شوراهای بخش (۱۵) و نمایندگان شوراهای بلدی (۱۶) از قرار یک نماینده برای هر شورا تشکیل میگردد. سناتورها برای ۹ سال انتخاب میشوند و هر ۳ سال انتخاب یک ثلث آنها تجدید میشود. برای انتخاب شدن تابعیت فرانسه ۴ سال لا اقل عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی لازم بود. بطوریکه در بالا اشاره شد ۷۵ نفر سناتور را مجلس ملی (مؤسسان) در دسامبر ۱۸۷۵ با کثرت مطلق آرا، مادام العمر انتخاب کرده بود و چنانچه بعلت فوت یا استعفاء یا علل دیگری یک کرسی سناتوری خالی میشد خود مجلس سنا در ظرف دو ماه جانشین سناتور متوفی یا مستعفی را تعیین مینمود. و اما چون بنظر غالب رجال آزادیخواه آن زمان عضویت دائمی سنا با اصول حکومت دموکراسی وفق نمیداد لذا در تاریخ ۱۴ اوت ۱۸۸۴ نمایندگان مجلسین در شهر ورسای کنگره (مجلس مؤسسان) تشکیل داده و ۷ ماده اول قانون اساسی ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ را حذف و در ردیف قوانین عادی قرار دادند سپس بموجب قانون متعارفی مصوب ۹ دسامبر ۱۸۸۴ عضویت مادام العمر سنا را لغو نموده و مقرر داشتند که تمام سناتورها از طرف مردم

dép. du Nord - ۲

dép. de la Gironde - ۵

dép. de la Seine Inférieure - ۶

dép. des Côtes du Nord - ۸

La Martinique - ۱۰

La Réunion - ۱۲

Conseil général - ۱۴

Conseil municipal - ۱۶

département de la Seine - ۱

dép. du Rhône - ۳

dép. du Pas-de-Calais - ۴

dép. du Finistère - ۷

territoire de Belfort - ۹

Guadeloupe - ۱۱

Indes françaises - ۱۳

Conseil d'arrondissement - ۱۵

انتخاب شوند ولی این تصمیم شامل حال اشخاصی نبود که در موقع وضع قانون مزبور نماینده مادام العمر مجلس سنا بودند. به علاوه قانون ۱۸۸۴ در طبقه بندی ولایات و تقسیم کرسیهای سناتوری بین آنها تجدید نظر کرده برای ولایت «سن» ده، برای «ولایت شمالی» هشت و ولایات دیگر دو تا پنج کرسی قائل شده و مقرر داشت که «ناحیه بلفور» سه و هریک از ولایات سه گانه الجزایر و مستعمره مذکور در فوق (لامارتینیک - گوآدلوپ - لاریونیون - و هند فرانسه) هریک یک نماینده به مجلس سنا بفرستند. به علاوه قانون مورد بحث اعضای خانواده های سلطنتی بوربون و ناپلئون را از حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس سنا ممنوع کرد. و نیز قانون ۱۸۸۴ مقرر داشت که در هیئت های ولایتی جهت انتخاب سناتورها شوراهای بلدی یک تایست و چهار نماینده داشته باشند بجز شورای شهر پاریس که قرار بود سی نفر نماینده انتخاب و معرفی کند.

و اما پس از انعقاد قرارداد صلح و رسای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ که بموجب آن دو ناحیه الزاس (۱) و لورن (۲) از خاک آلمان منفک و به قلمرو فرانسه ملحق شده بود قانونی تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۱۹ به تصویب رسید که بر طبق آن عده نمایندگان مجلس سنا از ۳۰۰ به ۳۱۴ افزایش یافته و ۱۴ کرسی اضافی به الزاس و لورن اختصاص داده شد.

بموجب ماده اول قانون انتخابات مورخ ۲۷ اوت ۱۸۷۵ رئیس جمهورش هفته لا اقل قبل از انتخابات مجلس سنا تاریخ انعقاد هیئت های ولایتی را اعلام میکرد و همچنین رئیس جمهوری تاریخ انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی در هیئت های مزبور را معین مینمود. فاصله بین روز انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی و تاریخ انتخاب سناتورها نایستی کمتر از یکماه باشد. انتخاب نمایندگان شوراهای بلدی برآی مخفی و با اکثریت مطلق آراء بعمل میآمد و چنانچه دوبار اکثریت مطلق آراء حاصل نمیشد در دفعه سوم برای انتخاب نماینده اکثریت نسبی کافی بود و در صورت تساوی آراء کسی که سن او بیشتر بود نماینده شناخته میشد. هریک از رأی دهندگان در ظرف ۳ روز از تاریخ انتخاب حق داشت نسبت به انتخاب نماینده شورای بلدی اعتراض کند. اعتراض در شورای فرمانداری (۳) مورد رسیدگی قرار میگرفت. حکم شورای

فرمانداری قابل استیناف بوده و در شورای دولتی (۱) رسیدگی میشد. هشت روز قبل از انتخاب سنا و در هافرماندار فهرست اسامی انتخاب کنندگان را تنظیم و ابلاغ میکرد. ریاست هیئت انتخاب کنندگان باریس دادگاه حقوقی (۲) بود. دو نفر از مسن ترین و دو نفر هم از جوان ترین رأی دهندگان و یک نفر منشی تعیین میشد و این پنج نفر تحت ریاست رئیس دادگاه حقوقی هیئت رئیسه رأی دهندگان را تشکیل میدادند. انتخابات در یک روز بعمل میآمد. برای انتخاب شدن عضویت مجلس سنا در دفعه اول و دوم اکثریت مطلق رأی دهندگان و داشتن لا اقل یک ربع مجموع آراء اشخاصیکه اسامی آنها در لیست انتخاب کنندگان به ثبت رسیده بود ضرورت داشت. در دفعه سوم اکثریت نسبی کافی بود و در صورت تساوی آراء کسیکه سن او بیشتر بود انتخاب شده محسوب میگردد. شرکت در انتخابات سنا و درها الزامی بود و متخلفین محکوم به پرداخت جریمه میشدند.

اشخاص ذیل هنگام انجام وظائف و تاشش ماه بعد از خاتمه مأموریت خود مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود به عضویت مجلس سنا انتخاب شوند :

- ۱- رؤسای کل - رؤسای شعب و اعضای دادسرای محاکم استیناف.
- ۲- رؤسا - نواب رئیس - بازپرسان و اعضای دادسرای محاکم بدایت.
- ۳- فرمانداران - بخشداران و دبیران کل فرمانداری.
- ۴- سر مهندسين ولايتی - مهندسين بخش - رؤسای طرق و شوارع.
- ۵- رؤسا و بازرسان فرهنگ.
- ۶- رؤسای دبستانها.
- ۷- رؤسای عالی مقام مذهب کاتولیک.
- ۸- افسران نیروی زمینی و دریائی.
- ۹- رؤسای دارائی و غیره.

مستخدمین فوق الذکر دولت از انتخاب شدن در حوزه مأموریت خود مطلقاً ممنوع بودند بدین معنی که اگر بنمایندگی انتخاب میشدند انتخاب آنها کلاً لم یکن و بلا اثر بود ولی سایر مأمورین دولت میتوانند در حوزه مأموریت خود یا خارج

از آن حوزه به عضویت مجلس سنا (یا مجلس مبعوثان) انتخاب شوند و اگر در ظرف ۸ روز بعد از تصویب اعتبارنامه خود از شغل خویش استعفا نمدادند از مشاغل دولتی معزول گردیده و در نمایندگی باقی میمانند و اما بموجب قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ علاوه بر وزراء و معاونین وزارتخانه‌ها، فقط استادان دانشگاه و اشخاصیکه مشاغل دولتی برای مدت حداکثر ۶ ماه قبول میکردند از اصل مندرج بالا مستثنی بوده و با حفظ شغل دولتی میتوانستند در مجلس سنا و همچنین در مجلس مبعوثان عضویت داشته باشند.

مبحث پنجم

مجلس مبعوثان

ماده اول قانون اساسی مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ عمومی بودن انتخابات مجلس مبعوثان را اعلام نموده تعیین سایر اصول و شرایط انتخابات نمایندگان مجلس مزبور را موکول به قانون انتخابات کرده بود.

باتوجه بماده مزبور مجلس ملی (مؤسسان) قانونی بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ تصویب نمود و همین قانون با تغییراتی که بعداً در بعضی مواد آن بعمل آمده بود تا سال ۱۹۴۰ (تاریخ سقوط جمهوری سوم و استقرار حکومت نامحدود مارشال پتن) اجرا میشد. بموجب قانون مزبور قوانین تکمیلی انتخابات مجلس مبعوثان عمومی مستقیم و مخفی بود. برای رأی دادن علاوه بر تابعیت فرانسه داشتن ۲۱ سال عمر و عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی و سکونت دائمی در حوزه انتخابیه یا ۶ ماه لا اقل اقامت در آن حوزه ضروری بود به علاوه اشخاصیکه در ظرف ۵ سال در حوزه ای که محل سکونت دائمی یا اقامت ۶ ماهه آنها نبود مالیات مستقیم میپرداختند حق داشتند در انتخابات آن حوزه شرکت کنند. مستخدمین دولت در حوزه مأموریت خود از شرط اقامت ۶ ماهه مستثنی و مجاز بودند پس از ورود به محل مأموریت خود در انتخابات شرکت جویند. سربازان و افسران فقط در ایام مرخصی میتوانستند از حق رأی استفاده کنند. محبوسین و اشخاصیکه بموجب احکام غیابی دادگاهها محکومیت پیدا کرده بودند و همچنین مجانین و ورشکستگان به تقصیر (در ظرف سه سال) از شرکت در انتخابات مجلس مبعوثان ممنوع بودند.

از اشخاصیکه واجد شرایط رأی دادن بودند صورت برداری میشد و هر سال

یکمترتبه از اول تادهم ژانویه کمیسیون مر کب از شهردار یا دهمدار و نمایندگان فرمانداری و شورای بلدیه یا شورای دهستان در لیست های دائمی تجدید نظر کرده متوفیان و اشخاصی را که در خلال سال گذشته بعلمت ترك تابعیت محکومیت جنون یا علل دیگری از حق شرکت در انتخابات محروم گردیده بودند از صورت مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که بواسطه رسیدن به سن قانونی یا تحصیل تابعیت فرانسه و علل و جهات دیگر واجد شرائط رأی دادن شده بودند وارد صورت مزبور نموده و تا پانزدهم ژانویه آنرا اعلام مینمود. فرماندار و بخشدار و اشخاص ذینفع در مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار صورت انتخاب کنندگان میتوانند به کمیسیون تجدید نظر مراجعه و تکمیل و اصلاح صورت مورد اعتراض را تقاضا کنند. کمیسیون تجدید نظر را اعضای کمیسیون بدوی و دو نفر نماینده شورای بلدیه یا شورای دهستان تشکیل میدادند. اعتراض به تصمیم کمیسیون تجدید نظر در دادگاه بخش رسیدگی میشد. احکام محاکم بخش قابل رسیدگی تمیزی بود.

بموجب قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ انتخابات فردی (۱) بود و در هر بخش يك نماینده انتخاب میشد. قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ انتخابات فردی را ملغی و انتخابات جمعی (۲) را برقرار نمود بدین معنی که هر ولایتی يك حوزه تشکیل داده و برای هر ۶۵۰۰ نفر سکنه يك نماینده انتخاب میکرد بهر حال هر يك از ولایات حق انتخاب لااقل سه نفر نماینده را داشت و لو اینکه شماره سکنه آن به ۱۹۵۰۰۰ نفر نمیرسید. قانون ۱۳ فوریه ۱۸۸۹ انتخابات فردی را یکبار دیگر برقرار نموده و مقرر داشت که هر بخش يك نماینده انتخاب کند ولی بخشهایی که جمعیت آنها بیشتر از ۶۵۰۰۰ نفر بود برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت اضافی نیز يك نماینده تعیین میکردند.

بموجب قانون مزبور ناحیه « بلقور » بجای دو نماینده پیش بینی شده در قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۵ يك ، الجزایر شش و مستعمرات ده نفر نماینده انتخاب میکردند. انتخابات فردی تا ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۹ در فرانسه معمول بوده و در آن تاریخ تبدیل به انتخابات جمعی گردید. بر طبق قانون جدید ولایات اروپائی فرانسه از قرار يك

نماینده برای ۷۵۰۰۰ جمعیت انتخاب می‌کردند. انتخابات جمعی ۸ سال در فرانسه مجری بوده و در ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ ملغی و انتخابات فردی جانشین آن گردید. بموجب قانون ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۷ در ایالات اروپائی فرانسه و سه ایالت الجزایر و مستعمرات ۶۱۲ نفر نماینده انتخاب میشد در صورتیکه قبل از تصویب قانون مذکور در فوق عدّه نمایندگان مجلس مبعوثان بالغ بر ۵۸۴ نفر بود. محتاج به تذکر نیست که در الجزایر و مستعمرات فقط اتباع فرانسه حق رأی دادن و انتخاب شدن را داشته و بومیان از اعمال این حق محروم و ممنوع بودند.

به نمایندگی فقط اشخاصی میتوانند انتخاب شوند که علاوه بر شرایطی که قانون برای رأی دادن منظور داشته بود دارای ۲۵ سال لا اقل عمر بودند. شرط اقامت در حوزه انتخابیه برای انتخاب شدن ملحوظ نبود. برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان داشتن اکثریت آراء، مأخوذه و ربع مجموع آراء، ثبت شده در لیستهای انتخاباتی ضروری بود. در صورت عدم حصول حد نصاب مزبور انتخابات تجدید میشد و در انتخابات تجدیدی برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی بود. نظامیان با استثنای افسران بازنشسته از حق انتخاب شدن بطور مطلق ممنوع بودند. علاوه بر نظامیان اشخاص ذیل نیز از انتخاب شدن ممنوع بودند:

۱- افراد خانواده‌های سلطنتی بوربون و ناپلئون (ماده ۱۶ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵)

۲- اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل نموده بودند در ظرف ۱ سال از تاریخ صدور سند تابعیت.

۳- اشخاصیکه از انجام نظام وظیفه امتناع می‌کردند (قانون ۲۱ مارس ۱۹۰۵)

۴- مدیر کل (۱) و معاونین مدیر کل (۲) بانک دوفرانس (۳).

مدبران و اعضاء هیئت نظارت و مشاورین فنی و حقوقی شرکتها و بانکها از دولت فرانسه کمک خرج دریافت میداشتند میتوانند انتخاب شوند ولی در ظرف ۸ روز از تاریخ تصویب اعتبار نامه خود ملزم بودند از شغل خود استعفا کنند و در غیر اینصورت از نمایندگی مستعفی شناخته میشدند.

نمایندگان مجلس مبعوثان با استخدام دولتی مبیانت داشت بدین معنی که اگر يك مستخدم دولت به عضویت مجلس مبعوثان انتخاب شده و در ظرف ۸ روز از تاریخ

تصویب اعتبار نامه خود از نمایندگی استعفا نمیداد از شغل دولتی مستعفی شناخته میشد. و اما بموجب ماده ۸ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ وزراء - معاونین وزارتخانهها - سفرای کبار - وزرای مختار - فرماندار ولایت «سن» - رئیس شهر بانی پاریس - رئیس کل دادستان کل دیوان عالی تمیز - رئیس کل و دادستان کل دیوان محاسبات - رئیس کل و دادستان محاکم استیناف پاریس و همچنین روحانیون عالیه مقام مذهب کاتولیک و پروتستان و یهود از اصل مندرج بالا مستثنی بوده با حفظ شغل خود میتوانند وظائف نمایندگی را عهده دار شوند. قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ ماده ۸ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ را ملغی نموده و مقرر داشت که فقط وزراء و معاونین وزارتخانهها و استادان دانشگاه و اشخاصیکه بطور موقت (حداکثر ۶ ماه) از دولت مأموریت قبول میکنند با حفظ شغل خود میتوانند نمایندگی مجلس را داشته باشند. نمایندگان مجلس مبعوثان که شغل دولتی بجز مأموریت موقت قبول میکردند از عضویت مجلس مستعفی شناخته میشدند. مستخدمین دولت که قبول نمایندگی مجلس را میکردند پس از انقضای دوره قیام و نگذاری حق داشتند به شغل دولتی برگردند.

بعضی از مأمورین دولت از جمله فرمانداران و بخشداران و دیران کل فرمانداری و مأمورین عالی رتبه دارائی و رؤسای مدارس ابتدائی مجاز نبودند در حوزه مأموریت خود بنمایندگی انتخاب شوند و این محرومیت نه تنها شامل دوره خدمت میشد بلکه ۶ ماه بعد از آن نیز قابل اجری بود (ماده ۱۲ قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵) منظور و واضعین قانون مزبور این بود که مبادا مأمورین مذکور در فوق از نفوذ خود بین رأی دهندگان حوزه مأموریت خود سوء استفاده کرده من غیر حق بنمایندگی انتخاب شوند. بموجب قانون ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۹ داوطلبان نمایندگی مجاز نبودند از چند حوزه انتخاب شوند. کاندیداهای نمایندگی ملزم بودند ۵ روز لافل قبل از انتخابات به فرمانداری حوزه انتخابیه اعلام نامزدی (۱) نمایند. چنانچه يك تبعه بیگانه یا شخصی که از لحاظ سن یا جهات دیگر واجد شرائط انتخاب شدن نبود اعلام نامزدی میکرد مقامات مربوطه حق و وظیفه داشتند به تقاضای او ترتیب اثر ندادند از ثبت نام او خودداری کنند. اثر قانونی اعلام نامزدی این بود که فقط اشخاصی میتوانند بنمایندگی انتخاب شوند

که با احراز شرائط قانونی در موعد مقرر اعلام نامزدی نموده و اسم آنها در فرمانداری به ثبت رسیده بود و چنانچه در يك حوزه انتخابیه يك نفر بدون نام نویسی اکثریت آراء را بدست میآورد آراء او باطل شناخته میشد. منظور از اعلام نامزدی این بود که به رأی دهندگان وقت و مجال تعمق و بررسی در صلاحیت داوطلب نمایندگی و برنامه وی داده شود بعلاوه بر اثر اعلام نامزدی سهولت و نظمی در شمارش آراء حاصل میشد. اگر يك نفر داوطلب نمایندگی در چند حوزه اعلام نامزدی میکرد اولی معتبر و بقیه باطل و بلا اثر شناخته میشد. چنانچه يك نفر داوطلب نمایندگی بدون اعلام نامزدی اقدام به ارسال اوراق تبلیغاتی یا اعلان در روزنامه ها و مجلات میکرد یا بمنظور اخذ آراء متوسل بوسائل دیگر میشد این عمل غیرقانونی تلقی شده و قابل تعقیب جزائی بود.

دوره نمایندگی ۴ سال بود و پس از انقضای دوره چهار ساله انتخاب تمام نمایندگان تجدید میشد در صورتیکه سناتورها برای ۹ سال انتخاب میشدند و هر سه سال انتخاب يك نلث آنها تجدید میگردد و این همان ترتیبی است که در ایران ممالك متحده امریکا و پاره ممالك دیگر معمول است. در صورت فوت استعفاء یا عدم توانائی یکی از نمایندگان انتخاب جانشین او در مدت ۲ ماه (حدا کثر) بعمل میآید و چنانچه فوت استعفاء یا عدم توانائی در طرف ۶ ماه قبل از پایان دوره قانونگذاری بوقوع می پیوست در این صورت انتخاب نماینده جدید بجای نماینده مستعفی متوفی یا ناتوان بعمل نمیآید. در هر دهستان یا شهری يك انجمن فرعی نظارت در انتخابات تشکیل میشد. ریاست انجمن مزبور بادهدار یا شهردار (۱) بوده و اعضای آن از بین اعضای شورای دهستان یا شورای شهر (۲) تعیین میشدند. انتخابات در يك روز بعمل میآید و رأی دهندگان با ارائه ورقه دائمی انتخاباتی (۳) رأی خود را در صندوق رأی میانداختند. نظارت در انتخابات و تشخیص انتخاب شدگان در مرکز حوزه انتخابیه با کمیسیون بود مرکب از رئیس محکمه حقوقی و چهار نفر از با سابقه ترین اعضای شورای ولایتی. ریاست کمیسیون مرکزی باریس محکمه بود. کمیسیون مزبور به شکایات واصله رسیدگی کرده نظر خود را اعلام مینمود و لی اتخاذ تصمیم قطعی درباره شکایات

انتخاباتی با خود مجلس مبعوثان بود. صورت مجلس انتخابات بوسیله فرمانداری و وزارت کشور به دفتر مجلس مبعوثان فرستاده میشد.

مبحث ششم

مقررات مربوط به هر دو مجلس

مجلس مقننه اصولاً امتساوی الحقوق بودند بدین معنی که کلیه لواحق و طرحهای قانونی بایستی به تصویب هر دو مجلس برسد منتهی لواحق مالی قبلاً در مجلس مبعوثان به تصویب رسیده سپس برای تصویب به مجلس سنا فرستاده میشد بعلاوه مجلس سنا وظائف قضائی داشته رئیس جمهوری و وزراء و مقصرین سیاسی را محاکمه میکرد.

بموجب مادتين اول و دوم قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ جلسات عادی مجلس سنا و مجلس مبعوثان هر سال در دومین سه شنبه ماه ژانویه تشکیل یافته و لااقل ۵ ماه ادامه پیدا میکرد. دوره اجلاس مجلس در آن واحد شروع و خاتمه پیدا میکرد. پایان دوره اجلاس از طرف رئیس جمهوری معین و ابلاغ میگردد و همچنین در موارد ضروری رئیس جمهوری میتواند به تشخیص و صلاحدید خود یا به تقاضای اکثریت مطلق نمایندگان یکی از مجلسین مجلس مبعوثان و مجلس سنا را برای تشکیل جلسات فوق العاده دعوت کند. بطوریکه در بالاتر ذکر گردید رئیس جمهوری میتواند مجلس را تعطیل کند ولی تعطیل نبایستی در هر دوره قانونگذاری بیشتر از دودفعه بعمل آید و هر دفعه از یکماه تجاوز کند. جلساتی که یکی از مجلسین خارج از دوره اجلاس تشکیل میداد غیر قانونی محسوب و مصوبات آن کان لم یکن و بلا اثر محسوب میشد و تنها استثنائیکه قانون اساسی از این اصل قائل میشد جلساتی بود که مجلس سنا بعنوان دیوان داد گستری (۱) تشکیل میداد. جلسات مجلس سنا و مجلس مبعوثان علنی بود مگر اینکه جمعی از نمایندگان یکی از مجلسین که تعداد آنها در نظامنامه داخلی آن مجلس معین شده بود تشکیل جلسه محرمانه را تقاضا بکنند بهر حال هر يك از مجالس حق داشت با اکثریت مطلق آراء برای رسیدگی به موضوعی که در جلسه محرمانه مطرح بود جلسه علنی تشکیل دهد (ماده ۵۰ نظامنامه داخلی سنا و ماده ۱۱۰ نظامنامه داخلی مجلس مبعوثان). رئیس جمهوری بوسیله پیام با مجالس تماس میگرفت. پیام ریاست جمهوری را نخست وزیر یا یکی از وزراء

در مجلسین قرائت مینمود. وزراء حق داشتند در جلسات عمومی و کمیسیونهای مجالس حضور بهم رسانیده در خصوص امور مربوطه بوزارتخانه های خود اظهاراتی نمایند. بدیهی است چنانچه وزیری عضو یکی از مجلسین بود علاوه بر حضور در جلسات و شرکت در مذاکرات حق رأی را نیز دارا میشد. هر يك از مجالس نیز محق بود وزرا را برای ادای توضیحات در جلسات عمومی و جلسات کمیسیونهای مجلس دعوت نماید. هر يك از مجالس به اعتبار نامه های نمایندگان خود رسیدگی کرده آنرا تصویب یا رد مینمود. مجلس مبعوثان و مجلس سنا اعضای هیئت رئیسه خود را برای يك دوره اجلاس انتخاب مینمودند و چنانچه نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورها برای انتخاب رئیس جمهوری یا تجدید نظر در قانون اساسی مجلس واحدی تشکیل میدادند و وظائف هیئت رئیسه آن مجلس را اعضای هیئت رئیسه مجلس سنا انجام میدادند. قرار تعقیب رئیس جمهوری و وزرا را مجلس مبعوثان صادر و مجلس سنا با حضور تمام اعضای خود آنها را محاکمه میکرد به علاوه بر طبق فرمان ریاست جمهوری مجلس سنا اشخاصی را که متهم به ارتکاب جنایت بر علیه امنیت داخلی و خارجی کشور بودند محاکمه میکرد.

همانطور که در تمام کشورها از جمله خود فرانسه معمول بوده و میباشد هر يك از نمایندگان مجالس آزادی نطق و رأی داشتند بقسمیکه مقامات رسمی و مأمورین دوات (شخصاً) و اشخاص ثالث حق نداشتند نمایندگان مجلس مبعوثان و سناتورها را بواسطه اظهاراتی که نموده و رأیی که داده بودند نه در دوره نمایندگی و نه پس از انقضای آن دوره مورد تعقیب قرار دهند. بموجب ماده ۱۴ قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ چنانچه یکی از نمایندگان مجلسین در زمان اشتغال پارلمان مرتکب جنحه یا جنایتی میشد مقامات قضائی فقط با اجازه مجلس مربوطه میتوانند او را بازداشت و محاکمه کنند. جرائم مشهود از این قاعده مستثنی بود بدین معنی که مقامات مربوطه مجاز بودند بدون جلب موافقت نمایندگان، مبعوث یا سناتوری را که مرتکب جرم مشهود میشد دستگیر و تعقیب نمایند. در ایام تعطیل مجالس توقیف و تعقیب نمایندگان پارلمان بدون کسب اجازه مجلس مربوطه مانعی نداشت ولی در این مورد و همچنین در مورد جرائم مشهود مجلسی که متهم عضو آن بود میتواند است از مقامات قضائی درخواست کند که نماینده توقیف شده آزادی حاصل نموده و بازداشت و تعقیب او تا آخر دوره قانونگذاری معلق گردد.

قسمت سوم

تحولات سیاسی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶

قانون اساسی گترنی فرانسه

فصل اول

حکومت مارشال پتن، (۱)

هنگام شکست فرانسه در جنگ و پیشرفت سپاهیان فاتح آلمان در خاک فرانسه و اشغال پاریس در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۰ آلبر لوبرن (۲) ریاست جمهوری و پلرنو (۳) ریاست هیئت وزیران را عهده دار بودند و مارشال پتن فاتح معروف وردن (۴) در جنگ اول جهانی وزیر مشاور و نایب رئیس دولت بود. در این موقع مسئله ترك مقاومت با ادامه جنگ که افکار عمومی ملت مغلوب فرانسه را بخود جلب کرده بود در هیئت وزیران مطرح و وزراء بدودسته مخالف و متضاد تقسیم شدند بدین معنی که پلرنو نخست وزیر و بعضی از اعضای کابینه او بامتاز که جنگ جدا مخالفت نموده و عقیده داشتند که دولت باید جنگ با آلمان و ایتالیا را در خاک فرانسه یا لااقل در شمال افریقا (الجزایر - مراکش - تونس) و مستعمرات فرانسه ادامه دهد و امامارشال پتن و ژنرال ویکان (۵) که پس از عزل ژنرال کاملن (۶) از فرماندهی کل قوای فرانسه بجانشینی وی انتصاب شده بود ادامه جنگ را آنهم در دو جبهه نه تنها بی فایده بلکه مضر بحال

Henri - Philippe Pétain, maréchal de France - ۸

Paul Reynaud - ۳

Albert Lebrun - ۲

général Weygand - ۵

Werdun - ۴

général Gamelin - ۶

ملت فرانسه دانسته مصر آرمو کدا متار که جنگ را درخواست میکردند (۱). چون قسمت اعظم وزرا، متمایل به نظر مارشال پتن و ژنرال ویگان بوده و ادامه جنگ را برخلاف مصالح فرانسه تشخیص میدادند لذا هیئت دولت تصمیم بر تقاضای متار که جنگ گرفت و بر اثر این تصمیم هیئت وزیران پلرنو از ریاست دولت استعفا داد و آلبر لوبرن رئیس جمهوری در تاریخ ۱۶ ژوئن مارشال پتن را مأمور تشکیل کابینه جدید فرانسه نمود. رئیس الوزرای جدید که وطن پرستی و کاردانی او در امور نظامی مورد تردید نبود بدون فوت وقت به فرماندهی کل قوای آلمان مراجعه و تقاضای متار که جنگ را نمود. این درخواست مورد موافقت پیشوای آلمان واقع گردیده و در شب ۲۵ ژوئن در جنگل معروف کمپین (۲) محلی که متار که جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ صورت گرفته بود قرارداد متار که جنگ بین فرانسه از یک طرف و آلمان و ایتالیا از طرف دیگر بامضا رسیده و بموقع اجرا گذاشته شد.

پس از امضای قرارداد متار که جنگ بنا بدعوت مارشال پتن نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنا بتاريخ ۶ ژوئیه در شهریوشی (۳) که پس از بردو (۴) و کلرمون فرران (۵) مقر حکومت فرانسه شده بود تشکیل جلسه دادند و مجلس مبعوثان با کثرت ۳۹۵ رأی در مقابل ۳ مخالف و مجلس سنا با کثرت ۲۲۹ رأی موافق در مقابل ۱ مخالف لزوم تجدید نظر در قوانین اساسی ۱۸۷۵ را تصدیق نموده سپس در دهم ماه ژوئیه مجلس واحدی تشکیل دادند و با کثرت ۵۴۹ رأی در برابر ۸۰ مخالف و ۱۷ متمنع ماده واحده باین مضمون تصویب نمودند:

«مجلس ملی به حکومت جمهوری اختیار تام میدهد که تحت نظر و راهنمایی مارشال پتن قانون اساسی جدید فرانسه را تنظیم و بامضای او ابلاغ کند. این قانون اساسی باید منافع زحمتکشان و خانواده و وطن را تضمین کند.

قانون اساسی مورد نظر از طرف ملت تصویب خواهد شد و مجالسی که قانون مزبور بوجود خواهد آورد ترتیب اجرای آنرا خواهند داد.

این قانون اساسی به تصویب مجلس ملی رسیده و بموقع اجرا گذاشته میشود.

۱- گواهی پلرنو آلبر لوبرن در جلسات مورخ ۲۴ و ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۵ محاکمه مارشال پتن.

۲- Compiègne

۳- Vichy

۴- Clermont - Ferrand

۵- Bordeaux

ماده واحده مصوب مجلس ملی بامضای آلبرابرین رئیس جمهوری و مارشال پتن نخست وزیر رسیده و ابلاغ گردید .

باتوجه به قانون فوق الذکر مارشال پتن با جلب نظر هیئت وزیران فرامینی صادر نمود که اهم آنها بشرح زیر است :

۱ - بموجب فرمان شماره يك مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مقام ریاست جمهوری در فرانسه ملغی و مقام ریاست مملکت (۱) به مارشال پتن تفویض گردید و در نتیجه البرابرین رئیس جمهوری از شغل خود معزول شد .

۲ - فرمان شماره دو مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ که مهمترین فرامین مارشال پتن بشمار میرود علاوه بر وظائفی که قوانین اساسی ۲۴ فوریه و ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ برای ریاست جمهور قائل شده بود به رئیس مملکت اجازه میداد که تا تشکیل مجالس قوانینی وضع نموده و بموقع اجرا بگذارد و چون در تمام دوره زمامداری مارشال پتن مجالس مقننه تشکیل نشده بود لذا نامبرده تا پایان حکومت ویشی به تنهایی وضع قوانین میکرد بهر حال اعلان جنگ مستلزم موافقت مجلس مبعوثان و مجلس سنا بود و نیز فرمان شماره دو به مارشال پتن اختیار میداد که پس از انعقاد مجالس جدید هم در مواقع بحران شدید داخلی که تشخیص آن با خود مارشال پتن بود وضع قوانین کند . مارشال پتن که علاوه بر وظائف ریاست قوه مجریه ریاست هیئت دولت را نیز عهده دار بود حق داشت وزراء را عزل و نصب کند و وزرائیکه از طرف او انتخاب میشدند فقط در مقابل وی مسئول بودند . فرمان مورد بحث برای اداره امور مملکتی دو نوع هیئت تشکیل داده بود که یکی شورای وزیران (۲) و دیگری شورای کابینه (۳) نامیده میشد . در شورای وزیران متصدیان وزارتخانه های مهم مانند وزارت امور خارجه وزارت دارائی - وزارت اقتصاد ملی - وزارت جنگ عضویت داشتند در صورتیکه متصدیان سایر وزارتخانه ها که دارای عنوان منشی دولتی (۴) بودند در جلسات شورای کابینه شرکت میکردند و از شرکت در جلسات هیئت وزیران ممنوع بودند . شورای کابینه مسائل مربوطه را مورد مطالعه و مذاقه قرار داده نظر خود را برای اتخاذ تصمیم قطعی باستحضار شورای وزیران میرسانید . ریاست شورای وزیران با

خود مارشال پتن بوده و در جلسات شورای کابینه نایب رئیس دولت و وظائف رئیس را انجام میداد.

۳ - فرمان شماره سه مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۰ مجلس مبعوثان و مجلس سنا را تعطیل کرده و تشکیل جلسات مجالس مزبور را منوط به اجازه ریاست مملکت مینمود.

۴ - بموجب فرمان شماره چهار مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۴۰ پیرلاوال (۱) بسمت جانشینی مارشال پتن تعیین گردید و بر طبق فرمان شماره ۴ مکرر (۲) مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۰ در صورت فوت یا استعفا یا بالاخره عدم توانائی لاول برای انجام وظائف محوله هیئت وزیران حق داشت با کثرت مطلق آراء، شخص دیگر را به جانشینی مارشال پتن تعیین کند. پس از مغضوب شدن پیرلاوال، مارشال پتن در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ فرمانی بشماره ۴/۳ (۳) صادر نمود که بموجب آن به هیئت وزیران اختیار داده میشد که جانشین رئیس مملکت را انتخاب کند و بالاخره بر طبق فرمان شماره ۴/۴ (۴) مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۴۱ در ریاسالاردارلان (۵) بجانشینی مارشال پتن منصوب و مقرر گردید که در صورت فوت یا استعفا و یا عدم توانائی وی هیئت وزیران طبق فرمان شماره ۴ مکرر یک نفر را بجای او تعیین کند.

۵ - فرمان شماره پنج مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۰ ماده ۹ قانون اساسی ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ و ماده ۱۲ قانون اساسی ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ راجع به وظائف قضائی مجلس سنا را لغو نموده محکمه ای بنام دیوان عالی دادگستری (۶) تاسیس و به دادگاه مزبور اختیار داد که وزراء - وزرای سابق - معاونین و زارتخانه ها و وزیرستان نزدیک (۷) آنها را باتهام جنحه و جنایاتی که هنگام انجام وظائف محوله مرتکب میشدند و هم چنین اشخاصی را که متهم به سوء قصد به امنیت کشور و جرائم مشابه بودند محاکمه کند. محکمه دارای یک رئیس یک نایب رئیس پنج مستشار اصلی و سه مستشار علی البدل بود. ریاست دیوان عالی دادگستری با رئیس دیوان کشور بود. نایب رئیس و مستشاران دادگاه مزبور را رئیس مملکت پس از جلب نظر مشورتی هیئت دولت از بین قضات

acte constit. no 4 bis - ۲

acte constit. no 4 quarter - ۴

Haute - Cour de Justice - ۶

Pierre Laval - ۱

acte constit. no 4 ter - ۳

Amiral Darlan - ۵

عالیه مقام و افسران ارشد تعیین مینمود . دادستان و دو نفرو کیل عمومی دادگاه نیز طبق فرمان رئیس قوه مجریه انتخاب میشدند . انعقاد محکمه بموجب فرمان مارشال پتن بعمل میآمد . احکام دادگاه قطعی و قابل تمیز نبود . دادگاه جلسات خود را در شهر ریون (۱) تشکیل میداد .

۶ - بموجب فرمان شماره شش مورخ اول دسامبر ۱۹۴۰ مارشال پتن می توانست از اعضای مجلس مبعوثان و مجلس سنا سلب نمایندگی کند .

۷ - طبق فرمان شماره هفت مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۴۱ مارشال پتن اختیار داشت وزراء و مأمورین عالیه مقام و هم چنین وزراء و مأمورین عالیترتبه سابق را که کمتر از ده سال سابقه خدمت داشتند بدون مجازمه و فقط به تشخیص خود به حبس یا جریمه محکوم کند . باتوجه به همین فرمان جمعی از وزراء و مأمورین فرانسه بحکم مارشال پتن محکوم به حبس شدند .

۸ - بموجب فرامین شماره هفت مذکور در فوق و شماره هشت و نه مورخ ۱۴ اوت و شماره ده مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۱ وزراء و معاونین و نظامیان و سایر مأمورین دولت موظف بودند قسم وفاداری نسبت به مارشال پتن یاد کنند .

باتکاء فرامین مندرج بالا و فرامین دیگر مارشال پتن از دهم ماه ژوئیه ۱۹۴۰ تا تاریخ تبعید وی به آلمان در ۱۹۴۴ با اختیارات تام قوه مقننه و قوه مجریه را اعمال و تا اندازه ای وظائف قوه قضائیه را انجام میداد . هر چند نامبرده بموجب فرامین مورخ ۲۲ ژانویه و ۲۲ مارس ۱۹۴۲ يك شورای ملی (۲) تشکیل داده بود ولی گذشته از اینکه شورای مزبور جنبه مشورتی داشته و تصمیمات آن لازم الاجرا نبود اعضای آن نیز از طرف مارشال پتن انتخاب میشدند .

و اما بموجب فرمان شماره دوازده مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ و شماره دوازده مکرر مورخ ۲۶ نوامبر همان سال مارشال پتن قسمتی از اختیارات خود را به پیرلاوال که به ریاست دولت (۳) انتخاب شده بود تفویض و با و اختیار داده بود بنام رئیس مملکت و وظائف ریاست قوه مجریه را انجام دهد و هم چنین به تنظیم و اجرای قوانین عادی اتمام کند که نتیجتاً مارشال پتن حق وضع قوانین اساسی را حفظ نموده و رسماً عملیات رئیس دولت را نظارت و مراقبت میکرد .

فصل دوم

حکومت ژنرال دوگل (۱)

هنگام استعفای پلرنو و تشکیل کابینه مارشال پتن ژنرال دوگل رهبر نهضت فرانسه آزاد که سمت معاونت وزارت جنگ را در کابینه مستعفی داشت برای يك مأموریت نظامی عازم لندن شده بود. ژنرال نامبرده در ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ بوسیله رادیوی لندن بیانه‌ای خطاب به ملت فرانسه صادر و حکومت مارشال پتن را غیرقانونی اعلام و تقاضا نمود در مقابل نیروی آلمان مقاومت کرده و نبرد را با دشمن ادامه دهند. ژنرال دوگل به رهبری خود نهضتی بنام فرانسه آزاد (۲) ایجاد نمود. دولت انگلیس در تاریخ ۷ اوت دوگل را بعنوان پیشوای نهضت فرانسه آزاد شناخته سپس پاره مستعمرات فرانسه نیز مانند هبرید جدید (۳) کامرون (۴) کنگوی وسطی (۵) و هندوچین و تچاد (۶) نیز با حکومت ویشی قطع ارتباط کرده و نهضت فرانسه آزاد را شناختند.

چون رهبری نهضت مقاومت ملی و تهیه نیروی لازم برای ادامه جنگ با آلمان و ایتالیا در خاک يك دولت بیگانه مناسب بنظر نمیرسید از این رو ژنرال دوگل عازم برازاویل (۷) واقع در کنگوی وسطی شده و در آنجا در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۴۰ هیئتی بنام شورای دفاع امپراطوری (۸) تشکیل داد. در این شوری همکاران نزدیک ژنرال دوگل و فرمانداران و کمیسرها و سایر مأمورین عالی مقام مستملکات فرانسه که ژنرال نامبرده را بسمت ریاست فرانسه آزاد شناخته بودند عضویت داشتند. شورای دفاع امپراطوری جنبه مشورتی داشته و ژنرال دوگل در قبول یا رد نظریات شورای مزبور

La France libre - ۲

Cameroun - ۴

Tchad - ۶

Général de Gaulle - ۱

Nouvelles - Hébrides - ۳

Moyen Congo - ۵

Brazzaville - ۷

Le Conseil de Défense de l' Empire - ۸

آزادی کامل داشت . علاوه بر شورای مشورتی دو گل در براز اوایل بتاريخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۱ يك حكومت واقعی بنام کمیته ملی فرانسه (۱) تشکیل داد و همین کمیته علاوه بر حکومت بر مستملکات فرانسه مشغول تهیه وسائل جنگ با دشمن بود و از طرفی هم با دول متفق ایجاد روابط کرد . ریاست کمیته ملی فرانسه با ژنرال دو گل بود و نامبرده اعضای کمیته مزبور (کسرها) را تعیین مینمود . هر يك از کمیسرها متصدی اداره (وزارتخانه) معینی بودند و علاوه بر امور جاری طرح فرامین دو گل را مورد شور قرار داده و نظر مشورتی خود را به نامبرده پیشنهاد میکردند . بموجب فرمان مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۲ بجای فرانسه آزاد سازمان جدیدی بنام فرانسه مبارز (۲) بوجود آمد . در ماه نوامبر ۱۹۴۲ ممالک متحده امریکا و اندلسستان در بنادر مراکش و الجزایر نیرو های نظامی پیاده کردند و بادریاسالار دارلان که با سمت کمیسر عالی حکومت ویشی در افریقای شمالی انجام وظیفه میکرد ایجاد همکاری و تشریک مساعی نمودند . در یاسالار دارلان که بموجب امریه شماره ۴/۴ (۳) مورخ دهم فوریه ۱۹۴۱ بجانشینی مارشال بتن تعیین شده بود با تأیید وفاداری خود بنامبرده از اجرای اوامر او خودداری میکرد زیرا بمقیده وی مارشال بتن بعلت اشغال خاک فرانسه بدست ارتش آلمان فاقد آزادی عمل بوده و طبق دستور مقامات آلمانی با اشغال افریقای شمالی از طرف دول متفق مخالفت میکند در صورتیکه نامبرده در باطن از این اقدام متفقین رضایت کامل داشته شکست آلمان و پیروزی دولتهای متفق را آرزو مند است و نظر باینکه مارشال بتن فاقد آزادی عمل بوده و قادر بانجام وظائف خود نمیباشد و چون وی (در یاسالار دارلان) جانشین و قائم مقام رئیس کشور فرانسه میباشد لذا او با وظائف و اختیاراتی که مجلس ملی طبق قانون مورخ دهم ژوئیه ۱۹۴۰ به مارشال بتن تفویض نموده است حق و وظیفه دارد حکومت فرانسه را بعهدہ بگیرد . چندی بعد در یاسالار دارلان يك شورای امپراطوری در شهر الجزیره تشکیل داد و ژنرال ژيرو (۴) را که از اسارت آلمان رهائی یافته و با افریقای شمالی وارد شده بود بفرماندهی ارتش فرانسه متمرکز در افریقای شمالی تعیین نمود .

Le Comité national français - ۱

La France combattante - ۲

acte constitutionnel no 4 (quarter) - ۳

général Giraud - ۴

پس از قتل دریا سالار دارلان در ماه دسامبر ۱۹۴۲، شورای امپراطوری ژنرال ژیرورا بجای نامبرده انتخاب نمود و اما ژنرال نامبرده حکومت مارشال پتن را غیرقانونی دانسته از ایجاد مراوده با حکومت ویشی امتناع میکرد. در اوائل ماه ژوئن ۱۹۴۳ موافقتنامه‌ای در شهر کازابلانکا (۱) بین ژنرال دوگل و ژنرال ژیرو بامضا رسید که بموجب آن در شهر الجزیره کمیته‌ای بنام کمیته نجات ملی فرانسه (۲) تشکیل یافت که ریاست آن متناوباً بایکدی از دو ژنرال نامبرده بود. کمیته مزبور وظیفه داشت کلیه لوایح قانونی را مورد شور قرار داده آنرا تصویب یا رد نماید ولی ژنرالهای مزبور مجاز بودند از اجرای تصمیمات کمیته نجات ملی خودداری کنند. علاوه بر لوایح قانونی کلیه فرامین دوگل و ژیرو که مربوط به سیاست عمومی فرانسه آزاد بود میبایست در کمیته نجات ملی رسیدگی شود. ائتلاف دوگل و ژیرو زیاد دوام نداشته و بزودی ریاست دولت فرانسه آزاد به شخص دوگل انتقال یافت. در خلال ۱۹۴۳ دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و دولت کشورهای متحده امریکا و متفقین دیگر کمیته نجات ملی فرانسه را عملاً (۳) شناخته و وسایل و موجبات تقویت و موفقیت کمیته مزبور را چه از لحاظ نظامی و چه از حیث امور مالی فراهم ساختند.

و اما چون در زمان جنگ انتخابات خالی از اشکال نبود و از طرفی هم لازم بود که کمیته نجات ملی بانمایندگان ملت تماس گرفته از نظریات و تمایلات و درخواستهای آنها اطلاع حاصل کند لذا بموجب امریه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۳ يك مجلس مشورتی موقت (۴) مرکب از دستجات ذیل تأسیس گردید:

۱ - عده‌ای از نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق بانتخاب مجالس مزبور.

۲ - نمایندگان کمیته‌های مقاومت ملی (۵).

۳ - نمایندگان شوراهای ولایتی (۶).

۴ - منتخبین مستعمرات فرانسه.

بموجب امریه مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۴ خود مجلس مشورتی موقت ۴۸ نفر از

Comité français de libération nationale - ۲ Casablanca - ۱

Assemblée consultative provisoire - ۴ de facto - ۳

Comités de résistance nationale - ۵

Conseils généraux - ۶

بین اسرای جنگی فرانسه و اشخاصیکه از طرف مقامات آلمانی تبعید شده بودند بعضویت مجلس مزبور انتخاب میکرد .

در سوم ژوئن ۱۹۴۴ بجای کمیته نجات ملی فرانسه يك حکومت موقت (۱) در شهر الجزیره تشکیل یافت که پس از تخلیه پاریس از سپاهیان آلمان در اواخر ماه اوت ۱۹۴۴ به شهر مزبور نقل مکان کرد . ریاست حکومت موقت فرانسه بسا ژنرال دوگل بود که در عین زمان ریاست کشور را نیز به عهده داشت . نامبرده وظائف ریاست کشور را بوسیله اعضای حکومت موقت انجام میداد که از طرف او انتخاب میشدند و در مقابل وی مسئول بودند . وظائف و اختیارات حکومت موقت فرانسه بواسطه فقدان پارلمان محدود نبود منتهی حکومت مزبور خود را ملزم میدانست که در مسائل مالیاتی و امور مربوطه به سازمان قوای عالیّه کشور و آزادی شخصی و مسائل مهم دیگر نظر مجلس مشورتی را بخواهد و چنانچه مجلس مزبور در ظرف مدت معینی از اظهار نظر امتناع میکرد در اینصورت حکومت مجاز بود فرمانی را که برای اظهار نظر به مجلس مشورتی ارسال داشته بود ابلاغ و اجرا کند . علاوه بر اظهار نظر در مسائلی که دولت به مجلس مشورتی ارجاع میکرد مجلس مزبور حق داشت با اکثریت دو ثلث آراء اموری را که از نظر منافع و مصالح ملی حائز اهمیت خاصی بود مورد بحث قرار داده از حکومت توضیحاتی بخواهد ولی اگر وزراء بعلل و جهاتی از دادن جواب خود داری میکردند یا توضیحات آنها مورد قبول مجلس مشورتی واقع نمیشد در اینصورت مجلس نمیتوانست نسبت بوزراء ابراز عدم اعتماد نموده آنها را وادار باستعفا کند . با اینکه مجلس موقت جنبه مشورتی داشته و مصوبات آن لازم الاجرا نبود معذلک نمایندگان مجلس مزبور آزادی نطق و رأی داشته و از هر گونه تعرض مصون بودند .

بموجب امریه ژنرال دوگل مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۴۴ و امریه های تکمیلی وی يك دادگاه عالی بریاست رئیس کل دیوان کشور و عضویت رئیس شعبه جنائی دیوان مزبور و رئیس کل محاکم استیناف پاریس و سی و چهار نفر مستشار تشکیل یافت . محاکمات با حضور هیئت منصفه بعمل میآید . هیئت مزبور دارای صد نفر عضو بود که پنجاه نفر آنرا مجلس مشورتی موقت انتخاب میکرد و پنجاه نفر دیگر از بین

نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق تعیین میشد . دیوان عالی وظیفه داشت رئیس کشور- رئیس دولت- وزراء- معاونین وزارتخانه‌ها- فرمانداران و مأمورین فوق‌العاده فرانسه در مستعمرات و ممالك تحت‌الحمايه - فرمانداران ولایات اروپائی فرانسه و سه ولایت الجزایر و سایر مأمورین عالیرتبه را که از تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۴۰ (تاریخ تشکیل کابینه مارشال پتن) ببعد مرتکب جرائم سیاسی شده بودند محاکمه کند . احکام محکمه مزبور غیر قابل استیناف و تمیز بود .

فصل سوم

دفعه دوم - تشکیل مجلس مؤسسان

قانون ۲ نوامبر ۱۹۴۵

هرچند ژنرال دوگل در صدد بود حکومت را به نمایندگان ملت فرانسه واگذار نموده و اختیارات دولت را منحصر به اجرای مصوبات پارلمان بکند ولی انجام فوری این منظور غیرمقدور یا لاقابل فوق‌العاده مشکل بود چه جنگ هنوز خاتمه پیدا نکرده بود و قبل از تخلیه خاک فرانسه از سپاهیان دشمن و عودت اسرای جنگی و تبعیدشدگان انتخابات محال بنظر میرسید. راجع به سازمان سیاسی آینده فرانسه دو نظر مخالف و متضاد در بین بود بدین معنی که عده‌ای از رجال مؤثر و متنفذ فرانسه بر این عقیده بودند که چون قوانین اساسی ۱۸۷۵ بقوت و اعتبار خود باقی است اقتضا دارد که بر طبق مقررات قوانین مزبور و قوانین انتخابات دوره قبل از جنگ انتخابات مجلسین بعمل آید و مجالس جدیداً انتخاب مجلس ملی یا کنگره تشکیل داده قوانین اساسی مزبور را مورد تجدید نظر قرار دهند ولی عده دیگر از رجال سیاسی چنین اظهار عقیده میکردند که هر چند قوانین اساسی ۱۸۷۵ رسماً لغو نشده ولی بر اثر حوادث زمان جنگ و تحولات سیاسی پنجساله - قوانین مزبور عملاً منسوخ گردیده است بنابراین لازم است ده برای تنظیم قانون اساسی جدید دولت دستور انتخابات مجلس مؤسسان را صادر کند. این موضوع در مجلس مشورتی موقت مورد بحث واقع گردیده و اکثر نمایندگان از دو نظریه مذکور در فوق نظریه اولی را صحیح دانسته درخواست میکردند که انتخابات مجلس مبعوثان و مجلس سنا تجدید شده و مجالس جدیداً انتخاب طبق مقررات قوانین اساسی ۱۸۷۵ مجلس ملی تشکیل دهند و قوانین اساسی مزبور را مورد تجدید نظر قرار داده و منطبق با تحولات و تغییرات حاصله از جنگ بکنند.

و اما این نظر اکثریت نمایندگان مجلس مشورتی موقت مورد قبول ژنرال

دو گل واقع نگردید و نامبرده امریه بتاريخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ صادر و از مردم دعوت کرد که اعضای مجلس مؤسسان را مطابق قانون انتخابات اصلاح شده تعیین کنند .
اهم مواد امریه ۱۷ اوت ۱۹۴۵ مربوط به انتخابات مجلس مؤسسان بشرح

زیر بود :

۱- به زنان حق داده شد که نماینده انتخاب کنند و بنمایندگی انتخاب شوند در صورتیکه مطابق قانون انتخابات سابق زنان از حق رأی دادن و انتخاب شدن محروم بودند .

۲- به نظامیان اجازه داده شد رأی بدهند و به عضویت مجلس تعیین شوند در حالیکه بموجب قانون انتخابات ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و مواد اصلاحی آن سربازان و افسران فقط در ایام مرخصی میتوانستند از حق رأی استفاده کنند و از انتخاب شدن بطور مطلق محروم بودند .

۳- به تمام مستعمرات فرانسه اجازه داد شد که در انتخابات مجلس مؤسسان شرکت نمایند در صورتیکه بر طبق مقرراتی که قبل از ۱۹۴۰ در فرانسه مجری بود فقط ۴ مستعمره (لامارتینیک - گوآدلوپ - لاریونیون و هندوچین) حق داشتند در پارلمان فرانسه نماینده باشند .

۴- بجای انتخابات فردی با کثرت آراء انتخابات جمعی و تناسبی (۱) برقرار گردید .

۵- عده ای از رأی دهندگان منجمله نمایندگان که در جلسه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۰ مجلس ملی اختیارات نامحدود به مارشال پتن داده بودند از حق رأی دادن و انتخاب شدن محروم گردیدند .

انتخابات در ۱۲ اکتبر ۱۹۴۵ بعمل آمد. از ۵۲۲ نماینده ولایات اروپائی فرانسه در مجلس جدید، ۱۲۸ نفر در مجالس سابق عضویت داشتند و از لحاظ عقاید سیاسی ۱۴۸ نفر کمونیست، ۱۴۱ نفر از حزب نهضت جمهوری مردم (۲)، ۱۳۴ نفر سوسیالیست، ۵۲ نفر منسوب به احزاب دست راست و بقیه از احزاب دیگر منجمله حزب رادیکال سوسیالیست (۳)

۱- représentation proportionnelle

۲- Mouvement républicain populaire

۳- radicaux - socialistes

و سوسیالیست مستقل (۱) بودند. از مجموع نمایندگان مجلس ۹۲ نفر مزد و بقیه ۳۰ نفر زن بودند. این نکته را نیز لزوماً متذکر میگردد که قسمت اعظم نمایندگان مجالس سابق را شاغلین مشاغل آزاد علی الخصوص و کلای دادگستری تشکیل میدادند در صورتیکه در مجلس جدید بیشتر زارعین - کارگران - مأمورین دولت - مستخدمین مؤسسات صنعتی و تجار تی عضویت داشتند.

در ۲۱ اکتبر ۱۹۴۵ نه تنها اعضای مجلس جدید انتخاب شدند بلکه رفراندوم (۲) نیز بعمل آمد بدین معنی که بر طبق امریه ۱۷ اوت ۱۹۴۵ از اشخاصیکه واجد شرایط انتخاب کردن بودند درخواست میشد که به دو سؤال ذیل جواب بدهند:

سؤال اول - آیا شما مایلید مجلسی که امروز انتخاب میشود مجلس مؤسسان شناخته شود؟

چنانچه اکثریت رأی دهندگان به این سؤال جواب مثبت میدادند در این مورد قوانین اساسی ۱۸۷۵ منسوخ گردیده و مجلس جدید انتخاب مجلس مؤسسان شناخته میشود و مأموریت پیدا می کرد که قانون اساسی جدیدی تنظیم و تصویب کند و در صورتیکه رأی دهندگان به سؤال بالا جواب منفی میدادند مجلس جدید انتخاب مجالس مبعوثان منظوره در قوانین اساسی ۱۸۷۵ تلقی شده و قوانین مزبور بقوت و اعتبار خود باقی میماند.

سؤال دوم - آیا شما موافقت میکنید که دولت کنونی تا اجرای قانون اساسی جدید سرکار بماند؟

نتیجه تقریبی رفراندوم ۲۱ اکتبر ۱۹۴۵ بشرح زیر بود:

از ۲۶ میلیون نفر که حق رأی داشتند قریب ۲۰ میلیون در رفراندوم شرکت نمودند و ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (احزاب نهضت جمهوری مردم و سوسیالیست و کمونیست و سایر احزاب تندرو) جواب مثبت و بقیه ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (احزاب دست راست و میانه رو) پاسخ منفی دادند. به سؤال دوم ۱۲ میلیون و نیم نفر رأی مثبت و ۷ میلیون و نیم پاسخ منفی دادند که در نتیجه قوانین اساسی ۱۸۷۵ منسوخ شناخته شده و مجلس جدید بعنوان مجلس مؤسسان مأمور تهیه قانون اساسی جدید فرانسه گردید و دولت ژنرال دوگل مأموریت پیدا کرد که تا تصویب و اجرای قانون

اساسی جدید گماکان و وظائف خود را انجام دهد.

مجلس مؤسسان فرانسه که بتاريخ ۲۱ اکتبر انتخاب شده بود قانونی در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۴۵ تصویب نمود که بموجب آن مقرر گردید قانون اساسی جدید فرانسه که از طرف مجلس مزبور تنظیم خواهد گردید در ظرف یکماه از تاریخ تصویب مجلس به رفراندوم ارجاع و پس از تأیید ملت فرانسه به موقع اجرا گذارده شود. رفراندوم بایستی در مدت هفت ماه بعمل آید و پس از تصویب قانون اساسی مورد نظر و وظائف مجلس مؤسسان خاتمه پیدا میگرد و چنانچه مجلس مؤسسان در ظرف مدت هفت ماه نمیتوانست قانون اساسی جدید را تهیه و به تصویب ملت برساند یا قانون اساسی تنظیم شده مورد موافقت ملت فرانسه واقع نمیگردید در هر يك از این دو مورد مجلس مؤسسان جدیدی تشکیل و به تدوین قانون اساسی مبادرت میکرد و چنانچه مجلس مؤسسان جدید هم نمیتوانست در خلال مدت مزبور قانون اساسی فرانسه را تهیه و به تصویب برساند در این مورد یکبار دیگر برای تدوین قانون اساسی جدید مجلس مؤسسان انتخاب میشد و قرار بود تجدید انتخابات و تشکیل مجلس مؤسسان جدید تکرار شود تا ملت فرانسه دارای قانون اساسی جدید باشد.

و اما چون تهیه و تصویب قانون اساسی جدید مستلزم وقت زیاد بود و از طرفی هم اداره امور مطابق امریه‌هایی که ژنرال دوگل در زمان جنگ صادر کرده بود مناسب بنظر نیرسید قانون دوم نوامبر ۱۹۴۵ علاوه بر تعیین طریقه تنظیم و تصویب قانون اساسی جدید سازمان موقت حکومت فرانسه را تا تصویب و اجرای قانون اساسی معین میکرد. مطابق مقررات مزبور که قانون اساسی موقت بشمار میرفت مجلس ملی (مؤسسان) حق وضع قوانین عادی تصویب لایحه بودجه و سایر لوایح مربوط به درآمد و هزینه دولت را داشت. ریاست قوه مجریه موظف بود در ظرف یکماه از تاریخ تصویب، قوانین مصوب مجلس ملی را ابلاغ و بموقع اجرا بگذارد مگر اینکه قبل از انقضای مدت مزبور دولت آن قانون را به مجلس ملی فرستاده و تقاضا کند که همان قانون یکبار دیگر مورد شور قرار گیرد و اگر مجلس ملی یکبار دیگر آن قانون را با کثرت مطلق آراء مجموع نمایندگان تصویب میکرد در این صورت دولت مکلف بود آن قانون را ابلاغ و اجرا کند. دولت حق داشت لوایح قانونی تهیه و برای شور و تصویب به مجلس ملی پیشنهاد کند. حق پیشهاد قانون اختصاص

بدولت نداشته بلکه نمایندگان نیز محق بودند طرحهای قانونی به مجلس ملی تقدیم کنند. مجلس ملی رئیس مملکت (۱) را که در عین زمان ریاست هیئت دولت (۲) را به عهده داشت تعیین میکرد. رئیس دولت اعضای کابینه خود را انتخاب و برنامه دولت را تنظیم و به تصویب مجلس ملی می‌رسانید. رئیس دولت و وزراء در برابر مجلس ملی مسئولیت سیاسی داشتند بدین معنی که مجلس میتواند با ابراز عدم اعتماد آنها را وادار باستعفاء کند و اما بمنظور جلوگیری از ایجاد بحرانهای بی مورد و بی جا قانون دوم نوامبر ۱۹۴۵ عدم اعتماد را مستلزم رأی علنی و موافقت نصف مجموع نمایندگان میدانست در صورتیکه برای تصویب لوایح و طرحهای قانونی و امور دیگر موافقت اکثریت نمایندگان حاضر در مجلس و رأی دهنده کافی بود. دولت مجاز نبود مجلس ملی را منحل یا جاسات آنرا تعطیل کند.

و اما پس از تصویب قانون اساسی موقت مجلس ملی کمیسیون مخصوصی برای تهیه طرح قانون اساسی فرانسه تشکیل داد و در این کمیسیون فرا کسیونهای پارلمانی به نسبت عده نمایندگان خود در مجلس عضو داشتند. کمیسیون پس از مذاکرات طولانی طرحی تهیه و در ماه مارس ۱۹۴۶ به مجلس ملی تقدیم نمود. در کمیسیون و بعد هم در جلسات مجلس موضوع تشکیل پارلمان از يك (۳) یا دو مجلس (۴) حدود اختیارات و وظائف قوه قانونگذاری طریقه انتخاب رئیس جمهور و حدود اختیارات وی حق مالکیت و حدود اعمال آن و مسائل اساسی دیگر از قبیل انعقاد تعطیل و انحلال پارلمان و نحوه تشخیص مطابقت قوانین مصوب پارلمان با قانون اساسی مورد بحث واقع گردید و احزاب جناح چپ مخصوصاً اشتراکیون از محدود نمودن حق تملك اموال غیر منقول و ترتیب يك مجلس با اختیارات وسیع طرفداری مینمودند در صورتیکه احزاب جناح راست و اعتدالیون هواخواه اصول سرمایه داری و مالکیت شخصی و اصل تفکیک قوی بودند. پس از مذاکرات طولانی و پر حرارت طرح قانون اساسی جمهوری چهارم در جلسه مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۵ با کثرت ۳۰۹ رأی موافق در برابر ۲۴۹ مخالف به تصویب رسیده و قرار شد طبق مدلول قانون ۲ نوامبر ۱۹۴۵ به آراء عمومی ارجاع شود.

طرح قانون اساسی ۱۹ آوریل ۱۹۴۵ دارای ۱۳۴ ماده بود که ۳۹ ماده آن اختصاص به اصول آزادی و برابری داشت که در اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ ثبت شده بود و اما از لحاظ اینکه اعمال این حقوق لطمه بمنافع جامعه وارد نکند طرح مورد بحث به مجلس ملی اجازه میداد در موارد استثنائی با کثرت دو نالت آراء، پاره‌ای از حقوق بشر پیش‌بینی شده در طرح مزبور را معلق کند. طرح مزبور علاوه بر حقوق و آزادی‌هایی که اعلامیه حقوق بشر مورخ ۱۷۸۹ برای افراد قائل شده بود حقوق و امتیازاتی را که جنبه اجتماعی و اقتصادی داشته و برای دوره کنونی ضروری تشخیص داده میشد قبول و اعلام میکرد و همچنین در طرح مذکور در فوق علاوه بر حقوق و اختیارات و وظائفی نیز برای افراد مردم منظور گردیده بود.

مقررات طرح ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ راجع به سازمان قوای عالیّه کشور بشرح زیر بود :

۱- قوه قانونگذاری متعلق به يك مجلس موسوم به مجلس ملی (۱) بود که نمایندگان آن قرار بود برای مدت ۵ سال انتخاب شوند.

به تمام افراد اعم از ذکور و اناث در سن ۲۰ سالگی حق رأی داده میشد و برای انتخاب شدن داشتن ۲۳ سال کافی بود.

طرح مورد بحث مجلس دیگری نیز بنام شورای اتحاد فرانسه (۲) منظور داشته بود که قرار بود انجمنهای ولایتی فرانسه اصلی (۳) و سه ولایت الجزایر و مجلس مستعمراتی برای مدت ۴ سال انتخاب کنند ولی شورای مزبور جنبه مشورتی داشته فقط میتواندست از مجلس ملی که تنها مرجع و مظهر اراده ملی بود تقاضا کند که لوایح و طرحهای مصوب را یکبار دیگر مورد بررسی قرار دهد و چنانچه مجلس ملی نظر قبلی خود را تأیید مینمود در اینصورت لایحه یا طرح مصوب جهت ابلاغ و اجرا برای ریاست جمهور فرستاده میشد. بعلاوه برخلاف آنچه که در قانون اساسی کنونی فرانسه مقرر گردیده است طرح ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ انتخاب رئیس جمهور را از وظائف مجلس ملی دانسته و شورای اتحاد فرانسه را در این امر دخالت نمیداد. هر چند طرح مزبور برای اعضای شورای اتحاد فرانسه مصونیت پارلمانی قائل شده بود ولی سلب

مصونیت از نمایندگان شورای نامبرده از وظائف مجلس ملی بود در صورتیکه طبق قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ نمایندگان مجلس ملی و مجلس شورای جمهوری (۱) دارای مصونیت از تعرض بوده و هر یک از مجالس محق است از نمایندگان خود سلب مصونیت کند بدون اینکه مجلس دیگر کوچکترین دخالتی در این امر داشته باشد. شورای اتحاد فرانسه مجاز نبود صورت جلسات خود را در مجله رسمی (۲) دولت فرانسه منتشر نماید بلکه مجبور بود در نشریه مخصوص چاپ کند.

طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ وظائف ریاست قوه مجریه را بر رئیس جمهور تفویض کرده بود که قرار بود برای مدتی هفت سال انتخاب شود. برای انتخاب شدن در نوبت اول و دوم و سوم اکثریت دوثلث آراء و در نوبتهای بعدی سه پنجم آراء مأخوذه ضروری بود. طرح مذکور در فوق وظائف ریاست جمهوری را فوق العاده محدود کرده بود بدین معنی که حق انتخاب نخست وزیر را به مجلس ملی تفویض نموده و رئیس جمهوری را موظف میکرد فرمان انتصاب او را صادر کند که باالنتیجه رئیس دولت و وزراء ممکن بود خود را اعمال مجلس ملی دانسته و از همکاری صمیمانه با رئیس جمهور خودداری کنند. رئیس جمهور نمیتوانست مجلس ملی را منحل یا تعطیل کند مگر با جلب موافقت خود مجلس و نیز رئیس جمهوری از اعمال حق و تو ممنوع بوده و حتی مجاز نبود از مجلس تقاضا کند که لایحه یا طرح مصوب را یکبار دیگر مورد رسیدگی قرار دهد بلکه وظیفه داشت بدون چون و چرا قوانین مصوب مجلس ملی را توشیح و ابلاغ کند. طبق طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ رئیس جمهور فقط برای خیانت به مملکت قابل تعقیب بوده مجلس ملی قرار تعقیب او را صادر و دیوان عالی داد گستری او را محاکمه میکرد. انتصاب قضات از طرف رئیس جمهوری مستلزم موافقت شورای عالی قضائی (۳) بود و چون انتخاب اعضای شورای مزبور با مجلس ملی بود از این رو شورای عالی قضائی نیز مانند رئیس دولت و وزراء اعمال قوه قانونگذاری بشمار میرفتند و همچنین طرح مورد بحث حق عفو خصوصی و تخفیف مجازات را که معمولاً از وظائف ریاست قوه مجریه میباشد به شورای عالی قضائی تفویض کرده بود.

طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ هیئتی بنام شورای اقتصادی (۱) مرکب از نمایندگان اتحادیه های کارگران و کشاورزان و مستخدمین مؤسسات صنعتی و بازرگانی و تجار و ارباب صنایع و مأمورین دولت و شاغلین مشاغل آزاد و روشنفکران و شرکتهای تعاونی و غیره ایجاد و شورای مزبور را موظف میکرد که کلیه لوایح و طرحهای اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده نظر مشورتی خود را باستحضار مجلس ملی برساند و همچنین طرح مذکور در فوق برای محاکمه رئیس جمهور و وزراء دادگاهی بنام دیوان عالی دادگستری در نظر گرفته و طرز تشکیل و سایر مسائل مربوط بدادگاه مزبور را و کول به تصویب قانون عادی مخصوصی نموده بود.

طرح ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ قانون اساسی را مافوق قوانین متعارفی تلقی نموده و حق تشخیص مطابقت قوانین مزبور با مواد قانون اساسی از وظائف مجلس ملی میدانست و محاکم و سایر مقامات دولتی را از اعمال این حق یعنی تشخیص عدم مبیانت قوانین عادی با قانون اساسی ممنوع میساخت.

تجدید نظر در قانون اساسی قرار بود بوسیله مجلس ملی بعمل آید ولی تصمیمات مجلس مستلزم ارجاع به رفراندوم و موافقت اکثریت رأی دهندگان بود.

طبق قانونیکه بتاريخ ۲ نوامبر ۱۹۴۵ به تصویب مجلس ملی رسیده بود قانون اساسی مصوب مجلس مزبور میبایست به آراء عمومی ارجاع و در صورت تصویب اکثریت رأی دهندگان بموقع اجرا گذارده شود. با توجه به مدلول قانون مزبور طرح مصوب مجلس ملی در پنجم ماه ۱۹۴۶ به رفراندوم ارجاع گردید. رفراندوم يك تشنت شدید و فعالیت کم نظیری در محافل سیاسی فرانسه ایجاد نمود بشرح اینکه احزاب جناح چپ طرح مزبور را موافق منافع توده مردم تشخیص داده و مدعی بودند که طرح مورد بحث رژیم دمکراسی و اصل حکومت مردم بر مردم را تضمین میکنند در صورتیکه احزاب جناح راست و میانه رو بدلیل اینکه طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ به مجلس ملی اختیارات نامحدود داده و برای رئیس جمهور که طبق اصل تفکیک قوی در امور مربوطه به قوه مجریه بایستی آزادی عمل داشته باشد بیشتر وظائف تشریفاتی قائل شده است و با ایجاد شورای عالی قضائی که انتخاب اعضای آن به مجلس ملی واگذار شده بود قوه قضائیه را نیز تحت نظارت قوه مقننه قرار میدهد

طرح مورد بحث را مضر بحال ملت فرانسه دانسته چه در مجلس ملی و چه هنگام
 رفراندوم با آن طرح مخالفت میکردند. دلیل دیگری که مخالفین طرح قانون
 اساسی بیان مینمودند این بود که طرح مزبور حق مالکیت شخصی را متزلزل ساخته
 و بمجلس ملی اجازه میدهد که حدود اعمال آنرا معین کند.

نتیجه رفراندوم پنجم ماه مه بشرح زیر بود :

عده اشخاصیکه حق رأی داشتند	۲۵,۸۲۹,۴۲۵ نفر
شماره افرادی که ازدادن رأی امتناع کرده بودند	۵,۲۶۲,۰۴۷ «
عده افرادی که در رفراندوم شرکت کرده بودند	۲۰,۵۶۷,۳۷۸ «
تعداد آراء باطل	۵۶۴,۹۸۵
آراء مخالف	۱۰,۵۸۴,۳۵۹
آراء موافق	۹,۹۵۴,۰۳۴

چون ملت فرانسه با اکثریت آراء طرح مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ را مورد
 قبول قرار نداده بود از این رو طبق ماده ۷ قانون ۲ نوامبر ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان
 دیگری انتخاب گردید که طرح جدیدی تهیه و به تصویب ملت فرانسه برساند. انتخابات
 مجلس مؤسسان جدید در ۲ ژوئن ۱۹۴۶ انجام یافت. از لحاظ تعداد نمایندگان
 احزاب سیاسی، مجلس مؤسسان جدیدالا انتخاب فرق زیاد با مجلس مؤسسان سابق
 نداشت بشرح اینکه در مجلس جدید کمونیستها ۱۴۶ نفر نماینده داشتند در صورتیکه
 در مجلس سابق تعداد نمایندگان حزب کمونیست بالغ بر ۱۴۸ نفر بود. حزب سوسیالیست
 و دستجات متمایل به این حزب در مجلس جدید ۱۱۵ و در مجلس سابق ۱۳۴ نفر نماینده
 داشتند. حزب نهضت جمهوریخواهان ملی و احزاب مشابه در مجلس جدیدالا انتخاب
 ۱۶۰ و در مجلس سابق ۱۴۱ کرسی اشغال کرده بودند. حزب رادیکال سوسیالیست
 و سوسیالیستهای مستقل و اتحاد دمکرات و دستجات مشابه در مجلس مؤسسان جدید
 ۳۵ و در مجلس سابق ۳۹ نفر وکیل داشتند. عده نمایندگان احزاب جناح راست
 در مجلس جدید ۶۲ و در مجلس سابق ۵۲ نفر بود.

پس از افتتاح مجلس مؤسسان جدید و رسیدگی باعتبارنامه‌های نمایندگان

و انتخاب هیئت رئیسه دائمی کمیسیون مخصوصی جهت تنظیم طرح جدید قانون اساسی انتخاب گردید و این کمیسیون طرح مورد نظر را تهیه و بمجلس مؤسسان تقدیم کرد و مجلس در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۴۶ شروع به بحث در طرح پیشنهادی کمیسیون نمود. چند موضوع از جمله حدود اختیارات مجلس شورای جمهوری و طرز انتخاب نمایندگان آن مجلس - طریقه انتخاب و وظائف رئیس جمهور - موضوع اتحادیه فرانسه - طریقه تجدیدنظر در قانون اساسی و پاره مسائل اساسی دیگر مورد بحث واقع گردیده سپس مقدمه ۱۰۶ ماده طرح مزبور با ۴۴ رأی موافق (کمونیستها - سوسیالیستها و نهضت جمهوریخواهان ملی) در مقابل ۱۰۶ رأی مخالف (احزاب جناح راست و میانه رو) به تصویب رسید. طرح جدید قانون اساسی در ۱۳ اکتبر به آراء عمومی ارجاع و بشرح زیر تأیید گردید:

عده اشخاصیکه حق رأی داشتند ۲۶,۳۱۱,۶۴۳ نفر
 شماره افرادی که ازدادن رأی امتناع کردند ۸۵,۱۹,۶۳۵ «
 عده افرادی که در رفراندوم شرکت داشتند ۱۷,۷۹۲,۰۰۸ «
 آراء باطل ۳۲۹,۰۷۹
 آراء موافق ۹,۲۹۷,۴۷۰
 آراء مخالف ۸,۱۶۵,۴۵۹

با توجه به نتیجه رفراندوم رئیس حکومت موقت فرانسه در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ قانون اساسی جدید را ابلاغ نمود. مجلس مؤسسان در تاریخ ۵ اکتبر قانون انتخابات مجلس ملی و در ۲۷ اکتبر قانون انتخابات شورای جمهوری (سنا) و قانون تشکیل و وظائف شورای اقتصادی و قانون انتخابات مجمع اتحادیه فرانسه و قانون تأسیس و وظائف دیوان عالی دادگستری را تصویب نمود.

پس از ابلاغ قانون اساسی جمهوری چهارم مجلس مؤسسان جلسات خود را تعطیل نموده و به هیئت رئیسه خویش مأموریت داد که مجلس مزبور را در صورت لزوم تا انعقاد مجالس مقننه جدید (مجلس ملی و شورای جمهوری) بنا بتقاضای دولت یا بصلاحدید خود منعقد نماید.

در ۲۸ نوامبر ۱۹۴۶ مجلس ملی و در ۲۴ دسامبر همان سال شورای جمهوری افتتاح یافت . در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۷ ونسن اوریول (۱) یکی از پیشوایان حزب سوسیالیست با کثرت مطلق آراء (۵۲ رأی موافق در قبال ۳۳ رأی مخالف و ممتنع) ریاست جمهوری انتخاب شد سپس حکومت موقت استعفای خود را تقدیم رئیس جمهور نمود و مشارالیه را مادیه (۲) را ریاست دولت جدید انتخاب و نامبرده پس از معرفی بمجلس ملی و اخذ رأی اعتماد کابینه خود را تشکیل داد .

فصل چهارم

فرق قانون اساسی کنونی با قوانین اساسی ۱۸۷۵

مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶

قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ چند تفاوت و اختلاف مهم با قوانین اساسی ۱۸۷۵ دارد. تفاوت اول اینکه قانون اساسی ۱۹۴۶ جنبه اجتماعی داشته با حفظ رژیم سرمایه داری به قوه مقننه اجازه میدهد حق مالکیت را تا آنجا که منافع و مصالح جامعه ایجاب میکند محدود نماید در صورتیکه قوانین اساسی ۱۸۷۵ که روی اصل آزادی اقتصادی و رقابت قرار گرفته بود رژیم سرمایه داری و مالکیت شخصی را یکی از اصول محرز و مسلم زندگی اجتماعی میدانست. نظر باصل مندرج بالا دولت فرانسه بانک فرانسه (۱) که امتیاز نشر اسکناس را دارا بود و چهار مؤسسه بانکی دیگر (۲) و معادن ذغال سنک شمال و پادوکاله (۳) و کارخانه های برق و گاز و وسائط نقلیه و پاره مؤسسات مهم دیگر را ملی نمود. بعلاوه قانون اساسی ۱۹۴۶ دولت را موظف میکند عناصر ضعیف جامعه را مانند اطفال و زنان باردار و غلیلان و مریضان و زحمتکشان بیکار تحت حمایت و مراقبت خود قرار دهد در صورتیکه قوانین اساسی ۱۸۷۵ فاقد چنین مقرراتی بود.

تفاوت دوم آنست که بموجب قوانین اساسی ۱۸۷۵ قوه قانونگذاری بدو مجلس (مبعوثان و سنا) واگذار شده بود و این دو مجلس از لحاظ اختیارات مساوی بودند و اصولاً یکی از مجلسین بدون موافقت مجلس دیگر نمیتوانست وضع قوانین کند و سایر امور محوله را انجام دهد و حال آنکه بموجب قانون اساسی ۱۹۴۶ حق وضع

Banque de France — 1

Crédit Lyonnais, Société Générale, Comptoir d'Escompte, — ۲

Banque Nationale du Commerce et de l'Industrie.

Huilleries du Nord et du Pas-de-Calais — ۳

قوانین و تصویب بودجه و نظارت در عملیات دولت با مجلس ملی بوده و مجلس شورای جمهوری مانند مجلس لردهای انگلستان نظر مشورتی خود را راجع به لوایح و طرحهای قانونی اعم از مالی و غیر مالی باستحضار مجلس ملی میرساند.

تفاوت سوم آنکه قانون اساسی ۱۹۴۶ وظائف رئیس جمهور را چه از حیث دخالت در قوه قانونگذاری و چه از لحاظ ریاست قوه مجریه و دخالت در قوه قضائیه نسبت بدوره جمهوری سوم محدود ساخته است.

تفاوت دیگر قانون اساسی ۱۹۴۶ با قوانین اساسی ۱۸۷۵ اینکه قانون اساسی ۱۹۴۶ هیئتی بنام شورای اقتصادی مرکب از نمایندگان طبقات مختلف تشکیل داده و شورای مزبور را مأمور کرده است که لوایح و طرحهای قانونی را که جنبه اقتصادی دارد مورد مطالعه قرار داده و نظر مشورتی خود را باستحضار مجلس ملی برساند. در قوانین اساسی ۱۸۷۵ چنین شورائی منظور نگردیده بود.

تفاوت دیگر اینکه قانون اساسی ۱۹۴۶ برای محاکمه رئیس جمهور و وزراء دادگاه مخصوصی بنام دیوان عالی دادگستری ایجاد نموده است در صورتیکه مطابق قوانین اساسی ۱۸۷۵ محاکمه رئیس قوه مجریه و اعضای دولت با مجلس سنا بود.

طبق قانون اساسی ۱۹۴۶ تصمیمات مجالس مقننه مبنی بر تغییر قانون اساسی مستلزم ارجاع به آراء عمومی است ولی چنانچه مجلس ملی مواد اصلاحی را با اکثریت دوثلث یا هر یک از مجلسین با اکثریت سه پنجم آراء تصویب کنند در هر يك از این دو مورد تصمیم مجالس قطعی بوده و محتاج به رفراندوم نیست و اما برخلاف آنچه که در قانون اساسی ۱۹۴۶ مقرر گردیده است بر طبق قوانین اساسی ۱۸۷۵ تجدید نظر در قوانین مزبور در جلسه مشترك مجلس مبعوثان و مجلس سنا بعمل آمده و تصمیمات آن قطعی بود و احتیاج به رفراندوم نداشت.

علاوه بر آنچه که فوقایان گردید قانون اساسی ۱۹۴۶ هیئتی بنام کمیته قانون اساسی ایجاد و بر رئیس جمهور اجازه داده است که با جلب موافقت کمیته مزبور از توشیح و ابلاغ قوانین مصوب پارلمان امتناع کند در صورتیکه قوانین اساسی ۱۸۷۵ به رئیس جمهور حق میداد که از ابلاغ قوانین مصوب خودداری نموده از مجالس تقاضا کند

که آن قوانین را مجدداً مورد رسیدگی قرار دهند و چنانچه مجالس قوانین مورد اعتراض ریاست جمهور را یکبار دیگر تصویب مینمودند در این صورت وی ملزم بود آنرا توشیح و ابلاغ کند.

این بود بطور خیلی اختصار مشخصات قانون اساسی کنونی فرانسه و فرقی که قانون اساسی مزبور با قوانین اساسی ۱۸۷۵ دارد. خصوصیات قانون اساسی کنونی فرانسه و اختلافات بیشمار موجوده بین این قانون اساسی و قوانین اساسی دوره جمهوری سوم بعداً به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

قانون اساسی ۱۹۴۶ دارای يك مقدمه و ۱۰۶ ماده میباشد که به ۲ فصل تقسیم شده است. واضعین قانون اساسی مزبور در مقدمه آن حقوق و آزادیها را که اعلامیه حقوق بشر مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ برای افراد مردم قائل شده بود تصدیق و تأیید نموده ضمناً امتیازات و تضمینات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ذیل را که در دوره کنونی کمال ضرورت را دارد قبول و اعلام میدارند:

«هر فردی از افراد بدون توجه به نژاد و مذهب و عقاید سیاسی دارای حقوق مقدس و غیر قابل انکار میباشد.

از هر جهت و هر حیث زن و مرد متساوی الحقوق میباشند.

اشخاصیکه بملاحظات سیاسی در ممالک دیگر مورد تعقیب واقع میشوند نمیتوانند در خاک فرانسه پناهنده شوند.

هر کس میتواند بوسیله اتحادیه های صنفی از حقوق و منافع خود دفاع کند و هر فردی محق و مجاز است به تشخیص و صلاح دید خود در یکی از اتحادیه های صنفی قبول عضویت کند.

حق اعتصاب در حدود قوانین محفوظ است.

هر يك از زحمتکشان حق دارد بوسیله نمایندگان خود در تعیین شرائط

قراردادهای دسته جمعی (۱) شرکت داشته و بر مؤسسات اقتصادی نظارت کند.

اموال و مؤسساتی که حائز اهمیت عمومی است یا جنبه انحصار واقعی را دارد

باید به ملکیت جامعه دربیاید .

ملت وسائل بسط و نمو خانواده را تضمین میکند . دولت موظف است از اطفال و زنان باردار و زحمتمکشان سالدار حمایت کرده وسائل بهداشت و موجبات فراغت خاطر و آسایش مادی و استراحت آنها را فراهم سازد .

اشخاصیکه بعلت کبرسن و حالت مزاجی یا روحی و یا وضع اقتصادی نامساعد قادر به کار کردن نمیباشند حق دارند از جامعه تقاضای اعانت نمایند .

ملت فرانسه مسئولیت مشترک و متساوی تمام فرانسویها را از لحاظ پرداخت مالیاتی که بر اثر مصیبت و فلاکت ملی وضع شده است تأیید و اعلام میکند .

ملت فرانسه برابری اطفال و افراد رشید را از حیث دسترسی به فرهنگ و تربیت حرفه ای ضمانت مینماید . تدریس مجانی و غیر مذهبی در تمام مدارس و وظیفه دولت میباشد . ملت فرانسه نظر به رویه همیشگی خود تعهد میکند که سیاست خود را منطبق با قواعد حقوق بین الملل کرده و بمنظور سلب آزادی و اشغال خاک دولت دیگری اقدام به جنگ نکند .

بشرط معامله متقابل ملت فرانسه حاضر است حاکمیت و حکمرانی خود را تا آنجا که برای استقرار صلح بین المللی لازم و ضروری باشد محدود نماید .

فرانسه با اقوام ماوراء دریاها اتحادیه ای تشکیل میدهد که بدون در نظر گرفتن خصوصیات نژادی و مذهبی بر اساس برابری در حقوق و وظائف قرار میگیرد .

اتحادیه فرانسه را اقوامی تشکیل میدهند که بمنظور بسط تمدن خود و بالا بردن سطح زندگی خویش و استقرار امنیت همکاری و تشریک مساعی میکنند .

ملت فرانسه طبق رسوم دیرینه خویش در نظر دارد اقوامی را که ارشاد و راهنمایی آنها را بعهده گرفته است بسوی آزادی و خودمختاری هدایت کند . ملت فرانسه با احتراز از سیاست استعماری و حکومت خودسری حق اشتغال بمشاغل دولتی و استفاده از حقوق فردی و عمومی و آزادیهای مندرج بالا را برای همه تضمین میکند : «

این بود اصول مندرج در مقدمه قانون اساسی ۱۹۴۶ .

فصل پنجم

احول گلی

ماده اول قانون اساسی ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ فرانسه چنین مقرر میدارد :

« فرانسه يك جمهورى غير قابل تقسيم (۱) غير مذهبی (۲) دموکراتیک و اجتماعی است (۳) . »

بطوریکه ماده مذکور در فوق تصریح میکند :

۱- فرانسه دارای رژیم جمهوری است بدین معنی که در رأس قوه مجریه کشور مزبور يك رئیس انتخابی و مسئول قرار دارد. ماده ۹۵ قانون اساسی مورد بحث ماده مربوط به رژیم جمهوری را غیر قابل تجدید نظر میداند بطوریکه پارلمان فرانسه مجاز نیست قانونی دایر بر الغاء حکومت جمهوری و استقرار حکومت سلطنتی وضع نموده و برای تصویب به آراء عمومی ارجاع کند .

۲- فرانسه يك جمهوری تقسیم ناپذیر میباشد بدین ترتیب که مجالس مقننه آن کشور اختیار ندارند خود مختاری (۴) به ولایات اعطا نمایند و یا دولت بسیط (۵) را به يك دولت متحده (۶) تبدیل و این تصمیم را به تصویب مردم برسانند .

۳- فرانسه يك جمهوری غیر مذهبی است بدین معنی که دولت دیانت را کار افراد دانسته و در امور مذهبی هیچگونه مداخله نمیکند و هیچیک از مذاهب را برسمیت نمیشناسد و متحمل مخارج آنها نمیشود . این ترتیب اختصاص به فرانسه نداشته بلکه در ممالك متحده امریکای شمالی و اتحاد جماهیر شوروی و یوگوسلاوی و سویس و ترکیه و پاره کشورهای دیگر نیز معمول و مجری است . و اما قبل از سال ۱۹۰۵ در فرانسه دولت مذهب کاتولیک و پروتستان (۷) و یهود را رسماً شناخته و مخارج

۲- laïque

۱- indivisible

۴- autonomie

۳- sociale

۶- Etat fédéral

۵- Etat unitaire ou simple

۷- religion protestante

ادیان مزبور را از خزانه دولت تأدیه میکرد. باینکه دولت انگلیس شعبات مختلف مذهب مسیح و همچنین مذهب اسلام و یهود و مذاهب دیگر را برسمیت میشناسد ولی باین همه مذهب رسمی دولت مزبور آئین انگلیکان (۱) بشمار میرود و پادشاه انگلستان باید منسوب بمذهب مزبور باشد و در غیر این صورت از سلطنت محروم میگردد بعلاوه قبل از جلوس بر تخت سلطنتی پادشاه قسم یاد میکند که از قدرت و توانائی خود برای حفظ قوانین خداوندی و تقویت مذهب انگلیکان استفاده کند و از روحانیون حمایت نماید و حقوق و امتیازاتی را که قوانین انگلستان برای آنها قائل شده است محترم شمارد.

۴- فرانسه يك جمهوری اجتماعی است بشرح اینکه قانون اساسی کنونی کشور مزبور علاوه بر حقوق سیاسی از قبیل برابری در مقابل محاکم و تساوی از لحاظ پرداخت مالیات و از حیث اشتغال بمشاغل دولتی و نظام و وظیفه و آزادی شخصی و حق تملك اموال منقول و غیر منقول و آزادی شغل و کار و آزادی عقاید مذهبی و سیاسی و آزادی مطبوعات و اجتماعات و تشکیل انجمن و آزادی تعلیم و تربیت و غیره يك سلسله حقوق اجتماعی مانند برابری زن و مرد - حق پناه برای اشخاصی که در ممالک بیگانه بملاحظات سیاسی مورد تعقیب واقع میگردند - حق تقاضای شغل و کار - تشکیل اتحادیه های صنفی - حق اعتصاب در حدود قانون - دخالت در تنظیم قراردادهای دسته جمعی - نظارت غیر مستقیم در اداره مؤسسات اقتصادی - ملی کردن مؤسساتی که جنبه عمومی یا انحصار واقعی را دارد - حمایت از اطفال و زنان باردار و زحمتمکشان علیل و مریض - تأسیس مدارس مجانی و غیره برای افراد قائل میباشد.

طبق ماده دوم قانون اساسی مورد بحث حکومت جمهوری فرانسه روی اصل ذیل استوار گردیده است :

« حکومت مردم برای مردم و بدست مردم (۲) . »

بموجب ماده سوم قانون اساسی ۱۹۴۶ حا کمیت متعلق به ملت است بدین معنی که هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه ای از طبقات نمیتوانند رأساً اعمال حاکمیت کنند. ملت فرانسه حاکمیت را در مسائل اساسی بوسیله نمایندگان خود در مجلس ملی اعمال

میکنند مشروط بر اینکه تصمیمات مجلس مزبور مورد تأیید اکثریت ملت واقع گردد. برای حل و فصل سایر مسائل موافقت اکثریت نمایندگان مجلس ملی کافی بوده و بدون ارجاع به رفراندوم قابل اجرا است.

و اما برخلاف آنچه که در ماده سوم قانون اساسی مورد بحث مقرر گردیده است چنانچه مجلس ملی با اکثریت دو ثلث یا هر یک از مجلسین با اکثریت سه پنجم آراء قانون اساسی را تغییر دهند در هر یک از این دو مورد تصمیم پارلمان قطعی تلقی گردیده و بدون رفراندوم قابل اجرا میباشد (ماده ۹۰ قانون اساسی).

مطابق ماده چهارم قانون مزبور اتباع بالغ فرانسه بشرط عدم محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی حق رأی دارند. سکنه مستعمرات و نواحی تحت قیمومت نیز با رعایت مقررات خاصی میتوانند نماینده انتخاب کنند و بنمایندگی انتخاب شوند. بموجب ماده پنجم قانون اساسی، پارلمان فرانسه دارای دو مجلس میباشد

که یکی مجلس ملی (۱) و دیگری شورای جمهوری (۲) نامیده میشود.

ماده ششم قانون اساسی فرانسه چنین مقرر میدارد:

« مدت مأموریت هر یک از مجلسین، طریقه انتخاب نمایندگان مجالس مزبور، شرائط انتخاب شدن و مشاغل که با نمایندگی مجالس مانعة الجمع است و همچنین صورت اشخاصیکه بواسطه مقام و شغل خود از حق انتخاب شدن ممنوعند بموجب قانون معین میگردد. عده نمایندگان هر یک از مجلسین متناسب با تعداد جمعیت هر یک از حوزه های انتخابیه میباشد. نمایندگان مجلس ملی بوسیله آراء عمومی و مستقیم انتخاب میشوند در صورتیکه اعضای شورای جمهوری را هیئت های بلوکی و ولایتی از طریق انتخابات عمومی و لای غیر مستقیم تعیین میکنند مع الوصف خود مجلس ملی میتواند قسمتی از نمایندگان شورای جمهوری را انتخاب کند بشرط اینکه عده ای که بدین ترتیب انتخاب میشود از یک ششم مجموع اعضای شورای مزبور تجاوز نکند. شورای جمهوری نباید کمتر از ۲۵۰ و بیشتر از ۳۲۰ نماینده داشته باشد. »

نظر بماده مذکور در فوق، مجلس ملی (مؤسسان) قانونی بتاريخ ۵ اکتبر

۱۹۴۶ راجع به انتخابات مجلس ملی و قانون دیگری هم در ۲۷ اکتبر همان سال در باره انتخابات شورای جمهوری تصویب نمود که در فصل بعد به توضیح و تشریح هر يك از این دو قانون و قوانین و فرامین دوره های سابق که فعلا مجری است مبادرت می شود .

فصل ششم

انتخابات مجالس مقننه

مبحث اول

مقررات انتخاباتی مجلس ملی

قانون انتخابات مجلس ملی مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ تمام قوانین و فرامین انتخاباتی ادوار سابق را لغو نموده است بدین معنی که پاره‌ای از مقررات دوره حکومت موقت و جمهوری دوم و سوم فعلاً نیز بقوت و اعتبار خود باقی است .
اهم مقررات انتخاباتی دوره‌های سابق که بعضی مواد آن در فرانسه کنونی اجرا میشود از این قرار است :

- ۱- فرمان اساسی (۱) مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ و فرمان نظامنامه (۲) مورخ همانروز راجع به محرومیت پاره دستجات از انتخاب شدن .
- ۲- قسمتی از مواد قانون انتخابات مورخ ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و مواد تکمیلی آن مربوط به نحوه تنظیم لیستهای انتخاب کنندگان و جرائم انتخاباتی .
- ۳- فرمان حکومت جمهوری موقت فرانسه مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۴ که بموجب آن به زنان حق داده شد در انتخابات مجلس ملی رأی دهند و بنماینده گی انتخاب شوند .
- ۴- فرمان مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ حکومت نامبرده دایر بر شرکت نظامیان در انتخابات .

- ۵- فرمان مورخ ۲۲ اوت ۱۹۴۵ حکومت موقت که بموجب آن به تمام مستعمرات و سایر متصرفات فرانسه اجازه داده شد در انتخابات مجلس ملی شرکت کنند .
- ۶- فرمان مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۶ که مطابق آن مقررات سابق مربوط به محرومیت پاره دستجات از انتخاب شدن مورد تجدید نظر واقع گردید .

شرائط رأی دادن

۱- تابعیت فرانسه

بموجب ماده ۴ قانون اساسی فرانسه که فوقاً اشاره شد اتباع بالغ فرانسه اعم از مرد و زن حق دارند در انتخابات شرکت کنند. عده‌ای از علمای حقوق اساسی فرانسه مدعی هستند که ماده ۴ مذکور در فوق بدون اینکه فرقی بین تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی قائل شود حق شرکت در انتخابات را منوط به داشتن تابعیت فرانسه دانسته است. علمای مزبور ماده ۴ قانون اساسی را مستند قرارداده چنین اظهار نظر میکنند که از لحاظ رأی دادن هیچگونه محدودیتی برای اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند وجود ندارد و آنها نیز مانند اتباع اصلی فرانسه میتوانند نماینده انتخاب کنند. و اما جمعی دیگر از علماء از جمله ژرژ ویدل (۱) استاد دانشکده حقوق پاریس و تولوز (۲) با استناد اینکه ماده ۴ قانون اساسی اعمال حق رأی را موکول به عدم محرومیت از حقوق مدنی و سیاسی دانسته است و با توجه به مقررات مربوطه قانون تابعیت فرانسه و امریه مورخ ۱۹۴۵ اکتبر ۱۹ چنین اظهار نظر میکنند اشخاصیکه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده‌اند در مدت ۵ سال از تاریخ صدور سند تابعیت نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند.

بموجب ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ نه تنها اتباع فرانسه بلکه بومیان مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه نیز میتوانند در انتخابات پارلمان فرانسه شرکت کنند و اما مقرراتی که در ولایات اروپائی فرانسه اجرا میشود شامل نواحی غیر اروپائی نبوده بلکه مقررات خاصی که منطبق با درجه تمدن و رشد سیاسی سکنه آن سرزمینهاست وضع و بموقع اجرا گذاشته شده است بشرح اینکه در قسمت اعظم مستملکات و کشورهای تحت قیمومت برای اتباع فرانسه حوزه‌های مخصوص دائر است. و در الجزایر زنان مسلمان از حق شرکت در انتخابات محرومند. در ماداگاسکار (۳) و مستعمره افریقای غربی (۴) و افریقای استوایی (۵) و کامرون (۶) و توگو (۷)

Toulouse - ۲

Georges Vidal - ۱

Madagascar - ۳

Afrique Occidentale Française - ۴

Afrique Equatoriale Française - ۵

Togo - ۷

Cameroun - ۶

و پارهٔ مستعمرات دیگر در انتخابات پارلمان فرانسه فقط اشخاصی میتوانند شرکت نمایند که مالک اموال غیر منقول میباشند یا اشتغال بمشاغل معینی دارند یا خدمت سربازی را انجام داده‌اند و یا دارای نشان و جواز رانندگی میباشند. و اما انتخابات در مستعمره مارتینیک، گوادلوپ، گویان - لاری اوئیون و هندوچین تابع همان مقرراتی است که در ولایات اروپایی فرانسه اجری میشود.

۲ = صنفی

مطابق ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه در انتخابات فقط اتباع بالغ فرانسه اعم از مرد و زن شرکت میکنند و چون قانون مدنی فرانسه کسانی را بالغ میدانند که دارای ۲۱ سال عمر میباشند از این روح رأی اختصاص با شخصی دارد که به سن ۲۱ سالگی رسیده باشند و اما بموجب قانون ۲ ماه مه ۱۹۴۶ اشخاصی که دارای بعضی نشانها میباشند در سن ۱۸ سالگی میتوانند از حق رأی استفاده کنند.

۳ = ثوطن (۱) - اقامت (۲) - پرداخت مالیات مستقیم.

انتخاب کنندگان باید در حوزهٔ انتخابیهٔ متوطن یا لااقل ۶ ماه متوالی در آن حوزه اقامت داشته باشند و اما مستخدمین دولت در محل خدمت خود از شرط اقامت شش ماهه مستثنی بوده حق دارند پس از ورود به محل خدمت خود در انتخابات شرکت کنند. بعلاوه اشخاصیکه در ظرف ۵ سال در حوزه‌ایکه محل سکونت دائمی یا اقامت شش ماهه آنها نیست مالیات مستقیم یا مالیات برای نگاهداری جاده‌های محلی بصورت پول یا جنس (۳) میپردازند حق دارند در انتخابات آن حوزه رأی دهند.

اشخاص ذیل از رأی دادن ممنوعند:

۱- مجانین. و اما زوال عقل باید بوسیله مقامات صلاحیتدار قضائی به ثبوت برسد بطوریکه نه شهربانی و نه ژاندارمری و مقامات دیگر مجاز نیستند اشخاصی را که واجد شرائط قانونی میباشند به بهانه زوال عقل از شرکت در انتخابات محروم کنند.

۲- بموجب ماده ۵۱۳ قانون مدنی فرانسه اشخاصیکه تحت ولایت بوده و از

۲-résidence

۱-domicile

۳-prestation en nature

تصرف در اموال خود ممنوعند نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند.

۳- مطابق فرمان اساسی مورخ ۲ فوریه ۱۹۴۵ و فرمان عادی مورخ ۱۴ اوت همانسال که فعلاً بقوت و اعتبار خود باقی است تجاریکه طبق احکام دادگاههای فرانسه یا احکام محاکم خارجی که در فرانسه قابل اجراست و رشکسته به تقصیر اعلام شده اند بطور دائم از شرکت در انتخابات محرومند. توضیح اینکه تا اوایل قرن بیستم در فرانسه و رشکستگان به تقصیر بطور مطلق از حق رأی محروم بودند ولی بموجب قانون مصوب ۱۹۰۴ اشخاص مزبور فقط در ظرف مدت ۱۰ سال مجاز نبودند در انتخابات شرکت جویند و بالاخره قانون مورخ ۱۹۰۸ این محرومیت را محدود به ۳ سال نمود.

۴- بموجب امریه اساسی مورخ ۲ فوریه ۱۸۵۲ و امریه مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵ اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات محرومند:

الف - کسانی که طبق احکام قطعی دادگاهها با اتهام دزدی، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس اموال دولتی، عملیات ضد عفت و اخلاق عمومی محکوم شده اند بطور دائم از شرکت در انتخابات ممنوعند.

ب - اشخاصی که با اتهام ارتکاب جنسایت یا جنحه به متجاوز از سه ماه حبس محکوم شده اند بطور دائم از دادن رأی محرومند و اما کسانی که به سه ماه یا کمتر از سه ماه حبس یا پنجاه هزار فرانک جریمه محکوم شده اند فقط در ظرف پنج سال نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند.

ج - کسانی که بموجب احکام دادگاهها از حق رأی محروم شده اند بطور دائم نمیتوانند در انتخابات شرکت کنند (فرمان مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵).

صورت رأی دهندگان (۱)

در فرانسه مانند قاطبه ممالک مقامات وابسته از اشخاصی که واجد شرائط رأی دادن میباشد صورت برداری کرده و صورتهای تنظیمی را منتشر مینمایند. کسانی که جزء صورت هستند حق دارند نه تنها در انتخابات مجلس ملی بلکه در انتخابات شوراهای ولایتی و انجمنهای شهر و شوراهای محلی دیگر شرکت کنند و همچنین میتوانند در فراندوم رأی دهند. یک نفر انتخاب کننده مجاز است اسم خود را در حوزه یک محل سکونت دائمی او است یا محلی که لااقل ۶ ماه بطور متوالی

اقامت داشته است به ثبت برساند و نیز یک نفر انتخاب کننده حق دارد در حوزه ای که در ظرف ۵ سال مالیات مستقیم یا مالیات برای نگاهداری طرق محلی پرداخته است اسم خود را در صورت رأی دهندگان ثبت کند. انتخاب کننده فقط در یکی از حوزه های سه گانه مزبور میتواند رأی بدهد و از رأی دادن در بیشتر از یک حوزه انتخابیه ممنوع است.

اشخاصی که در خارج فرانسه اقامت دارند بمنظور شرکت در انتخابات اسم خود را با رعایت مقررات مندرج در امریه مورخ ۷ ژوئن ۱۹۴۵ به ثبت میرسانند. بموجب قانون مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۴۶ نظامیان در محل تولد خود و ملوانان و افراد خانواده آنها که در کشتی اقامت دارند در بنادر دریائی یا شطی ثبت نام میکنند.

سالی یکبار از اول تادهم ژانویه در هر یک از حوزه های انتخابیه هیئتی موسوم به کمیسیون اداری تجدید نظر (۱) مرکب از شهردار [دهدار] (۲) یک نفر نماینده انجمن شهر (۳) [شورای دهستان] (۴) و یک نماینده فرمانداری یا بخشدار در صورت های دائمی تجدید نظر کرده متوفیان و اشخاصی را که در خلال سال گذشته بعلت ترک تابعیت، ورشکستگی، محکومیت، محرومیت از تصرف در اموال خود یا علل قانونی دیگر از حق رأی دادن ممنوع گردیده اند از صورت مورد تجدید نظر خارج و بالعکس اشخاصی را که در نتیجه تحصیل تابعیت فرانسه، رسیدن به سن قانونی، اقامت شش ماهه در حوزه انتخابیه و غیره واجد حق رأی دادن شده اند و در صورت میکنند. صورتهای اصلاح شده تا بیستم ژانویه جهت انتشار به رئیس شهرداری [دهدار] تسلیم میشود. در مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار صورت مزبور، فرماندار بخشدار و اشخاصی که اسامی آنها به ثبت نرسیده است میتوانند به هیئت دیگری موسوم به کمیسیون شهرداری تجدید نظر (۵) مرکب از اعضای کمیسیون اداری تجدید نظر و دو عضو دیگر که از طرف انجمن شهر یا شورای دهستان انتخاب میشوند مراجعه و تقاضای تجدید نظر در تصمیمات کمیسیون بدوی را بکنند. اشخاص ثالث نیز حق دارند از کمیسیون مزبور درخواست کنند اسامی افرادی را که برخلاف مقررات قانونی به ثبت رسیده است از صورت

۱- commission administrative de revision

۲- conseil municipal

۳- maire

۴- conseil communal

۵- conseil municipal de revision

مورد تجدید نظر حذف کند. تصمیمات کمیسیون پنج نفری که بمنزله يك دادگاه اداری است باید مستدل و مستند به مواد قانونی بوده و به متقاضیان ابلاغ گردد.

فرماندار، بخشدار و اشخاص ذی‌علاقه در ظرف ۵ روز از تاریخ صدور قرار کمیسیون مزبور حق دارند به دادگاه بخش مراجعه و اصلاح صورت مورد بحث را درخواست کنند. دادگاه در ظرف ۶ روز از تاریخ وصول تقاضای فرماندار، بخشدار و اشخاص ذی‌علاقه موضوع را مورد رسیدگی قرار داده حکم مقتضی صادر و ابلاغ میکند. حکم دادگاه بخش قابل رسیدگی تمیزی است بدین معنی که متقاضیان میتوانند در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم دادگاه مزبور نقض آن حکم را از دیوان کشور تقاضا کنند و دیوان کشور در این مورد مانند موارد دیگر موضوع را از نظر رعایت یا عدم رعایت مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار داده حکم دادگاه بخش را ابرام یا نقض میکند. کلیه اقدامات مذکور در فوق باید تا ۳۱ ماه مارس پایان یابد و در تاریخ مزبور کمیسیون بدوی تجدید نظر با در نظر گرفتن تصمیمات کمیسیون پنج نفری و احکام دادگاه بخش و دیوان کشور صورت قطعی رأی دهندگان را تنظیم و به فرماندار ابلاغ میکند. به اشخاصی که جزء صورت هستند ورقه مخصوصی موسوم به کارت انتخاباتی (۱) داده میشود که با ارائه آن ورقه در انتخابات شرکت کنند.

اصولا صورت رأی دهندگان که در آخر ماه مارس منتشر میشود تا آغاز سال جدید تغییر ناپذیر است بدین معنی تنها اشخاصی که اسامی آنها در صورت مزبور به ثبت رسیده است میتوانند در انتخابات شرکت کنند و اما در چند مورد استثنائی صورت مورد بحث قابل اصلاح است. مورد اول اینکه مقامات مربوطه وظیفه دارند اسامی اشخاصی را که بعد از ۳۱ مارس فوت کرده اند از صورت خارج کنند مورد دوم آنکه مقامات مزبور اسامی کسانی را که بموجب احکام قطعی دادگاه‌های صلاحیت دار صادره بعد از ۳۱ مارس از حق رأی دادن محروم گردیده اند از صورت رأی دهندگان حذف میکنند. يك مورد دیگر اینکه مقامات مربوطه يك صورت فرعی از اسامی افرادی که بعد از انتشار صورتهای نهائی واجد شرایط رأی دادن شده اند تنظیم و منتشر میکنند که در نتیجه اشخاصی که جزء صورت مزبور هستند میتوانند از حق رأی استفاده کنند بعلاوه مستخدمین دولت که بعد از آخر ماه مارس تغییر مأموریت پیدا کرده اند

اسامی خود را در صورت فرعی به ثبت رسانیده و در انتخابات شرکت می نمایند .

شرایط انتخاب شدن

نمایندگان مجلس ملی علاوه بر شرایطی که در قانون انتخابات برای رأی دادن مقرر گردیده است باید ۲۳ سال تمام عمر داشته باشند در صورتیکه در دوره جمهوری سوم (از سال ۱۸۷۵ تا سنه ۱۹۴۰) برای انتخاب شدن به عضویت مجلس مبعوثان داشتن ۲۵ سال عمر ضروری بود . علاوه بر این اشخاصیکه تابعیت فرانسه را قبول کرده اند در ظرف ۱۰ سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت نمیتوانند به عضویت مجلس ملی و شورای جمهوری انتخاب شوند .

شرط دیگری که برای انتخاب شدن ضرورت دارد انجام مقررات مربوط به نظام وظیفه میباشد . امریه مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵ ریاست حکومت موقت فرانسه که فعلاً نیز مجری است به نظامیان اجازه میدهد که تحت شرایط معینی به نمایندگی انتخاب شوند .

اشخاص ذیل از حق انتخاب شدن محرومند :

۱- افراد خانواده های بوربون و ناپلئون که در فرانسه سلطنت کرده اند (قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸۶) .

۲- نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنای سابق که در جلسه دهم ژوئیه ۱۹۴۰ اختیارات فوق العاده به مارشال پتن تفویض کرده بودند (قانون ۸ اکتبر ۱۹۴۶) . اشخاص مذکور در فوق نمیتوانند به عضویت شورای جمهوری و مجمع اتحاد فرانسه و شورای اقتصادی و حتی انجمنهای ولایتی و انجمنهای محلی دیگر نیز انتخاب شوند .

۳- نمایندگان مجلس ملی و شورای جمهوری که اعتبارنامه های آنها از طرف مجلس مربوطه رد و خودشان با اتهام تخلف در انتخابات محکوم شده باشند بطور موقت از حق انتخاب شدن محروم میشوند .

۴- بعضی از مأمورین دولت و نظامیان و قضات در محل مأموریت خود از انتخاب شدن ممنوعند .

اشخاص فوق الذکر از حق انتخاب شدن مطلقاً محرومند بدین معنی که اگر به نمایندگی تعیین شدند انتخاب آنها کان لم یکن و بلا اثر میباشد ولی اشخاصی نیز

هستند که بواسطه شغلشان نمیتوانند وظائف نمایندگی را بعهده بگیرند و چنانچه انتخاب شدند انتخاب آنها صحیح است ولی برای احراز مقام نمایندگی باید از شغل خود استعفا دهند. بطور کلی مشاغل دولتی بانمایدگی مجالس مقننه قابل جمع نیست بدین معنی اشخاصیکه بخدمات دولتی اشتغال دارند از لحاظ وضع قوانین و نظارت در اعمال وزراء نمیتوانند استقلال و آزادی لازم داشته باشند و از طرفی هم مستخدمین دولت بواسطه شغل خود وقت نخواهند داشت که در جلسات مجلس و کمیسیونها و شعبات آن حضور بهم رسانیده وظائف نمایندگی را آنطوریکه باید و شاید انجام دهند. در فرانسه کنونی مستخدمین دولت حق دارند به نمایندگی پارلمان انتخاب شوند ولی نمیتوانند در عین زمان هم مستخدم و هم نماینده باشند. نظامیان نیز میتوانند به نمایندگی انتخاب شوند ولی مجاز نیستند در آن واحد هم نماینده و هم در صنف نظام باشند (امریه مورخ ۱۷ اوت ۱۹۴۵). بعلاوه بر طبق قانون مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ مدیران و بازرسان مؤسساتیکه با دولت فرانسه قراردادهای مقاطعه کاری منعقد نموده اند یا روابط مالی دیگر با دولت مزبور دارند و همچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس انداز نمیتوانند با حفظ شغل خود در مؤسسات مزبور وظائف نمایندگی را انجام دهند. بعلاوه بر طبق قانون مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۸ مدیران و بعضی کارکنان مؤسسات ملی شده از قبیل بانک فرانسه (۱) کردی لیونه (۲) سوسیته ژنرال (۳) و معادن ذغال سنک شمال و پادوکاله (۴) و مؤسسات تولید برق و گاز نمیتوانند عضویت پارلمان را عهده دار شوند مگر قبلا از شغل خود در مؤسسات مزبور استعفا بدهند. و اما قانون مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۲۸ که در فرانسه کنونی نیز مجری است به وزراء و معاونین وزارتهای و استادان دانشگاهها و اشخاصیکه از طرف دولت مأموریت موقت (حداکثر برای مدت شش ماه) پیدا میکنند اجازه میدهد که با حفظ شغل خود نمایندگی پارلمان را عهده دار شوند. قانون ۱۹۲۸ مأموریت شش ماهه را قابل تمدید نمیدانست ولی قانون مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۴۶ بدولت اجازه میدهد که چنانچه مصالح کشور ایجاب کند مأموریت موقت شش ماهه را برای شش ماه دیگر تمدید کند. و اما بطوریکه در بالا بیان گردید قبل از تصویب قانون ۱۹۲۸ نه تنها وزراء

و معاونین وزارتخانه‌ها و استادان دانشگاه‌ها و اشخاصیکه مأموریت موقت پیدا می‌کردند بلکه جمعی از مأمورین عالی‌مقام دیگر نیز منجمله رئیس کل و دادستان دیوان کشور و دیوان محاسبات و دادگاه استیناف پاریس، سفرای کبار، وزرای مختار، فرماندار ولایت سن (۱) رئیس شهر بانی پاریس و بارهٔ مأمورین عالی‌رتبه دیگر مجاز بودند در عین زمان هم مأموریت دولت و هم عضویت مجلس مبعوثان یا مجلس سنا را داشته باشند.

احول انتخابات

۱- بموجب ماده ۶ قانون اساسی ۱۹۴۶ انتخابات مجلس ملی فرانسه مستقیم است بدین معنی اشخاصیکه واجد شرایط قانونی می‌باشند مستقیماً و بلاواسطه نمایندگان آن مجلس را انتخاب می‌کنند. انتخابات شوراهای ولایتی و شوراهای محلی دیگر نیز مستقیم است در صورتیکه بر طبق ماده ۶ مذکور در فوق انتخابات شورای جمهوری مع‌الواسطه و غیر مستقیم می‌باشد. و همچنین بموجب ماده ۶۷ قانون اساسی مورد بحث انتخابات مجمع اتحادیه فرانسه بدورجه است. سابق براین در قسمت اعظم کشورها انتخابات بدو درجه و حتی در روسیه تزاری به سه و چهار درجه بود. توضیح اینکه بموجب قانون انتخابات مورخ ۳-۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ کلیه انتخاب کنندگان روسیه به چهار طبقه زیر تقسیم می‌شدند:

اولا - ملاکین، ثانیاً - سکنه شهرها، ثالثاً - زارعین، رابعاً - کارگران. برای هر یک از طبقات چهار گانه ترتیب مخصوصی مقرر گردیده بود. برای ملاکین انتخابات بدورجه بود بدین معنی که آنها در مرکز حوزه‌های اختصاصی خود جمع شده مطابق جدول منضم بقانون انتخابات یک عده را انتخاب مینمودند و اشخاصیکه بدین ترتیب انتخاب می‌شدند با منتخبین سه طبقه دیگر در مراکز ولایتی تشکیل جلسه داده نمایندگان مجلس دوما (۲) را انتخاب می‌کردند. انتخابات سکنه شهرها بدورجه کارگران به سه وزارعین به چهار درجه بود.

و اما در نتیجه توسعه فرهنگ عمومی و تقویت رژیم دموکراسی انتخابات غیر مستقیم از بین رفته و انتخابات مستقیم جانشین آن گردید بطوریکه اکنون در قسمت اعظم

ممالك دنيا رأى دهندگان مستقيماً و بلاواسطه نمايندگان هر دو مجلس را انتخاب میکنند و فقط در بعضی ممالك انتخابات مجالس عالى (سنا) بطور غير مستقيم بعمل میآيد .

۲- طبق ماده ۳ قانون اساسی ۱۹۴۶ انتخابات مجلس ملی فرانسه مخفی است در صورتیکه مخفی بودن انتخابات شورای جمهوری در قانون اساسی منظور نگردیده است. عده ای از حقوقدانان نامی و رجال سیاسی معروف قرن هیجدهم و نوزدهم از قبیل منتسکیو (۱) جون ستوارت میل (۲) و بیسمارک (۳) با انتخابات مخفی مخالفت کرده مدعی بودند که رأى علنی جرأت و شهامت رأى دهندگان را تقویت مینماید و از انتخاب اشخاص ناپاک و نالایق جلوگیری میکند ولی علمای حقوق و سیاستمداران عصر حاضر دلایل علما و رجال فوق الذکر را رد نموده چنین استدلال میکنند که با اجرای انتخابات علنی قسمت اعظم انتخاب کنندگان مانند مأمورین دولت و کارگران و مستخدمین تجارتخانه ها و مؤسسات صنعتی و غیره تحت نفوذ رؤسا و کارفرمایان خود قرار گرفته و در دادن رأى آزادی نخواهند داشت و روی همین اصل غیر قابل انکار است که تمام ممالك امروزه انتخابات مخفی را معمول میدارند .

۳- انتخابات مجالس مقننه ممکن است الزامی یا اختیاری باشد . در ترتیب اول رأى دادن يك وظیفه اجتماعی شناخته شده و اشخاصیکه بدون عندرموجه از شرکت در انتخابات خودداری میکنند مورد توبیخ واقع میگردند یا محکوم به پرداخت جریمه میشوند و در صورت تکرار بطور موقت یا دائم از حق رأى محروم میگردند . در ترتیب دوم شرکت در انتخابات يك نوع حقی است و اشخاصیکه دارای این حق میباشدند مجاز و مختارند از اعمال آن خودداری کنند . چون در قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه اصلى دائر اجباری بودن انتخابات مجلس ملی وجود ندارد از این رو رأى دهندگان مجازند از شرکت در انتخابات مجلس مزبور امتناع کنند و اما انتخابات شورای جمهوری فرانسه اجباری است بدین معنی که منتخبین درجه اول ملزمند در انتخابات درجه دوم برای تعیین نمایندگان شورای مزبور حضور بهم رسانند . توضیح اینکه انتخابات اجباری در بلژیک - دانمارک - اکثر ممالك جزء دولت متحده سویس -

آرژانتین و جمعی از کشورهای امریکای مرکزی و جنوبی مرسوم است .

۴- در فرانسه کنونی انتخابات مجلس ملی و شورای جمهوری و شوراهای محلی روی اصل تساوی رأی دهندگان قرار گرفته است بدین ترتیب که هر يك از انتخاب کنندگان دارای فقط يك رأی میباشد . سابق براین در بعضی کشورها رأی دهنده میتواند در يك حوزه انتخاباتی چند رأی داشته باشد و یا در حوزه های مختلف در انتخابات شرکت کند . رأی متعدد در صورتی معمول بود که انتخاب کننده دارای تحصیلات عالی بود یا شغل مهمی در دستگاه دولتی داشت و یا بالاخره دارای اولاد بود علاوه اشخاصیکه در حوزه های مختلف دارای علاقه ملکي بودند و یا مالیات میپرداختند میتوانند بیشتر از یکبار از حق رأی استفاده کنند . رأی متعدد در فرانسه بموجب قانون ۲۹ ژوئن ۱۸۲۰ برقرار گردیده بود بدین ترتیب اشخاصیکه بیشتر از میزان معین مالیات مستقیم میپرداختند مجاز بودند دو دفعه رأی دهند . رأی متعدد در فرانسه تا ۱۸۳۰ معمول بوده و در آن تاریخ ملغی گردید . رأی متعدد در بلژیک نیز مرسوم بود بشرح اینکه طبق قانون انتخابات مورخ ۱۸۹۳ هر يك از اتباع ذکور بلژیک که ۲۵ سال عمر و شش ماه اقامت متوالی در حوزه انتخاباتی داشت دارای يك رأی بود ولی اشخاص ذیل علاوه بر رأی اصلی يك رأی اضافی داشتند :

الف - کسانی که اموال غیر منقول یا اوراق قرضه دولت بلژیک را بمبلغ سی هزار فرانک دارا بودند .

ب - اشخاصیکه سالیانه لااقل پنج هزار فرانک مالیات میپرداختند .

ت - افرادی که ۳۵ سال عمر و يك یا چند اولاد داشتند .

بموجب قانون مذکور در فوق اشخاصیکه دارای شناسنامه مدارس عالی بودند یا شغل مهمی در ادارات دولتی داشتند در انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنا علاوه بر رأی اصلی دارای دو رأی اضافی بودند . رأی متعدد در بلژیک بموجب قانون انتخابات ۱۹۱۹ موقوف شده و اصل برابری رأی دهندگان برقرار گردید . در انگلستان نیز رأی متعدد معمول بود و اعمال این حق از این لحاظ آسان بود که در کشور نامبرده انتخابات مجلس عوام در یکروز بعمل نمیآمد . قوانین انتخابات مورخ ۱۸۳۲ و ۱۸۶۷ و ۱۸۸۴ انگلستان رأی متعدد را تأیید کرده و به انتخاب کنندگان اجازه میداد که مانند سابق در حوزه های مختلف رأی بدهند و اما قانون انتخابات مورخ ۶ فوریه

۱۹۱۸ رأی متعدد را محدود به دو مورد نموده است مورد اول اینکه اشخاص مجازند هم در محل اقامت و هم در محل کار خود رأی دهند مورد دوم آنکه کارکنان دانشگاهها دارای دور رأی بوده یکی را در حوزه دانشگاهی و رأی دوم را در حوزه عمومی میدهند. بطوریکه در کتاب حقوق اساسی (چاپ پنجم صفحه ۱۷۸) نویسنده بیان گردیده است عده ای از علمای حقوق و علم الاجتماع و همچنین جمعی از رجال سیاسی پیشنهاد کرده و میکنند که در انتخابات پارلمانی بجای رأی فردی رأی خانوادگی (۱) معمول گردیده و رئیس خانواده به نسبت عده افراد خانواده خود حق رأی داشته باشد. رأی خانوادگی بین نویسندگان و رجال سیاسی فرانسه طرفدار بسیار دارد زیرا بدین وسیله میخواهند موجبات ازدیاد جمعیت فرانسه را که افزایش قابل ملاحظه ای نشان نمیدهد فراهم سازند. رأی خانوادگی اهمیت نظری داشته و تا بحال در هیچیک از ممالک دنیا عملی نگردیده است. موضوع رأی متعدد در مجلس مؤسسان اخیر فرانسه مطرح و اکثر نمایندگان آنرا منافی با اصل انتخابات مساوی دانسته و از قبول آن خودداری کردند.

انتخابات کلی و فردی

بموجب ماده ۳۶ قانون انتخابات ۵ اکتبر ۱۹۴۶ نمایندگان مجلس ملی برای مدت ۵ سال انتخاب میشوند. شصت روز مانده به آخر دوره قانونگذاری فرمان تجدید انتخابات از طرف رئیس جمهور صادر میشود و در پنجمین یکشنبه از تاریخ انتشار فرمان ریاست جمهور انتخابات باید انجام یابد (ماده ۶ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵ و ماده ۴ قانون انتخابات مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶).

در صورت انحلال مجلس ملی انتخابات لا اقل ۲۰ روز و حداکثر ۳۰ روز از تاریخ صدور فرمان انحلال بعمل آمده و نمایندگان جدیدالانتخاب باید در سومین سه شنبه بعد از انتخابات اولین جلسه مجلس را تشکیل دهند (ماده ۵۲ قانون اساسی ۱۹۴۶).

در صورت ابطال انتخابات یکی از حوزه ها انتخاب نمایندگان جدید آن حوزه در ظرف ۲ ماه از تاریخ ابطال عملیات انتخاباتی بعمل میآید (ماده ۱۸ قانون انتخابات ۵ اکتبر ۱۹۴۶).

چنانچه در حوزه‌هایی که انتخابات فردی است یکی از نمایندگان مجلس ملی استعفا کند، فوت شود یا بعلل و جهاتی از مجلس برکنار شود و بیش از ۶ ماه به آخر دوره قانونگذاری باقی باشد بجای او نماینده دیگر انتخاب میشود. (ماده ۱۶ قانون ۳۰ نوامبر ۱۸۷۵ و ماده ۷ قانون ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵).

در صورت فوت استعفا یا عدم صلاحیت یکی از نمایندگان حوزه‌ای که انتخابات جمعی را معمول میدارد کسی که پس از نماینده مزبور جزء لیست مربوطه میباشد تا آخر دوره قانونگذاری نماینده میشود (قانون ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶).

اعلام نامزدی

در قسمت اعظم ممالك معمول این است که چند روز قبل از انتخابات پارلمانی داوطلبان و کالت شخصاً یا بوسیله عده‌ای از هم‌مسلمان خود اعلام نامزدی (۱) میکنند. داوطلبان نمایندگی در پاره ممالك بوزارت کشور و در برخی کشورها به فرمانداری یا انجمن نظارت انتخابات اعلام نامزدی مینمایند. بدیهی است چنانچه شخصی که اعلام نامزدی میکند از لحاظ تابعیت، سن، محکومیت یا بعلل و جهات دیگر واجد شرایط انتخاب شدن نباشد در این مورد مقامات مربوطه حق و وظیفه دارند که به تقاضای وی ترتیب اثر نداده از ثبت اسم او خودداری کنند. اثر قانونی اعلام نامزدی این است که فقط اشخاصی را میتوان بوکالت انتخاب نمود که در موعد مقرر اعلام نامزدی کرده و اسامی آنها بعنوان نامزد نمایندگی به ثبت رسیده باشد و اگر در يك حوزه انتخاباتی یکنفر بدون ثبت نام اکثریت آراء را بدست آورد آراء او باطل شناخته میشود. منظور از اعلام نامزدی این است که با انتخاب کنندگان فرصت و مجال تعمق و بررسی در صلاحیت داوطلب نمایندگی و برنامه وی داده شود به علاوه بر اثر اعلام نامزدی سهولت و نظمی در شمارش آراء حاصل میشود. بموجب قانون انتخابات مصوب ۵ اکتبر ۱۹۴۶ فرانسه داوطلبان نمایندگی ملزمند ۲۱ روز لااقل قبل از تاریخ انتخابات به فرمانداری حوزه مربوطه اعلام نامزدی کنند. هیچکس نمیتواند در چند حوزه انتخاباتی خود را نامزد نمایندگی کند. چنانچه در موضوع اعلام نامزدی اختلافی بین فرماندار و داوطلب و کالت پیش آید در این صورت وی میتواند به شورای ولایتی شکایت کند. شورای ولایتی

موظف است در ظرف سه روز از تاریخ وصول عرضحال مورد اختلاف را رسیدگی کرده و تصمیم قطعی اتخاذ و به شاکی اعلام کند. در ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ اعلام نامزدی داوطلب و کالت ملزم است مبلغ ۲۰۰۰۰ فرانک و دیعه نقدی به پیشکار دارائی حوزه انتخاباتی تسلیم کند و این وجه فقط در صورتی قابل استرداد است که کاندیدا های معرفی شده لااقل سه صدم آراء مأخوذه را بدست بیاورند.

تبلیغات انتخاباتی

بموجب فصل پنجم (مواد ۲۴ الی ۳۷) قانون انتخابات مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶ احزاب سیاسی که طبق مواد ۵ تا ۷ قانون مزبور اعلام نامزدی کرده اند حق دارند:

- ۱- بمنظور معرفی نامزدهای خود و استماع اظهارات آنها اجتماعاتی تشکیل دهند.
- ۲- با رعایت مقررات مندرج در قانون انتخابات اعلاناتی در ملاء عام نصب کنند و همچنین بیانیه و اوراق رأی (۱) برای انتخاب کنندگان ارسال دارند.
- ۳- بموجب امریه مورخ ۲۶ آوریل و ۲۵ اکتبر ۱۹۴۶ رئیس دولت موقت فرانسه، به احزاب سیاسی اجازه داده شده است که با رعایت اصل تساوی از دستگاه رادیو استفاده کنند.

بمنظور نظارت در عملیات تبلیغاتی احزاب سیاسی در هر يك از حوزه های انتخاباتی کمیسیونی مرکب از رئیس محکمه حقوقی پیشکار دارائی نماینده وزارت پست و نماینده فرمانداری و غیره تشکیل میشود. هزینه تبلیغات انتخاباتی لیستهای که سه صدم آراء را تحصیل کرده اند بعهده دولت است.

تقسیم گرسپهای مجلس و طریقه انتخابات

بموجب قانون انتخابات مصوب ۵ اکتبر ۱۹۴۶ و قوانین تکمیلی مورخ ۷ اکتبر ۱۹۴۶ و اول آوریل ۱۹۴۸ عده نمایندگان مجلس ملی بالغ بر ۶۲۲ نفر میباشد که ۵۴۴ نفر را ولایات فرانسه اصلی (۲) ۳۰ نفر را ۳ ولایت الجزایر ۱۰ نفر را

۴ مستعمره گوآدلوپ (۱) مارتینیک (۲) گیان (۳) وره اونیون (۴) و بقیه ۳۸ نفر را سایر متصرفات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخاب میکنند. در فرانسه اصلی هر ولایتی يك حوزه تشکیل میدهد بجز ۷ ولایت وسیع و پر جمعیت سن (۵) نر (۶) بوش دورون (۷) پادوکاله (۸) رون (۹) سن سفلی (۱۰) و سن الوآز (۱۱) که هر يك به چند حوزه تقسیم میشود. شهر پاریس به ۳ حوزه تقسیم شده و ۲۵ نفر نماینده انتخاب میکنند. حومه پاریس نیز به ۳ حوزه تقسیم و ۲۵ وکیل به مجلس ملی میفرستند.

طریقه انتخابات در تمام حوزه ها یکنواخت نیست بدین معنی که در ولایات اروپائی فرانسه و چهار مستعمره مذکور در فوق انتخابات جمعی (۱۲) است در صورتیکه در سایر حوزه ها انتخابات فردی (۱۳) بوده و در هر يك از آنها يك نماینده انتخاب میشود. انتخابات در یکروز (یکشنبه) از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر بعمل میآید. در هر کزهر يك از بلوکات (۱۴) جزء حوزه انتخاباتی يك دفتر رأی (۱۵) دائر میشود ولسی فرماندار میتواند بلوکهای وسیع و پر جمعیت را به چند قسمت تقسیم نموده و در هر يك از آنها يك دفتر رأی دائر کند. برای نظارت در رأی دادن و شمارش آراء مأخوذه در هر يك از دفاتر رأی کمیسیونى بریاست شهردار یا دهمدار و عضویت چهار نفر عضو شورای شهر (شورای دهستان) یا دو نفر از مسن ترین و دو نفر هم از جوانترین رأی دهندگان تشکیل میشود. کمیسیون مزبور با حضور نمایندگان احزاب و دستجاتی که در انتخابات شرکت میکنند اوراق رأی را از صندوق آراء استخراج نموده و شماره اوراق متعلق به هر يك از لیستهای معرفی شده را در صورت مجلس ثبت میکنند. در هر کزهر حوزه انتخاباتی کمیسیونى موسوم بکمیسیون شمارش آراء (۱۶)

Martinique - ۲	Guadeloupe - ۱
Réunion - ۴	Guyane - ۳
Nord - ۶	Seine - ۵
Pas - de - Calais - ۸	Bouches du Rhône - ۷
Seine - Inférieure - ۱۰	Rhône - ۹
	Seine - et - Oise - ۱۱
	vote plurinominal ou scrutin de liste - ۱۲
commune - ۱۴	vote uninominal - ۱۳
commission de recensement - ۱۶	bureau électoral - ۱۵

مرکب از رئیس محکمه حقوقی، دو نفر قاضی بانتخاب رئیس کل محاکم استیناف، یک عضو شورای ولایتی و یک نماینده فرمانداری تشکیل میشود. این کمیسیون وظیفه دارد که پس از شمارش آراء مأخوذه در تمام حوزه نتیجه انتخابات را اعلام کند. در حوزه هائیکه انتخابات جمعی است کرسیها به نسبت آرائیکه هر یک از احزاب بدست آورده اند تقسیم میشود. فرض کنیم در یک حوزه که پنج نفر نماینده انتخاب میکنند ۱۶۰۰۰ نفر رأی میدهند. برای تشخیص «خارج قسمت انتخاباتی» باید عدد رأی دهندگان را بر تعداد کرسیها تقسیم کرد.

$$\frac{16000}{4} = 4000$$

فرض کنیم چهار حزب آراء ذیل را بدست آورده اند:

۱- لیست نهضت جمهوری مردم ۶۵۰۰۰

۲- لیست رادیکال سوسیالیست ۴۵۰۰۰

۳- لیست کمونیست ۳۰۰۰۰

۴- لیست سوسیالیست ۲۰۰۰۰

نظر باینکه لیست نهضت جمهوری مردم ۶۵۰۰۰ رأی تحصیل کرده است کرسی اول به لیست مزبور داده میشود و کرسی دوم به لیست رادیکال سوسیالیست که دارای ۴۵۰۰۰ رأی میباشد واگذار میگردد و چون لیست کمونیست و لیست سوسیالیست اولی فقط ۳۰۰۰۰ و دومی ۲۰۰۰۰ رأی دارند از این رو این دولیست در وهله اول فاقد کرسی میشوند. برای واگذاری کرسیهای باقیمانده باید تعداد آراء هر یک از لیستهای چهارگانه را بر تعداد کرسیهایی که به هر یک از آنها داده شده بعلاوه یک تقسیم کرد.

در مثال بالا باید بترتیب ذیل عمل کرد:

$$\frac{65000}{1+1-2} = 32500 \quad \text{لیست نهضت جمهوری مردم}$$

$$\frac{45000}{1+1-2} = 22500 \quad \text{لیست رادیکال سوسیالیست}$$

$$\frac{30000}{1} = 30000 \quad \text{لیست کمونیست}$$

$$\frac{20000}{1} = 20000 \quad \text{لیست سوسیالیست}$$

بنابراین کرسی سوم به حزب نهضت جمهوری مردم و کرسی چهارم به حزب کمونیست که دارای زیادترین معدل (۱) میباشد داده میشود و حزب سوسیالیست که دارای فقط ۲۰۰۰ رأی میباشد از داشتن نماینده در مجلس محروم میشود. کرسیهای مجلس به همان ترتیبی که اسامی کاندیداها در لیستهای معرفی شده ثبت گردیده است به آنها تعلق دارد.

در حوزه هایی که انتخابات فردی است بنماینده گی کسانی انتخاب میشوند که دارای اکثریت مطلق یعنی نصف بعلاوه يك آراء مأخوذه میباشد و در صورت عدم حصول اکثریت مطلق انتخابات تجدید میشود و این دفعه برای انتخاب شدن اکثریت نسبی کافی است. ترتیب مذکور در فوق با حزب میانه رو اجازه میدهد که در فاصله دودور اخذ رأی با هم ائتلاف کرده احزاب افراطی را از داشتن کرسی پارلمانی محروم کنند. طرفداران انتخابات جمعی تناسبی انتخابات فردی با اکثریت آراء را برخلاف عدالت اجتماعی دانسته و متذکر میگردند که پارلمان باید نمایندگی تمام مردم را داشته باشد و در غیر این صورت یعنی اگر قسمتی مهم از رأی دهندگان از داشتن نماینده در پارلمان محروم گردند قوانین مصوب مورد قبول تمام دستجات مردم واقع نخواهد گردید و بدیهی است که این امر اثرات نامطلوبی از لحاظ حفظ صلح و آرامش داخلی در بر خواهد داشت. و اما هواداران ترتیب انتخابات فردی با اکثریت آراء اینطور استدلال میکنند که در نتیجه اجرای انتخابات جمعی تناسبی فراکسیونهای متعدد در پارلمان تشکیل خواهد یافت و این امر مانع از ایجاد اکثریت ثابت و قوی خواهد گردید که نتیجتاً دولت دائماً و همیشه متزلزل گردیده و نخواهد توانست دست باصلاحات اساسی که مستلزم مجال و فرصت کافی میباشد بزند. انتخابات فردی با اکثریت آراء که در انگلستان و ممالك متحده امریکای شمالی معمول میباشد مؤید این مدعی است.

مبحث دوم

انتخابات شورای جمهوری

ماده ۶ قانون اساسی ۱۹۴۶ راجع به طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری چنین مقرر میدارد:

« شورای جمهوری را هیئت‌های بلوکی و ولایتی از طریق انتخابات عمومی غیرمستقیم تعیین میکنند معذلك خودمجلس میتواند قسمتی از اعضای شورای جمهوری را انتخاب کند بشرط اینکه عده‌ایکه از طرف مجلس مزبور تعیین میشود از يك ششم مجموع نمایندگان شورای نامبرده تجاوز نکند. شورای جمهوری نباید کمتر از ۲۵۰ و بیشتر از ۳۲۰ نماینده داشته باشد ».

ماده مورد استناد دوره نمایندگی شورای جمهوری را معین نمیکند ولی مقرر میدارد که انتخاب نصف نمایندگان شورای مزبور در ظرف مدتی که قانون معین خواهد کرد تجدید میشود. ماده ۶ قانون اساسی به ذکر این چند نکته اکتفا کرده حل و فصل سایر مسائل مربوط به انتخابات شورای جمهوری را به قانون انتخابات موکول نموده بود. قانون مورد نظر در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ به تصویب مجلس ملی (مؤسسان) رسید و اولین شورای جمهوری مطابق همین قانون انتخاب شد و نظر بماده ۱۰۲ قانون اساسی شورای مزبور بایستی یکسال بعد از تجدید انتخابات شوراهای بلوکی تجدید شود و شوراهای اخیرالذکر هم قرار بود در ظرف یکسال از تاریخ انتشار قانون اساسی جدید انتخاب شود.

قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶

بموجب قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ شورای جمهوری دارای ۳۱۵ نفر عضو بود بشرح زیر :

۱- ۲۰۰ نفر که هیئت‌های محلی ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت مارتینیک و گوآدلوپ و گیان وره او نیون انتخاب میکردند.

۲- ۵۰ نفر که مجلس ملی تعیین میکرد.

۳- ۵۱ نفر که از طرف شوراهای ولایتی فرانسه اروپائی و مستعمره فوق‌الذکر و نواحی ماوراء بهار انتخاب میشدند.

۴- ۱۴ نفر را هیئت‌های محلی الجزایر انتخاب مینمودند.

در فرانسه اصلی هیئت‌های محلی را اشخاص ذیل تشکیل میدادند :

۱- نمایندگان ولایت مربوطه در مجلس ملی.

۲- اعضای شورای ولایتی.

۳- نمایندگان بلوکات از قرار يك نماينده برای هر سیصد نفر که حق رأی داشتند .

در حوزه‌هایی که یک نفر نماینده انتخاب میشد انتخابات با کثرت نسبی آراء (۱) بعمل می‌آمد و در حوزه‌هایی که بیشتر از يك نماينده انتخاب میشد انتخابات تناسبی بود معذک در قسمت اعظم مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه انتخابات با کثرت آراء بعمل می‌آمد و لو اینکه بیشتر از يك نماينده انتخاب می‌کردند .

چون قانون انتخابات ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ کمتر از ۲ سال دوام داشته و شامل فقط انتخابات دوره اول شورای جمهوری بود از این رو به نکات مذکور در فوق اکتفا نموده به توضیح و تشریح قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ که فعلاً مجری است می‌پردازد .

قانون انتخابات ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸

بانوجه بمذلول ماده ۱۰۲ قانون اساسی که فوقاً بیان گردید در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ قانون انتخابات جدید شورای جمهوری به تصویب رسید . قانون انتخابات ۱۹۴۸ حداکثر تعداد کرسیهای مقرر در ماده ۶ قانون اساسی (۳۲۰ کرسی) را بشرح زیر بین ولایات اروپائی و مستعمرات و سایر متصرفات فرانسه تقسیم نموده است :

۱- ولایات اروپائی فرانسه و چهار ولایت مارتینیک و گوادلوپ و گویان و رده اوینیون ۲۵۳ کرسی

۲- ۳ ولایت الجزایر [الجزیره (۲) - اوران (۳) - کنستانتین (۴)] ۱۴ «

۳- متصرفات ماوراء بهار و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه ۴۴ «

۴- اتباع فرانسه مقیم مراکش ۳ «

۵- اتباع فرانسه مقیم تونس ۲ «

۶- اتباع فرانسه مقیم هندوچین ۱ «

۷- اتباع فرانسه مقیم ممالك خارجه ۳ «

طریقه انتخاب نمایندگان شورای جمهوری در حوزه‌های مختلف یکسان نیست بدین معنی که در هر يك از ولایات اروپائی و ولایت مذکور در فوق (مارتینیک ،

گوآدلوپ، گیان، ره‌اونیون) بمنظور انتخاب اعضای شورای جمهوری هیئتی مرکب از نمایندگان آن ولایت در مجلس ملی و کلیه اعضای شورای ایالتی و نمایندگان شوراهای بلوکی تشکیل میشود. عدۀ نمایندگانیکه شوراهای بلوکی انتخاب میکنند با عدۀ سکنه آن بلوکات مطابقت دارد. شرکت در انتخابات نمایندگان شورای جمهوری الزامی است.

انتخابات نمایندگان الجزایر و مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه و وکلای اتباع فرانسه مقیم تونس و مراکش و ممالک خارجه تابع مقررات ذیل است: از ۱۴ نماینده ۳ ولایت الجزایر ۷ نفر را فرانسویان مقیم آن ولایات و بقیه ۷ نفر را بومیان انتخاب میکنند.

اتباع فرانسه مقیم تونس دو نماینده از بین خودشان انتخاب و بوسیله پست اسامی آنها را به وزارت کشور فرانسه اطلاع میدهند. نامه ارسالی در پاریس باز و اسامی نمایندگانیکه حائز اکثریت میباشند اعلام میشود.

انتخاب ۳ نفر نماینده اتباع فرانسه مقیم مراکش با مجلس ملی است و نیز مجلس ملی از بین اتباع فرانسه مقیم هندوچین یک نفر و فرانسویان مقیم خارجه سه نفر را بصورت شورای جمهوری تعیین میکند.

انتخاب نمایندگان متصرفات ماوراء بهار و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه بوسیله هیئتهائی مرکب از اعضای مجالس محلی و نمایندگان آن مستعمرات و نواحی تحت قیمومت فرانسه در مجلس ملی، بعمل میآید.

بطوریکه در بالا متذکر گردید از ۳۲۰ نفر نماینده شورای جمهوری مجلس ملی فقط ۷ نفر را بصورت شورای مزبور تعیین میکند. و اما چون ماده ۶ قانون اساسی به مجلس ملی حق داده است که حد اکثر یک ششم نمایندگان شورای جمهوری را انتخاب کند مجلس مزبور میتواند مساده مربوطه قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ را مورد تجدید نظر قرار داده و بیشتر از ۷ نفر بصورت شورای مزبور بحث انتخاب کند.

شرایط انتخاب شدن به عضویت شورای جمهوری

بموجب ماده ۴ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ برای انتخاب شدن به عضویت شورای جمهوری داشتن ۳۵ سال عمر ضروری است در صورتیکه برای عضویت مجلس ملی ۲۳ سال تمام کافی است. بعضی اشخاص منجمله افراد ذیل از انتخاب شدن بطور مطلق محرومند:

۱- بموجب ماده ۴ قانون اساسی ۱۹۴۶ اشخاصیکه طبق احکام قطعی دادگاهها از حقوق مدنی و سیاسی محروم گردیده اند حق شرکت در انتخابات مجلس ملی را نداشته و بطریق اولی نمیتوانند به عضویت مجلس مزبور و شورای جمهوری انتخاب شوند.

۲- کسانی که تابعیت فرانسه را قبول کرده اند در ظرف ده سال از تاریخ صدور فرمان تابعیت از انتخاب شدن به عضویت مجالس محرومند (قانون تابعیت مورخ ۲۶ ژوئن ۱۸۸۹).

۳- افراد خانواده بوربون و ناپلئون (قانون مورخ ۱۶ ژوئن ۱۸۸۵ و قانون ۲۲ ژوئن ۱۸۸۶).

۴- نمایندگان مجالس سابق فرانسه که در جلسه مورخ دهم ژوئیه مجلس ملی (مؤسسان) اختیارات فوق العاده به مارشال پتن داده بودند (قانون مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۴۶).

۵- نمایندگانیکه اعتبارنامه های آنها رد شده و خودشان باتهام تخلف در انتخابات محکوم شده اند در ظرف دو سال از تاریخ عدم تصویب اعتبارنامه خود نمیتوانند بنمایندگی انتخاب شوند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۱۴).

۶- اشخاصیکه مقررات نظام وظیفه را انجام نداده اند (قانون ۳۱ مارس ۱۹۲۸).

پاره ای از مأمورین کشوری و نظامی و قضات از انتخاب شدن در محل مأموریت خود ممنوع میباشند ولی در حوزه های دیگر میتوانند به عضویت شورای جمهوری و مجلس ملی انتخاب شوند. علت این محرومیت آنست که مأمورین مزبور نتوانند در محل خدمت خود رأی دهندگان را تحت تأثیر قراردادده بنمایندگی انتخاب شوند و اساساً مستخدمین دولت میتوانند در محل مأموریت خود یا یکی از حوزه های دیگر

قبول نمایندگی کنند ولی باید در ظرف ۸ روز از تاریخ تصویب اعتبارنامه خود تقاضای انتظار خدمت نمایند و گرنه منتظر خدمت شناخته شده و در نمایندگی باقی میمانند و در تمام مدت نمایندگی حق ارتقای رتبه و حق دریافت حقوق بازنشستگی برای آنها محفوظ میباشد منتها در عین زمان نمیتوانند هم مقرری از شورای جمهوری یا مجلس ملی و هم حقوق از خزانه دولت دریافت دارند. چنانچه یک نفر نماینده شغل دولتی قبول کند اجباراً از نمایندگی مستعفی میشود. بعلاوه بقسمیکه در بالا متذکر گردیدار باب صنایع و تجاریکه با دولت قراردادهای مقاطعه کاری منعقد کرده اند یا روابط مالی دیگر با دولت دارند و همچنین مدیران و بازرسان بانکهای پس انداز نمیتوانند با حفظ شغل خود در مؤسسات مزبور وظائف نمایندگی را انجام دهند. دلیل این مانعة الجمع است که اشخاص نتوانند از مقام نمایندگی سوء استفاده کرده در ادارات دولتی عملیاتی بضرر دولت انجام دهند و همچنین مدیران و بعضی کارکنان مؤثر مؤسسات ملی شده که بمنزله مستخدمین دولت میباشند مجاز نیستند عضویت شورای جمهوری و مجلس ملی را عهده دار شوند مگر اینکه بعد از تصویب اعتبارنامه خود از شغل خویش در مؤسسات مزبور استعفا بدهند.

ناگفته نماند که بموجب ماده ۲۴ قانون اساسی ۱۹۷۶ هیچکس نمیتواند در عین زمان نمایندگی مجلس ملی و شورای جمهوری را داشته باشد و همچنین نمایندگان مجالس مزبور مجاز نیستند عضویت شورای اقتصادی و مجمع اتحاد فرانسه را قبول کنند.

فعالیت انتخاباتی داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری

اشخاصیکه در انتخاب نمایندگان شورای جمهوری شرکت میکنند مجازند بعد از صدور فرمان انتخابات اجتماعی تشکیل دهند. در این اجتماعات نمایندگان حوزه مربوطه در مجلس ملی و اعضای شورای ولایتی و نمایندگان شوراهای بلوکی همان حوزه و همچنین داوطلبان عضویت شورای جمهوری میتوانند شرکت کنند و مقامات مربوطه وظیفه دارند که از شرکت افراد دیگر در اجتماعات مزبور جلوگیری نمایند (مواد ۳۳ و ۳۴ قانون انتخابات مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۸ شورای جمهوری). داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری ملزمند ده هزار فرانک و دیعه به پیشکار دارائی حوزه

مربوطه تسلیم کنند و این ودیعه در صورتی قابل استرداد است که داوطلب نمایندگی لاقبل پنج صدم مجموع آراء مأخوذه را بدست بیاورد. از محل مزبور بیهائیه‌های (۱) کاندیداها و همچنین اوراق رأی (۲) چاپ و توزیع میشود.

اعلام نامزدی

در حوزه‌هایی که چهار نفر یا بیشتر به عضویت شورای جمهوری انتخاب میشود داوطلبان جزء يك لیست ملزمند به فرمانداری اعلام نامزدی کنند. عدد اشخاص جزء يك لیست نباید بیشتر یا کمتر از عدد کرسیهای متعلق به حوزه مربوطه باشد. در اعلام نامزدی اسامی و تاریخ و محل تولد داوطلبان و ترتیب معرفی (۳) باید قید شود. هیچکس نمیتواند در چند لیست خود را داوطلب نمایندگی معرفی کند و نیز هیچکس نمیتواند در چند حوزه کاندیدا بشود. اعلام نامزدی نه تنها شامل انتخابات جمعی است بلکه در انتخابات فردی نیز داوطلبان ملزمند نامزد بودن خود را به فرمانداری اعلام کنند.

گیزیت استخراج و شمارش آراء و تشخیص انتخاب شدگان

در مرکز هر يك از حوزه‌های انتخاباتی هیئتی بریاست رئیس محکمه حقوقی و عضویت دو نفر قاضی با انتخاب رئیس کل محاکم استیناف و دو نفر از مسن ترین اعضای شورای ولایتی تشکیل میشود. هیئت مزبور کلیه رأی دهندگان را به چند دسته تقسیم میکند که هر يك از آن دسته‌ها باید لاقبل صد نفر انتخاب کننده داشته باشد. هیئت مذکور رؤسای شعب را تعیین و کلیه مشکلات حاصله از انتخابات و همچنین اعتراضات رأی دهندگان را حل و فصل میکند. در حوزه‌هایی که چهار یا بیشتر نماینده انتخاب میشود انتخابات تناسبی است و تقسیم کرسیها بین احزاب سیاسی تابع همان مقرراتی است که در انتخابات مجلس ملی معمول میباشد. در حوزه‌هایی که کمتر از چهار نماینده انتخاب میشود برای انتخاب شدن اکثریت مطلق آراء مأخوذه و ربع آراء ثبت شده در لیست رأی دهندگان ضروری است. در صورت عدم حصول اکثریت مذکور در فوق انتخاب اعضای شورای جمهوری تجدید میشود و در انتخابات ثانوی اکثریت نسبی

کافی است و در صورت تساوی آراء کسیکه سنش بیشتر است نماینده میشود . شمارش آراء بوسیله هیئت نظارت انتخابات بعمل آمده و نتیجه آن فی المجلس اعلام میشود . داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری حق دارند هنگام استخراج و شمارش آراء در جلسه انجمن نظارت انتخابات حضور بهر رسانند . انتخابات شورای جمهوری نیز در یکروز بعمل میآید .

در صورت فوت، استعفاء یا عدم تصویب اعتبار نامه یکی از نمایندگان حوزه ای که چهار کرسی یا بیشتر در شورای جمهوری دارد از لیست مربوطه کسیکه اسم او بلافاصله پس از نام عضو متوفی و غیره ثبت شده باشد بنماینده گی معین میشود . چنانچه حوزه انتخاباتی کمتر از چهار کرسی در شورای جمهوری داشته باشد انتخاب جانشین نماینده متوفی ، مستعفی یا نماینده ای که اعتبار نامه او تصویب نشده است در ظرف دو ماه تجدید میشود .

فصل هفتم

مصونیت‌های پارلمانی (۱) - مقرری نمایندگان (۲) - رسیدگی با اعتبار نامدها (۳)

مبحث اول

آزادی نطق و رأی = مصونیت از تعرض

اصولاً نمایندگان پارلمان مانند اشخاص دیگر تابع قوانین و دادگاه‌ها می‌باشند ولی برخلاف این اصل قوانین ممالك مختلف امتیازات خاصی برای اعضای مجالس قائل می‌شوند. منظور از اعطای این امتیازات آن است که نمایندگان ملت بتوانند در کمال آزادی و بدون هیچگونه خوف و نگرانی وظائف نمایندگی را انجام دهند. امتیازاتی که قوانین دول مختلف برای نمایندگان پارلمان قائل می‌شوند عبارت است از آزادی نطق و رأی (۴) و مصونیت از تعرض (۵). مواد ۲۱ و ۲۲ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه دواصل مذکور در فوق را بشرح زیر قبول و اعلام کرده است :

ماده ۲۱

« هیچیک از نمایندگان پارلمان را نمیتوان بعلت نظریاتی که در حین انجام وظائف نمایندگی اظهار میدارند و رأیی که میدهند دستگیر و بازداشت نموده و مورد تعقیب و مجازات قرار داد ».

با توجه باین اصل که در تمام ممالك دنیا معمول و مجری است نمایندگان با آزادی خلل ناپذیر میتوانند در جلسات عمومی مجالس و شعب (۶) و کمیسیونهای پارلمانی اظهاراتی نمایند و رأی دهند بقسمی که مقامات رسمی و مأمورین دولت و اشخاص ثالث و مؤسسات و غیره نماینده‌ای را بواسطه نطقی که در پارلمان ایراد نموده و رأیی که داده است نه در دوره قانونگذاری و نه بعد از انقضای مدت نمایندگی مورد تعقیب جزائی و حقوقی قرار دهند مثلاً یکنفر نماینده با آزادی خلل ناپذیر مجاز است

indemnité parlementaire — ۲

irresponsabilité — ۴

bureau — ۶

immunités parlementaires — ۱

vérification des pouvoirs — ۳

inviolabilité — ۵

از پشت تریبون مجلس مردم را به شورش و انقلاب تحریک یا به وزراء و مأمورین دولت توهین کند یا راجع به مؤسسات بانکی و مؤسسات مالی و اقتصادی دیگر اظهارات خلاف واقع نموده باعث تزلزل اعتبار و تنزل قیمت سهام آنها گردد. بدیهی است عدم مسئولیت برای نطق ورأی مانع از این نیست که مجلس ملی و شورای جمهوری طبق نظامنامه های داخلی خود نمایندگانی را که به وزراء یا سایر مأمورین و اشخاص توهین میکنند یا آنها را تهدید مینمایند و یا بوسیله دیگر باعث بی نظمی مجالس میگردند مورد مؤاخذه قرار دهند.

نمایندگان برای اظهاراتی که در خارج از مجالس مقننه میکنند و مطالبی که راجع بمسائل سیاسی و اقتصادی و غیره در روزنامه ها و مجلات و نشریات دیگر درج مینمایند مسئول میباشند زیرا در خارج از پارلمان نطق ایراد کردن و یا در مطبوعات مقاله نوشتن ناشی از انجام وظائف نمایندگی نبوده و بنابراین مشمول اصل عدم مسئولیت مقرر در ماده ۲۱ قانون اساسی نمیشود.

راجع به مصونیت از تعرض ماده ۲۲ قانون اساسی چنین مقرر میدارد :

« بجز مورد جرائم مشهوده هیچیک از نمایندگان پارلمان را نمیتوان در مدت وکالت با اتهام جنایت یا جنحه دستگیر و تعقیب نمود مگر با اجازه مجلسی که متهم عضویت آنرا دارد. حبس و تعقیب متهم بنا به تقاضای مجلسی که وی عضو آن است معلق میگردد ».

منظور از مصونیت از تعرض موضوع ماده فوق الذکر این است که مقامات مربوطه نتوانند ببهانه ارتکاب جنحه یا جنایت مخالفین خود را مورد تعقیب قرار داده بدینوسیله آنها را از پارلمان طرد کنند. ماده مورد استناد که مطابقت تام و کامل با قوانین سایر ممالک دارد شامل فقط جنایت و جنحه میباشد و نمایندگان را که مرتکب امور خلاف میشوند نمیتوان بدون اجازه مجلس مربوطه تعقیب نمود چه مجازاتی که برای امور خلاف مقرر گردیده است معمولاً عبارت از جریمه جزئی و چند روز حبس تکدیری بوده و بهیچوجه نمیتواند با انجام وظائف نمایندگی مبیانت داشته باشد.

نظر بماده ۲۲ قانون اساسی فرانسه مصونیت از تعرض شامل تمام دوره نمایندگی است و نه ایام اشتغال بدین معنی که اگر نماینده یکی از مجالس در ایام تعطیل پارلمان مرتکب جنایت یا جنحه بشود او را نمیتوان دستگیر و تعقیب نمود در صورتیکه بموجب قانون اساسی ۱۸۷۵ و قوانین قسمت اعظم ممالک کنونی دنیا

مصونیت از تعرض در تمام مدت نمایندگی مجری نبوده بلکه شامل فقط ایام اشتغال مجالس میباشد .

بموجب ماده ۲۲ مورد بحث چنانچه مقامات انتظامی نماینده یکی از مجالس را در حین ارتکاب جنحه یا جنایت تعقیب و دستگیر نمایند مقامات مربوطه ملزم خواهند بود رئیس مجلس را که متهم عضو آنست مستحضر سازند و مجلس حق خواهد داشت استخلاص وقت و کیل متهم و تعلیق تعقیب و محاکمه او را تا آخر دوره قانونگذاری تقاضا کند .

مبحث دوم

مقرری نمایندگان مجالس مقننه

سابق براین موضوع مقرری نمایندگان پارلمان مورد بحث بود بدین معنی که جمعی از علمای حقوق اساسی و رجال سیاسی بر آن عقیده بودند که نمایندگی پارلمان شغلی نیست که اشخاص آنرا وسیله تأمین معاش قرار دهند و بنا براین شایسته نیست که نمایندگان از خزانه دولت حقوق بگیرند بلکه بهتر است با عایدات شخصی خود اعاشه کنند بعلاوه پیروان این نظریه میگفتند که با عدم دریافت مقرری نمایندگان مجالس ثابت میکنند که برای خدمت به کشور و نه برای دریافت حقوق، و کالت ملت را قبول کرده اند. و اما در عصر حاضر تمام حقوقدانان و سیاسیون نظر مزبور را رد کرده چنین استدلال میکنند که اگر نمایندگان ملت مقرری دریافت نکنند در اینصورت اشخاصیکه تمول شخصی ندارند از انتخاب شدن به عضویت پارلمان محروم خواهند گردید که در نتیجه متمولین بنماینده گی انتخاب شده و از ثروت خود دفاع خواهند کرد . باتوجه باین نکته غیر قابل تردید تقریباً در تمام ممالک دنیا اعضای مجالس مقننه اعم از مجلس مبعوثان و مجلس سنا از خزانه دولت مقرری دریافت میدارند بعلاوه بنمایندگان ولایات هزینه سفر تأدیه میشود . در غالب ممالک اعضای مجالس ماهیانه مقرری ثابتی میگیرند در صورتیکه در بعضی کشورها مقرری برای هر جلسه داده میشود . در بعضی ممالک از جمله برزیل نمایندگان مجلس مبعوثان و مجلس سنا علاوه بر مقرری ثابت در مقابل هر دفعه حضور حق الزحمه معینی (۱)

دریافت میدارند (ماده ۲۷ قانون اساسی ۱۹۴۶ برزیل).

در تمام ادوار تاریخ سیاسی فرانسه باستثنای دوره قوانین اساسی ۱۸۱۴ و ۱۸۳۰ نمایندگان پارلمان از خزانه دولت مقرری دریافت میداشتند. بموجب ماده ۶۸ قانون اساسی ۱۷۹۵ میزان سالیانه مقرری نمایندگان هیئت قانونگذاری معادل پهای سی هزار کیلو گرم گندم بود. قانون اساسی ۱۸۴۸ نمایندگان اجازه نمیداد که از دریافت مقرری امتناع کنند.

طبق ماده ۲۳ قانون اساسی ۱۹۴۶ نمایندگان پارلمان معادل حقوق طبقه مخصوصی از مستخدمین دولت مقرری دریافت میدارند. با توجه بماده مزبور قانون ۶ ژانویه ۱۹۵۰ مقرری نمایندگان مجلس ملی و شورای جمهوری را معادل حقوق اعضای شورای دولتی (۱) معین کرده است. ۴۲ درصد از مقرری دریافتی نمایندگان مجلسین بابت هزینه نمایندگی محسوب شده و از پرداخت مالیات بر درآمد معاف است. علاوه بر دریافت مقرری و معافیت ۴۲ درصد آن از پرداخت مالیات بر درآمد نمایندگان مجالس با پرداخت وجه ناچیز حق مسافرت باراه آهن و حق استفاده از پست و تلگراف و تلفن را دارند. بموجب ماده ۲۷ قانون ۱۹۵۰ ترتیب پرداخت هزینه سفر نمایندگان مستعمرات و سرزمینهای تحت قیمومت فرانسه در مجلس ملی و شورای جمهوری و مجمع اتحاد فرانسه طبق تصمیم هیئت رئیسه هر يك از مجالس مزبور داده میشود.

مبحث سوم

رسیدگی به اعتبارنامه های نمایندگان پارلمان

ماده ۸ قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه که عیناً تقلید از ماده ۱۰ قانون اساسی مؤرخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ میباشد راجع به نحوه رسیدگی باعتبارنامه های نمایندگان پارلمان چنین مقرر میدارد:

« هر يك از مجالس حق تشخیص صلاحیت انتخاب شدگان و قانونی بودن انتخابات را دارا میباشد. فقط مجلس مربوطه میتواند استعفای نمایندگان خود را قبول کند ».

موضوع رسیدگی به صحت و سقم اعتبارنامه های نمایندگان مجالس مقننه مورد بحث میان علمای حقوق و رجال سیاسی میباشد. عده ای از حقوقدانان و مردان سیاسی

معتقدند که رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان باید با خود مجالس باشد زیرا اگر مقامات دیگری بغیر از مجالس در این امر مداخله کنند ممکن است تحت تأثیر قرار گرفته من غیر حق از تصویب اعتبار نامه های مخالفین دولت استنکاف نموده و بدین وسیله آنها را از مجلس طرد کنند .

بعقیده نویسنده این نظریه قابل دفاع نیست بدلیل اینکه رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان مجالس چه از حیث واجد بودن شرائط انتخاب شدن و چه از نظر مطابقت عملیات انتخاباتی با مقررات قانونی يك امر قضائی است و از اینرو و با توجه باصل تفکیک قوا که بموجب آن عمال یکی از قوای ثلاثه نباید در وظائف دوقوه دیگر دخالت کنند مجالس مقننه اصولاً صلاحیت این کار را نداشته و فقط مقامات قضائی میتوانند این وظیفه را انجام دهند . بعلاوه بطوریکه سوابق امر گواهی میدهد اگر حق رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان به خود مجالس داده شود ممکن است حزب یا احزابیکه در مجلس اکثریت را تشکیل میدهند مخالفین مؤثر و متنفذ خود را که انتخاب آنان صحیح بوده و خودشان واجد شرائط قانونی میباشند از پارلمان طرد کنند و بالعکس اعتبار نامه های طرفداران و هم مسلکان خود را که انتخاب آنها برخلاف قانون صورت گرفته و خود آنها واجد شرائط انتخاب شدن نمیباشند تصویب کنند . ترتیب مزبور علاوه بر معایب مندرج بالا این عیب را نیز دارد که پس از تجدید انتخابات و افتتاح دوره تقنینیه نمایندگان که اعتبار نامه های آنها به تصویب نرسیده و نمایندگی آنها هنوز محرز نیست اعتبار نامه های همکاران پارلمانی خود را تصویب یاردمیکنند .

هر چند رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان پارلمان بدلیلی که ذکر گردید امری است قضائی و بایستی بوسیله قضاة انجام یابد با اینهمه در اکثر ممالک از جمله کشورهای متحده امریکای شمالی ، اتحاد جماهیر شوروی ، بلژیک و سویس هر یک از مجالس مقننه اعتبار نامه های اعضای خود را مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یا رد مینمایند . در انگلستان چند نفر از اعضای دیوان عالی که بحکم قرعه انتخاب میشوند اعتبار نامه های نمایندگان مجلس عوام را مورد رسیدگی قرار داده گزارشی دائر به تصویب یا عدم تصویب آنها به مجلس تقدیم میکنند و مجلس نامبرده معمولاً گزارش هیئت قضائی را بدون بحث تأیید می نماید و اما برخلاف ترتیب معموله در سایر ممالک در انگلستان رسیدگی باعتبار نامه های نمایندگان بعمل میآید که انتخاب

آنها مورد اعتراض است و گر نه انتخاب شده بدون تصویب اعتبار نامه نماینده شناخته می شود .

در آلمان بموجب ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۹۱۹ رسیدگی با اعتبار نامه های اعضای مجلس رایشتاگ بیک دادگاه مختلط مرکب از چند نفر نماینده مجلس رایشتاگ و چند نفر عضو دادگاه اداری واگذار گردیده بود نمایندگان را خود رایشتاگ برای تمام دوره تقنینیه و قضات را رئیس جمهور انتخاب مینمودند . برای اخذ تصمیم موافقت سه نفر نماینده رایشتاگ و دو نفر قاضی لازم و ضروری بود . در پاره ممالك مقامات قضائی اعتبار نامه های نمایندگان پارلمان را مورد رسیدگی قرار داده آنها را تصویب یا رد میکنند .

در ایران مجلس شورای ملی و مجلس سنا بصحت اعتبار نامه های نمایندگان خود رسیدگی نموده آنها را تصویب یا رد مینماید .

فصل هشتم

تشکیلات داخلی و طرز کار پارلمان

مبحث اول

جلسات

چنانکه میدانیم مدت هر دوره قانونگذاری در فرانسه پنج سال است به این توضیح که مدت مزبور از تاریخ تشکیل اولین جلسه مجلس ملی شروع و بزمان انعقاد اولین جلسه مجلس ختم می شود. استثنائاً در صورت انحلال مجلس مدت مذکور در فوق کوتاه می گردد باید اضافه نمود که مدت دوره تقنینیه بشرحی که گذشت فقط در مورد مجلس ملی صادق است زیرا اولاً فقط مجلس ملی است که واجد اختیارات کامل در امر قانونگذاری میباشد ثانیاً تجدید شورای جمهوری چنانکه دیده ایم بترتیب تجدید بعضی صورت میگیرد نه تجدید کلی و تام.

اجلاس هر يك از مجالس قانونگذاری مدت زمانی را گویند که طی آن مجلس مزبور وظائف و اختیارات قانون گذاری را جمع بخود را اعمال میکند. هر دوره قانون گذاری معمولاً شامل چند اجلاس میباشد. تقسیم مدت هر دوره قانون گذاری بچند اجلاس ناشی از رژیم حکومتی بوده و در حدود رژیم اینگونه توجیه میشود که مجالس قانون گذاری برای انجام وظائفی که برعهده دارند لازم نیست که لابنقطع در حال انعقاد باشند بلکه ادامه فعالیت آنها بدون وقفه و تعطیل و زائد بر آنچه مورد نیاز است ممکن است منشأ زیان و فساد گردد.

در چنان رژیمی شاه یا بطور کلی قوه مجریه میتواندست پارلمان را برای اجلاس دعوت کند و یا امر یا اختتام هر دوره اجلاسیه صادر نماید. در رژیم سلطنتی انگلستان

با اینکه يك چنین ترتیبی برای اجلاس پارلمان معمول است معذلك در عمل لزوم وضع قوانین مالیاتی و قوانین دیگری که سالیانه باید تجدید و وضع گردند از دید زمانی ایجاب کرده است که پارلمان انگلستان اجلاس مرتب و معین داشته باشد.

برعکس در رژیم جمهوری فرانسه سنت دیرینه بر دائمی بودن مجالس مقننه جاری گردیده و مجالس مزبور برای انعقاد و اجلاس محدودیتی ندارند و هر وقت بخواهند می توانند تشکیل جلسه داده اختیارات قانونی خود را اعمال کنند. در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ مابین دو سیستم « دعوت مجالس مقننه از طرف قوه مجریه » و « اجلاس دائمی مجالس » طریقه بینابینی انتخاب شده بود باین معنی که در هر سال حداقل مدتی در نظر گرفته شده بود که طی آن مجالس قانونگذاری بدون تبعیت از اراده قوه مجریه میتوانند در حال اجلاس و انعقاد باشند و این حداقل مدت پنج ماه بود. اما ادامه انعقاد بیش از این مدت و یا تشکیل فوق العاده مجالس بستگی بدعوت قوه مجریه داشت. معذلك در بعض موارد و بخصوص در صورت درخواست اکثریت مطلق اعضاء هر مجلس قوه مجریه ناگزیر بود که مجالس قانون گذاری را برای انعقاد دعوت نماید.

جلسات - غیر از دوره قانون گذاری و اجلاس هر مجلس طی دوره قانون گذاری مجالس مقننه اجتماعات کوتاه تری دارند که جلسه نامیده می شود.

جلسه عبارت از مدت زمانی است که طی آن يك مجلس قانون گذاری بطور رسمی تشکیل میشود و در اطراف مسائلی که در دستور کارهای آن مجلس قرار داده شده بحث و شور کرده اتخاذ تصمیم مینماید. بنابراین اجتماع عده ای از اعضاء يك مجلس فقط موقعی عنوان جلسه بخود میگیرد که شرایط مقرر در آئین نامه از حیث نصاب عده اعضاء و غیره موجود باشد و نیز در سیستمی که اجلاس هر مجلس مقننه از حیث زمان محدود است جلسات آن مجلس در خارج از مدت مزبور صورت قانونی ندارد. تاریخ و ساعت تشکیل جلسات هر مجلس و همچنین مدت و تعداد آنها توسط خود آن مجلس معین میگردد و از امور داخلی آن مجلس بشمار میرود.

اصل دائمی بودن مجلس ملی در قانون اساسی ۱۹۴۶

قانون اساسی سال ۱۹۴۶ سیستم دائمی بودن مجلس ملی را انتخاب کرده است. معینا اگر قانون اساسی مزبور اصطلاحات «اجلاس» و «تعطیل اجلاس» را بکار برده است معنی آن با مفهوم قدیمی این کلمات اختلاف کلی دارد و در خور تشریح و توضیح است :

۱- مجلس ملی میتواند در هر موقع تشکیل یابد

در جمهوری سوم قوه مجریه این امتیاز را داشت که میتواندست اجلاسات مجالس قانون گذاری را تعطیل کند یا معلق سازد (البته با رعایت حداقل مدت مقرر در قانون اساسی ۱۸۷۵). چنین امتیازی دیگر وجود ندارد . مجلس ملی طبق اصل نهم قانون اساسی ۱۹۴۶ در دومین سه شنبه ماه ژانویه اجلاس سالیانه خود را شروع می کند . در مواقع انحلال مجلس ، مجلسی که متعاقب آن انتخاب میشود در سومین پنجشنبه بعد از انتخابات انعقاد می یابد (اصل ۵۲) . اما هیچ مقامی حق ندارد اجلاس سالیانه مزبور را تعطیل کند و ببندد مگر این که اجلاس سالیانه خود بخود خاتمه یابد و پس از تعطیلی که بین دو اجلاس سالیانه بوسیله قانون اساسی پیش بینی شده است اجلاس سالیانه لاحق شروع شود .

۲- در بعض موارد مجلس ملی ناگزیر از انعقاد میباشد

اگر قانون اساسی به مجلس ملی آزادی داده است که هر موقع بخواهد تشکیل یابد از طرف دیگر در موارد زیر مجلس مزبور را مجبور به انعقاد نموده است :

اولاً - موقع گشایش اجلاس سالیانه و همچنین هنگام گشایش مجلس جدیدی که پس از انحلال مجلس سابق انتخاب شده است .
 ثانیاً - مقارن تعطیلات مجلس (بین دو اجلاس) هیئت رئیسه میتواند بنا بر آراء خود و یا حسب تقاضای ثلث اعضاء و یا بنا بر درخواست رئیس الوزراء اعضاء مجلس را دعوت کرده و مجلس را تشکیل دهد . در دو حالت اخیر یعنی در صورت تقاضای يك

سوم اعضا، مجلس و یا درخواست نخست وزیر هیئت رئیسه مجلس موظف است که طبق تقاضائی که بعمل آمده اعضا، مجلس را دعوت کند. بنا بر این می بینیم که دولت اگر نمی تواند مانع تشکیل مجلس شود، در عوض میتواند باعث تشکیل آن گردد

۳- خود مجلس میتواند اجلاس دائمی خود را موقتاً تعطیل کند

به ترتیبی که گفته شد جلسات مجلس طبق قانون اساسی بسیار ساده است یعنی يك اجلاس دائمی پیش بینی شده که طی آن مجلس مزبور باراده خود و بدون دخالت قوه مجریه تشکیل جلسات میدهد باین قید که شرح داده شد انعقاد مجلس اجباری و غیر قابل اجتناب می باشد. معذک در قانون اساسی تعطیل موقت اجلاس پیش بینی شده است. باتوجه باین نکته که مجلس ملی می تواند باراده خود اجلاس خود را تعطیل نماید بنابراین عملاً بین تعطیل اجلاس و تشکیل نشدن جلسات تمایزی وجود ندارد مگر از جهت طول مدت باین توضیح که چون در هر حال جلسات مجلس همه روزه تشکیل نمی گردد بنابراین تنها تفاوت بین فاصله جلسات و تعطیل اجلاس از حیث طول مدت معلوم می شود زیرا بموجب اصل ۹ قانون اساسی هرگاه فواصل بین دو جلسه بیش از ده روز طولانی شود بمنزله تعطیل اجلاس تلقی میشود و مجموع مدت اینگونه تعطیلات نباید در هر سال از چهار ماه تجاوز کند.

۴- اجلاس شورای جمهوری با اجلاس مجلس ملی مقارن است

در واقع برای مجلس ملی تفکیک اجلاس از جلسات متضمن فایده ای نیست زیرا مجلس مزبور مختار و آزاد است که هر موقع که بخواهد تشکیل یابد برعکس تفکیک مزبور از لحاظ شورای جمهوری معنی کامل خود را می دهد. توضیح اینکه شورای جمهوری مادامی میتواند تشکیل یابد که مجلس ملی تشکیل می گردد. بدیهی است معنی این امر این نیست که شورای جمهوری حتماً باید در روزها و در ساعاتی که مجلس ملی منعقد است تشکیل جلسه دهد بلکه معنی آن این است که در مواقعی که انعقاد مجلس ملی بیش از ده روز بتأخیر افتاد یعنی مقارن تعطیلات زائد برده روز شورای جمهوری نمی تواند منعقد شود.

شورای جمهوری هیچگونه تأثیر و دخالتی در تعطیل و نه در دعوت پارلمان ندارد. شورای جمهوری باید تصمیمات مجلس ملی را که مربوط به تعطیل اجلاس است متابعت کند و هر موقع که هیئت رئیسه مجلس ملی اقدام بدعوت شورای مزبور برای افتتاح اجلاس نماید شورا باید تشکیل گردد. از اینجا پیدا است که شورای جمهوری تحت الشعاع مجلس ملی قرار دارد و تابع مجلس اخیر می باشد. میتوان گفت که بطور کلی مجلس ملی دائماً در حال انعقاد است و حال آنکه شورای جمهوری برعکس پیروسیستمی است نزدیک به سیستم اجلاسات زیرا امکان انعقاد برای شورای مزبور بدون آنکه معلق به تصمیم دولت باشد تابع تصمیم مجلس اول میباشد.

مبحث دوم

آئین نامه داخلی مجالس قانون گذاری

الف - طبیعت حقوقی آئین نامه داخلی مجالس

بطور کلی مجالس و انجمن هائی که بمنظور شور و مذاکره و اتخاذ تصمیم درباره موضوعاتی تشکیل می یابند اختیار دارند که برای خود آئین نامه داخلی وضع کنند و بموقع اجرا گذارند که بموجب آن شرایط داخلی و طرز کار آنها معین باشد. این صلاحیت در مورد مجالس پارلمانی بسبب صفات خاصی که دارند قطعی و روحتمی تر است.

آئین نامه داخلی نباید باتصمیماتی که جنبه قانون دارد مشتبّه گردد. نظام نامه داخلی باتصمیمات نوع اخیر موضوعاً و شکلاً اختلاف دارد. موضوعاً از اینجهت که قوانین در خارج از حدود مسائل داخلی مجالسی که آنرا وضع می کنند دارای تأثیر و اعتبار میباشد در صورتیکه تأثیر آئین نامه داخلی فقط محدود بامور داخلی خود مجلس است. شکلاً از این حیث که وجود یافتن يك قانون متوقف بر همکاری و تصویب هر دو مجلس و سپس توشیح آن میباشد و حال آنکه نظامنامه داخلی يك

مجلس بمحض تصویب از طرف خود آن مجلس قابل اجرا است .

ب- موضوع و اهمیت آئین نامه داخلی

موضوع آئین نامه داخلی عبارتست از برقراری قواعد کلی که در مورد شرایط و طرز کار داخلی هر يك از مجالس باید اجرا شود .

اولاً - آئین نامه داخلی فقط در داخل مجلسی که آنرا وضع کرده است معتبر میباشد و لا غیر استثنائاً اصل بیستم قانون اساسی موردی را پیش بینی کرده است که در آن آئین نامه داخلی يك مجلس در باره مجلس دیگر نیز مؤثر است .

ثانیاً در موضوعات داخلی نیز نظامنامه داخلی نمیتواند بامقررات قانونی و با قانون اساسی مخالف باشد . مثلاً نظامنامه داخلی مجالس قانون گذاری لزوماً باید اصل متناسب بودن آراء (۱) را که قانون اساسی بموجب اصل ۱۱ در مورد تعیین هیئت رئیسه مقرر داشته است محترم شمارد و کمیسیونهایی را که قانون اساسی در اصل پانزدهم پیش بینی کرده است ایجاد کند .

ممکن است چنین تصور شود که آئین نامه داخلی که باین ترتیب محدود به

آئین پارلمانی و مقررات قانون اساسی است واجد اهمیت چندانی نمیشد .

چنین تصویری مبتنی بر اشتباه است زیرا چنانکه می دانیم حتماً لازم نیست که اهمیت سیاسی مقررات حقوقی بامکانیکه آن مقررات در سلسله مراتب حقوقی اشغال میکنند بستگی داشته باشد . در حقیقت نظامنامه مجالس قانون گذاری بر رژیم پارلمانی آن قیافه زنده ای را که لازم است می بخشد . نظام نامه داخلی میتواند صدای اقلیت ها را خفه کند یا برعکس «او بسترو کسیون» را برای آنان تسهیل نماید و همچنین میتواند يك مجلس قانون گذاری اجازه بدهد یا ندهد که از اختیاراتی که قانون اساسی برای آن مجلس شناخته استفاده کند . بدین نحو است که آئین نامه داخلی شورای جمهوری سعی میکند که تاسرحد امکان بشورای مزبور اجازه دهد که نقش واقعی يك مجلس قانون گذاری را که قانون اساسی بر آن چندان اهمیتی قائل نشده است ایفاء کند .

مبحث سوم

هیئت رئیسه = رئیس مجلس ملی

۱- هیئت رئیسه

هیئت رئیسه هر مجلس در آغاز هر دوره اجلاسیه انتخاب میشود . بنابراین چون هر جلسه در تمام سال طول میکشد بالنتیجه ابتدای هر سال هیئت رئیسه هر مجلس بترتیب انتخاب نسبی بوسیله دستجات پارلمانی تعیین میگردد .

هیئت رئیسه مرکب است از :

اولاً رئیس مجلس .

ثانیاً نواب ریاست که تعداد آنها در مجلس ملی ۶ نفر و در شورای جمهوری ۴ نفر است .

منشی ها - چهارده نفر برای مجلس ملی و شش نفر برای شورای جمهوری .

بعلاوه مجلس ملی ۳ نفر کارپرداز نیز دارا میباشد .

۲- اختیارات رئیس مجلس ملی

رئیس مجلس ملی بهارای مخفی انتخاب میشود و فلسفه آن اینست که رئیس مجلس باید در میان همکاران خود بمنزله يك داور بیطرف باشد و از هیچ يك از احزاب جانب داری نکند . از این جهت است که روش پارلمانی ایجاب میکند که رئیس مجلس حتی در رأی دادن هر گز شریک نگردد . اگر يك چنین رئیسی بداند که فلان شخص بنفع او و یا فلان عضو مجلس بضرر او رأی داده است ممکن است از طریق بیطرفی خارج گردد .

بموجب قانون اساسی رئیس مجلس اختیاراتی بشرح زیر دارا میباشد :

اولا - در مواقیکه رئیس جمهور انتخاب نشده و همچنین در مواردیکه ریاست جمهور بعلمت موانع قانونی نمیتواند انجام وظیفه کند رئیس مجلس ملی و ظاماف او را برعهده دارد .

ثانیاً - در مواقعی که مجلس ملی در حدود قانون اساسی منحل گردد مادام که مجلس تشکیل نشده است رئیس مجلس ملی رئیس هیئت وزیران خواهد بود.

ثالثاً - اگر رئیس جمهور در مدتیکه قانون اساسی پیش بینی کرده است از توشیح قانون امتناع نماید رئیس مجلس ملی قانون مورد بحث را توشیح میکند و دستور اجرای آنرا میدهد.

رابعاً - قبل از انحلال مجلس رئیس مجلس ملی باید مورد مشورت قرار گرفته عتیده و نظرا و جلب شود.

خامساً - رئیس جمهور قبل از تعیین نخست وزیر باید با رئیس مجلس ملی مشورت نموده با کسب نظرا و شخصی را که باید بعنوان نخست وزیر از مجلس رأی بگیرد انتخاب نماید.

سادساً - رئیس مجلس ملی عضو کمیته قانون اساسی نیز میباشد.
علاوه بر وظائف مشروحه بالا وظیفه اساسی و عسادی رئیس مجلس اداره جلسات و حفظ و تأمین احترام و حسن اجرای آئین نامه داخلی است.

۴- نواب ریاست - منشی ها و کارپردازان

سنگینی و صعوبت کار رئیس مجلس و همچنین تعداد جلسات ایجاب می کند

که چند نفر نایب رئیس او را در انجام این وظائف کمک نمایند.

مسئولیت خاص منشی ها عبارتست از نظارت در انشاء صورت جلسه که توسط يك دسته از خلاصه نویسهای ورزیده انجام میشود. پیش بینی میشود که مذاکرات جلسات در آتیه در روی صفحه ضبط شود (این امر بجبهاتی تا کنون عمل نشده است).

کارپردازان موظفند که امور راجع به ساختمان و اسباب و اثاثیه و لوازم کار مجلس را اداره کنند و همچنین تدارك و استخدام و اداره عده زیادی کارمند حقوق بگیر از قبیل منشی ها ماشین نویس هادر بانها پیش خدمتها و غیره بر عهده آنها میباشد.

مبحث چهارم

دستجات پارلمانی

درهر يك از مجالس قانون گزاری اعضای آن مجلس بر حسب مشی سیاسی و سلیقه خود تشکیل جمعیت هائی می دهند . اغلب اوقات (اما نه همیشه) این دستجات تابع احزاب سیاسی خارج از پارلمان بوده و با آنها مربوط می باشند . طبیعی است که الحاق به دستجات پارلمانی بـرای اعضای مجلس بهیچوجه الزامی نیست اما قانون اساسی و آئین نامه داخلی باینگونه دستجات چنان امتیازاتی داده اند که عملاً برای یکنفر عضو پارلمان غیر ممکن است که از الحاق یا افلا وابستگی بیکی از دستجات مزبور بتواند خودداری کند . بالجمله کلیه تشکیلات داخلی مجالس مقننه بترتیب نمایندگی نسبی دستجات پارلمانی بوجود می آید از قبیل هیئت رئیسه ـ کمیسیونها ـ اعضای کمیته قانون اساسی بعلاوه دستور مذاکرات جلسات مجلس در کنفرانسی که رؤسای دستجات پارلمانی در آن شرکت دارند معین میگردد همچنین در مواردیکه مجلس مدت نطق را برای ناطقین محدود می نماید شخص ناطق فقط در صورتی خواهد توانست وقت کافی برای نطق در اختیار داشته باشد که از طرف یکی از دستجات پارلمانی صحبت کند .

بموجب ماده ۱۳ آئین نامه داخلی تشکیل دستجات غیر سیاسی مانند دستجاتی که از منافع محلی و غیره دفاع کنند ممنوع است . این ممنوعیت ناشی از این فکر است که فقط عقاید سیاسی شایستگی آنرا دارد که بخاطر دفاع از آنها اعضا مجلس گرد هم جمع شوند و تشکیل دسته و جمعیتی بدهند برعکس امیال و مقاصد و منافع نوع دیگر قابل آن نیست که بدینگونه حمایت شود . بنابراین مثلاً تشکیل جمعیتی برای دفاع از منافع فرهنگی در محوطه مجلس ممنوع است .

مبحث پنجم

کمیسیونها

کمیسیونها سازمان هائی هستند که طرحهای قانون و همچنین طرحهای

تصمیمات قانونی را که برای شور و تصویب بمجلس تقدیم میشود قبلاً مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند.

هر مجمع و شورائی ولو هر قدر محدود و کوچک باشد این احتیاج را درک میکند که مسائل مورد بحث و تصمیم را که بآن مجمع راجع است قبلاً بچند نفر از اعضای خود محول نماید تا آنها آن مسائل را قبلاً بررسی کنند و گزارشی درباره آن تهیه نمایند. فایده يك چنین ترتیبی غیر قابل تردید است زیرا قبل از هر چیز اصل تصمیم کار مورد عمل قرار میگیرد و اعضای کمیسیونها بفرآور صلاحیت و اطلاعات مخصوص و بامهارتی که در حل و فصل نوع بخصوصی از مسائل و امور را میباشند و نیز بحسب لیاقتی که در پیش بینی طرق و موانع اجرای طرحها دارا هستند انتخاب میشوند و واضح است که موانعی که در راه اجرای يك قانون ممکن است ایجاد شود برای همه کس قابل پیش بینی نخواهد بود.

بعلاوه يك هیئت کوچک مرکب از چند نفر بیشتر تابع نظم و کارهای آن با سرعت بیشتر و با سرو صدای کمتر میتواند پیشرفت کند تا يك مجلسی که از ششصد نفر مرکب است.

گذشته از همه اینها برعکس آشکار است که مفیدترین کارهای پارلمان در کمیسیونها صورت میگیرد زیرا کار کمیسیونها غالباً بقدری جدی و دقیق است که مجلس میتواند حتی بدون شور و مذاکره پیشنهادات کمیسیونها را معتبر شناخته تصویب کند. در هر حال مذاکرات مجلس در جلسه عمومی درباره مسائلی که قبلاً در کمیسیونها مطرح و مورد بررسی قرار گرفته بمراتب خلاصه تر و کار مجلس سبکتر و سهل تر است.

از نقطه نظر سازمان و طرز کار کمیسیونها یکی از صورتهای زیر را ممکن است دارا باشند.

۱- کمیسیون باز و کمیسیون بسته

ترتیب کمیسیون باز که در انگلستان معمول است عبارت از این است که

کمیسیون‌هایی که مأمور بررسی يك مسئله گردیده (مثلاً مطالعه يك طرح قانون) از کلیه اعضای مجلس که بخواهند در آن شرکت جویند تشکیل مییابد و بعبارت دیگر در کمیسیون بر عموم اعضاء مجلس باز و شرکت در آن برای همه آنها آزاد است. این رویه در انگلستان نتایج خوبی داده زیرا فقط نمایندگان که مسئله مطروحه بجهتی از جهات مورد علاقه آنها میباشد در جلسات کمیسیون حاضر میشوند و بدین ترتیب بخودی خود هر کمیسیون از اشخاصی مرکب می شود که بیشتر و بهتر برای موضوع کار کمیسیون صلاحیت دارند.

امادر فرانسه برعکس روش کمیسیون بسته مورد عمل قرار گرفته که بموجب آن فقط اعضای کمیسیون که بر طبق آئین نامه از طرف مجلس انتخاب شده اند می توانند در مذاکرات و دادن رأی شرکت جویند.

بعضی از کمیسیونها و خصوصاً کمیسیون قوانین مالی حتی اجازه نمیدهند که نمایندگان غیر عضو در جلسات کمیسیون حضور پیدا کنند بدون آنکه در مذاکرات دخالت نمایند و بدین ترتیب جلسات این کمیسیونها جنبه محرمانه بخود میگیرد.

۴- کمیسیونهای دائم

باقبول سیستم کمیسیون بسته که فقط عده معدودی از اعضای مجلس در آن عضویت دارند مسئله دیگری طرح میشود و آن این است که آیا اینگونه کمیسیون دائمی باشند و یا فقط برای بررسی يك طرح معین مأموریت داشته باشند.

در فرانسه در مجلس نمایندگان تا سال ۱۹۰۲ ترتیب اخیر جاری بود باین معنی که هر دفعه که يك طرح قانون بمجلس تقدیم میگردد مجلس يك کمیسیون مخصوصی که اختیارات او محدود بمطالعه همین طرح بخصوص بود انتخاب مینمود و بمحض فراغت از مطالعه طرح مورد بحث آن کمیسیون بخودی خود منحل میشد. اما از سال ۱۹۰۲ ببعد ترتیب دائمی بودن کمیسیونها و تخصص بودن آنها جانشین ترتیب سابق شده است. این گونه کمیسیونها برای مدت یکسال انتخاب میشوند بعلاوه بطور

نامحدود میتوان اعضای آنهارا مجدداً انتخاب نمود واضح است که این رویه بر سیستم سابق ترجیح دارد زیرا بنمایندگان اجازه میدهد که در مسائل نوع بخصوصی متخصص گردند به علاوه اعضای يك کمیسیون معین رفته رفته به همکاری بایکدیگر خود میگیرند. در حال حاضر در مجلس ملی فرانسه ۱۹ کمیسیون بزرگ که هر يك مرکب از ۴۴ نفر عضو میباشد وجود دارد به علاوه يك کمیسیون حسابداری مرکب از ۱۱ نفر عضو و يك کمیسیون مصونیت های پارلمانی مرکب از ۲۳ نفر عضو. مهمترین این کمیسیونها کمیسیون امور خارجه و کمیسیون مالی میباشد.

فصل نهم

قوة مجریه

مبحث اول

رئیس جمهور

در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ رئیس جمهور دارای اختیارات زیادی نبوده است یکی از رؤسای جمهور فرانسه بنام گازی میر بریه (۱) بعلمت اینکه بقول خودش در دستگاه سیاسی فرانسه محکوم بعدم توانائی بود از شغل خود استعفا کرد و رئیس جمهور دیگری بنام میلران (۲) که در سال ۱۹۲۴ میخواست بطور مؤثر در انجام وظائف مربوط به دولت شرکت جوید از طرف مجالس قانون گزاری مجبور باستعفا گردید زیرا مجالس مزبور نمیخواستند برای ریاست جمهور نقش مؤثری در امور قوة مجریه قائل شوند .

در جمهوری چهارم رئیس جمهور نقشی بازی میکنند که از نقش رئیس جمهور در جمهوریهای سابق بمراتب بی اهمیت تراست .

طرز انتخاب ریاست جمهور

رئیس جمهور برای مدت هفت سال انتخاب میشود و طرز انتخاب آن بدین ترتیب است که طبق سنت جاریه مجلس ملی و شورای جمهوری در موقع انتخاب رئیس جمهور در قصر تاریخی ورسای (۳) اجتماع میکنند و رئیس جمهور را انتخاب مینمایند و این مجمع موسوم به کنگره تحت ریاست رئیس مجلس ملی تشکیل می یابد و اداره می شود .

نه قانون اساسی و نه قوانین عادی شرایط خاصی از لحاظ سن و اهلیت و غیره برای انتخاب رئیس جمهور پیش بینی نکرده اند . بنابراین هر يك از افراد زن یا مرد که بسن رشد رسیده و واجد حقوق مدنی و سیاسی باشد میتواند باین سمت انتخاب

شود. فقط اشخاصی که از تابعیت خارجی بتابعیت فرانسه در آمده باشند باید ۱۰ سال در تابعیت فرانسه باقی بمانند تا بتوانند حق انتخاب شدن بریاست جمهوری را دارا گردند مگر اینکه از این شرط معاف شوند (طبق فرمان مورخه ۱۹ اکتبر ۱۹۴۵ راجع به قانون تابعیت) معذلتك دو علت برای غیر قابل انتخاب بودن بریاست جمهوری وجود دارد اول اینکه اعضاء خانواده هائیکه سابقاً در فرانسه سلطنت کرده اند طبق اصل ۴۴ قانون اساسی نمیتوانند بریاست جمهوری انتخاب گردند و این شرط از زمان تجدید نظر در قانون اساسی سال ۱۸۸۴ بعد همیشه در قوانین اساسی فرانسه مورد توجه واقع شده و بصورت يك سنت سیاسی در آمده است. دوم اینکه هر رئیس جمهوری که قبلاً یکبار انتخاب او باین سمت تجدید شده باشد نمیتواند برای بار دوم مجدداً انتخاب گردد. بعبارت دیگر بر طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی تجدید انتخاب رئیس جمهور فقط یکبار میسر است و نه بیشتر.

قانون اساسی بطور صریح معین نمیکند که آیا رئیس جمهور باید به رأی مخفی یا علنی انتخاب گردد. عملاً چنین توافق شده است که اولین انتخابات ریاست جمهوری با رأی مخفی بعمل آید ولی انتخابات ممکن است با رأی علنی یا مخفی صورت گیرد. این مسئله واجد اهمیت است زیرا رئیس جمهور باید يك داور بی طرف در رأس افراد و احزاب سیاسی قرار داشته باشد. و برای آنکه بتواند بی طرفی خود را حفظ کند لازم است که نداند کی بضرر او رأی داده است.

اما در عرض قانون اساسی بطور عادی دقیق شرایط و طرز اجتماع دو مجلس را برای انتخاب رئیس جمهور تعیین کرده است بدین ترتیب که هیئت رئیس مجلس ملی موظف است اعضای هر دو مجلس را بترتیب زیر دعوت نماید:

۱- در صورتیکه مدت ریاست جمهوری خاتمه یابد پارلمان باید حداکثر سی روز و حد اقل پانزده روز قبل از انقضاء مدت مزبور اقدام به انتخاب جانشین وی بعمل آورد سی روز چنانچه در موقعیکه برای انتخاب رئیس جمهور معین شده است مجلس ملی منحل شده باشد اختیارات رئیس جمهور حاضر ادامه یابد و پس از ده روز بعد از انتخاب مجلس ملی بدون مسامحه و تعلل جانشین رئیس جمهور باید انتخاب گردد.

۲- ولی هر داه قبل از انقضاء مدت ریاست جمهوری بعلمت موانع پیش بینی نشده از قبیل مرگ و استعفای رئیس جمهور و یا محکومیت او از طرف دیوان عالی و یا موانعی که انجام وظائف ریاست جمهوری را غیر ممکن سازد انتخاب جانشین رئیس جمهور جدید ضرورت پیدا کند ده روز پس از حدوث مانع انتخاب رئیس جمهور بعمل خواهد آمد . اما باید توجه داشت که موانع و محظورات مذکور باید مورد رأی و تصدیق پارلمان قرار گیرد .

شرایط و حدود اختیارات رئیس جمهور

علاوه بر اختیار اساسی رئیس جمهور در توشیح قوانین که در فصل آینده راجع به آن گفتگو خواهد شد سایر اختیارات رئیس جمهور بطور خلاصه از این قرار است

- ۱- ریاست شورای وزیران - ریاست شورای عالی و کمیته دفاع ملی - ریاست شورای عالی قضائی و همچنین ریاست کمیته قانون اساسی با رئیس جمهوری است .
- ۲- رئیس جمهور صاحب منصبان عالی دولتی مانند اعضای شورای مملکتی سفرای کبار - رؤسای دانشگاهها - استناداران - فرماندهان لشگری و غیره را نصب و تعیین میکند .

۳- حق عفو محکومین با رئیس جمهور است منتهی این اختیار را قانون اساسی تحت فرمول مبهم پیش بینی کرده است که بطور صریح نمیتوان از آن استنباط کرد که آیا رئیس جمهور باید پیشنهادهای شورای عالی قضائی را در باره محکومین بدون هیچگونه تغییر تصویب کند یا اینکه برعکس میتواند برخلاف آن پیشنهادهای نیز شخصاً تصمیمی بگیرد یا آنرا تغییر دهد .

۴- در روابط سیاسی با دول خارجی پذیرفتن سفرای دول مزبور از اختیارات رئیس جمهور است .

همچنین رئیس جمهور باید از جریان مرادفات بین المللی مطلع باشد . امضاء و تسجیل عهدنامهها باشخص رئیس جمهور است با این قید که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی غالب عهدنامهها باید بموجب قانون خاصی بوسیله پارلمان تصویب گردد .

۵- بالاخره رئیس جمهور ریاست اتحادیه فرانسه رانیز دارا میباشد . چنانکه سابقاً گفته شد اختیارات رئیس جمهور در جمهوری چهارم کمتر از اختیارات وی در جمهوری سوم میباشد و باید باین نکته توجه داشت که مانند جمهوری سوم در جمهوری چهارم نیز رئیس جمهور بدون جلب موافقت قبلی يك وزیر نمیتواند هیچ يك از اختیارات خود را اعمال کند . بموجب اصل ۳۸ قانون اساسی علاوه بر موافقت رئیس الوزراء موافقت يك نفر دیگر از وزرا نیز لازم است تا رئیس جمهور بتواند اختیارات خود را اعمال کند و لذا میتوان گفت رئیس جمهور که نمیتواند هیچ کاری را بتنهایی انجام دهد در واقع تحت قیمومت قرار دارد و شخصیت او جنبه کاملاً تشریفاتی را دارا میباشد

تنها موردیکه رئیس جمهور میتواند ابتکاری بخرج داده و اظهار وجود کند موقع انتخاب نخست وزیر جدید است که راجع به چگونگی آن بعداً صحبت خواهد شد اما در این مورد هم رئیس جمهور نمیتواند شخصی را که تعیین کرده است بمجلس تحویل کند زیرا مجلس میتواند از دادن رأی اعتماد به نخست وزیریکه رئیس جمهور معین کرده است خودداری نماید .

شخصیت رئیس جمهور

۱- چنانکه گفته شد شخص رئیس جمهور از بابت اموریکه راجع به سمت او است هیچگونه مسئولیتی ندارد فقط وزراء از آن جهت درقبال مجلس مسئول میباشند

۲- بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی سمت ریاست جمهوری با هر گونه مشاغل عمومی مانعة الجمع می باشد . بنابراین رئیس جمهور در مدت اشتغال باین سمت نمیتواند عضویت مجالس مقننه یا مجامع محلی را قبول کند و یا مثلاً شغل کشوری یا لشگری داشته باشد .

۳- در بودجه سالیانه حکومت کنونی فرانسه مبلغ معینی اعتبار برای مخارج ریاست جمهوری در نظر گرفته میشود که يك قسمت از این مبلغ صرف هزینه ها و مخارج دفتر ریاست جمهوری - کابینه کشوری و لشگری - مسافرتها -

حقوق کارمندان و مستخدمین - اجاره محل - وغیره میگردد و مقداری از آن بعنوان حقوق شخصی بر رئیس جمهوری تعلق میگیرد مقرر رئیس جمهور در پاریس کاخ الیزه (۱) میباشد و هنگام تعطیلات در قصور ملی از قبیل رامبوئییه (۲) و فونتن بلو (۳) وغیره بسر میبرد.

۴- رئیس جمهور شخصیت درجه اول مملکت بشمار میرود و بر طبق تصویب نامه مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۷ واجد احترامات و تشریفات خاص میباشد. علاوه بر اینکه شخص رئیس جمهور مانند کلیه کارمندان دولت از هتاکی - افترا و سرزنش مصون بوده و مرتکب این اعمال راقانون کیفر میدهد شخص رئیس جمهور (و فقط خود او به تنهایی) طبق ماده ۲۶ قانون ۲۹ ژوئییه ۱۸۸۱ راجع بمطبوعات که بوسیله فرامین ۲۴ نوامبر ۱۹۴۳ و ۶ مه ۱۹۴۴ تمدید گردیده است از جهت هتک حرمت نیز مصون و مورد حمایت قانون قرار دارد. مراد از این هتک حرمت هر گونه بی احترامی لفظی یا قلمی یا عملی است که از طرف کسی نسبت به رئیس جمهور می شود و اینگونه هتک حرمت در صورتیکه نسبت بفرد دیگری از رؤسا و کارمندان دولت انجام گیرد مستوجب تعقیب کیفری نخواهد بود.

در خاتمه باید اضافه کنیم که برخلاف رژیم جمهوری آمریکا که در آن برای ریاست جمهور معاون پیش بینی شده تا در صورتیکه قبل از انقضای دوره ریاست جمهوری بجبهتی از جهات شخص رئیس جمهور نتواند وظائف خود را انجام دهد معاون او وظائف ریاست جمهوری را تا انقضای مدت مزبور ایفاء نماید در فرانسه نه قانون اساسی فعلی و نه قانون اساسی سال ۱۸۷۵ معاون یا قائم مقام برای رئیس جمهور در نظر نگرفته اند. فقط چنانکه سابقاً گفته شد بر طبق اصل ۴۱ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ هرگاه بعلمت موانع غیر منتظره رئیس جمهور نتواند وظائف قانونی خود را انجام دهد رئیس مجلس ملی تا انتخاب رئیس جمهور جدید کفیل انجام وظائف رئیس جمهور خواهد شد.

مبحث دوم

نخست وزیر = وزراء = هیئت وزیران

نخست وزیر

شرائط و حدود اختیارات نخست وزیر در قانون اساسی فعلی با آنچه که در سابق وجود داشته تغییرات کلی پیدا کرده است. سابقاً رئیس الوزراء با سایر وزیران تفاوتی نداشت و فقط اولین وزیر مابین آنها بشمار میرفت اما بموجب قانون اساسی فعلی اهمیت و اختیارات نخست وزیر بدرجه ای رسیده است که میتوان گفت رئیس واقعی قوه مجریه شخص نخست وزیر میباشد. اختیارات نخست وزیر بر طبق اصل ۷۴ قانون اساسی بشرح زیر است:

۱- اجرای قوانین و اختیار وضع آئین نامه و تأمین اجرای قوانین بر عهده رئیس الوزراء است در جمهوری سوم رئیس جمهور میتواند شرائط اجرای قوانین را تعیین و تصریح نموده و همچنین با وضع دستورات و تعلیمات کلی اجراء و اعمال قوانین را تأمین نماید. یکی از آراء شورای مملکتی (۱) مشعر براین است که رئیس مملکت حق داشت با استفاده از اختیارات خاصه خود وبدون آنکه نمایندگی از طرف پارلمانی داشته باشد تصمیمانی که برای تأمین امنیت و نظم در سرتاسر قلمرو جمهوری فرانسه مفید باشد اتخاذ کرده و بمورد اجراء در آورد.

اما قانون اساسی سال ۱۹۴۶ اختیارات رئیس جمهور را بطور محدود معین کرده و در هیچ جا اختیار وضع مقررات و نظامنامه ها برای وی قائل نشده است. برعکس قانون اساسی فعلی در مورد نخست وزیر ترتیبی بکار برده است که در جمهوری سوم با تفسیر همین ترتیب بر رئیس جمهور اختیار وضع نظامات و مقررات داده میشد. بالنتیجه باید گفت که در حال حاضر نخست وزیر (نه رئیس جمهور) میتواند آئین نامه ها و مقررات قابل اجراء و معتبر را امضاء نماید منتهی با توجه به قسمت

اول اصل ۴۷ قانون اساسی امضاء یکی از وزراء نیز باید بامضای نخست وزیر برسد .
 ۲- نصب و گماردن مأمورین مملکتی- حق نصب مأمورین بخدمات کشوری و لشگری متعلق به رئیس الوزراء است جز آن دسته از صاحب منصبان و مأمورین دولت که تعیین آنها از طرف رئیس جمهور باید صورت گیرد . بطور کلی هر مقامی که حق تعیین يك مأمور دولتی را داشته باشد حق عزل او را نیز دارد . بنا براین رئیس جمهور در جمهوری چهارم نمیتواند آن چنان مأموریتی را که خود او منصوب نموده است معزول کند . این اختیار از این ببعد از آن رئیس الوزراء میباشد .

۳- نقش رئیس الوزراء در دفاع ملی - بموجب قانون اساسی سال ۱۹۴۶ نخست وزیر اداره ارتش و هم آهنگ ساختن دفاع ملی را تأمین مینماید . معنی این عبارت البته این نیست که نخست وزیر فرمانده ارتش میباشد و همچنین معنی این عبارت چنین نیست که شخص نخست وزیر رؤسا و فرماندهان لشگری را معین میکند زیرا بموجب اصل ۳۰ قانون اساسی اختیار تعیین رؤسای لشگری باریس جمهور است . بنظر میرسد که مراد از عبارت فوق این باشد که شخص نخست وزیر موظف است دستورها و تعلیماتی را که از طرف دولت برای توشیت جنگ ویا در زمان صلح برای تأمین دفاع احتمالی و امنیت سرزمین فرانسه اتخاذ و صادر شده است به فرماندهان قشون ابلاغ نماید .

باتوجه به قسمت اخیر اصل ۴۷ قانون اساسی سال ۱۹۴۶ که بموجب آن دستورات و نوشجات صادر از جانب نخست وزیر باید بامضای یکی از وزراء نیز برسد ، چنین میتوان نتیجه گرفت که چون شخص نخست وزیر وارث قسمتی از اختیارات رئیس جمهور جمهوری سوم گردیده است از این حیث نیز از الزامات و تکالیف رئیس جمهور مزبور ارث میبرد .

طراز انتصاب نخست وزیر

هنگام تدوین قانون اساسی فعلی در مورد طرز تعیین نخست وزیر دو نظریه اظهار میگردد و دارای طرفدار بود . عده ای معتقد بودند که رئیس الوزراء منحصرأ بوسیله مجلس ملی انتخاب گردد . این عده در تأیید عقیده ای که از آن طرفداری

مینمودند چنین استدلال می کردند که اولاً از تاریخ تخلیه خاک فرانسه از ق-وای اشغال کننده آلمان رئیس حکومت موقتی همیشه توسط مجلس انتخاب گردیده بود ثانیاً باقبول این که رئیس هیئت وزیران بایستی از اعتماد مجلس ملی برخوردار باشد تا بتواند وظایف خود را انجام دهد بنابراین مطمئن ترین و صحیح ترین طریقه برای داشتن نخست وزیریکه از این اعتماد و طرفداری مجلس برخوردار باشد اینستکه وی از طرف خود مجلس انتخاب گردد. این عقیده در اولین طرح قانون اساسی مورد پیشنهاد قرار گرفت اما چنانکه میدانیم طرح مزبور در فروردین دوم از طرف ملت فرانسه رد شد.

عده ای دیگر که دارای عقیده مخالف این بودند چنین استدلال میکردند که چنانکه در جمهوری سوم معمول بود هر موقع که دولت دستخوش بحران میگردد رئیس جمهور پس از مشورت با رؤسای احزاب سیاسی یک نفر را مأمور تشکیل کابینه جدید مینمود. طبعاً چون چنین هیئت دولتی نمیتوانست بدون جلب اعتماد و طرفداری مجلسین بر سر کار باقی بماند رئیس هیئت دولت نیز از میان رجال سیاسی که از چنین اعتمادی برخوردار بودند انتخاب میگردد. بعلاوه این عده اظهار میکردند که مادام که رئیس جمهوری وجود دارد بایستی بتواند لااقل يك نقش مؤثری از نظر سیاسی بر عهده داشته باشد و گذشته از اینها بعقیده این دسته تعیین نخست وزیر بوسیله رأی مجلس مواجه با اشکالاتی تلقی میگردد.

بالاخره راه حلی که انتخاب گردید از این قرار است که در هر موقع که انتخاب نخست وزیر ج-دیدنی لازم باشد یعنی در موقع افتتاح مجلس ملی جدید یا بعد از استعفای هیئت دولت رئیس جمهور پس از مشورتهای معمولی با رئیس مجلس ملی و با رهبران احزاب سیاسی یک نفر را بعنوان نخست وزیر معین میکنند یا بعبارت دیگر رئیس جمهور این یک نفر را باین عنوان بمجلس ملی پیشنهاد مینماید بدون آنکه قبل از تصویب مجلس مزبور رئیس جمهور بتواند شخص پیشنهاد شده را بموجب فرمان رسمی باین سمت منصوب سازد شخصی که از طرف رئیس جمهور بترتیب فوق

معین میگردد باید شخصاً در مجلس ملی حضور یافته رؤس برنامه و سیاستی را که میخواهد تعقیب کند باطلاع آن مجلس برساند. چنانچه مجلس ملی پس از اطلاع از برنامه و سیاست این شخص بوی رأی اعتماد داد نخست وزیر رسماً از طرف رئیس جمهور منصوب گردیده و کابینه خود را تشکیل می دهد. بنابراین اختیار رئیس جمهور فقط محدود باین است که شخصی را بعنوان نخست وزیر بمجلس ملی پیشنهاد نماید و این مجلس مختار است که بچنین شخصی رأی اعتماد بدهد یا نه.

وزراء

وزراء در عین حال دو نقش ایفاء میکنند: از یکطرف در شورای وزیران شرکت جسته و در آن شورا رأی می دهند و بدین ترتیب هر يك از وزراء در تصمیماتی که راجع بسیاست کلی مملکت اتخاذ می شود شريك میباشد. از طرف دیگر هر يك از وزراء در رأس یکی از وزارتخانه ها قرار دارد و بالتبعیه قسمتی از خدمات عمومی تحت نظر او اداره میشود. این جنبه دوم مهمتر است زیرا از این جهت هر وزیر بطور مشخص بتأمین حسن جریان امور یادستهای از امور مملکتی که بر عهده وی گذاشته شده است مکلف می باشد. تعیین رؤسای مشاغل عالیه، اعمال تصمیمات و تنبیهاات انضباطی درباره کارمندان وزارتخانه - اجازه پرداخت مخارج و انجام امور در حدود بودجه ای که در اختیار وی گذاشته شده - امضاء قراردادها و انجام معاملاتی که برای اجرای امور محوله بوی ضرورت دارد - تأدیه قروض دولت یعنی تعیین و تصفیة مبالغی که دولت بدهکار میباشد (جز در مواردیکه بستانکاران معترف بوده و درداد گاهها طرح دعوا نمایند) و بالاخره دستور پرداخت اینگونه وجوه باشخص وزیر است. بنابراین وزراء در عین حال هم در امر حکومت وهم در امور اداری مملکت شرکت میجویند.

علاوه بر عهده کارمندانی که در هر وزارتخانه کار میکنند وزراء گاهی اوقات برای انجام وظائف اداری خود يك یا چند نفر معاون تحت عناوین «سکرتدتا» (۱) یا «سوسکرتدتا» (۲) نیز دارند.

اینگونه معاونین که عموماً مانند خود وزیران از رجال سیاسی هستند بنمایندگی از طرف وزیر و بعنوان قائم مقام او تصمیمات لازم برای اداره يك قسمت از امور وزارتخانه اتخاذ مینمایند. امامعاون همیشه بمسئولیت شخص وزیر وبالنتجه تحت نظارت وی انجام وظیفه میکند و بخصوص حق رأی مشورتی در شورای وزراء ندارد.

هیئت وزیران

هیئت وزیران که قانون اساسی نام «کابینه» برای آن انتخاب کرده است در رژیم پارلمانی فرانسه واجد اهمیت وموجودیت سیاسی وحقوقی میباشد. نخستوزیر وزراء «سکرتردتاها» و «سوسکرتردتاها» بالینکه هر کدام از لحاظ اداری قسمتی از امور مملکتی را بر عهده دارند تشکیل يك عضو واحدی را از نظر سیاسی می دهند زیرا بطور دسته جمعی در قبال مجلس ملی مسئولیت داشته وموظف بتعقیب سیاست کلی واحدی میباشند. باید دید بار جود تقسیم وظائف وسلسله مراتب تشکیلاتی واداری این وحدت سیاسی واشتراك مسئولیت چگونه قابل تلفیق میباشد. در عمل شخصیت رئیس الوزراء نقش مهمی در این مورد بازی میکند اما بطور کلی میتوان گفت که شخص نخست وزیر می تواند وحدت خط مشی واداره امور مملکتی را در چهار دیواری سیاست عمومی کابینه آنچنانکه در برنامه وی تعیین و پیشنهاد شده است معین کند. ولی اگر درباره مسائل مهمه تعیین جهت همین سیاست عمومی لازم باشد تعیین آن با هیئت وزیران است ونه باشخص نخست وزیر.

یکی دیگر از مظاهر وحدت سیاسی وزراء واشتراك آنها در مسئولیت این است که وزراء باید از انتقاد علنی درباره یکدیگر در مورد کلیه مسائلی که مربوط به کابینه وزیران باشد اجتناب کنند. و بدیهی است که رعایت مسئولیت مشترك در دولتهاییکه از ائتلاف احزاب تشکیل می یابند کاری مشکل است ولازمه آن اینست که کابینه برای رعایت آزادی رأی اعضای خود در بسیاری از مسائل از توقعات خود بکاهد ودر باره مسائل ما به الاختلاف اعضای خود را وادار بامتناع از رأی نماید. اما از جانب دیگر عدم حس مسئولیت مشترك نیز منتهی به عزل وتغییر کابینه

میکردد. بعلاوه نتیجه دیگر عدم رعایت مسئولیت مشترک که عبارت از عدم توافق مداوم مابین وزراء است استعفاى دسته جمعى وزراء را باعث مى شود.

يکى ديگر از آثار و نتايج وحدت کابينه عبارت از لزوم امضاء اسناد و فرامين دولتى توسط وزراء است چنانکه مى دانيم فرامين و اسناديکه رياست جمهور صادر مى کند براى آنکه داراى اعتبار قانونى باشند بايد بامضاء رئيس الوزراء و يکى از وزراء نيز برسد. . بديهى است که علت اين امر عدم مسئوليت سياسى شخص رئيس جمهور است اما در مورد لزوم امضاء اسناد صادر از ناحيه نخست وزير از قبيل وضع مقررات - احکام انتصاب و برکنارى - دستورات راجع به اداره قواى نظامى بوسيله يکى از وزراء ترديد نيست که اين عمل يکى از آثار و نتايج وحدت سياسى و حقوقى کابينه مي باشد.

در خانه بايد توضيح دهيم که در حقوق اساسى فرانسه رويه وسابقه باعث شده است که اجتماع وزراء و معاونين آنها براى مذاکره و اخذ تصميم در باره مسائل مملکتى بدو صورت و تحت دو عنوان عملى گردد: يکى شوراي وزيران و ديگرى شوراي کابينه.

شوراي وزيران عبارتست از اجتماع کليه وزراء باضافه (گاهى اوقات) «سکرتردهاها» و استثنائاً «سوسکرتردهاها» تحت رياست شخص رئيس جمهور و بمنظور تبادل نظر و اتخاذ تصميم در باره اموريکه بموجب قانون اساسى و قوانين عادى پيش بينى شده است و همچنين کليه مسائلى که مربوط به سياست عمومى دولت باشد چه آنکه هروزيرى نميتواند صرفاً بميل و اراده خود امور وزارتخانه خویش را اداره کند بلکه بايد همکاران خودش را در جريان امور مهمه وزارتخانه خویش بگذارد. و اما تفاوت شوراي کابينه با شوراي وزيران در اين است که اولاً شوراي کابينه تحت رياست نخست وزير تشکيل مى گردد و نه رئيس جمهور، ثانياً معاونين وزراء (سکرتردهاها - سوسکرتردهاها) غالباً و بطور آزادانه ترى در آن شرکت مى جويند. ثالثاً شوراي کابينه بوسيله قانون پيش بينى نشده فقط در عمل براى تهيه طرح تصميمات دولتى که شوراي وزيران اغلب اوقات فقط آنرا تصويب مي نمايد ايجاد شده است و عملاً اهميت شوراي کابينه از شوراي وزيران بيشتر است.

فصل دهم

درم قانون گزاری

مبحث اول

پيشنهاده قانون

ابتكار قانون يا پيشنهاده قانون عبارتست از اختيار تهيه يك طرح يا پيشنهاده قانون و تقديم آن به پارلمان براي تصويب.

بموجب اصل ۱۴ قانون اساسي حق پيشنهاده قانون فقط براي رئيس الوزراء و يا اعضا پارلمان مي باشد و بس. در جمهوري سوم رئيس جمهور ميتوانست بنام دولت طرحهاي قانون را به پارلمان تقديم كند.

اين اختيار در جمهوري چهارم به پيروي از اصل كليي تقليل اختيارات رئيس جمهور كه در تدوين قانون اساسي ۱۹۴۶ مورد نظر بوده است از رئيس جمهور سلب و برئيس الوزراء اعطاء شده است.

هريك از اعضا مجلس ملي حق پيشنهاده قانون را به مجلس مزبور داراي باشد. همين حق را اعضاي شوراي جمهوري نيز دارا هستند منتهي چون هر قانوني بايد ابتدا در مجلس ملي طرح و مورد بحث واقع شود پيشنهاده هاي قانون كه از طرف يكي از اعضاي شوراي جمهوري به هيئت رئيسه آن شوري تقديم گردد بايد بلافاصله و بدون هيچگونه بحث و مذاكره (حتي در كميسيونها) به مجلس ملي فرستاده شود.

علاوه بر اين اعضاي شوراي جمهوري نميتوانند هيچگونه قانوني كه متضمن كاهش عايدات مملكتي و يا ايجاد هزينه جديد باشد پيشنهاده نمايند.

جز رئيس الوزراء و اعضا پارلمان هيچكس نميتواند طرح قانون يا پيشنهاده قانون به پارلمان تقديم كند. بنابراین در فرانسه برخلاف سوئيس و بعضي ديگر از ممالك حق پيشنهاده قانون براي مردم پيش بيني نشده است.

البته اهالی مملکت همیشه میتوانند با تقدیم عریضه و طومار از مجلس تقاضا کنند که با تصویب يك قانون اصلاحات یا تغییراتی در بعضی از امور بدهد اما مجلس همواره مختار است که اینگونه درخواستها را بپذیرد یا رد کند.

طرح های قانون باید به هیئت رئیسه مجلس ملی تقدیم شود. رویه و سابقه پارلمانی چنین ایجاب کرده که ابتکار قانون از جانب دولت طرح قانون نامیده شود و قوانینی که اعضای پارلمان برای تصویب تقدیم مینمایند به پیشنهاد قانون موسوم گردد.

مبحث دوم

شورای اقتصادی و مجمع اتحاد فرانسه

قبل از طرح قانون در کمیسیون های صلاحیت دار مجلس موظف است که در بعضی موارد قبل از بحث در اطراف يك طرح قانون یا پیشنهاد قانون نظر شورای اقتصادی را استعلام و جلب نماید از قبیل طرحها و پیشنهادهایی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی داشته باشند با استثناء قانون بودجه و عهدنامه های بین المللی که واجد جنبه اقتصادی یا مالی بوده و برای تصویب بمجلس ملی تقدیم شده باشند برای این منظور باید این قبیل طرحها و پیشنهادها برای جلب نظر شورای اقتصادی بآن شوراسلیم شود. شورای اقتصادی مرکب از نمایندگان شوراهای کارگران - کارمندان - مستخدمین دولت - مهندسين - کارشناسان و همچنین کارمندان مؤسسات صنعتی ملی یا خصوصی و مؤسسات بازرگانی و پیشه وران و همچنین شورای کشاورزی - شرکت های تعاونی - نمایندگان کارگران فکری - اتحادیه های خانوادگی و نمایندگان اتحادیه های آسیب دیده گان بوده و بموجب قانون ۱۲۷ کتبر ۱۹۴۶ میتواند در مسائلی که در حدود صلاحیت وی میباشد پیشنهادات و توصیه هایی بمجلس ملی تقدیم نماید و رئیس مجلس ملی اینگونه پیشنهادها را برای رسیدگی بکمیسیون صلاحیت دار ارجاع میکند.

بموجب اصل ۷۱ قانون اساسی مجمع اتحادیه فرانسه میتواند در باره مسائل

مربوط بسر زمینهای ماوراء بحار طرح تصمیمات قانونی تهیه و بمجلس ملی ب-رای تصویب پیشنهاد کند. بموجب اینگونه طرحها مجمع نامبرده از مجلس ملی درخواست مینماید که بعضی امور را مورد توجه قرار داده قانونی در آن مورد تصویب نماید. همچنین مجلس ملی میتواند نظر مجمع اتحادیه فرانسه را در باره توصیه های آن مجمع که راساً از طرف خود اوویا بنا بر درخواست دولت فرانسه یا ممالک جز، اتحادیه فرانسه متحده صورت گرفته است استعمال کند.

مبحث سوم

نقش شورای جمهوری در امر قانون گذاری

در مجلس مؤسسان سال ۱۹۴۶ عده ای جداً طرفدار این عقیده بودند که مجلس ملی منحصرأ اختیار تصویب قانون را داشته باشد و بس. عده ای دیگر با حرارت و جدیت متقابل طرفدار این فکر بودند که مجلس ثانوی با دقت و تعمق بیشتری مصوبات مجلس ملی را مورد بررسی قرار داده در صورتیکه آنها را عجولانه و غیر مفید تشخیص دهد رد کند.

بین این دو عقیده بدین ترتیب سازش داده شده که طرحها یا پیشنهادهای قانون پس از تصویب مجلس ملی بشورای جمهوری فرستاده شود و شورای مزبور حداکثر ظرف ۲ ماه باید نظر خود را در باره مجلس نامبرده اظهار نماید.

هر چند از مدلول اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی برمی آید که شورای جمهوری فقط يك مجلس تعمق و تأمل و مشورتی بوده و وجود آن تأثیر دیگری در امر قانون گذاری ندارد معذک باید باین نکته توجه داشت که آراء و نظریات شورای جمهوری با نظریات و پیشنهادهائی که مجامع دیگر جمهوری فرانسه که جزء پارلمان نمیباشند (از قبیل شورای اقتصادی و مجمع اتحادیه فرانسه) تفاوت کلی دارد زیرا اولاً شورای جمهوری در مورد کلیه قوانین اظهار نظر مینماید و نه تنها در باره یاره ای از مسائل ثانیاً بررسی و اظهار نظر در باره مصوبات مجلس

ملی از طرف شورای جمهوری اجباری و غیر قابل اجتناب است ثالثاً و بالاخره نظری که شورای جمهوری درباره مصوبات مجلس ملی اظهار میدارد متضمن آثار و نتایج حقوقی است بدین توضیح که اگر شورای مزبور با تصویب قانون بصورتیکه مجلس ملی بآن رأی داده موافق نباشد مجلس اخیر ناگزیر است که برای باردوم و در بعضی موارد با اکثریت بخصوص و استثنائی که در قانون اساسی پیش بینی شده است و با رأی علنی در آن باره تصمیم قطعی و نهائی خود را اظهار کند. بنابراین نظر شورای جمهوری صرفاً جنبه مشورتی نداشته و در واقع شورای مزبور يك مجلس دوم قانون گذاری است که اختیارات آن کاهش یافته است.

چنانکه در بالا اشاره شد کلیه مصوبات مجلس ملی بوسیله هیئت رئیسه آن مجلس به هیئت رئیسه شورای جمهوری فرستاده میشود. ترتیب طرح و بررسی قانون و اخذ رأی در شورای جمهوری شبیه مجلس ملی است یعنی بترتیب ابتدا در کمیسیونها سپس در جلسه علنی مورد بحث واقع شده و نسبت بآن رأی گرفته میشود. معذک قانون اساسی از حیث زمان محدودیت هائی برای شورای جمهوری در نظر گرفته است. و اگر چنانچه مجلس ملی لایحه بودجه را در مدت کمتر از دو ماه مورد بررسی قرار داده و بآن رأی داده باشد شورای جمهوری نیز باید حداکثر در ظرف همان مدتی که مجلس ملی برای طرح و تصویب لایحه بودجه صرف کرده است نظر خود را اظهار کند. و در مواردیکه مجلس ملی با قید فوریت قانونی را تصویب نموده باشد شورای جمهوری موظف است ظرف همان مدتیکه بموجب آئین نامه داخلی مجلس برای تصویب فوری قانون پیش بینی شده است رسیدگی کرده رأی خود را اظهار کند. همچنین بر طبق اصل ۲۰ قانون اساسی مهلت هائی که در فوق شرح داده شد مقارن تعطیل اجلاس معلق میماند یعنی مدت تعطیل بحساب نمی آید و بدرخواست شورای جمهوری مجلس ملی تمديد مهلت خواهد نمود.

اگر شورای جمهور با قانونیکه مجلس ملی تصویب کرده است صد درصد موافق نباشد و پیشنهاد های اصلاحی بدهد مجلس ملی برای باردوم قانون را مورد

مطالعه قراردادده فقط در باره پیشنهاد های اصلاحی که از جانب شورای جمهوری داده شده است بررسی میکند . مجلس ملی مختار است که تمام یا قسمتی از اصلاحات پیشنهادی شورای جمهور را بپذیرد یا آنها را رد کند اما اگر شورای جمهوری در باره قانون مورد بحث با رأی علنی و اکثریت مطلق اعضاء خود رأی داده باشد رد تمام یا قسمتی از پیشنهاد های آن شورا از طرف مجلس ملی نیز باید در دفعه دوم با همین شرائط صورت عمل بخود گیرد .

مبحث چهارم

قانون بودجه و قوانین مالی

الف - قانون بودجه .

بودجه طبق تعریفی که در ماده ۵ تصویب نامه مورخ ۱۸۶۲ م ۳۱ از آن شده است عبارتست از سندی که بوسیله آن درآمدها و هزینه های سالیانه مملکتی پیش بینی و تصویب می شوند .

و بر طبق اصل ۱۶ قانون اساسی بودجه عبارتست از يك قانون و بنا براین علی الاصول مانند يك قانون عادی مورد طرح و تصویب قرار نمیگیرد .

معذلك قانون بودجه با قوانین عادی تفاوت های محسوسی دارد از اینقرار :

۱- طرح و پیشنهاد بودجه بطور کلی با دولت است زیرا بر طبق اصل ۱۶ قانون اساسی بودجه باید بصورت يك طرح قانون (و نه يك پیشنهاد) بمجلس ملی تقدیم شود بعلاوه موقع بحث در اطراف بودجه اعضای پارلمان نمیتوانند - با دادن پیشنهادات اصلاحی هزینه های پیش بینی شده در طرح بودجه را افزایش دهند و یا مخارج جدید پیشنهاد نمایند .

۲- قانون اساسی مقرر می دارد که بودجه فقط باید متضمن مقررات مالی باشد بنابر این پیشنهادهاییکه بموضوع بودجه ارتباط نداشته باشد قابل طرح یا تصویب همراه با قانون بودجه نخواهد بود .

۳- طبق اصل بیستم قانون اساسی و چنانکه در پیش اشاره شد شورای جمهوری باید ظرف همان مدتی که مجلس ملی در باره بودجه رسیدگی و بآن رأی داده است نظر خود را اظهار نماید.

۴- طبق قانون ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ در مورد قانون بودجه جلب نظر شورای اقتصادی بعمل نمی آید

۵- بعلاوه اصل هیجده قانون اساسی مقرر می‌دارد که مجلس ملی بر حساب درآمدها و هزینه های مملکتی نظارت داشته و آنرا تنظیم نماید و بموجب همین اصل از قانون اساسی مجلس ملی میتواند دیوان محاسبات را بهر گونه تحقیق و مطالعه در باب چگونگی اجرای درآمدها و هزینه های عمومی و طرز اداره امور خزانه مملکت مأمور نماید.

به پیروی از این اصل مجلس محاسبات مملکتی را مورد رسیدگی قرار داده و نسبت بآن تصمیم میگیرد بدون آنکه نظر شورای جمهوری را جلب نماید و حتی بدون آنکه تصمیم مصوب مجلس مزبور بتوشیح رئیس جمهور برسد.

ب- قوانین مالی

قوانین مالی فقط عبارت از بودجه مملکتی نیست. بسیاری از مصوبات پارلمان با آنکه راساً و بطور مستقیم جنبه مالی دارد اما بطور غیر مستقیم جنبه مالی پیدا میکنند از قبیل قانونی که مربوط به ایجاد یک سازمان جدید باشد و بامثلاً قانونی که با وضع جزای نقدی در باره بعضی از تخلفات عایدی جدیدی برای خزانه مملکت ایجاد کند.

مسئله ای که در اینجا مورد بحث می باشد عبارت از این است که بدانیم حق پیشنهاد و ابتکار قوانین مالی با کیست.

۱- رئیس الوزراء بنمایندگی از طرف دولت اختیار کامل دارد که طرح قانون بودجه و همچنین طرحهای قوانین مالی برای ایجاد یا افزایش یا کاهش یا حذف درآمدها و هزینه های مملکتی را به پارلمان تقدیم نماید. بنابراین پیشنهاد طرحهای

مالی بالاخص طرح بودجه مملکتی نه فقط يك حق بلکه از جمله تکالیف دولت بشمار میرود .

۲- اعضای مجلس ملی میتوانند هر گونه پیشنهادی که مربوط به درآمدهای مملکتی باشد خواه مستقیماً از طریق تقدیم يك پیشنهاد مستقل بهیئت رئیسه مجلس ملی و خواه بوسیله پیشنهاد های اصلاحی تقدیم و اظهار نمایند .
اما از حیث پیشنهاد مخارج و یا پیشنهاد افزایش مخارج طبق اصل هفدهم قانون اساسی نمایندگان مجلس ملی نمیتوانند هنگام بحث در اطراف بودجه و اعتبارات این حق را اعمال نمایند .

۳- بموجب اصل ۱۴ قانون اساسی شورای جمهوری نمیتواند پیشنهاد هائی تقدیم کنند که منتهی به کاهش عایدات و یا ایجاد مخارج جدید گردد . مفهوم این اصل این است که اعضای شورای جمهوری حق تقدیم پیشنهاد مستقل که به تقلیل عایدات دولت و یا ایجاد مخارج جدید منتهی گردد ندارند . اما راجع باینکه هنگام طرح و بحث قانون بودجه نیز حق دادن پیشنهادهای اصلاحی راجع به کاهش درآمدها و یا ایجاد هزینه های جدید نیز از اعضای شورای جمهوری سلب شده است یا نه گرچه اصل ۱۷ قانون اساسی این اختیار را فقط از اعضای مجلس ملی سلب کرده است و با وجود اینکه اعضای شورای جمهوری در مورد بودجه مانند سایر موارد قانون گذاری حق تقدیم پیشنهاد های اصلاحی را دارا میباشند معذلك نمیتوان گفت که اعضای شورای جمهوری حق دارندهنگام شور در اطراف بودجه پیشنهاد افزایش مخارج تقدیم کنند زیرا شناختن حقی برای اعضاء شورای جمهوری که آن حق از اعضای مجلس ملی سلب شده باشد برخلاف مفهوم کلی و روح قانون اساسی خواهد بود . علاوه بموجب ماده ۶ آئین نامه داخلی شورای جمهوری این حق از اعضای آن شورا سلب شده است .

و اما راجع به کاهش درآمدها طبق اصل ۱۴ مذکور اعضای شورای جمهوری حق پیشنهاد مستقل در باره تقلیل عایدات مملکتی را ندارند ولی اختیار تقدیم

پیشنهاد های اصلاحی درموقع بحث دراطراف قانون بودجه و یا قوانین دیگر از اعضای جمهوری سلب نشده است .

مبحث پنجم

توشیح قانون

پس از تصویب قانون بوسیله مجالس مقننه آخرین مرحله ای که يك قانون باید طی کند تاقطعیت یافته و لازم الاجرا گردد عبارت از توشیح قانون است که بحسب رژیم های سیاسی مختلف معنی و اهمیت آن فرق میکند .

در بعضی ممالك مانند ممالك متحده آمریکای شمالی توشیح قانون يك نوع حق نظارت از طرف قوه مجریه درمورد مصوبات پارلمان بشمار میرود آنرا يك نوع حق «وتو» (۱) بنفع قوه مجریه دانست . قانون اساسی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز نظیر چنین حقی را برای قوه مجریه شناخته بود .

در بعضی رژیم های سیاسی که بر مبنای قدرت مطلق قوه مقننه تأسیس یافته توشیح قانون بحسب موارد یا اساساً وجود ندارد یا همراه تصویب قانون توسط خود مجالس قانون گذاری صورت میگیرد . و یا اینکه بطور خود بخود و اجباری بوسیله رئیس مملکت عملی میگردد سیستمی که در قانون اساسی سال ۱۹۴۶ فرانسه انتخاب گردیده و در قانون اساسی سال ۱۸۷۵ نیز مورد عمل بوده است از این نوع اخیر است زیرا رئیس مملکت توشیح قانون را مانند يك وظیفه باید انجام دهد با این قید که فقط میتواند برای يك مرتبه شور مجدد قانون را از پارلمان تقاضا کند و یادر مورد کنترل قانون از طرف کمیته قانون اساسی توشیح قانون را موقتاً قدری بتأخیر اندازد که راجع به آن ذیلاً بحث خواهد شد .

حق توشیح قانون به موجب اصل سی و ششم قانون اساسی باریس جمهوری است منتهی مانند هر گونه نوشته یا سند دیگری که از طرف رئیس جمهور امضاء گردد امضاء نخست وزیر و یکی از وزراء نیز در کنار توشیح رئیس جمهور باید گذاشته شود .

۱- مدت توشیح قانون

همینکه قانونی بتصویب نهائی رسید یعنی پس از رأی مجلس ملی شورای جمهوری نیز آنرا تصویب نمود و یا آنکه در صورت اصلاحات یا نظریه مخالف شورای مزبور مجلس ملی قانون را برای بار دوم به ترتیبی که شرح داده شده مورد بحث قرارداد و آنرا تصویب نمود در هر دو صورت رئیس مجلس ملی قانون مصوبه را برای توشیح بدولت ابلاغ مینماید .

از تاریخ ابلاغ قانون بدولت ظرف مدت ده روز رئیس جمهور باید قانون را توشیح نموده و دولت آنرا به موقع اجراء گذارد . اگر مجلس ملی رأی داده باشد که قانون مورد بحث فوراً بتوشیح برسد در این صورت مدت ده روز به پنج روز کاهش مییابد

۲- درخواست شور مجدد قانون

طبق اصل سی و ششم قانون اساسی رئیس جمهور میتواند ظرف مهلتی که برای توشیح قانون در اختیار وی گذاشته شده (ده یا پنج روز) از پارلمان بخواهد که مجدداً قانون را مورد شور و بحث قرار دهد .

در جمهوری سوم هیچوقت موردی برای بکار بستن این اختیار از طرف رئیس جمهور پیش نیامد و چنین بنظر میرسد که اعمال این حق بایی اثر بودن وجود رئیس جمهور سازگار نمی بود ولی در جمهوری چهارم برعکس در موارد متعدد رئیس جمهور توانسته است با بکار بستن این اختیار خواه راساً از طرف خود و خواه به پیشنهاد کمیته قانون اساسی پارلمان را بشور مجدد در قانون وادار کند .

اما در هر حال باید در نظر داشت که اعمال این حق از طرف رئیس جمهور بصورت يك پیشنهاد و یا توصیه ایست و نه يك دستور . بالنتیجه پارلمان و مخصوصاً مجلس ملی مجبور نیستند که در شور دوم قانون را با تشریفات خاص و یا مثلاً با اکثریت قویتری رأی بدهند . پارلمان فقط موظف است که پیشنهاد رئیس جمهور را رد نموده یکبار دیگر قانون را مورد شور و رأی قرار دهد . بنابراین حق و تو

برای رئیس جمهور در فرانسه وجود ندارد و بعد از شور و رأی ثانوی رئیس جمهور موظف است قانون را بهر شکل و کیفیتی که از طرف پارلمان ابلاغ شده باشد توشیح نماید.

۳- دخالت کمیته قانون اساسی

از تاریخ ابلاغ قانون بوسیله رئیس مجلس ملی بدولت بمنظور توشیح در مدتی که برای توشیح قانون مهلت مقرر شده است رئیس جمهور و رئیس شورای جمهوری میتوانند متفقاً از کمیته قانون اساسی بخواهند که قانون مصوب مجلس ملی را که برای توشیح بدولت ابلاغ شده است مورد بررسی قرار دهد مشروط بر اینکه شورای جمهوری با اکثریت مطلق اعضای تشکیل دهنده خود به این موضوع رأی داده باشد.

کمیته قانون اساسی بموجب اصل ۹۱ و در ظرف مدت ۵ روز (یا در صورتیکه قانون باید فوراً بتوشیح برسد ظرف دو روز) از تاریخ ارجاع بررسی میکند که آیا قانون مصوب مجلس ملی تجدید نظر در قانون اساسی را ایجاب مینماید یا نه.

اگر کمیته مزبور رأی داد که قانون مصوب با قانون اساسی مطابق است در اینصورت قانون مزبور در ظرف مهلتی که برای توشیح قانون پیش بینی شده باضافه مهلت پنج روز یا دو روز اخیر توشیح یافته و بموقع اجرا گذاشته میشود.

اما اگر کمیته رأی داد که قانون جدید مستلزم تجدید نظر در قانون اساسی است در این صورت قانون برای شور مجدد بمجلس ملی فرستاده میشود و در نتیجه یکی از دو حالت ممکن است اتفاق افتد اول اینکه قانون از طرف مجلس ملی طوریکه اصلاح شود که مقررات مخالف با قانون اساسی از آن حذف گردد که در اینحالت مانعی برای توشیح قانون موجود نخواهد بود. دوم اینکه پارلمان بر رأی سابق خود باقی بماند که در اینصورت قبل از توشیح قانون باید قانون اساسی در آن قسمتی که طبق تشخیص کمیته قانون اساسی با قانون عادی مغایرت دارد مورد تجدید نظر قرار گرفته اصلاح گردد. بنابراین قبل از انجام تجدید نظر در قانون اساسی قانون مصوب

پارلمان بواسطه عدم توشیح بلااجراء خواهد ماند .

۴- توشیح قانون توسط رئیس مجلس ملی
چنانکه سابقاً درمبحث اختیارات رئیس مجلس ملی گفتیم اگر رئیس جمهور
از مهلت هائیکه طبق قانون اساسی برای توشیح قانون پیش بینی گردیده قانون را
توشیح ننماید رئیس مجلس ملی قانون مزبور را توشیح نموده برای اجراء بدولت
ابلاغ مینماید .

فصل یازدهم

روابط متقابلۀ قوه مجریه و قوه مقننه

منظور مادر این فصل شرح مواردی است که هر یک از دو قوه مقننه و مجریه در باره یکدیگر اعمال نفوذ و نظارت مینماید. مهمترین موارد اعمال نفوذ هر یک از این دو قوه در مورد دیگری عبارت از مسئولیت وزراء و انحلال مجلسین است که آنرا در دو مبحث شرح خواهیم داد.

مبحث اول

مسئولیت وزراء

مسئولیت وزراء دارای سه جنبه متفاوت میباشد: جزائی - مدنی - سیاسی

الف - مسئولیت جزائی وزراء

از نقطه نظر جزائی وزراء ممکن است مسئول واقع شوند و بواسطه ارتکاب جرائم تحت تعقیب قضائی قرار گیرند. اصل مسئولیت جزائی وزراء و همچنین ترتیب اعلام جرم از طرف مجلس در باره وزراء در فصل بیست و هفتم قانون اساسی پیش بینی شده است که راجع به جزئیات و آیین داد رسی مربوط باین امر در فصل آینده گفتگو خواهیم کرد.

ب - مسئولیت مدنی وزراء

وزراء وقتی مسئولیت مدنی در قبال اشخاص عادی و افراد مملکت دارند که به از تصصیر یا خطای آنها خسارت مالی بغیر وارد آید. چون این موضوع از حوصله این کتاب خارج است و محل بحث آن در قانون دیگر میباشد لذا در اینجا از آن صحبت نخواهد شد و فقط در زیر بشرح مسئولیت سیاسی وزراء که داخل در حدود حقوق

اساسی میباشد بحث مینمائیم .

ج- مسئولیت سیاسی وزراء

مسئولیت وزراء از نظر سیاسی عبارت از اینست که وزراء در مقابل قوه مقننه مسئولیت داشته و از بابت اعمال و اسنادناشیه از آنها باید در مقابل پارلمان جواب گوئی نمایند. نتیجه اصل مسئولیت سیاسی وزراء این است که هر گاه مابین قوه مقننه و وزراء عدم توافق پیدا شود و وزراء نتوانند موافقت پارلمان را جلب کنند آن‌ها را مسئولیت سیاسی بشرحی که در زیر از آن بحث خواهد شد ظاهر میشود .

تفاوت بین این نوع مسئولیت و مسئولیت مدنی و جزائی اولاً در این است که مبنای مسئولیت سیاسی برخلاف آن دو نوع مسئولیت بر یک جرم یا شبه جرم قرار ندارد بلکه چنانکه گفته شد فقط از بروز اختلاف بین قوه مقننه و کابینه حادث میشود . ثانیاً برخلاف مسئولیت مدنی و جزائی مسئولیت سیاسی تابع تشریفات قضائی که در مقابل دستگاه داد گستری باید رعایت شود نبوده بلکه در رژیم پارلمانی یکی از دو مجلس قانون گذاری یا هر دو آنرا اعمال میکنند و در رژیم هائیکه رئیس جمهور دارای اختیارات وسیعی میباشد (رژیم جمهوری آمریکای شمالی) این اختیار بوسیله رئیس جمهور اعمال میگردد . ثالثاً مسئولیت سیاسی عواقب جزائی نداشته و کیفری بر آن مترتب نیست و منتهی بجزایر خسارت نیز نمیگردد بلکه چنانکه در فوق گفته شد اثر آن فقط بر کناری وزراء است از شغلی که داشته اند. بالنتیجه مفهوم کلمه اصطلاح مسئولیت سیاسی فقط نتیجه شمول آن مسئولیت میباشد و گرنه از نقطه نظر حقوقی فقط مسئولیت جزائی و مسئولیت مدنی با مفهوم این کلمه ارتباط دارد و مسئولیت سیاسی مربوط میشود بنظارت یکی از ارکان حکومت پارلمانی نسبت بر کن دیگر و مفهوم مجازات یک خطایا تقصیر را ندارد .

مسئولیت سیاسی وزراء سابقاً در قوانین اساسی فرانسه پیش بینی نشده بود هر چند که عملاً این اختیار توسط پارلمان بکار برده میشد ولی در قانون اساسی فعلی اصل مسئولیت سیاسی وزراء در قبال مجلس ملی (وزراء در قبال شورای جمهوری

مسئول نمیباشند) بطور صریح پیش بینی شده و ترتیب آن بقرار زیر است :

۱- مسئولیت وزراء طبق قانون اساسی سال ۱۹۴۶ در دو مورد ممکن است مطرح گردد .

اولاً بطوریکه در اصل پنجاه قانون اساسی پیش بینی شده است هر يك از اعضای مجلس ملی میتواند پیشنهاد «سانسور» نموده و بوسیله آن رأی مجلس را در باره کابینه ایکه مورد انتقاد قرار گرفته است جلب نماید .

طبق ماده ۵۰ آئین نامه داخلی مجلس ملی پیشنهاد سانسور باید بلافاصله بدولت ابلاغ گردد و بر اثر آن دولت بایستی در مقابل مجلس ملی و در خصوص مسئله ایکه نسبت بآن مورد انتقاد واقع شده است توضیح دهد و جواب گویی نماید .

ثانیاً - طبق اصل ۴۹ قانون اساسی هیئت دولت میتواند در موقع طرح موضوعی در مجلس ملی که مربوط به عمل و سیاست دولت است (لایحه قانونیکه از طرف دولت پیشنهاد شده است و غیر آن) از مجلس تقاضای رأی اعتماد نماید و در صورتیکه مجلس رأی موافق که منظور دولت است نسبت بآن موضوع ندهد نتیجه آن این میشود که آن دولت دیگر از اعتماد مجلس برخوردار نیست و لذا کناره گیری خواهد کرد . اما توضیح این نکته لازمست که دولت نمیتواند مستقلاً و مجرد از موضوع دیگری از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند بلکه چنانکه گفته شد همراه با تقاضای تصویب يك قانون با تقاضای تأخیر در استیضاحی که از دولت شده است یا تغییر دستور مجلس و نظائر آن دولت میتواند رأی اعتماد بخواهد و معنی آن این است که دولت با این تقاضا مجلس را قبلاً آگاه میسازد که اگر مجلس بروفق تقاضا و میل دولت رأی ندهد و تصمیم نگیرد دولت کناره گیری خواهد نمود .

تقاضای رأی اعتماد باید با رعایت شرایط معینه صورت گیرد باین معنی که ابتدا بایستی در هیئت دولت تصویب شود و سپس بوسیله نخست وزیر با اطلاع مجلس برسد . در هر دو مورد یعنی خواه در مورد پیشنهاد «سانسور» از طرف اعضای مجلس ملی و خواه هنگام تقاضای رأی اعتماد از طرف هیئت دولت هر داه مجلس با اکثریتی

که در قانون اساسی پیش بینی شده است (اکثریت مطلق آراء نمایندگان مجلس ملی پیشنهاد سانسور را تصویب کند و بارای اعتماد بدولت ندهد نتیجه آن قهراً ولزوماً برکناری دسته جمعی وزراء خواهد بود .

۴- مسئولیت سیاسی فردی وزراء

چنانکه میدانیم وزراء مسئولیت دسته جمعی از نظر سیاسی دارند و بنابراین از آثار مسئولیت سیاسی نیز بطور دسته جمعی برخوردار میشوند معذلك طبق اصل ۴۸ قانون اساسی سال ۱۳۴۶ و وزراء بطور انفرادی نیز در مقابل مجلس ملی مسئول میباشند . قانون اساسی برای اینگونه مسئولیت ترتیب و شرائطی تعیین نموده و در عمل نیز اینگونه مسئولیت بسیار بندرت تحقق پیدا کرده است زیرا چنانکه میدانیم وزراء وحدت موجودی داشته و وزراء مسئولیت مشترك دارند و بسیار نادرست که عمل يك وزیر بهیچوجه با سیاست عمومی کابینه ارتباط نداشته و فقط مربوط به شخص آن وزیر باشد . بعلاوه هر گاه وزیری نسبت بعملی که بشخص او مربوط بوده و سایر همکارانش نسبت بآن عمل خود را غیر مسئول بدانند مورد مواخذه شود بسیار محتمل است که نخست وزیر از آن وزیر بخواهد که استعفا کند و در صورتیکه وزیر مسئول تمکین ننماید نخست وزیر عزل او را از رئیس جمهور درخواست کند .

مبحث دوم

انحلال مجلس ملی

حق انحلال مجلسین برای قوه مجریه یکی از عوامل و شرائط توازن قوا در رژیم پارلمانی بشمار رفته و واجد اهمیت فراوان است زیرا با اعمال این حق از تعديات قوه مقننه نسبت بقوه مجریه جلوگیری و از ناپایداری و سقوط متوالی دولتها مانعت بعمل می آید .

در جمهوری سوم حق انحلال مجلس نمایندگان طبق ماده پنج قانون اساسی سال ۱۸۷۵ پیش بینی شده بود این اختیار بوسیله رئیس جمهور اعمال میشد منتهی

موکول بموافقت قبلی سنای فرانسه بود .

در تدوین قانون اساسی فعلی فرانسه این اصل مورد نظر بوده است که حق انحلال مجلس ملی برای قوه مجریه نگاهداشته شود و علیرغم مخالفت احزاب چپ فرانسه مآلاً این حق در ماده ۵۱ قانون اساسی پیش بینی شده منتهی شرایطی برای بکار بردن آن مقرر گردیده است که در واقع اعمال آن بسی دشوار می باشد .

الف - شرایط لازم برای امکان انحلال مجلس ملی
شرایطی که باید موجود باشد تا بتوان مجلس ملی را منحل نمود بقرار زیر است:
۱- اولاً اعمال این حق امکان پذیر نیست مگر اینکه هیئت دولت در ظرف یک دوره هیجده ماهه دوبار دست خوش بحران گردد - باین معنی که طبق شرایط پیش بینی شده در موارد ۴۹ و ۵۰ قانون اساسی مجلس ملی هیئت وزراء را مجبور به کنارگیری نماید . در چنین صورتی چنین تلقی میشود که مجلس ملی نمیتواند با هیچ دولتی همکاری نماید .

اما باین نکته باید توجه داشت که بر کناری هیئت دولت که شرط امکان انحلال مجلس ملی میباشد باین ناشی از رأی عدم اعتماد مجلس باشد و عبارت دیگر استعفای هیئت دولت بدون آنکه از طرف مجلس ملی رأی عدم اعتماد ابراز شده باشد و یا بدون آنکه مجلس پیشنهاد انتقاد از کابینه را مورد تصویب قرار داده باشد برای امکان انحلال بحساب نمی آید و او اینکه این استعفا در نتیجه عدم توافق بین مجلس و دولت بوجود آمده باشد .

۲- ثانیاً - اگر بحران کابینه طبق اصل ۵۴ قانون اساسی در مدت پانزده روز پس از نصب وزراء بروز کند برای امکان اجرای حق انحلال مذکور در ماده ۵۱ بحساب نمی آید .

۳- همچنین در طول هیجده ماهه اول هر دوره قانون گزاری هر چند دفعه که هیئت دولت دستخوش بحران گردد اعمال حق انحلال ممکن نخواهد بود باین معنی که نه فقط در طی هیجده ماه اول هر دوره قانون گزاری انحلال مجلس ممکن نیست

بلکه بحرانهای کابینه که در طول این مدت رخ دهد برای امکان انحلال بحساب نمی‌آید.

ب - تشریفات و آئین انحلال

۱- وجود شرایط فوق‌الذکر باعث نمیشود که مجلس ملی بخودی خود لزوماً منحل گردد بلکه هیئت وزراء مختار است که تصمیم بانحلال بگیرد یا نگیرد.

۲- در صورتیکه هیئت دولت مصمم بانحلال مجلس گردد لازم است که قبلاً نظر رئیس مجلس ملی را در این باب استفسار کند اما نظر رئیس مجلس مزبور هر چه باشد برای دولت لازم‌الرعايه نیست.

۳- همین که شورای وزیران نسبت به انحلال مجلس ملی تصمیم گرفت رئیس جمهور فرمان انحلال را صادر مینماید. یعنی عامل واقعی انحلال هیئت دولت است و رئیس جمهور موظف است که در صورت تقاضای دولت فرمان انحلال را صادر نماید.

ج - نتایج انحلال مجلس

۱- بمحض صدور فرمان انحلال اعضای مجلس ملی دیگر صلاحیت نمایندگی را از دست داده و اختیارات سابق از آنها سلب میشود. بنابراین لازم است که انتخابات عمومی برای تشکیل مجلس جدید بعمل آید.

بر طبق اصل ۵۲ قانون اساسی انتخابات عمومی ظرف حداقل بیست روز و حداکثر سی روز پس از انحلال مجلس ملی باید بعمل آید.

۲- اما صدور فرمان انحلال تأثیر حقوقی دیگری نیز دارد و آن عزل رئیس هیئت وزراء و وزیر کشور میباشد زیرا طبق اصل ۵۲ قانون اساسی هیئت دولت با استثنای نخست وزیر و وزیر کشور برای انجام امور جاریه تا انعقاد مجلس ملی جدید بسمت خود باقی مینماید. پیش بینی عزل نخست وزیر و وزیر کشور يك عمل احتیاطی برای احتراز از هر گونه پیش آمد غیر عادی در غیبت مجلس ملی و بخصوص بمنظور عدم امکان دخالت دولت در امر انتخابات میباشد.

۳- بجای نخست وزیر که قهراً برکنار میشود رئیس مجلس ملی خود بخود ریاست هیئت وزراء را تا انعقاد مجلس جدید و تعیین نخست وزیر دیگر عهده دار

خواهد بود .

برای تصدی پست وزارت کشور رئیس مجلس ملی که جانشین نخست وزیر شده است بامشورت و توافق هیئت رئیسه مجلس منحل به يك شخصیت سیاسی را انتخاب مینماید . با اتخاذ این تدبیر مقارن انتخابات مجلس جدید پست وزارت کشور از دخالت اعضا کابینه ای که مجلس ملی را منحل کرده است خارج بوده و امکان دخالت مغرضانه بضرر اعضا مجلس منحل در امر انتخابات منتفی میگردد . اما سایر اعضای کابینه منحل شده در شغل خود باقی میمانند تا امور جاریه را اداره کنند منتهی وزرای مشاور بوسیله نخست وزیر (رئیس مجلس ملی منحل) از میان احزاب پارلمانی که در هیئت دولت اخیر نماینده ای نداشته اند برای همکاری با وزراء کابینه منحل شده معین میشوند .

با توجه بشروط و نتایجی که در خصوص انحلال مجلس ملی در قانون اساسی سال ۱۹۴۶ در نظر گرفته شده است چنین میتوان نتیجه گرفت که منظور نویسندگان قانون اساسی مزبور این بوده است که حتی الامکان امر انحلال مجلس را دشوار کنند تا در عمل این حق بآسانی قابل اعمال نباشد . بعلاوه در خاتمه باید تذکر داده شود که شورای جمهوری از انحلال مصون و در امان است و این مقتضی طبیعت مجالس درجه دوم پارلمان میباشد همانطور که در خصوص مسئولیت وزراء نیز چنانکه دیدیم شورای جمهوری دخالتی ندارد .

فصل دوازدهم

داد گستری سیاسی

مبحث اول

دیوان عالی دادرسی

در جمهوری سوم فرانسه داد گستری سیاسی بدین ترتیب اعمال میشد که مجلس نمایندگان نسبت به رئیس جمهوری که مرتکب خیانت نسبت ببقاء و استقلال مملکت میگرددید و همچنین علیه وزرائی که مرتکب جرائمی بمناسبت انجام وظیفه میگرددیدند اعلام جرم می نمود و آنها را بدین ترتیب تحت تعقیب قرار می داد . سپس مجلس سنای فرانسه بعنوان يك داد گاه داد گستری بانها رسیدگی کرده و رأی میداد .

اما در جمهوری چهارم قانون اساسی سال ۱۹۴۶ به پیروی از این اصل که برای مجلس سنا مقام و منزلت قابل توجهی در نظر نگرفته چنین اختیاری را برای مجلس مزبور قائل نشده و اختیار دادرسی سیاسی را بمجلس سنا نداده است و در عوض دادگاه سیاسی مخصوص بنام دیوان عالی دادرسی ایجاد کرده است که تشکیلات و صلاحیت و طرز رسیدگی آن بشرح زیر است :

الف - سازمان و طرز تشکیل دیوان عالی دادرسی

طبق اصل ۵۸ قانون اساسی انتخاب اعضای دیوان عالی دادرسی بمجلس ملی محول شده است و بموجب ماده ۵۹ قانون اساسی سازمان دیوان نامبرده و آئین دادرسی که باید در آن مراعات شود بمجلس عادی گذاشته شده است . سپس قانون مورخ ۱۲۷ کتبر ۱۹۴۶ سازمان دیوان نامبرده را بشرح زیر معین کرده است .

۱ - دادگاه عالی مرکب از يك رئیس - دو نائب رئیس و سی نفر قاضی اصلی

وسی نفر قاضی علی البدل که در مواقع غیبت اعضای اصلی جانشین آنها میشوند . طبق اصل ۵۸ قانون اساسی و قانون متعارفی ۱۲۷ کتبر ۱۹۴۶ انتخاب اعضای دادگاه عالی بامجلس ملی است . رئیس و نواب رئیس بارأی مخفی و با کثرت دوثلث آراء انتخاب میشوند . بالینکه قانون اساسی تصریح ندارد که رئیس و نواب او باید از میان اعضای مجلس ملی انتخاب گردند معهذا باتوجه به مفهوم کلی قانون اساسی و مذاکرات و کارهای مقدماتی مربوط به تهیه قانون اساسی رئیس و دو نفر نایب رئیس دیوان عالی از میان اعضای مجلس ملی باید انتخاب شوند و نه از خارج از مجلس مزبور . بیست نفر از قضات اصلی و همچنین بیست نفر از قضات علی البدل از میان اعضای مجلس ملی و با رعایت نمایندگی نسبی دستجات سیاسی انتخاب میشوند و برای این منظور هر يك از دستجات سیاسی باید صورت کاندیدهای خود را که تعداد آن دو برابر عده لازم خواهد بود معرفی نماید .

ده نفر باقیمانده از قضات اصلی و ده نفر دیگر از قضات علی البدل نیز بوسیله مجلس ملی اما از اشخاص غیر عضو مجلس مزبور بارأی مخفی و با کثرت دوثلث آراء انتخاب میشوند و برای انتخاب این بیست نفر اخیر مجلس ملی میتواند خواه از میان اعضای شورای جمهوری و خواه از بین اعضای کمیته ها و شوراهای دیگر برگزینند . ۲- کمیسیون تحقیق مرکب است از يك رئیس و دو معاون و شش نفر قاضی . رئیس و معاونین او بوسیله شورای عالی قضائی انتخاب میشوند . بالینکه شورای اخیر مکلف نیست رئیس و معاونین کمیسیون مزبور را از میان اشخاصیکه شغل آنها قضاوت میباشد انتخاب نماید معذلك بلحاظ جنبه فنی و وظایفی که کمیسیون تحقیق بر عهده دارد رئیس و معاونین او از بین قضات دادگستری انتخاب میگردند .

شش نفر قضات عضو کمیسیون تحقیق بارأی مخفی و با اکثریت دوثلث آراء نمایندگان مجلس ملی از میان اعضای مجلس مزبور و یا از بین اعضای شورای جمهوری انتخاب میشوند .

۳- دادسرای دیوان عالی - مرکب است از يك دادستان و دو نفر دادیار که

بوسیله مجلس ملی بارای مخفی و با کثرت دو ثلث آراء از میان اعضای خ-ود آن مجلس یا از خارج برگزیده میشوند . وظیفه دادرسی مزبور این است که پس از اعلام جرم و احواله امر بدیوان عالی بتعقیب پرداخته کمیسیون تحقیق را برسیدگی در اطراف اتهام وادارد .

۴- دفتر داد گاه - اعضای دفتر داد گاه عالی از بین کارمندان اداره مجلس ملی در ابتداء هر دوره قانون گذاری بوسیله رئیس مجلس انتخاب میشوند .

مبحث دوم

اعلام جرم و تعقیب

طبق اصل ۵۷ قانون اساسی هر گاه علیه رئیس جمهور یا وزراء اعلام جرم بعمل آید مجلس ملی باید بارای مخفی و با اکثریت مطلق اعضاء خود نسبت به لزوم تعقیب یا عدم تعقیب رأی دهد . منتهی آن قسمت از اعضای مجلس ملی که در امر تعقیب یا تحقیق یا محاکمه شرکت دارند نباید در رأی مجلس نسبت به تعقیب یا عدم تعقیب شرکت کنند .

همینکه مجلس ملی رأی به تعقیب داد رئیس آن مجلس از رئیس دیوان عالی دادرسی و از دادستان دیوان مزبور تقاضای تعقیب مینماید و بنابر این نتیجه قهری رأی مجلس ملی بتعقیب این خواهد بود که شخص یا اشخاصیکه مورد اعلام جرم قرار گرفته اند بوسیله دیوان عالی دادرسی تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرند . و نسبت به شخص رئیس جمهور چون عدم مسئولیت وی مانع از هر گونه تعقیب و محاکمه سیاسی و جزائی میباشد رأی مجلس ملی بتعقیب وی این مانع را بر طرف کرده و رئیس جمهور نیز مانند وزراء مورد تعقیب و محاکمه از طرف دیوان عالی قرار میگیرد . طبق قانون ۱۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ تشریفات و طرز تعقیب و تحقیق نزد دیوان عالی

دادرسی بطور اختصار بقرار زیر است :

همینکه تعقیب متهم بوسیله رئیس مجلس ملی از دیوان عالی درخ-واست

گردید دادستان دیوان مزبور کمیسیون تحقیق را مأمور انجام تحقیقات و تکمیل پرونده مینماید. کمیسیون مزبور شروع به تحقیق نموده در باب تحقیق یا عدم تحقق جرائمیکه نسبت داده شده رسیدگی مینماید. کمیسیون تحقیق مانند یکنفر باز پرس اختیارات قضائی لازم خصوصاً از نظر احضار و جلب و توقیف متهم دارا میباشد. بعلاوه کمیسیون نامبرده حتی نسبت به اموری هم که در اعلام جرم تذکر داده نشده و در ضمن رسیدگی کشف گردد رسیدگی و تحقیق نماید.

هر گاه در ضمن رسیدگی کمیسیون تحقیق کشف نماید که اشخاص دیگری غیر از آنها که در معرض اتهام قرار گرفته اند بنحوی از انحاء در اتهام شرکت و دخالت داشته اند در صورتیکه شخص یا اشخاص جدید از وزراء، یارئیس جمهور باشد کمیسیون تحقیق نمیتواند آنها را تحت تعقیب در آورد مگر بعد از آنکه مجلس ملی به ترتیبی که در فوق گفته شد در باره تعقیب یا عدم تعقیب آنها رأی دهد. و اگر شرکاء و معاونین جدید اشخاصی غیر از رئیس جمهور یا وزراء باشند کمیسیون تحقیق میتواند بخودی خود و اساساً در باره آنها نیز شروع بر رسیدگی و تعقیب نماید همچنین برای متهم نیز حق دفاع نظیر آنچه که در امور جزائی برای متهمین در نظر گرفته شده است پیش بینی شده است.

پس از خاتمه تحقیقات دادستان ادعاینامه خود را تنظیم نموده و پرونده امر مدت ده روز در دفتر دیوان عالی در دسترس متهم و وکلای مدافع وی قرار داده میشود تا آنرا مطالعه کرده یا دداشت هائی که لازم بدانند بردارند سپس در يك جلسه علنی کمیسیون تحقیق اظهارات و توضیحات دادسرا و همچنین مدافعات و وکلای مدافع و متهم را استماع کند و در صورتیکه قرار عدم تعقیب متهم را صادر کند پرونده جزائی بسته میشود و در صورت معکوس پرونده برای رسیدگی بدادگاه عالی فرستاده میشود. بنابراین نقش اساسی و مؤثر رادر دادرسی سیاسی کمیسیون تحقیق بر عهده دارد زیرا

کمیسیون مزبور میتواند مانند يك مستنطق قرار مجرمیت یا برائت صادر نماید و متهم را برای مجاکمه نزد دادگاه عالی بفرستد. نقش مجلس ملی در واقع جزاین نیست که اتهام را بجزریان اندازد بعلاوه باید اضافه نمود که قرارهای کمیسیون تحقیق قابل هیچگونه اعتراض و استیناف نمیباشد.

مبحث سوم

دادرسی و حکم

همینکه از طرف کمیسیون تحقیق قرار مجرمیت و احاله پرونده بدیوان عالی صادر گردید دادگاه عالی شروع بر رسیدگی مینماید دادگاه عالی برای دادرسی و صدور حکم مقید بر رعایت تشریفات و آئین دادرسی مفصل و پیچیده ای نیست و حدود و شرایط مقرر برای آن دادگاه بطور خلاصه بقرار زیر است:

۱- طبق ماده ۲۲ قانون ۱۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ دادگاه عالی نمیتواند با اتهام دیگری جز آنچه که در قرار ارجاع بدادگاه از طرف کمیسیون تحقیق ذکر شده است رسیدگی نماید. همچنین دادگاه مزبور نمیتواند عنوان و اوصاف اتهام را تغییر دهد.

۲- جلسات دادرسی علنی است مگر آنکه دادگاه قرار سری بودن دادرسی را اعلام نماید. در جلسات دادرسی دادستان و همچنین وکیل مدافع میتوانند گواهان و متهم را مستقیماً مورد سؤال قرار داده از آنها توضیحاتی بخواهند.

۳- پس از اعلام ختم دادرسی قضات دادگاه بشور پرداخته ابتدا راجع بمجرم بودن یا بیگناه بودن متهم و سپس در خصوص وجود یا فقدان علل مخففه اظهار نظر میکنند و در صورت مجرمیت مجازاتی را که باید در باره متهم اعمال شود تعیین مینماید (مواد ۲۳ و ۲۴ از قانون ۱۲۷ اکتبر ۱۹۴۶) در حکم دادگاه دلائل و جهات محکومیت یا برائت باید ذکر شود.

۴- در صورتیکه شاکی خصوصی در دعوی دخالت داشته باشد دادگاه عالی

موظف است نسبت به دادخواست حقوقی رسیدگی کرده حکم بدهد .

۵- حکم دادگاه عالی نه قابل رسیدگی استینافی است و نه قابل فرجام خواهی راجع به اینکه خود دادگاه عالی برائز اعتراض محکوم علیه میتواند در دادرسی و حکم تجدیدنظر نماید قانون ۱۲۷ اکتبر ۱۹۴۶ ساکت است و مقرراتی در این خصوص ندارد.

قانون اساسی

جمهوری فرانسه

قانون اساسی که مفاد آن بشرح زیر می باشد در ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶ مورد قبول مجلس ملی مؤسسان واقع شده و در ۱۳ اکتبر ۱۹۴۶ از طریق رفراندوم بتصویب ملت فرانسه رسیده است :

مقدمه

در این موقع که ملل آزاد بر رژیم هائی که قصد اسارت و تنزل مقام بشر را داشتند پیروز گردیده اند ملت فرانسه یکبار دیگر اعلام میکند که هر فرد بشر بدون تمایز نژاد و مذهب و عقیده دارای حقوق غیر قابل انتقال و مقدسی است . ملت فرانسه رسماً حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را که بر طبق اعلامیه حقوق بشر مورخ ۱۷۸۹ وضع گردیده و اصول اساسی را که بوسیله قوانین جمهوری شناخته شده مجدداً تأیید مینماید . بعلاوه ملت فرانسه بنا به مقتضیات وقت اصول سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ذیل را اعلام میدارد :

قانون تساوی زنان و مردان را در کلیه شؤون و حقوق تضمین مینماید .

هر فردیکه بعلت خدمت بآزادی مورد تعقیب و آزار واقع شده باشد حق پناه

در قلمرو جمهوری فرانسه را دارد

هر فردی مکلف است کار بکند و حق دارد شغلی داشته باشد هیچکس را

نمیتوان بععل نژادی و یا افکار سیاسی و یا عقاید مذهبی در کار و یا شغلی که دارد

مورد تعدی قرارداد .

هر فردی میتواند از حق و منافع خود بوسیله اتحادیه های صنفی دفاع کرده

و بر حسب تمایل خویش وارد اتحادیه ای بشود.

حق اعتصاب در حدود قوانین مربوطه اعمال میشود

هر کارگری بوسیله نمایندگی صنفی مربوط در باره تعیین شرایط اجتماعی کار و همچنین در اداره امور مؤسسات مربوطه بآن من غیر مستقیم شرکت مینماید .
 هر نوع مال و هر گونه اقدامات و فعالیت های استحصالی از آن جنبه خدمت عمومی ملی یا مونوپل (۱) انحصار امری داشته باشد باید الزاماً بمالکیت خاصه هیئت اجتماع درآید .

ملت شرایط لازمه را برای رشد فرد و خانواده تأمین مینماید .
 ملت برای همه مخصوصاً اطفال و مادران و کارگران از کار افتاده حمایت خود را ضامن تندرستی و امنیت مادی و استراحت و تعطیلات آنان قرار میدهد . هر فرد بشری که بعلمت سن و حالت جسمانی و یا عقلانی و یا وضع اقتصادی در حالتی واقع شود که قادر بکار کردن نباشد حق دارد وسائل ادامه زندگی خود را از هیئت اجتماع مطالبه کند .

ملت مسئولیت مشترک و متساوی فرانسویان را در قبال وظائف ناشیه از مصائب ملی اعلام میدارد .

ملت تساوی اطفال و جوانان را از لحاظ دسترسی به تعلیم و تربیت عمومی و تربیت حرفه ای و فرهنگی تضمین مینماید . تشکیلات آموزش و پرورش عمومی و مجانی و غیر روحانی (۲) در تمام درجات از وظائف دولت محسوب میشود .

جمهوری فرانسه تعهد میکند که سیاست بین المللی خود را با قوانین بین المللی منطبق نماید . جمهوری فرانسه به هیچ وجه من الوجوه بمنظور استیلا بر کشورها و ملل دیگر اقدام بکنج نخواهد کرد و هر گز نیروی خود را بر ضد آزادی هیچ ملتی بکار نخواهد برد .

بشرط معامله متقابل و در صورت لزوم فرانسه میتواند بمحدود کردن حاکمیت خود برای حفظ و استقرار صلح بین المللی رضایت بدهد .

فرانسه باملت های ماوراء دریاها اتحادیه ای را تشکیل میدهد که بدون تمایز نژاد و مذهب بر اساس تساوی حقوق و تکالیف قرار دارد .
 اتحادیه فرانسه از ملل و مردمی تشکیل شده است که با عزمی راسخ منافع و قوای خود را بمنظور توسعه تمدن خویش و بمنظور افزایش وسائل رفاه و تضمین امنیت خود مشترکاً بکار میاندازند .

بر طبق رسوم دیرینه خود فرانسه ملل مذکور را بطرف آزادی رهبری میکند تا بتوانند خود را اداره نموده و امور مخصوص بخود را آزادانه انجام دهند .
 در حالی که از هر گونه رژیم استعماری که متکی بموازن قسری و قهری باشد احتراز میجوید . دسترسی به مؤسسات عمومی و اجرای حقوق فردی و اجتماعی و آزادیهای را که فوقاً اعلام و تصدیق شده برای همه تضمین مینماید .

قوانین اساسی جمهوری

فصل اول

حاکمیت

ماده ۱- فرانسه يك جمهوری غیر قابل تجزیه، عرفی، دموکراتیک و اجتماعی است.
 ماده ۲- علامت پرچم سه رنگ - آبی - سفید - قرمز میباشد که از سه نوار متساوی و عمودی و موازی تشکیل شده است .
 سرود ملی فرانسه مارسیز (۱) است .

شعار جمهوری فرانسه آزادی، برابری، برادری (۲) است اصل و مبنای حکومت جمهوری فرانسه عبارتست از حکومت ملت بخاطر سعادت ملت بوسیله ملت .
 ماده ۳- حاکمیت ملی متعلق بملت فرانسه است و هیچ دسته ای از ملت و هیچ فردی از افراد نمیتواند اعمال این حق را مختص خود بشمارد .

ملت حق حاکمیت خود را درباره مسائل مربوط بمنشور دمکراسی و قوانین

اساسی بوسیله انتخاب نمایندگان مجلس ملی یا از طریق مراجعه به آراء عمومی (رفراندوم) اعمال مینماید .

در سایر موارد ملت حق حاکمیت خود را بوسیله نمایندگان مجلس ملی که از طریق اخذ آراء عمومی مساوی مستقیم و مخفی انتخاب میشوند اعمال میکند .
ماده ۴- کلیه افراد و اتباع بالغ فرانسه اعم از زن و مرد که با رعایت شرایط مقرر قانونی از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند میباشند حق شرکت در انتخاب نمایندگان مجلس ملی را دارا میباشند .

فصل دوم

پارلمان

ماده ۵- پارلمان فرانسه از مجلس ملی و شورای جمهوری تشکیل میشود .
ماده ۶- مدت مأموریت هر يك از مجلسین ، طرز انتخاب اعضاء آنها شرایط انتخاب شدن ، تعیین مقررات مربوط بمغایرت با انتخاب شدن و محرومیت از آن بوسیله قانون تعیین گردیده است .

با وجود این عده نمایندگان مجالس مذکور متناسب با وسعت قلمرو و تعداد جمعیت هر يك از نواحی فرانسه خواهد بود انتخابات مجلس ملی بوسیله آراء عمومی و مستقیم و شورای جمهوری توسط شوراهای بخش و ولایات و آراء عمومی ولی غیر مستقیم صورت میگیرد . انتخاب نصف اعضاء شورای جمهوری قابل تجدید میباشد .
معهدا مجلس ملی میتواند قسمتی از نمایندگان شورای جمهوری را که عده آنها از يك ششم مجموع اعضاء شورای مذکور تجاوز نکند انتخاب نماید .

عده اعضاء شورای جمهوری نباید از ۲۵۰ نفر کمتر و از ۳۲۰ نفر بیشتر باشد .
ماده ۷- اعلان جنگ بدون تصویب مجلس ملی و اطلاع قبلی شورای جمهوری امکان پذیر نیست .

ماده ۸- مجلسین هر يك جدا گانه و منحصرأ حق رسیدگی بصلاحيات اعضاء خود داشته و میتواند استعفاى آنان را قبول یارد کند .

ماده ۹- مجلس شورای ملی در دو مین سه شنبه ماه ژانویه هر سال جلسه عمومی

خود را با استفاده اختیار قانونی تشکیل میدهد.

مجموع مدت تعطیل جلسات نباید از چهار ماه تجاوز کند. همچنین تا آخر تشکیل جلسات بیش از ده روز بمنزله تعلیق قلمداد میشود.

اجلاس شورای جمهوری مقارن تشکیل جلسات مجلس ملی منعقد میگردد. ماده ۱۰- جلسات مجالس مقننه علنی است.

صورت مشروح وبدون خدشه مذاکرات وهمچنین اسناد پارلمانی در روزنامه رسمی منتشر میشود. هریک از مجالسین میتواند جلسه سری تشکیل دهد.

ماده ۱۱- هر سال در آغاز هر دوره اجلاسیه هریک از دو مجلس هیئت رئیسه خود را به نسبت تعداد نمایندگان گروههای مختلفه پارلمانی انتخاب مینماید. ریاست جلسه مشترك مجالس مقننه که بمنظور انتخاب رئیس جمهوری تشکیل میشود با هیئت رئیسه مجلس ملی است.

ماده ۱۲- در موقع عدم تشکیل مجلس ملی هیئت رئیسه آن بر عملیات دوات نظارت داشته و میتواند نمایندگان پارلمان را برای تشکیل جلسه دعوت نماید در اینصورت بایستی دعوت بتقاضای ثلث مجموع نمایندگان بر حسب درخواست رئیس الوزراء بعمل آید.

ماده ۱۳- حق وضع قانون منحصر به مجلس شورای ملی است و این حق بهیچوجه قابل انتقال نمیباشد.

ماده ۱۴- رئیس الوزراء و اعضای مجالس مقننه حق پیشنهاد طرح های قانونی را دارند.

طرحها و پیشنهاد های قانونی که بوسیله اعضاء مجلس ملی تهیه میشود به هیئت رئیسه آن تقدیم میگردد.

پیشنهاد های قانونی که از طرف اعضاء شورای جمهوری تنظیم میگردد به هیئت رئیسه آن شورا تسلیم وبدون شور ومذاکره بمجلس ملی فرستاده میشود. پیشنهاد های مذکور در صورتیکه منتج به تقلیل عایدات دولت یا ایجاد مخارج

جدید گردد قابل پذیرش از طرف مجلس شورای ملی نمیباشد .

ماده ۱۵- مجلس ملی طرحها و لوایح قانونی را که دریافت داشته در کمیسیون هائیکه عده اعضاء و تر کیب و صلاحیت آنها را خود تعیین مینماید مورد بررسی قرار میدهد .
ماده ۱۶- رسیدگی بطرح قانونی بودجه کل مملکتی صرفاً در صلاحیت مجلس ملی میباشد .

طرح قانونی مزبور منحصر آمتضمن مقررات مالی بوده و شامل مقررات دیگری نخواهد بود . طریقه تنظیم بودجه را قانون مقرر خواهد داشت .

ماده ۱۷- ابتکار پیشنهاد هزینه مختص نمایندگان مجلس ملی میباشد معذالك ضمن بحث مذاکره در باب لایحه بودجه تقدیمی دولت و اعتبارات پیش بینی شده و همچنین متمم بودجه هیچگونه پیشنهادی از طرف نمایندگان در باب افزایش هزینه های مورد پیش بینی و یا ایجاد هزینه های جدید قابل طرح نمیباشد .

ماده ۱۸- مجلس ملی بکمک دیوان محاسبات امور مالی ملت را تنظیم میکند .
مجلس ملی میتواند دیوان محاسبات را مأمور هر نوع تحقیق و بررسی در باب اجرای لایحه بودجه و هزینه های عمومی و یا اداره امور خزانه داری بنماید .

ماده ۱۹- عفو عمومی فقط بوسیله قانون امکان پذیر است .

ماده ۲۰- شورای جمهوری طرحها و لوایح قانونی را که در شور اول بتصویب مجلس ملی رسیده است بمنظور اظهار نظر مورد بررسی قرار میدهد و پس از احاله امر از طرف مجلس ملی حداکثر در ظرف مدت دو ماه نظر خود را اعلام میدارد .
در مورد رسیدگی به لایحه بودجه مدت مذکور کوتاه تر خواهد بود و بهر صورت این مدت نپایستی از موعدیکه مجلس ملی برای مطالعه و اخذ رأی مقرر نموده تجاوز نماید .
هنگامی که مجلس ملی مواجه باخذ تصمیم فوری در باب امر یا مسئله ای میباشد شورای جمهوری در ظرف مدتی که برای مذاکرات مجلس ملی پیش بینی شده و بوسیله مجلس مذکور مقرر میشود نظریه خود را اظهار خواهد داشت . مهلت های مقرر در این ماده هنگام تعلیق جلسات معلق خواهد بود و بهر صورت بوسیله تصمیم

مجلس ملی مهلت های مزبور ممکن است تمدید شود.

چنانچه نظریه شورای جمهوری با تصمیم مجلس ملی موافقت داشته باشد و یا اینکه شورای مذکور در ظرف مدت های پیش بینی شده در این ماده از اظهار نظر خودداری نماید در هر دو صورت لایحه مصوبه مجلس ملی پس از طی مراحل تشریفات قوت قانونی خواهد یافت.

در صورتیکه نظر شورای جمهوری با تصمیم مجلس شورای ملی مطابقت نداشته باشد مجلس اخیر طرح و یا پیشنهاد اصلاحی شورای جمهوری را در شور دوم مورد مطالعه قرار داده منحصرأً پیشنهاد های اصلاحی شورای جمهوری را بررسی نموده و تمام یا قسمتی از آن را بطور صریح و قاطع رد یا قبول مینماید. رد و یا قبول تمام یا قسمتی از پیشنهاد های اصلاحی شورای جمهوری با اخذ آراء عمومی و اکثریت مطلق اعضای مجلس ملی صورت میگیرد بشرط آنکه اخذ رأی در مورد لایحه بودجه در شورای جمهوری با تشریفات مشابه انجام شده باشد.

ماده ۲۱- هیچیک از اعضاء پارلمان را نمیتوان بمناسبت عقاید یا نظریاتی که در حین انجام وظیفه نمایندگی اظهار میدارد مورد تعقیب بازجوئی و یا توقیف قرار داد و یا زندانی و محاکمه نمود.

ماده ۲۲- بغیر از مورد ارتکاب جرائم مشهوده هیچیک از اعضاء پارلمان را نمیتوان طی مدت رسمی نمایندگی بعلل جزائی یا تأدیبی تحت تعقیب یا توقیف قرار داد مگر با اجازه مجلسی که متهم عضو آن است. حبس و یا تعقیب متهم در صورت تقاضای مجلسی که مشارالیه عضویت آنرا دارد ممکن است بطور موقت موقوف شود.

ماده ۲۳- اعضاء پارلمان حقوقی معادل حقوق طبقه مخصوصی از مأمورین دولت دریافت خواهند نمود.

ماده ۲۴- هیچیک از نمایندگان نمیتواند در عین حال عضویت مجلس ملی و شورای جمهوری را داشته باشد و همچنین اعضاء پارلمان نمیتوانند در شورای اقتصادی و مجمع کشورهای عضو اتحادیه فرانسه شرکت نمایند.

فصل سوم

شورای اقتصادی

ماده ۲۵- شورای اقتصادی که اساسنامه آن بوسیله قانون تنظیم میشود طرحها و لوایح قانونی را در حدود صلاحیت خود مورد مطالعه قرار داده و اظهار نظر مینماید. این طرحها قبل از اینکه در مجلس ملی موضوع مذاکره قرار گیرد بشورای اقتصادی احواله میشود بعلاوه هیئت وزیران نیز میتواند نظر شورای مزبور را در مسائل اقتصادی اعلام نماید.

مشورت دولت باشورای اقتصادی در مورد تنظیم طرح اقتصاد ملی بمنظور تأمین استفاده از نیروی کار از کلیه افراد ملت و بهره برداری کامل از جمیع مبانع مادی کشور الزامی است.

فصل چهارم

قراردادهای سیاسی

ماده ۲۶- معاهدات سیاسی که بر طبق قوانین موضوعه تصویب و منتشر شده اند در صورتی هم که با قوانین داخلی فرانسه مابینت داشته باشند بدون آنکه برای تضمین اجرای آنها احتیاج بوضع مقررات قانونی دیگری باشد قوت قانونی دارند مگر مقرراتیکه برای بتصویب رسانیدن معاملات واجب و لازم باشد.

ماده ۲۷- قرارداد های مربوط به تشکیلات بین المللی، قرارداد های صلح، قرارداد های بازرگانی قرارداد هایی که موجب تحمیل تعهدات مالی بدولت فرانسه بشوند و قرارداد هایی که مربوط باحوال شخصیه و حق مالکیت قرانسیون در خارجه باشد و معاهداتی که با قوانین داخلی فرانسه مغایرت داشته باشد و همچنین معاهداتی که متضمن تجزیه و معاوضه و یا الحاق قلمرو کشور فرانسه باشد قطعیت ندارد مگر اینکه بصورت قانون مورد تصویب واقع شود.

هیچگونه تجزیه یا معاوضه و یا الحاق بصورت پذیر نیست مگر برضایب کامل اهالی.

ماده ۲۸- قرار داد های سیاسی که صحیحاً و بطور منظم تصویب و منتشر شده اند قدرتی مافوق قوانین داخلی داشته و مقررات آنها قابل فسخ و تغییر و تعلیق نمیباشد مگر از مجرای دیپلماسی و بطور شایسته . در مورد قرار داد های مذکوره در ماده ۲۷ طرف آنها موکول با اجازه مجلس ملی است باستثناء قرار دادهای بازرگانی

ماده ۲۹- رئیس جمهور بوسیله پارلمان برای مدت هفت سال انتخاب میشود و تجدید انتخاب او فقط برای يك نوبت ممکن است .

ماده ۳۰- رئیس جمهور در جلسه هیئت وزیران اعضای شورای مملکتی -
اعضاء شورای دولتی - دارندگان نشان افتخار - سفراء کبار و نمایندگان سیاسی
فوق العاده - اعضای شورای عالی - کمیته دفاع ملی - رؤسای دانشگاهها - استناداران
رؤسای ادارات مرکزی - افسران ارشد و نمایندگان دولت در سر زمینهای ماوراء
بهار را منصوب مینماید .

ماده ۳۱- رئیس جمهور در جریان مذاکرات بین المللی خواهد بود و عهد-
نامه ها را امضاء و تسجیل خواهد نمود .

رئیس جمهور اعتبارنامه سفراء کبار و نمایندگان فوق العاده اعزامی بکشورهای
خارج را اعطاء میکند و اعتبارنامه سفراء کبار و نمایندگان فوق العاده کشورهای
بیگانه را میپذیرد .

ماده ۳۲- ریاست جلسات هیئت وزیران باریس جمهور است . او دستور تنظیم
صورت جلسات را داده و آنها را ضبط خواهد نمود .

ماده ۳۳- رئیس جمهور با اختیارات مزبور بر شورای عالی و کمیته دفاع ملی
نیز ریاست میکند و عنوان فرماندهی کل قوا را دارد .

ماده ۳۴- ریاست شورای عالی قضائی باریس جمهور است .

ماده ۳۵- رئیس جمهور حق عفو خصوصی را در شورای عالی قضائی اعمال میکند .

ماده ۳۶- رئیس جمهور قوانینی را که قطعاً بتصویب پارلمان رسیده پس از
وصول در ظرف ده روز توشیح میکند . در صورتیکه قانون از طرف مجلس ملی

فوری تلقی شده باشد این مدت پنج روز تقلیل می یابد .

در ظرف مدت مقرر برای توشیح قانون رئیس جمهور میتواند بوسیله پیام مستدلی تجدید نظر جدید در قانون را از دو مجلس تقاضا کند . مجلسین نمی توانند این پیشنهاد را رد کنند .

در صورت عدم توشیح قانون بوسیله رئیس جمهور در مدت های مقرر در قانون اساسی، رئیس مجلس ملی این عمل را انجام خواهد داد .

ماده ۳۷- رئیس جمهور بوسیله پیام هایی که خطاب به مجلس ملی صادر میشود با پارلمان ارتباط پیدا میکند .

ماده ۳۸- هر يك از فرامین و دستورات رئیس جمهور بایستی توسط نخست وزیر و یکی از وزراء نیز امضاء شود .

ماده ۳۹- حداکثر مدت سی روز و حد اقل پانزده روز قبل از انقضاء مدت ریاست جمهوری پارلمان نسبت به انتخاب رئیس جمهور جدید اقدام مینماید .

ماده ۴۰- اگر انتخاب رئیس جمهور با دوره ای که مجلس ملی بر طبق ماده ۵۱ منحل شده است مصادف گردد اختیارات رئیس جمهور فعلی تا انتخاب رئیس جمهور جدید ادامه می یابد . پارلمان در ظرف مدت ده روز پس از تشکیل مجلس ملی جدید اقدام به انتخاب رئیس جمهور جدید خواهد نمود .

در این صورت انتخاب رئیس هیئت دولت در ظرف پانزده روز پس از انتخاب رئیس جمهور جدید صورت میگیرد .

ماده ۴۱- در صورت وجود مانعی که تشخیص آن با پارلمان است و در صورت فوت یا کناره گیری و یا علل دیگر که مانع از ادامه خدمت رئیس جمهور گردد رئیس مجلس ملی موقتاً وظایف او را انجام خواهد داد و در این صورت وظائف ریاست مجلس را یکی از نواب او عهده دار خواهد شد .

غیر از مورد مذکور در ماده قبل رئیس جمهور جدید در ظرف ده روز انتخاب می شود .

ماده ۴۲- رئیس جمهور جز در مورد خیانت بکشور مسئولیتی ندارد. در آن صورت تحت شرایط پیش بینی شده در ماده ۵۷ توسط مجلس ملی مورد اتهام قرار گرفته و بدیوان عالی دادگستری جلب میشود.

ماده ۴۳- مقام ریاست جمهوری با هر شغل عمومی دیگری ماینت دارد.

ماده ۴۴- اعضاء خانواده هائی که در فرانسه سلطنت کرده اند نمیتوانند بسمت ریاست جمهور انتخاب شوند.

فصل ششم

هیئت وزیران

ماده ۴۵- در آغاز هر دوره قانون گزاری رئیس جمهور پس از مشورت های معمولی نخست وزیر را تعیین میکند. نخست وزیر برنامه و سیاست کابینه ای را که میخواهد تشکیل دهد بنظر مجلس ملی میرساند. نخست وزیر و وزراء نمی توانند از طرف رئیس جمهور منصوب شوند مگر اینکه نخست وزیر رأی اعتماد مجلس را با اخذ آراء علنی و اکثریت مطلق نمایندگان بجز موارد فوق العاده ای که تشکیل مجلس ملی مقدور نیست تحصیل کرده باشد. (۱)

در صورتیکه در طی دوره قانون گزاری بعلت فوت یا کناره گیری و یا علل دیگر ادامه خدمت نخست وزیر مقدور نگردد همین تشریفات باستثنای مورد مذکور در ماده ۵۲ باید صورت گیرد.

هر بحرانی که در مدت پانزده روز پس از نصب وزراء در کابینه بروز کند برای اجراء ماده ۵۱ بحساب نمی آید.

ماده ۴۶- نخست وزیر و وزیرانی که توسط او انتخاب شده اند بوسیله فرمان رئیس جمهور منصوب میشوند.

ماده ۴۷- نخست وزیر اجرای قوانین را تأمین نموده و حق نصب کلیه مأمورین کشوری و نظامی را باستثنای موارد مندرج در مواد ۳۰ و ۴۶ و ۸۴ دارد. اداره نیروهای مسلح و ترتیب تأمین دفاع ملی بانخست وزیر است.

۱- نظر باصلاحاتی که در دسامبر سال ۱۹۵۴ در قانون اساسی بعمل آمد نخست وزیر تعیین شده از طرف رئیس جمهور ابتدا اعضاء کابینه خود را انتخاب کرده سپس بامعرفی آنها از مجلس ملی رأی اعتماد میخواهد.

او امریکه در این موارد بوسیله نخست وزیر صادر میگردد باید بامضاء وزراء مربوطه نیز رسیده باشد .

ماده ۴۸- وزراء از لحاظ سیاست عمومی کابینه مشترکاً و از نظر اعمال شخصی خود هر يك منفرداً در مقابل مجلس ملی مسئول میباشند ولی در برابر شورای جمهوری مسئولیتی ندارند .

ماده ۴۹- تقاضای رأی اعتماد بدون مشاوره با هیئت وزیران قابل طرح نمیباشد و فقط نخست وزیر حق تقاضای رأی اعتماد دارد .

بین طرح تقاضای رأی اعتماد و رأی مجلس باید یکروز فاصله شود . اخذ رأی اعتماد باید علنی صورت گیرد . رأی عدم اعتماد بهیئت دولت فقط با اکثریت مطلق آراء نمایندگان مجلس عملی خواهد بود .

رأی عدم اعتماد منتج باستعفای دسته جمعی وزراء میشود .

ماده ۵۰- رأی مجلس ملی مبنی بر عیب جوئی و سرزنش وزراء منتهی بکناره گیری دسته جمعی اعضاء کابینه میشود .

رأی مجلس ملی در این مورد باید در فاصله يك روز پس از طرح پیشنهاد تو بیخ اظهار شود و باید علنی باشد .

تصویب پیشنهاد مذکور فقط با اکثریت مطلق نمایندگان مجلس امکان پذیر است .

ماده ۵۱- اگر در خلال مدت ۱۸ ماه متوالی با شرایط پیش بینی شده در مواد

۴۹ و ۵۰ دو بار هیئت وزراء دستخوش بحران گردد با اطلاع رئیس مجلس ملی شورای وزیران میتواند نسبت بانحلال مجلس ملی تصمیم بگیرد . بر طبق این تصمیم انحلال مجلس بوسیله فرمان رئیس جمهور اعلام خواهد شد . مقررات مذکور در این ماده فقط بعد از انقضاء ۱۸ ماه اولیه دوره تقنینیه قابل اجرا میباشد .

ماده ۵۲- در صورت انحلال مجلس اعضاء هیئت دولت باستثناء نخست وزیر و وزیر کشور برای انجام امور جاریه بسمت خود باقی میمانند .

رئیس جمهور رئیس مجلس ملی منحل شده را بر بابت دولت تعیین مینماید . مشارالیه

باجلب موافقت هیئت رئیسه مجلس ملی وزیر جدید کشور را انتخاب مینماید و وزراء مشاور نیز بوسیله نخست وزیر از میان نمایندگان احزاب پارلمانی که در هیئت دولت اخیر نماینده‌ای نداشته‌اند تعیین میگردند .

انتخابات عمومی حداقل مدت ۲۰ روز و حداکثر سی روز پس از انحلال مجلس ملی بعمل می‌آید . مجلس ملی در سومین پنجشنبه پس از انتخابات رسماً تشکیل میشود ماده ۵۳ - وزراء بامجلسین و کمیسیونهای مربوطه آنها تماس دارند و هر موقع که تقاضا کنند مجلسین و کمیسیونها باید اظهارات آنان را استماع کنند . وزراء می‌توانند در مذاکراتی که در مجالس مقننه بعمل می‌آید کمیسرهائی که بفرمان رئیس جمهور منصوب میگردند بعنوان معاون همراه داشته باشند . ماده ۵۴ - نخست وزیر میتواند اختیارات خود را بعنوان نماینده یکی از وزراء تفویض کند .

ماده ۵۵ - در صورت فوت یا بهر علت دیگری که در نتیجه آن رئیس دولت قادر بانجام خدمت نباشد شورای وزیران یکی از اعضاء خود را موقتاً مأمور انجام وظایف او مینماید .

فصل هفتم

مسئولیت جزائی وزراء

ماده ۵۶ - وزراء بمناسبت جنایات و جنحه‌هائی که در ضمن انجام وظایف خود مرتکب شوند مسئولیت جزائی دارند .

ماده ۵۷ - وزراء ممکن است از طرف مجلس - مورد اعلام جرم واقع و در دیوان عالی دادگستری محاکمه شوند .

مجلس ملی با آراء مخفی و اکثریت مطلق اعضای خود باستثناء آنها که برای شرکت در امر تعقیب دعوت شده‌اند نسبت به تعقیب یا محاکمه امر خواهد داد .

ماده ۵۸ - اعضاء دیوان عالی دادگستری در ابتداء هر دوره تقنینیه از طرف

مجلس ملی انتخاب خواهند شد .

ماده ۵۹- سازمان و آیین دادرسی دیوان عالی دادگستری بوسیله قانون مخصوصی معین میگردد .

فصل هشتم

اتحادیه فرانسه

قسمت اول

اساس و مبانی

ماده ۶۰- اتحادیه فرانسه مرکب است از طرفی از جمهوری فرانسه که شامل فرانسه مرکزی (۱) و ایالات و سرزمین های ماوراء دریاها می باشد و از طرف دیگر از سرزمین ها و کشورهای متحده .

ماده ۶۱- موقعیت هر يك از دول متحد در اتحادیه فرانسه بوسیله سندی که مناسبات آن دولت را با فرانسه تشریح میکند معین میشود .

ماده ۶۲- اعضاء اتحادیه فرانسه کلیه وسائل ممکنه را برای تضمین دفاع مشترك از تمامی اتحادیه بکار خواهند برد .

تنظیم این وسائل و اداره سیاست مناسب برای تهیه و تأمین این دفاع برعهده دولت جمهوری فرانسه خواهد بود .

قسمت دوم

سازمان

ماده ۶۳- مقامات مرکزی اتحادیه فرانسه عبارتند از ریاست جمهوری، شورای عالی و مجمع عمومی .

ماده ۶۴- رئیس جمهور فرانسه رئیس اتحادیه فرانسه و نماینده منافع دائمی او است .

ماده ۶۵- شورای عالی اتحادیه فرانسه تحت ریاست رئیس اتحادیه از هیئت

نمایندگی حکومت فرانسه و نمایندگان که هر يك از دول متحد میتواند در نزد ریاست اتحادیه بفرستد تشکیل میگردد .

وظیفه شورای مزبور عبارت از کمک و همکاری بادولت در تمشیت عمومیه اتحادیه میباشد .

ماده ۶۶- نصف اعضاء مجمع اتحادیه فرانسه را نمایندگان دولت مرکزی فرانسه و نصف دیگر را نمایندگان ایالات و سرزمین های ماوراء دریاها و دول متحده تشکیل میدهند يك قانون سازمانی شرایطی را که برطبق آن قسمتهای مختلف جمعیت میتوانند نمایندند به مجمع اتحادیه بفرستند معین خواهد نمود .

ماده ۶۷- اعضاء مربوط به ایالات و سرزمینهای ماوراء بحار در مجمع اتحادیه بوسیله مجالس محلی انتخاب میشوند . دو نلث اعضاء مربوط بدولت مرکزی فرانسه در مجمع مذکور از طرف نمایندگان مجلس ملی که منتخب از طرف مردم فرانسه مرکزی باشند و يك نلث دیگر توسط نمایندگان فرانسه مرکزی در شورای جمهوری انتخاب میشوند .

ماده ۶۸- دول متحد میتوانند نمایندگان خود در مجمع اتحادیه را طبق حدود و شرائطی که بوسیله يك قانون و يك سند داخلی هر دولت تعیین خواهد شد انتخاب نمایند .
ماده ۶۹- رئیس اتحادیه فرانسه مجمع اتحادیه فرانسه را برای مذاکرات دعوت نموده و ختم جلسات را اعلام میدارد . دعوت مجمع اتحادیه بایستی بنا بدخواست نیمی از اعضاء آن صورت گیرد .

مجمع اتحادیه فرانسه در موقع تعطیل اجلاسات پارلمان نمیتواند تشکیل شود .
ماده ۷۰- مقررات مواد ۸ و ۱۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ در تحت همان شرایطی که در شورای جمهوری اجراء میگردد در مورد مجمع اتحادیه فرانسه نیز قابل اجراء است .
ماده ۷۱- مجمع اتحادیه فرانسه از لواجیح و طرح هایی که برای اظهار نظر از طرف مجلس ملی یا حکومت جمهوری فرانسه و یا حکومت های دول متحده احواله شده اطلاع حاصل مینماید .

مجمع اتحادیه صلاحیت دارد که در مورد پیشنهادهایی که بوسیله یکی از اعضا، داده میشود اظهار نظر کرده و در صورتیکه پیشنهاد های مذکور را مورد توجه قرار دهد هیئت رئیسه خود را مأمور کند که آن پیشنهادها را بمجلس ملی ارسال دارد . مجمع اتحادیه میتواند پیشنهاد هایی بحکومت فرانسه و به شورای عالی اتحادیه فرانسه تسلیم نماید .

پیشنهاد های مذکور در ماده قبل برای آنکه پذیرفته شود باید باقانون راجع بسرمینهای ماوراء بهار مربوط باشد.

ماده ۷۲ - در سرمینهای ماوراء دریا اختیار وضع قوانین راجع بامور جزائی و رژیم آزادیهای عمومی وتشکیلات سیاسی واداری در صلاحیت پارلمان میباشد. در تمام موارد دیگر قانون فرانسه در سرمین های ماوراء بحار غیر قابل اجرا است مگر اینکه در اینمورد مقررات صریحی وضع شود و یا اینکه بااطلاع مجمع اتحادیه وبموجب فرمان قلمرو اجرائی قانون بسرمین های مذکور بسط داده شود. گذشته از این استثنائاً وبدون توجه به ماده ۱۳ رئیس جمهور میتواند باطرح در شورای وزیران وباطلاع قبلی مجمع اتحادیه مقرراتی مخصوص سرمین های ماوراء بحار بصورت قانون منتشر کند.

تقسیمات سرزمین

ایالات و سرمینهای ماوراء بحار

ماده ۷۳ - بجز مواردیکه قانون استثنا کرده است رژیم مربوط بایالات ماوراء بحار مانند رژیم ایالات فرانسه میباشد .

ماده ۷۴ - سرمین های ماوراء بحار دارای اساسنامه مخصوصی هستند که با در نظر گرفتن منافع خاصه آنها در ضمن منافع کلی جمهوری تدوین میگردد . این اساسنامه وهمچنین سازمان داخلی هر یک از سرمینهای ماوراء بحار یا هر دسته از این سرمین ها پس از جلب نظر مجمع اتحادیه فرانسه ومشورت بامجامع محلی بوسیله قانون معین میشود .

ماده ۷۵ - اساسنامه های مربوط باعضای جمهوری و اعضای اتحادیه فرانسه

قابل تغییر میباشد .

تغییرات اساسنامه و نقل از يك طبقه به طبقه دیگر در حدود مقررات ماده ۶۰ فقط وقتی صورت پذیر خواهد بود که پارلمان پس از مشورت با مجامع محلی و مجمع اتحادیه آنرا بصورت قانون مورد تصویب قرار دهد .

ماده ۷۶- نماینده دولت مرکزی در هر زمین یا هر دسته‌ای از سرزمین‌ها واجد اختیارات دولت جمهوری میباشد .

ریاست قلمرو مأموریت برعهده او بوده و نسبت با عملی که انجام میدهد در مقابل حکومت مرکزی مسئولیت دارد .

ماده ۷۷- در هر سرزمین يك مجلس منتخبه تأسیس میشود . طرز انتخاب، تشکیلات و صلاحیت این مجلس بوسیله قانون معین میگردد .

ماده ۷۸- در هر دسته از سرزمین‌ها اداره منافع عمومی و اجتماعی و اگذار میشود که اعضای آن بوسیله مجامع محلی انتخاب شده‌اند .

طرز تشکیل و اختیارات مجمع مزبور بوسیله قانون تعیین میگردد .

ماده ۷۹- سرزمینهای ماورا بحار در حدود شرایطی که بوسیله قانون مقرر میشود نمایندگان خود را در مجلس ملی و شورای جمهوری انتخاب میکنند .

ماده ۸۰- کلیه اتباع سرزمین‌های ماورا بحار دارای همان مزایا و وظائفی هستند که فرانسویان در خود فرانسه و یا در سرزمینهای ماورا بحار دارا میباشدند . شرایط اعمال این حقوق و وظائف بوسیله قوانین مخصوصی معین خواهد شد .

ماده ۸۱- کلیه اهالی فرانسه و اتباع اتحادیه فرانسه فرانسوی محسوب شده و از حقوق و آزادیهای که در مقدمه این قانون اساسی تضمین شده بهره‌مند میگردند

ماده ۸۲- افرادی از اتحادیه فرانسه که موقعیت مدنی (۱) فرانسوی را ندارند موقعیت مدنی خود را مادام که از آن عدول نکنند حفظ خواهند نمود .

چنین موقعیتی بهیچوجه نمیتواند موجب نفی یا تحدید حقوق و آزادیهای که وابسته بصفت «فرانسوی بودن» است بشود .

فصل نهم

شورای عالی قضائی

ماده ۸۳- شورای عالی قضائی از چهارده عضو بشرح زیر تشکیل میشود :

رئیس جمهور رئیس شورا

مهردار و وزیر داد گستری نایب رئیس

شش عضو که برای مدت شش سال با کثرت ثلث آراء از طرف مجلس ملی و خارج از اعضاء آن مجلس انتخاب میشوند و شش نفر عضو علی البدل در تحت همین شرایط معین میگرددند .

شش عضو دیگر بطریق زیر تعیین میشوند :

چهار نفر قاضی که هر يك نماینده یکی از طبقات قضات خواهد بود در حدود شرایط مقرر قانونی برای مدت شش سال و چهار عضو علی البدل نیز بهمین ترتیب انتخاب میشوند .

دو عضو دیگر که برای مدت شش سال از طرف رئیس جمهور و خارج از اعضاء پارلمان و قضات لیکن از میان صاحبان مشاغل قضائی انتخاب میشوند و دو نفر عضو علی البدل نیز تحت شرایط مذکور انتخاب میگرددند .

تصمیمات شورای عالی قضائی با اکثریت آراء اتخاذ میشود و در صورت تساوی آراء موافق و مخالف رأی رئیس جمهور ارجح خواهد بود .

ماده ۸۴ - باستثناء اعضاء دادسرا قضات را رئیس جمهور بنا به پیشنهاد شورای عالی قضائی منصوب مینماید .

شورای عالی قضائی بر طبق قانون انضباط و استقالات قضات و حسن اداره محاکم قضائی را تأمین میکند . قضات غیر قابل تغییر میباشدند .

فصل دهم

هیئت های محلی

ماده ۸۵- جمهوری فرانسه واحد غیر قابل تجزیه ای است که موجودیت هیئت های

مجلسی را می‌شناسد. این هیئت‌ها عبارتند از بلوکات و ایالات و سرزمینهای ماوراءبحار. ماده ۸۶- حدود، وسعت، جمع عایدات متفرقه و سازمان بلوکات و ایالات و سرزمینهای ماوراء بحار بوسیله قانون تعیین میشود.

ماده ۸۷- هیئت‌های محلی بوسیله شوراهائی که با آراء عمومی انتخاب میشوند آزادانه خود را اداره میکنند. اجرای تصمیمات شوراهای مذکور بوسیله بخشدار یا رئیس شورای مربوطه تأمین میشود.

ماده ۸۸- هم‌آهنگی فعالیت مستخدمین دولت، نمایندگی منافع ملی و نظارت اداری هیئت‌های محلی در هر يك از ایالات بوسیله نمایندگانی که از طرف شورای وزیران تعیین میشوند تأمین میگردد.

ماده ۸۹- قوانین عادی آزادیهای متعلق بایالات و شهرداریه‌ها را توسعه خواهند داد و میتوانند برای بعضی از شهرهای بزرگ دستورالعمل‌ها و تشکیلاتی مغایر با بلوکات کوچک وضع کنند و نیز میتوانند متضمن مقررات خصوصی برای بعضی ایالات باشند همچنین قوانین مذکوره شرایط اجرای مواد ۸۵ تا ۸۸ فوق‌الاشعار را تعیین خواهند کرد.

قوانین همچنین شرایطی را که در تحت آن کارمندان محلی ادارات مرکزی خدمت خواهند نمود از لحاظ نزدیک کردن طرز اداره امور معین خواهند کرد.

فصل یازدهم

تجدید نظر در قانون اساسی

ماده ۹۰- تجدید نظر در قانون اساسی طبق مقررات ذیل بعمل می‌آید. مجلس ملی بوسیله اکثریت مطلق اعضاء تشکیل دهنده خود ازوم تجدید نظر را تصویب و مواد مورد تجدید نظر را معین مینماید. حداقل پس از سه ماه مسئله تجدید نظر مجدداً از طرف مجلس ملی مطرح میشود تا در تحت همان شرائطی که در دفعه اول عمل شده است یکبار دیگر نسبت بآن تصمیم گرفته شود مگر اینکه قبلاً نظر

شورای جمهوری در این خصوص از طرف مجلس ملی استعلام شده و شورای مزبور تصمیم مجلس ملی را عیناً و با اکثریت مطلق تصویب کرده باشد.

پس از طرح مجدد تصمیم مذکور مجلس ملی طرح تجدید نظر در قانون اساسی را تنظیم می‌نماید. این طرح پارلمان تقدیم و طبق تشریفات و با اکثریت پیش بینی شده برای يك قانون معمولی بتصویب خواهد رسید.

تصمیم پارلمان به عرض آراء عمومی گذارده میشود مگر اینکه مجلس ملی با اکثریت دوثلث آراء اعضا خود و یا هر يك از مجلسین با اکثریت سه پنجم آراء اعضا خود قبلاً نسبت بآن رأی داده باشند.

طرح مذکور مانند قانون اساسی در ظرف هشت روز پس از تصویب توسط رئیس جمهور توشیح میشود.

هیچگونه تجدید نظر در قانون اساسی که مربوط به وجودیت شورای جمهوری باشد بدون موافقت شورای مزبور و یا بدون مراجعه بآراء عمومی امکان پذیر نیست. ماده ۹۱- کمیته قانون اساسی که بریاست رئیس جمهور تشکیل میشود مرکب است از رئیس مجلس ملی رئیس شورای جمهوری و هفت عضو که بوسیله مجلس ملی در ابتدای هر دوره اجلاس به نمایندگی دستجات پارلمانی و خارج از اعضا مجلس و سه عضو دیگر که در تحت همین شرایط توسط شورای جمهوری انتخاب میشوند. کمیته قانون اساسی بررسی خواهد کرد که آیا قوانین مصوبه مجلس ملی تجدید نظر در قانون اساسی را ایجاب میکند یا نه.

ماده ۹۲- کمیته نامبرده در خلال مدت توشیح قانون بتقاضای مشترک رئیس جمهور و رئیس شورای جمهوری با تصویب اکثریت مطلق اعضای تشکیل دهنده خود قانون را مورد رسیدگی قرار میدهد. این کمیته قانون را مورد بررسی قرار داده میکوشد تا بین مجلس ملی و شورای جمهوری ایجاد توافق نماید. و اگر باین منظور نائل نگردد ظرف پنج روز نظر خود را اظهار خواهد نمود. این مدت در موارد فوری بدور روز تقلیل می یابد.

صلاحیت این کمیته فقط محدود است باظهار نظر در باب امکان تجدید نظر در فصول اول الی دهم این قانون اساسی .

ماده ۹۳- قانونی که بنا به تشخیص کمیته مزبور تجدید نظر در قانون اساسی را ایجاب مینماید به مجلس ملی اعاده میشود تا بار دیگر مورد بررسی و شور قرار گیرد چنانچه پارلمان بر رأی سابق خود باقی بماند قانون بموقع اجرا گذاشته نخواهد شد مگر بعد از آنکه قانون اساسی طبق شرائط و ترتیبات مقرر در ماده ۹۰ مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد .

اگر کمیته تشخیص داد که قانون مصوب پارلمان با فصول اول الی دهم قانون اساسی موافقت دارد قانون مزبور ظرف مهلت مقرر در ماده ۳۶ و با رعایت مهلت اضافی مقرر در ماده ۹۲ بموقع اجرا در خواهد آمد .

ماده ۹۴- در مواقعی که تمام یا قسمتی از خاک فرانسه تحت اشغال قوای خارجی باشد هیچگونه تجدید نظری در قانون اساسی قابل طرح و تعقیب نخواهد بود .

ماده ۹۵- شکل جمهوری حکومت نمی تواند مورد پیشنهاد تجدید نظر قرار گیرد

فصل دوازدهم

مقررات هوقتی

ماده ۹۶- هیئت رئیسه مجلس ملی مؤسسان موظف است که ادامه نمایندگی ملت را تا تشکیل مجلس ملی جدید تأمین نماید .

ماده ۹۷- در شرائط و احوال استثنائی نمایندگان حاضر در مجلس ملی مؤسسان میتوانند تا تاریخ پیش بینی شده در ماده قبل خواه به پیشنهاد هیئت رئیسه آن مجلس و خواه بتقاضای دولت از طرف هیئت رئیسه مجلس مزبور برای انعقاد مجلس دعوت گردند .

ماده ۹۸- مجلس ملی با اقتدارات کامل در سومین پنجشنبه بعد از انتخابات عمومی انعقاد می یابد . شورای جمهوری در سومین سه شنبه بعد از انتخابات تشکیل

خواهد یافت و این قانون اساسی از این تاریخ بموقع اجراء گذاشته میشود .

تا انعقاد شورای جمهوری سازمان قوای عمومی طبق مقررات قانون مورخ ۲ نوامبر ۱۹۴۵ اداره خواهد شد . مجلس ملی وارث اختیاراتی خواهد بود که بموجب این قانون به مجلس ملی مؤسسان اعطاء شده است .

ماده ۹۹- حکومت موقتی که بر طبق ماده ۹۸ بوجود آمده است بمحض انتخاب ریاست جمهور بر وفق شرایط مقرر در ماده ۲۹ فوق الاشعار استعفای خود را بوسیله تقدیم خواهد نمود .

ماده ۱۰۰- هیئت رئیسه مجلس ملی مؤسسان موظف است مقدمات تشکیل مجالس را که در این قانون اساسی پیش بینی شده است فراهم ساخته و مخصوصاً قبل از انتخاب هیئتهای رئیسه مجالس مزبور محل و لوازم اداری کار آنها را تأمین و تهیه نماید .

ماده ۱۰۱- در ظرف حداکثر یکسال از تاریخ انعقاد مجلس ملی شورای جمهوری خواهد توانست بمحض انتخاب دولت اعضای خود قانوناً شروع بکار نماید .
ماده ۱۰۲- در ظرف اولین سال پس از تجدید انجمنهای شهری که ظرف مدت یکسال از تاریخ اجرای این قانون اساسی صورت عمل بخود خواهد گرفت کلیه اعضای شورای جمهوری تجدید خواهد شد .

ماده ۱۰۳- تا تشکیل شورای اقتصادی و ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ انعقاد مجلس ملی اجرای ماده ۲۵ این قانون اساسی بتعویق خواهد افتاد .

ماده ۱۰۴- تا تشکیل مجمع اتحادیه فرانسه و ظرف حداکثر یکسال از تاریخ انعقاد مجلس ملی اجرای مواد ۷۱ و ۷۲ این قانون اساسی معلق خواهد ماند .

ماده ۱۰۵- تا زمان توشیح و اجرای قوانین پیش بینی شده در ماده ۸۹ این قانون اساسی و با رعایت مقرراتیکه حدود و شرائط بعضی از ایالات و سرزمینهای ماوراء بحار را تعیین مینماید ایالات و بلوکات جمهوری فرانسه بر طبق قوانین جاریه اداره خواهد شد جز آنچه راجع است بشقوق ۳۲ و ۳۳ از ماده ۹۷ قانون پنجم آوریل

۱۸۸۴ که برای اجرای آنها پلیس مملکتی در اختیار شهردار گذاشته خواهد شد .
 معذلك تصمیمات و اعمالی که استاندار بعنوان نماینده يك ایالت اتخاذ و انجام
 خواهد داد تحت نظارت دائم رئیس مجمع ایالتی صورت خواهد گرفت .
 مقررات عبارت اخیر در مورد ایالت سن (۱) قابل اجراء نخواهد بود .
 ماده ۱۰۶- این قانون اساسی ظرف دوروز پس از اعلام نتایج رفتار دوم و تحت
 «فورمول» های زیر توسط رئیس حکومت موقتی توشیح خواهد یافت .
 رئیس حکومت موقتی جمهوری قانون اساسی را که مجلس ملی مؤسسان وضع
 نموده و ملت فرانسه تصویب کرده و متن آن بقرار زیر است توشیح مینماید .

فهرست مندرجات

قسمت اول

تشکیلات سیاسی فرانسه از دوره قبل از انقلاب کبیر تا سقوط ناپلئون اول

فصل اول

دوره قبل از انقلاب

صفحه

۱	۱- پادشاه و وزرای او
۳	۲- مجالس طبقاتی و مجالس رجال
۷	۳- پارلمان
۱۲	۴- شورای پادشاهی و شورای عالی
۱۴	۵- مقامات ایالتی

فصل دوم

انقلاب ۱۷۸۹ و قانون اساسی ۱۷۹۱

۱۸	۱- علل و جهات انقلاب کبیر
۲۴	۲- اعلامیه حقوق بشر
۲۶	۳- هیئت تقنینیه
۲۹	۴- سلطنت - ولایت عهد - نیابت سلطنت - قیمومت

فصل سوم

قانون اساسی ۲۴ ژوئن ۱۷۹۳

۳۵	۱- هیئت تقنینیه - شورای اجرائیه
	۲- تقسیمات کشور - تشکیلات قضائی - امور مالی - نیروی نظامی - تجدید
۳۹	نظر در قانون اساسی - حقوق بشر

فصل چهارم

قانون اساسی ۱۳۲۱ اوت ۱۷۹۵

- ۱- جریان تنظیم و تصویب قانون اساسی ۱۷۹۵ ۴۲
- ۲- اعلامیه حقوق و تکالیف بشر ۴۴
- ۳- هیئت قانون گذاری ۴۷
- ۴- قوه مجریه ۵۰
- ۵- قوه قضائیه ۵۱
- ۶- تجدید نظر در قانون اساسی ۵۴

فصل پنجم

قانون اساسی ۱۳ دسامبر ۱۷۹۹

- ۱- کلیات ۵۵
- ۲- حقوق سیاسی افراد ۶۱
- ۳- سنای نگهبان ۶۲
- ۴- پارلمان ۶۴
- ۵- قوه مجریه ۶۵
- ۶- تشکیلات قضائی ۶۷
- ۷- مقررات کلی ۶۹

فصل ششم

قانون اساسی ۱۸۰۲ (سال دهم جمهوری)

- ۱- طرد مخالفین دولت از مجالس و انتخاب ناپلئون ۷۱
- بسمت کنسول مادام العمر
- ۲- مجامع انتخاباتی ۷۳
- ۳- کنسولها ۷۵

۴- سنا - شورای خصوصی - شورای دولتی - تریبونا
هیئت قانون گزاری - دیوان کشور

۷۷

فصل هفتم

قانون اساسی ۱۸۰۴ (سال دوازدهم جمهوری)

- ۱- تفویض مقام امپراطوری به ناپلئون بوناپارت و تصویب قانون اساسی جدید ۸۰
- ۲- ولایت عهد - نیابت سلطنت - قیمومت امپراطور صغیر ۸۱
- ۳- سنا - شورای دولتی - هیئت تقنینیه - مجلس تریبونا ۸۳

قسمت دوم

تشکیلات سیاسی فرانسه از سال ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۰

فصل اول

قانون اساسی ۱۸۱۴

- ۱- سقوط ناپلئون - بازگشت خاندان «بوربون» - قانون اساسی جدید ۸۸
- ۲- پادشاه و وزراء ۹۳
- ۳- مجالس مقننه ۹۴

فصل دوم

قانون اساسی ۲۲ آوریل ۱۸۱۵

- ۱- بازگشت ناپلئون به فرانسه و تصویب قانون اساسی جدید ۹۷
- ۲- مجلس اعیان و مجلس مبعوثان ۱۰۰
- ۳- محاکم - حقوق افراد ۱۰۲

فصل سوم

انقلاب ماه ژوئیه ۱۸۳۰ و تغییر منشور اعطائی

- ۱- علل انقلاب - خلع شارل دهم - انتخاب لومی دورلئان ۱۰۵
- ۲- پادشاه و وزراء ۱۰۸
- ۳- مجلس اعیان - مجلس مبعوثان ۱۱۱
- ۴- قوه قضائیه - حقوق عمومی افراد ۱۱۴

فصل چهارم

انقلاب ۱۸۴۸ و اعلام حکومت جمهوری

- ۱- جریان انقلاب - تشکیل حکومت موقت - قانون اساسی جدید ۱۱۶
- ۲- اصول کلی - وظائف و حقوق مردم ۱۱۹
- ۲ مکرر) مجلس ملی ۱۲۲
- ۳- ریاست جمهوری - وزراء - شورای دولتی - تقسیمات کشور ۱۲۵
- ۴- محاکم - تجدید نظر در قانون اساسی ۱۲۸

فصل پنجم

کودتای ۱۸۵۱ و قانون اساسی ۱۸۵۲

- ۱- کودتا - رفراندوم - قانون اساسی جدید ۱۳۱
- ۲- ریاست جمهوری - وزراء ۱۳۳
- ۳- هیئت قانونگزاری - سنا ۱۳۵
- ۴- دیوان عالی دادگستری ۱۳۹
- ۵- تبدیل رژیم جمهوری به حکومت سلطنتی - دوره اصلاحات ۱۴۰

فصل ششم

قوانین اساسی ۱۸۷۵

- ۱- تغییر رژیم - تشکیل حکومت موقت - تصویب قوانین اساسی جدید ۱۴۳
- ۲- ریاست جمهوری ۱۴۹
- ۳- وزراء ۱۵۴
- ۴- سنا ۱۵۶
- ۵- مجلس مبعوثان ۱۶۰
- ۶- مقررات مربوط به مجلس نمایندگان و مجلس سنا ۱۶۵

قسمت سوم

تحولات سیاسی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۶

قانون اساسی کنونی فرانسه

فصل اول

فعالیت انتخاباتی داوطلبان نمایندگی شورای جمهوری
اعلام نامزدی
کیفیت استخراج و شمارش آراء و تشخیص انتخاب شدگان

فصل هفتم

- مصونیت‌های پارلمانی - مقرری نمایندگان - رسیدگی باعتبار نامه ها
۲۲۰ ۱- آزادی نطق و رأی - مصونیت از تعرض
۲۲۲ ۲- مقرری نمایندگان مجالس مقننه
۲۲۳ ۳- رسیدگی باعتبار نامه‌های نمایندگان

فصل هشتم

تشکیلات داخلی و طرز کار پارلمان

- ۲۲۶ ۱- جلسات مجالس
۲۳۰ ۲- آئین نامه داخلی مجالس قانونگذاری
۲۳۲ ۳- هیئت رئیسه- رئیس مجالس
۲۳۴ ۴- دستجات پارلمانی
۲۳۴ ۵- کمیسیونها

فصل نهم

قوه مجریه

- ۲۳۸ ۱- رئیس جمهور
۲۴۳ ۲- نخست وزیر- وزراء - هیئت وزیران

فصل دهم

رژیم قانونگذاری

- ۲۴۹ ۱- پیشنهاد قانون
۲۵۰ ۲- شورای اقتصادی و مجمع اتحاد فرانسه
۲۵۱ ۳- نقش شورای جمهوری در امر قانونگذاری
۲۵۳ ۴- قانون بودجه و قوانین مالی
۲۵۶ ۵- توشیح قانون

فصل یازدهم

روابط قوه مجریه با قوه قضائیه

- ۲۶۰ - ۱- مسئولیت وزراء
 ۲۶۳ - ۲- انحلال مجلس ملی

فصل دوازدهم

دادگستری سیاسی

- ۲۶۷ - ۱- دیوان عالی دادرسی
 ۲۶۹ - ۲- اعلام جرم و تعقیب متهمین
 ۲۷۱ - ۳- دادرسی و حکم محکومین

۲۷۳

متن قانون اساسی ۱۹۴۶

فہرست نامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۱	۲۲	عصبائیت	عصبانیت
۲۰	۱	در تجارت	تجارت
۲۰	۹	ژان شاك روسو	ژان ژاك روسو
۵۶	۱۴	بوناپارات	بناپارت
۵۸	۱	دیر کتوار	دیر کتوآر
۵۹	۱۷ و ۴	بوناپارات	بناپارت
۸۱	۱۱	سنانورها	سناتورها
۱۲۲	۹	مبحث دوم	مبحث دوم مکرر
۱۴۱	۵	ناپلیون	ناپلئون
۲۰۱	۱۷	ناپزیر	ناپذیر
۲۴۴	۶	مأموریتی	مأمورینی
۲۵۲	۱۳	جمہری	جمہوری
۲۵۵	۷	نمیتوانند	نمیتوانند
۲۵۵	۱۱	مسنقل	مستقل
۲۵۶	۹	آرا	میتوان آرا
۲۶۳	۱۰	نادرست	نادر است
۲۶۴	۱۴	باین	باید
۲۷۵	۸	قصری	قشری
۲۷۵	۱۷	La Marseillase	La Marseillaise
۲۸۰	۹	مبانع	منابع
۲۸۱	(اصل پنجم کہ موضوع ریاست جمہور میباشد ذکر نشده است)		
۲۹۰	۱۷	ارجع	ارجح

انتشارات دانشگاه تهران

- ۱ - وراثت (۱) تألیف دکتر عزت‌الله خیبری
- ۲ - A Strain Theory of Matter « « محمود حسابی
- ۳ - آراء فلاسفه درباره عادت ترجمه « برزو سپهری
- ۴ - کالبدشناسی هنری تألیف « نعمت‌الله کیهانی
- ۵ - تاریخ بیهقی جلد دوم بتصحیح سعید نفیسی
- ۶ - بیماریهای دندان تألیف دکتر محمود سیاسی
- ۷ - بهداشت و بازرسی خوراکیها « « سرهنگ شمس
- ۸ - حماسه سرانی در ایران « « ذبیح‌الله صفا
- ۹ - مز دیسناو تأثیر آن در ادبیات پارسی « « محمد مدین
- ۱۰ - نقشه برداری جلد دوم « مهندس حسن شمسی
- ۱۱ - گیاه شناسی « حسین گل کلاب
- ۱۲ - اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی بتصحیح مدرس رضوی
- ۱۳ - تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول تألیف دکتر حسن ستوده تهرانی
- ۱۴ - روش تجزیه « « علی اکبر پرین
- ۱۵ - تاریخ افضل - بدایع الزمان فی وقایع کرمان فراهم آورده دکتر مهدی بیانی
- ۱۶ - حقوق اساسی تألیف دکتر قاسم زاده
- ۱۷ - فقه و تجارت « زین‌العابدین ذوالمجدین
- ۱۸ - راهنمای دانشگاه —
- ۱۹ - مقررات دانشگاه —
- ۲۰ - درختان جنگلی ایران « مهندس حبیب‌الله نابتی
- ۲۱ - راهنمای دانشگاه بانگلیسی —
- ۲۲ - راهنمای دانشگاه بفرانسه
- ۲۳ - Les Espaces Normaux
- ۲۴ - موسیقی دوره ساسانی
- ۲۵ - حماسه ملی ایران
- ۲۶ - زیست شناسی (۴) بحث در نظریه لامارک
- ۲۷ - هندسه تحلیلی
- ۲۸ - اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول
- ۲۹ - اصول گداز و استخراج فلزات « دوم
- ۳۰ - اصول گداز و استخراج فلزات « سوم

- ۳۱- ریاضیات در شیمی
۳۲- جنگل شناسی جلد اول
۳۳- اصول آموزش و پرورش
۳۴- فیزیولوژی گیاهی جلد اول
۳۵- جبر و آنالیز
۳۶- گزارش سفر هند
۳۷- تحقیق انتقادی در عروض فارسی
۳۸- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین
۳۹- واژه نامه طبری
۴۰- تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی
۴۱- تاریخ اسلام
۴۲- جانورشناسی عمومی
۴۳- Les Connexions Normales
۴۴- کالبد شناسی توصیفی (۱) - استخوان شناسی
۴۵- روان شناسی کودک
۴۶- اصول شیمی پزشکی
۴۷- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد اول
۴۸- اکوستیک (صوت) (۱) ارتعاشات - سرعت
۴۹- انگل شناسی
۵۰- نظریه توابع متغیر مختلط
۵۱- هندسه تریسمی و هندسه رقومی
۵۲- درس اللغة والادب (۱)
۵۳- جانور شناسی سیستماتیک
۵۴- پزشکی عملی
۵۵- روش تهیه مواد آلی
۵۶- مامائی
۵۷- فیزیولوژی گیاهی جلد دوم
۵۸- فلسفه آموزش و پرورش
۵۹- شیمی تجزیه
۶۰- شیمی عمومی
۶۱- امیل
۶۲- اصول علم اقتصاد
۶۳- مقاومت مصالح
۶۴- کشت گیاه حشره کش پیرتر
۶۵- آسیب شناسی
- نگارش دکتر هورم
« مرحوم مهندس کریم ساهی
« دکتر محمد باقر هوشیار
« « اسمعیل زاهدی
نگارش دکتر محمدعلی مجتهدی
« « غلامحسین صدیقی
« « پرویز نائل خانلری
« « مهدی بهرامی
« « صادق کیا
« « عیسی بهنام
« « دکتر فیاض
« « فاطمی
« « هشترودی
« دکتر امیراعلم - دکتر حکیم
دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینو
نگارش دکتر مهدی جلالی
« « آ. وارتانی
« « زین العابدین ذوالمجدین
« « دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
« « ناصر انصاری
« « افضل یور
« « احمد بیرشک
« « دکتر محمدی
« « آزر م
« « نجم آبادی
« « صفوی گلپایگانی
« « آهی
« « زاهدی
« « دکتر فتح الله امیر هوشمند
« « علی اکبر پریرین
« « مهندس سعیدی
ترجمه مرحوم غلامحسین زیرک زاده
تألیف دکتر محمود کیهان
« « مهندس گوهریان
« « مهندس میر دامادی
« « دکتر آرمین

تالیف دکتر کمال جناب
 « « « امیراعلم- دکتر حکیم-
 دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس
 تالیف دکتر عطائی
 « « «
 « « « مهندس حبیب الله ثابنی
 « « « دکتر گاکیک
 « « « علی اصغر پورهمایون
 بتمه صحیح مدرس رضوی
 —
 تالیف دکتر شیدفر
 « « « حسن ستوده تهرانی
 « « « علمینی وزیری
 « « « دکتر روشن
 « « « جنیدی
 « « « میمنندی نواد
 « « « مرحوم مهندس ساعی
 « « « دکتر مجیر شیبانی
 —
 « « « محمود شهابی
 « « « دکتر غفاری
 « « « محمد سنگلجی
 « « « دکتر سپهبدی
 « « « علی اکبر سیاسی
 « « « حسن افشار
 تالیف دکتر سهراب- دکتر میردامادی
 « « « حسین گلز
 « « «
 « « « نعمت الله کیهانی
 « « « زین العابدین ذوالمجدین
 « « « دکتر امیراعلم- دکتر حکیم
 دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس
 « « «
 تالیف دکتر جمشیداعلم
 « « « کامکار پاریسی
 « « «
 « « « بیانی

۶۶- مکانیک فیزیک
 ۶۷- کالبدشناسی توصیفی (۴) - مفصل شناسی
 ۶۸- درمانشناسی جلد اول
 ۶۹- درمانشناسی « دوم
 ۷۰- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات
 ۷۱- شیمی آنالیتیک
 ۷۲- اقتصاد جلد اول
 ۷۳- دیوان سیدحسن غزنوی
 ۷۴- راهنمای دانشگاه
 ۷۵- اقتصاد اجتماعی
 ۷۶- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم
 ۷۷- زیبا شناسی
 ۷۸- تئوری سنتیک گازها
 ۷۹- کارآموزی داروسازی
 ۸۰- قوانین دامپزشکی
 ۸۱- جنگل شناسی جلد دوم
 ۸۲- استقلال آمریکا
 ۸۳- کنجکاوهای علمی و ادبی
 ۸۴- ادوار فقه
 ۸۵- دینامیک گازها
 ۸۶- آئین دادرسی در اسلام
 ۸۷- ادبیات فرانسه
 ۸۸- از سرین تا یونسکو- دو ماه در پاریس
 ۸۹- حقوق تطبیقی
 ۹۰- میکروپزشکی جلد اول
 ۹۱- میز راه جلد اول
 ۹۲- « « « دوم
 ۹۳- کالبد شکافی (تشریح علی دست و پا)
 ۹۴- ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم
 ۹۵- کالبد شناسی توصیفی (۴) - عضله شناسی
 ۹۶- « « « (۴) - رگ شناسی
 ۹۷- بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول
 ۹۸- هندسه تحلیلی
 ۹۹- جبر و آنالیز
 ۱۰۰- تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹-۱۶۶۰)

- ۱۰۱- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب
- ۱۰۲- تاریخ عقاید سیاسی
- ۱۰۳- آزمایش و تصفیه آبها
- ۱۰۴- هشت مقاله تاریخی و ادبی
- ۱۰۵- فیه مافیه
- ۱۰۶- جغرافیای اقتصادی جلد اول
- ۱۰۷- الکتريسته و موارد استعمال آن
- ۱۰۸- مبادلات انرژی در گیاه
- ۱۰۹- تلخیص البیان عن مجازات القرآن
- ۱۱۰- دو رساله - وضع الفاظ و قاعده لاضرر
- ۱۱۱- شیمی آلی جلد اول تئوری و اصول کلی
- ۱۱۲- شیمی آلی «ارسمالیک» جلد اول
- ۱۱۳- حکمت الهی عام و خاص
- ۱۱۴- امراض خلق و بینی و حنجره
- ۱۱۵- آنالیز ریاضی
- ۱۱۶- هندسه تحلیلی
- ۱۱۷- شکسته بندی جلد دوم
- ۱۱۸- باغبانی (۱) باغبانی عمومی
- ۱۱۹- اساس التوحید
- ۱۲۰- فیزیک پزشکی
- ۱۲۱- اکوستیک «صوت» (۲) مشخصات صوت - لوله - تار
- ۱۲۲- جراحی فوری اطفال
- ۱۲۲- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)
- ۱۲۴- چشم پزشکی جلد اول
- ۱۲۴- شیمی فیزیک
- ۱۲۶- بیماریهای گیاه
- ۱۲۷- بحث در مسائل پرورش اخلاقی
- ۱۲۸- اصول عقاید و کرائم اخلاق
- ۱۲۹- تاریخ کشاورزی
- ۱۳۰- کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
- ۱۳۱- امراض واگیر دام
- ۱۳۲- درس اللغة و الادب (۴)
- ۱۳۳- واژه نامه گرمسانی
- ۱۳۴- آتک باخته‌شناسی
- ۱۳۵- حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)
- ۱۳۶- عضله و زیبایی پلاستیک
- ۱۳۷- طیف جذبی و اشعه ایکس

- تألیف دکتر میر بابائی
- « « محسن عزیزی
- نگارش « محمد جواد جنیدی
- « نصرالله فلسفی
- « بدیع الزمان فروزانفر
- « دکتر محسن عزیزی
- « مهندس عبدالله ریاضی
- « دکتر اسماعیل زاهدی
- « سید محمد باقر سبزواری
- « محمود شهابی
- « دکتر عابدی
- « « شیخ
- نگارش مهدی قمشه
- « دکتر علیم مروستی
- « « منوچهر وصال
- « « احمد عقیلی
- « « امیر کیا
- « مهندس شیبانی
- « مهدی آشتیانی
- « دکتر فرهاد
- « « اسماعیل یگی
- « « مرعی
- « علینقی منزوی تهرانی
- « دکتر ضرابی
- « « بازرگان
- « « خبری
- « « سپهری
- « زین العابدین ذوالمجدین
- « دکتر تقی بهرامی
- « « حکیم و دکتر گنج بخش
- « « رستگار
- « « محمدی
- « « صادق کیا
- « « عزیز رفیعی
- « « قاسم زاده
- « « کیهانی
- « « فاضل زندی

- ۱۳۸- مصنفات افضل الدین کاشانی
 ۱۳۹- روان شناسی (از لحاظ تربیت)
 ۱۴۰- ترمودینامیک (۱)
 ۱۴۱- بهداشت روستائی
 ۱۴۲- زمین شناسی
 ۱۴۳- مکانیک عمومی
 ۱۴۴- فیزیولوژی جداول
 ۱۴۵- کالبدشناسی و فیزیولوژی
 ۱۴۶- تاریخ تمدن ساسانی جداول
 ۱۴۷- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول
 سلسله اعصاب محیطی
 ۱۴۸- کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم
 سلسله اعصاب مرکزی
 ۱۴۹- کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه
 ۱۵۰- هندسه عالی (گروه و هندسه)
 ۱۵۱- اندام شناسی گیاهان
 ۱۵۲- چشم پزشکی (۲)
 ۱۵۳- بهداشت شهری
 ۱۵۴- انشاء انگلیسی
 ۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۴)
 ۱۵۶- آسیب شناسی (کانکلیوت استلر)
 ۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی
 ۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری
 ۱۵۹- حشره شناسی
 ۱۶۰- نشانه شناسی (علم العلامات) جلد اول
 ۱۶۱- نشانه شناسی بیماریهای اعصاب
 ۱۶۲- آسیب شناسی عملی
 ۱۶۳- احتمالات و آمار
 ۱۶۴- الکتریکال صنعتی
 ۱۶۵- آئین دادرسی کیفری
 ۱۶۶- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)
 ۱۶۷- فیزیک (تابش)
 ۱۶۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)
 ۱۶۹- > > > > > (جلد سوم- قسمت اول) > > > > >
 > محمودشاهی
 > نصرالله فلسفی
 > بتصحیح سعید نفیسی
 > > >
 نکارش دکترا منوی و یحیی مهدوی
 > > علی اکبر سیاسی
 > مهندس بازرگان
 نکارش دکترا زوپین
 > > بدالله سعابی
 > > مجتبی ریاضی
 > > کاتوزیان
 > > نصرالله نیک نفس
 > سعید نفیسی
 > دکترا میراعلم- دکترا حکیم
 دکترا کیهانی- دکترا نجم آبادی- دکترا نیک نفس
 > > > >
 > > > >
 تألیف دکترا اسدالله آل بویه
 > > پارسا
 نکارش دکترا ضرابی
 > > اعتمادیان
 > بازارگادی
 > دکترا شیخ
 > > آرمن
 > > ذبیح الله صفا
 بتصحیح علی اصغر حکمت
 تألیف جلال افشار
 > دکترا محمدحسین میمنندی نژاد
 > > صادق صبا
 > > حسین رحمتیان
 > > مهدوی اردبیلی
 > > محمد مظفری زنگنه
 > > محمدعلی هدایتی
 > > علی اصغر پورهمایون
 > > روشن
 > علینقی منزوی
 > > > > > (جلد سوم- قسمت اول) > > > > >
 > محمودشاهی
 > نصرالله فلسفی
 > بتصحیح سعید نفیسی
 > > >
 ۱۷۰- رساله بودو نمود
 ۱۷۱- زندگانی شاه عباس اول
 ۱۷۲- تاریخ ییھقی (جلد سوم)
 ۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه

- ۱۷۴- تاریخ مصر (جلد اول)
تألیف احمد بهمنش
- ۱۷۵- آسیب‌شناسی آزرده‌گی سیستم رتیکولو آندوتلیال
دکتر آرمین
- ۱۷۶- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانیتیک
مرحوم زیرک‌زاده
- ۱۷۷- فیزیولوژی (طب عمومی)
نگارش دکتر مصباح
- ۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)
دکتر زندی
- ۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)
احمد بهمنش
- ۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب‌زمین
دکتر صدیق‌اعلم
- ۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم- قسمت دوم)
محدثقی دانش‌پژوه
- ۱۸۲- اصول فن کتابداری
دکتر محسن صبا
- ۱۸۳- رادیو الکتریسته
دکتر رحیمی
- ۱۸۴- پیوره
دکتر محمود سیاسی
- ۱۸۵- چهار رساله
محمد سنگلجی
- ۱۸۶- آسیب‌شناسی (جلد دوم)
دکتر آرمین
- ۱۸۷- یادداشت‌های مرحوم قزوینی
فراهم آورده آقای ایرج افشار
- ۱۸۸- استخوان‌شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)
تألیف دکتر میربابائی
- ۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)
دکتر مستوفی
- ۱۹۰- بیماری‌های واگیر (جلد اول)
دکتر غلامعلی ینش‌ور
- ۱۹۱- بتن فولادی (جلد اول)
مهندس خلیلی
- ۱۹۲- حساب جامع و فاضل
نگارش دکتر مجتهدی
- ۱۹۳- ترجمه مبدء و معاد
ترجمه آقای محمودشهبازی
- ۱۹۴- تاریخ ادبیات روسی
تألیف سعید نفیسی
- ۱۹۵- تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلد دوم)
دکتر د
- ۱۹۶- درمان تراخم با الکتروکوداگولاسیون
دکتر پرفسور شمس
- ۱۹۷- شیمی و فیزیک (جلد اول)
دکتر توسلی
- ۱۹۸- فیزیولوژی عمومی
دکتر شیبانی
- ۱۹۹- داروسازی جالینوسی
دکتر مقدم
- ۲۰۰- علم‌العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)
دکتر میندی نژاد
- ۲۰۱- استخوان‌شناسی (جلد اول)
دکتر نعمت‌اله کیهانی
- ۲۰۲- پیوره (جلد دوم)
دکتر محمود سیاسی
- ۲۰۳- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید
دکتر علی اکبر سیاسی
- ۲۰۴- قواعد فقه
دکتر آقای محمودشهبازی
- ۲۰۵- تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران
دکتر علی اکبرینا
- ۲۰۶- فهرست مصنفات ابن سینا
دکتر مهدوی
- ۲۰۷- مخارج الحروف
تصحیح و ترجمه دکتر پرویز ناتل خانلری
- ۲۰۸- عیون الحکمه
از ابن سینا - چاپ عکسی

۲۰۹- شیمی بیولوژی

۲۱۰- میکروبیشناسی (جلد دوم)

۲۱۱- حشرات زیان آور ایران

۲۱۲- هواشناسی

۲۱۳- حقوق مدنی

۲۱۴- ماحذ قصص و تمثیلات مثنوی

۲۱۵- مکانیک استدلالی

۲۱۶- ترمودینامیک (جلد دوم)

۲۱۸- گروه بندی و انتقال خون

۲۱۸- فیزیک، ترمودینامیک (جلد اول)

۲۱۹- روان پزشکی (جلد سوم)

۲۲۰- بیماریهای درونی (جلد اول)

۲۲۱- حالات عصبانی یا نورز

۲۲۲- کالبدشناسی توصیفی (۷)

(دستگاه گوارش)

۲۲۳- علم الاجتماع

۲۲۴- الهیات

۲۲۵- هیدرولیک عمومی

۲۲۶- شیمی عمومی معدنی فلزات (جلد اول)

۲۲۷- آسیب شناسی آزرده گیهای سورنال « غده فوق کلیوی »

۲۲۸- اصول الصرف

۲۲۹- سازمان فرهنگی ایران

۲۳۰- فیزیک، ترمودینامیک (جلد دوم)

۲۳۱- راهنمای دانشگاه

۲۳۲- مجموعه اصطلاحات علمی

۲۳۳- بهداشت غذایی (بهداشت نسل)

۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران

۲۳۵- ترجمه النهایه باتصحيح ومقدمه (۱)

۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)

۲۳۷- اصول تشریح چوب

۲۳۸- خون شناسی عملی (جلد اول)

۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی

۲۴۰- شیمی تجزیه

۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا

۲۴۲- پانزده گفتار

۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)

تألیف دکتر مافی

» آقایان دکتر سهراب-

دکتر میردامادی

» مهندس عباس دواجی

» دکتر محمد منجمی

» » سید حسن امامی

نگارش آقای فروزانفر

» پرفسور فاطمی

» مهندس بازرگان

» دکتر یحیی پوبا

» » روشن

» » میر سپاسی

» » میندی نژاد

ترجمه » چهارزی

تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم

دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیک نفس

تألیف دکتر مهدوی

» فاضل تونی

» مهندس ریاضی

تألیف دکتر فضل الله شیروانی

» » آرمن

» علی اکبر شهابی

تألیف دکتر علی کنی

نگارش دکتر روشن

-

-

نگارش دکتر فضل الله صدیق

» دکتر تقی بهرامی

» آقای سید محمد سبزواری

» دکتر مهدوی اردبیلی

» مهندس رضا حجازی

» دکتر رحمتیان دکتر شمس

» » بهمنش

» » شیروانی

» ضیاء الدین اسمعیل بیگم

» آقای مجتبی مینوی

» دکتر یحیی پوبا

- ۲۴۴- اقتصاد کشاورزی
- ۲۴۵- علم‌العلامات (جلد سوم)
- ۲۴۶- بتن آرمه (۲)
- ۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل
- ۲۴۸- فیزیولوژی گل ورده بندی تك لپه‌ایها
- ۲۴۹- تاریخ زنده
- ۲۵۰- ترجمه‌النهايه با تصحيح و مقدمه (۲)
- ۲۵۱- حقوق مدنی (۲)
- ۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)
- ۲۵۳- یادداشت‌های قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)
- ۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا
- ۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)
- ۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸)
- دستگاه ادرار و تناسل - برده صفاق
- ۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی
- ۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)
- ۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق
- ۲۶۰- بیماریهای خون و لثف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)
- ۲۶۱- سرطان شناسی (جلد اول)
- ۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)
- ۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلد دوم)
- ۲۶۴- انگل شناسی (بندبایان)
- ۲۶۵- بیماریهای درونی (جلد دوم)
- ۲۶۶- دامپوری عمومی (جلد اول)
- ۲۶۷- فیزیولوژی (جلد دوم)
- ۲۶۸- شعر فارسی (در عهدشاهرخ)
- ۲۶۹- فن انگشت نگاری (جلد اول و دوم)
- ۲۷۰- منطق التلویحات
- ۲۷۱- حقوق جنائی
- ۲۷۲- سمیولوژی اعصاب
- ۲۷۳- کالبد شناسی توصیفی (۹)
- (دستگاه تولید صوت و تنفس)
- ۲۷۴- اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی
- ۲۷۵- گزارش کنفرانس اتمی ژنو
- ۲۷۶- امکان آلوده کردن آبهای مشروب
- نگارش دکتر احمد هومن
- ۱ > میمندی نژاد
- ۲ > آقای مهندس خلیلی
- ۳ > دکتر بهروز
- ۴ > زاهدی
- ۵ > هادی هدایتی
- ۶ > آقای سبزواری
- ۷ > دکتر امامی
- ۸ -
- ۹ > ایرج افشار
- ۱۰ > دکتر خانبا با بیانی
- ۱۱ > احمد پارسا
- تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی
- دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- نگارش دکتر علینقی وحدتی
- ۱۲ > میر بابائی
- ۱۳ > مهندس احمد رضوی
- ۱۴ > دکتر رحمتیان
- ۱۵ > آرمین
- ۱۶ > امیر کیا
- ۱۷ > بینش ور
- ۱۸ > عزیز رفیعی
- ۱۹ > میمندی نژاد
- ۲۰ > بهرامی
- ۲۱ > علی کاتوزیان
- ۲۲ > بارشاطر
- نگارش ناصرقلی وادسر
- ۲۳ > دکتر فیاض
- تألیف آقای دکتر عبدالعسین علی آبادی
- ۲۴ > چهارزی
- تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی
- دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
- نگارش دکتر محسن صبا
- ۲۵ > جناب دکتر بازرگان
- نگارش دکتر حسین سهراب - دکتر میمندی نژاد

- ۲۷۷- مدخل منطق صورت نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
- ۲۷۸- ویروسها > > فرج الله شفا
- ۲۷۹- تالیفاتها (آلکها) > > عزت الله خبیری
- ۲۸۰- گیاه شناسی سیستماتیک > > محمد درویش
- ۲۸۱- تیره شناسی (جلد دوم) > > پارسا
- ۲۸۲- احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی > > مدرس رضوی
- ۲۸۳- احادیث مثنوی > > آقای فروزانفر
- ۲۸۴- قواعد النحو > > قاسم توپسرکانی
- ۲۸۵- آزمایشهای فیزیک > > دکتر محمد باقر محمودیان
- ۲۸۶- پند نامه اهوازی یا آئین پزشکی > > محمود نجم آبادی
- ۲۸۷- بیماریهای خون (جلد سوم) > > یعقوب پویا
- ۲۸۸- جنین شناسی (رویان شناسی) جلد اول > > احمد شفائی
- ۲۸۹- مکانیک فیزیک (اندازه گیری مکانیک نقطه مادی و فرضیه نسبیتی) (چاپ دوم) > > تألیف دکتر کمال الدین جناب
- ۲۹۰- بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه) > > محمد تقی قوامیان
- ۲۹۱- اکوستیک (صوت) چاپ دوم > > ضیاء الدین اسماعیل بیگی
- ۲۹۲- چهار مقاله > > بتصحیح محمد معین
- ۲۹۳- داریوش یکم (پادشاه پارسها) > > نگارش منشی زاده
- ۲۹۴- کالبد شکافی تشریح عملی سرو گردن- سلسله اعصاب مرکزی > > نعمت الله کیهانی
- ۲۹۵- درس اللغة والادب (۱) چاپ دوم > > محمد مهدی
- ۲۹۶- سه گفتار خواجه طوسی > > بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- ۲۹۷- Sur les espaces de Riemann > > نگارش دکتر هشترودی
- ۲۹۸- فصول خواجه طوسی > > بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- ۲۹۹- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش سوم > > نگارش محمد تقی دانش پژوه
- ۳۰۰- الرسالة المعینیه > >
- ۳۰۱- آغاز و انجام > >
- ۳۰۲- رساله امامت خواجه طوسی > > بکوشش محمد تقی دانش پژوه
- ۳۰۳- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم) بخش چهارم > >
- ۳۰۴- حل مشکلات معینه خواجه نصیر > >
- ۳۰۵- مقدمه قدیم اخلاق ناصری > > جلال الدین همایی
- ۳۰۶- بیوگرافی خواجه نصیر الدین طوسی (بزبان فرانسه) > > نگارش دکتر امشهای
- ۳۰۷- رساله بیست باب در معرفت اسطرلاب > > مدرس رضوی
- ۳۰۸- مجموعه رسائل خواجه نصیر الدین > >
- ۳۰۹- سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیر الدین طوسی > > محمد مدرسی (زنجانی)
- ۳۱۰- فیزیک (پدیده های فیزیکی در دماهای بسیار خفیف) > > دکتر روشن
- کتاب هفتم
- ۳۱۱- رساله حمد و مقاله حمد و نصیحه

- ۳۱۲ - آلرژی بیماریهای ناشی از آن
 ۳۱۳ - راهنمای دانشگاه (بفرانسه) دوم چاپ
 ۳۱۴ - احوال و آثار محمد بن جریری طبری
 ۳۱۵ - مکانیک سینماتیک
 ۳۱۶ - مقدمه روانشناسی (قسمت اول)
 ۳۱۷ - دامپروری (جلد دوم)
 ۳۱۸ - تمرینات و تجربیات (شیمی آلی)
 ۳۱۹ - جغرافیای اقتصادی (جلد دوم)
 ۳۲۰ - پاتولوژی مقایسه‌ای (بیماریهای مشترک انسان و دام)
 ۳۲۱ - اصول نظریه ریاضی احتمال
 ۳۲۲ - رده بندی دولپه‌ای ها و بازداستانگان
 ۳۲۳ - قوانین مالییه و محاسبات عمومی و مطالعه بودجه
 از ابتدای مشروطیت تا حال
 ۳۲۴ - کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن
 (توصیفی - موضعی - طرز تشریح)
 ۳۲۵ - ایمنی شناسی (جلد اول)
 ۳۲۶ - حکمت الهی عام و خاص (تجدید چاپ)
 ۳۲۷ - اصول بیماریهای ارثی انسان (۱)
 ۳۲۸ - اصول استخراج معادن
 ۳۲۹ - مقررات دانشگاه (۱) مقررات استخدامی و مالی
 ۳۳۰ - شلیمر
 ۳۳۱ - تجزیه ادرار
 ۳۳۲ - جراحی فك و صورت
 ۳۳۳ - فلسفه آموزش و پرورش
 ۳۳۴ - اکوستیک (۲) صوت
 ۳۳۵ - الکتريسته صنعتی (جلد اول چاپ دوم)
 ۳۳۶ - سالنامه دانشگاه
 ۳۳۷ - فیزیک جلد هشتم - کارهای آزمایشگاه و مسائل ترمودینامیک « دکتر روشن
 ۳۳۸ - تاریخ اسلام (چاپ دوم)
 ۳۳۹ - هندسه تحلیلی (چاپ دوم)
 ۳۴۰ - آداب اللغة العربية و تاریخها (۱)
 ۳۴۱ - حل مسائل ریاضیات عمومی
 ۳۴۲ - جوامع الحکایات
 ۳۴۳ - شیمی تحلیلی
 ۳۴۴ - ارادة معطوف بقدرت (اثر نیچو)
 ۳۴۵ - دفتر دانش و ادب (جلد سوم)
 ۳۴۶ - حقه همدی (جلد اول تجدید حاد)

تألیف دکتر هادوی

—

- تألیف آقای علی اکبر شهابی
 « دکتر احمد وزیری
 « دکتر مهدی جلالی
 « « تقی بهرامی
 « « ابوالحسن شیخ
 « « عزیزی
 « « میمندی نژاد
 تألیف دکتر افضل بور
 « « زاهدی
 « « جزایری
 « « منوچهر حکیم و
 « « سید حسین گنج بغش
 « « میر دامادی
 « آقای مهدی الهی قمش‌ای
 « دکتر محمد علی مولوی
 « مهندس محمودی
 جمع آوری دکتر کی نیا
 دانشکده پزشکی
 مرحوم دکتر ابوالقاسم بهرامی
 تألیف دکتر حسین مهدوی
 « « امیر هوشمند
 « « اسماعیل بیگی
 « « مهندس زنکنه
 —
 تألیف دکتر کامکار پارسی
 « « محمد معین
 « مهندس قاسمی
 ترجمه دکتر هوشیار
 مقاله دکتر مهدوی
 تألیف دکتر امام

- ۳۴۷ - نمایشنامه لوسید
 ۳۴۸ - آب شناسی هیدرولوژی
 ۳۴۹ - روش شیمی تجزیه (۱)
 ۳۵۰ - هندسه ترسیمی
 ۳۵۱ - اصول الصرف
 ۳۵۲ - استخراج نفت (جلد اول)
 ۳۵۳ - سخنرانیهای پروفیسور رنه ولسان
 ۳۵۴ - کورش کبیر
 ۳۵۵ - فرهنگ غفاری فارسی فرانسه (جلد اول)
 ۳۵۶ - اقتصاد اجتماعی
 ۳۵۷ - بیولوژی (ورانت) (تجدید چاپ)
 ۳۵۸ - بیماریهای مغزو روان (۳)
 ۳۵۹ - آئین دادرسی در اسلام (تجدید چاپ)
 ۳۶۰ - تقریرات اصول
 ۳۶۱ - کالبد شکافی توصیفی (جلد ۴ - عضله شناسی اسب) تألیف دکتر میر بابائی
 ۳۶۲ - الرسالة الکمالیه فی الحقایق الالهیه
 ۳۶۳ - بی حسی های ناحیه ای دردندان پزشکی
 ۳۶۴ - چشم و بیماریهای آن
 ۳۶۵ - هندسه تحلیلی
 ۳۶۶ - شیمی آلی ترکیبات حلقوی (چاپ دوم)
 ۳۶۷ - پزشکی عملی
 ۳۶۸ - اصول آموزش و پرورش (چاپ سوم)
 ۳۶۹ - پرتو اسلام
 ۳۷۰ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد اول)
 ۳۷۱ - درد شناسی دندان (۱)
 ۳۷۲ - مجموعه اصطلاحات علمی (قسمت دوم)
 ۳۷۳ - تیره شناسی (جلد سوم)
 ۳۷۴ - المعجم
 ۳۷۵ - جواهر الآثار (ترجمه مثنوی)
 ۳۷۶ - تاریخ دیپلوماسی عمومی
 ۳۷۷ - Textes Français
 ۳۷۸ - شیمی فیزیک (جلد دوم)
 ۳۷۹ - زیباشناسی
 ۳۸۰ - بیماریهای مشترک انسان و دام
 ۳۸۱ - فرزانه و روان
 ۳۸۲ - بهبود نسل بشر
 ۳۸۳ - یادداشت های قزوینی (۳)
 ۳۸۴ - گوبیش آشتیان
- ترجمه دکتر سپهبدی
 تألیف دکتر جنیدی
 « « فخرالدین خوشنویسان
 « « جمال عصا
 « « علی اکبر شهابی
 « « دکتر جلال الدین توانا
 ترجمه دکتر سیاسی - دکتر سیمجور
 تألیف دکتر هادی هدایتی
 مهندس امیر جلال الدین غفاری
 دکتر سید شمس الدین جزایری
 « « خبیری
 « « حسین رضاعی
 آقای محمد سنگلجی
 « « محمود شهابی
 تألیف دکتر میر بابائی
 « « سبزواری
 « « دکتر محمود مستوفی
 « « باستان
 « « مصطفی کامکاربارسی
 « « ابوالحسن شیخ
 « « ابوالقاسم نجم آبادی
 « « هوشیار
 بقلم عباس خلیلی
 تألیف دکتر کاظم سیمجور
 « « محمود سیاسی
 -
 « « احمد پارسا
 بتصحیح مدرس رضوی
 بقلم عبدالعزیز صاحب الجواهر
 تألیف دکتر محسن عزیزی
 « « بانو نفیسی
 « « دکتر علی اکبر توسلی
 « « آقای علینقی وزیری
 « « دکتر میمنده نژاد
 « « بصیر
 « « محمد علی مولو
 ایرج افشار
 تألیف دکتر صادق کیا

۳۸۵ - کالبد شکافی (تشریح عملی قفسه سینه و قلب و ریه) نگارش دکتر نعمت الله کیهانی

« عباس خلیلی » ۳۸۶ - ایران بعد از اسلام

« دکتر احمد بهمنش » ۳۸۷ - تاریخ مصر قدیم (جلد اول چاپ دوم)

« « خبیری » ۳۸۸ - آرگلو نیاتها (۱) سرخسها

« « رادفر » ۳۸۹ - شیمی صنعتی (جلد اول)

« « روشن » ۳۹۰ - فیزیک عمومی الکتریسته (جلد اول)

« « احمد سعادت » ۳۹۱ - مبادی علم هوا شناسی

« « علی اکبر سیاسی » ۳۹۲ - منطق و روش شناسی

« « رحیمی قاجار » ۳۹۳ - الکترونیک (جلد اول)

« « مهندس جلال الدین غفاری » ۳۹۴ - فرهنگ غفاری (جلد دوم)

« « مجتبی الدین مهدی الهی قمشه ای » ۳۹۵ - حکمت الهی عام و خاص (جلد دوم)

« « حسن آل طه » ۳۹۶ - گنج جواهر دانش (۴)

« « دکتر محمدکار » ۳۹۷ - فن کالبد گشائی و آسیب شناسی

« « مهندس جلال الدین غفاری » ۳۹۸ - فرهنگ غفاری (جلد سوم)

« « دکتر ذبیح الله صفا » ۳۹۹ - مزدا پرستی در ایران قدیم

« « « افضلی پور » ۴۰۰ - اصول روشهای ریاضی آمار

« « « دکتر احمد بهمنش » ۴۰۱ - تاریخ مصر قدیم (جلد دوم)

« « قاسم توپسرگانی » ۴۰۲ - عدد من بلغاء ایران فی اللغة

« « دکتر علی اکبر سیاسی » ۴۰۳ - علم اخلاق (نظری و عملی)

« « آقای محمود شهابی » ۴۰۴ - ادوار فقه (جلد دوم)

« « دکتر کاظم سیمچور » ۴۰۵ - جراحی عملی دهان و دندان (جلد دوم)

« « گیتی » ۴۰۶ - فیزیوثری با لینی

« « نصر اصفهانی » ۴۰۷ - سهم الارث

« « دکتر محمد علی مجتهدی » ۴۰۸ - جبر آنالیز

« « محمد منجمی » ۴۰۹ - هوا شناسی (جلد اول)

« « « میمنندی نژاد » ۴۱۰ - بیماریهای درونی (جلد سوم)

« « « علی اکبر سیاسی » ۴۱۱ - مبانی فلسفه

« « مهندس امیر جلال الدین غفاری » ۴۱۲ - فرهنگ غفاری (جلد چهارم)

« « دکتر احمد سادات عقیلی » ۴۱۳ - هندسه تحلیلی (چاپ دوم)

« « « میر بابائی » ۴۱۴ - کالبد شناسی (عضله شناسی مقایسه ای) (جلد پنجم)

- ۴۱۵ - سالنامه دانشگاه ۱۳۳۶-۱۳۳۵

نگارش دکتر صفا ۴۱۶ - یادنامه خواجه نصیر طوسی

« « آزرم » ۴۱۷ - تئوریهای اساسی ژنتیک

« « مهندس هوشنگ خسرویار » ۴۱۸ - فولاد و عملیات حرارتی آن

« « مهندس عبدالله ریاضی » ۴۱۹ - تأسیسات آبی

- ۴۲۰ - بیماریهای اعصاب (جلد نخست)
- ۴۲۱ - مکانیک عمومی (جلد دوم)
- ۴۲۲ - صنایع شیمی معدنی (جلد اول)
- ۴۲۳ - مکانیک استدلالی
- ۴۲۴ - تاریخ فرهنگ ایران
- ۴۲۵ - شرح تبصره آیه الله علامه حلی (جلد دوم)
- ۴۲۶ - حکیم ازرقی هروی
- ۴۲۷ - علوم عقلی
- ۴۲۸ - شیمی آنالیتیک
- ۴۲۹ - فیزیک الکتریسته (جلد دوم)
- ۴۳۰ - کلیات شمس تبریزی
- ۴۳۱ - گانی شناسی (تحقیق درباره بعضی از کانه‌های جزیره هرمز) نگارش دکتر عبدالکریم قریب
- ۴۳۲ - فرهنگ غفاری فارسی بفرانسه (جلد پنجم)
- ۴۳۳ - ریاضیات در شیمی (جلد دوم)
- ۴۳۴ - تحقیق در فهم بشر
- ۴۳۵ - السعادة والاسعار
- ۴۳۶ - تاریخ فرهنگ اروپا
- ۴۳۷ - نقشه برداری (جلد دوم)
- ۴۳۸ - بیماریهای گیاه (تجدید چاپ)
- ۴۳۹ - حقوق مدنی (جلد سوم)
- ۴۴۰ - سخنرانیهای آقای انیس المقدسی (استاد دانشگاه آمریکائی بیروت)
- ۴۴۱ - دردشناسی دندان (جلد دوم)
- نگارش دکتر صادق صبا
- « دکتر مجتبی ریاضی
- « مهندس مرتضی قاسمی
- « پرفسور تقی فاطمی
- « دکتر عیسی صدیق
- « زین العابدین ذوالمجدین
- بتصحیح مرحوم علی عبدالرسولی
- نگارش دکتر ذبیح الله صفا
- « دکتر کاکیک
- « « روشن
- باتصحیحات و حواشی آقای فروزانفر
- « دکتر هورفر
- ترجمه دکتر رضا زاده شفق
- بتصحیح مجتبی مینوی
- نگارش دکتر عیسی صدیق
- « مهندس حسن شمسی
- « دکتر خبیری
- « دکتر سید حسن امامی
- « دکتر سید حسن امامی
- « دکتر سید حسن امامی

